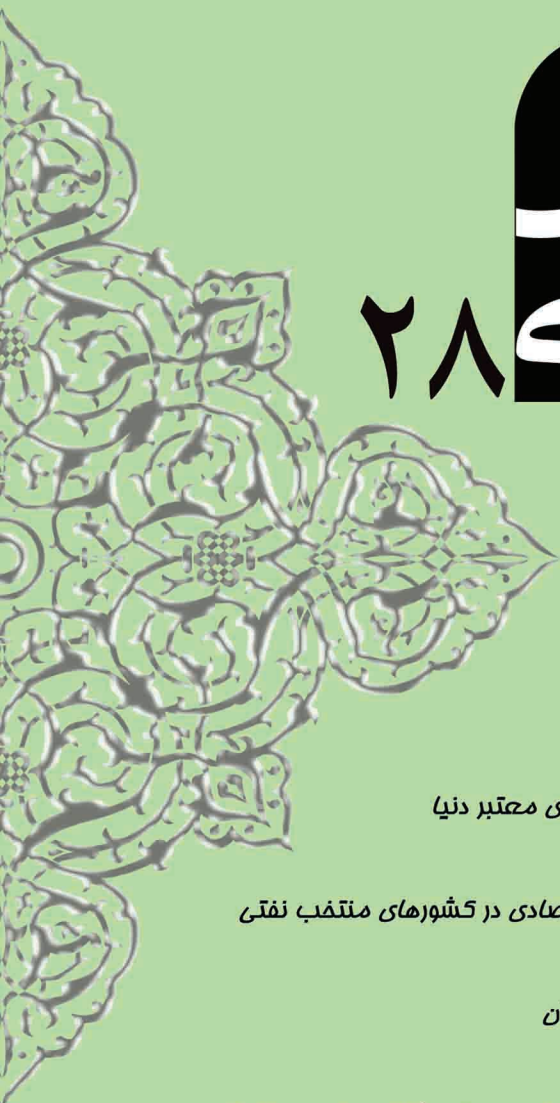




مقالات علمی

راه‌های شناسایی دست‌کاری قیمت سهام شرکت‌ها در بورس‌های معتبر دنیا
دکتر سیدمسن قوامی، مجید علی‌فر

نقش شفافیت فساد بر وفور درآمدهای منابع طبیعی و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب نفتی
اصغر مبارک

آسیب‌شناسی فرآیند مناقصه و مزایده و شناسایی فسادهای آن
علی امدی

وضعیت ارزیابی اثربخشی سیاست ضد فساد جمهوری اسلامی ایران بر مبنای شاخص‌های بین‌المللی
رضا فلسفی، مسعود صفری دنیاپالی، امید سمرغیز

مفاهیم و مصادیق جرائم شرکتی و ضرورت توجه به راهکارهای ایزو ۳۶۰۰۰ و مسابرداری اجتماعی
از سوی سازمان بازرسی کل کشور
ممره ملکیان، اصغر سپهیان قره بابا

مفاظت و اطلاعات؛ جستاری در ماهیت یک نظارت استراتژیک
مهدی لطفی

بررسی رابطه فساد و رشد اقتصادی در ایران
ممیدرضا ایزدی، بهنام ایزدی، مهدی رئیسی وانانی



فصلنامه دانش ارزیابی

سال هشتم؛ شماره بیست و هشتم؛ تابستان ۱۳۹۵

صاحب امتیاز: سازمان بازرسی کل کشور

مدیر مسئول: ناصر سراج

سر دبیر: ابراهیم شاهرخیان

هیأت تحریریه:

دکتر مقصود امیری، دکتر علیرضا دیهیم، دکتر مهدی سبحانی نژاد، دکتر
سیدمحمد رضا سید نورانی، دکتر حسین غلامی، دکتر حسین قلجی، دکتر حمیدرضا
ملک محمدی، دکتر نوروز هاشم زهی

تلفن: ۶۱۳۶۲۳۰۷-۶۱۳۶۲۱۶۱

bazrasi.research@136.ir

www.bazresi.ir

مدیر اجرایی: آمنه کاشانی موحد

ویراستار: سمیه سلیمیان

ویراستار انگلیسی: محمود مهدوی فر

صفحه آرا: مهسا احمدی

انتشارات: نشر علوم اجتماعی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

نشانی: تهران: خیابان آیه الله طالقانی، تقاطع سپهبد قرنی، سازمان بازرسی کل کشور،

طبقه ششم، دفتر فصلنامه دانش ارزیابی

فصلنامه دانش ارزیابی به استناد مجوز شماره ۹۰/۲۵۳۹۵ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

منتشر می شود.

مطالب مطرح شده در مقالات موضع سازمان بازرسی نبوده و نظر نویسندگان آن ها می باشد و صحت مطالب به عهده
نویسندگان خواهد بود.

فهرست مطالب

۱	سخن مدیر مسئول
	مقالات علمی
۵	راه‌های شناسایی دست‌کاری قیمت سهام شرکت‌ها در بورس‌های معتبر دنیا
۲۵	نقش شاخص فساد بر وفور درآمدهای منابع طبیعی و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب نفتی
۴۷	آسیب‌شناسی فرایند مناقصه و مزایده و شناسایی فسادهای آن
۶۵	وضعیت ارزیابی اثربخشی سیاست ضد فساد جمهوری اسلامی ایران بر مبنای شاخص‌های بین‌المللی
۸۵	مفاهیم و مصادیق جرایم شرکتی و ضرورت توجه به راهکارهای ایزو ۲۶۰۰۰ و حسابداری اجتماعی از سوی سازمان بازرسی کل کشور
۱۰۳	حفاظت و اطلاعات؛ جستاری در ماهیت یک نظارت استراتژیک
۱۲۱	بررسی رابطه فساد و رشد اقتصادی در ایران



سخن مدیر مسئول

به نام خالق یکتا

همگام با تغییر اشکال مختلف فساد و حرکت آن از سادگی به پیچیدگی، از کم‌وسعتی به فراگیری و از محلی و ملی به بین‌المللی، مقابله با آن نیز دستخوش تحولاتی توسعه‌ای شده و به یمن تلاش‌های جهانی، می‌رود تا به یک صنعت فعال و پویا تبدیل شود. امروزه در سپهر کلان فعالیت‌های مقابله با فساد، همه کشورها به ایفای نقش می‌پردازند و این نقش‌ها، چه به شکل فردی یا در قالب‌های جمعی، گروهی و سازمانی، به تجربه‌هایی ماندگار و قابل استناد تبدیل می‌شوند که از قابلیت درس‌آموزی فراوانی برخوردارند.

فصلنامه دانش ارزیابی به‌منزله یکی از معدود فصلنامه‌های تخصصی شناسایی و تحلیل موضوعات و تجارب مرتبط با فساد، این افتخار را دارد که با انتشار مقالات علمی به ویژه به قلم آنانی که در میدان دانش و عمل مقابله با فساد هستند، سهمی هرچند اندک را در پیشبرد اهداف تجربه‌آموزی و تجربه‌اندوزی در این عرصه به خود اختصاص دهد.

شماره جدید فصلنامه حاضر که به‌طور عمده بر مفاسد اقتصادی و شناسایی روش‌های تولید و مقابله با آن تمرکز یافته، مانند همیشه امید دارد در بازنمایی بخشی از تجارب علمی و عملی فعالیت‌های مقابله با فساد، نظر مثبت خوانندگان را به خود جلب نماید.

بمنه و کرمه

ناصر سراج



مقالات علمی

راه‌های شناسایی دست‌کاری قیمت سهام شرکت‌ها در بورس‌های معتبر دنیا

دکتر سیدحسن قوامی^۱

مجید علی‌فر^۲

چکیده

بورس عبارت است از یک بازار که در آن سرمایه‌های جزئی برای تجهیز مالی شرکت‌ها انباشت شده‌اند و وجود آن برای هر اقتصاد پیشرفته لازم است. به هر اقدام نامتعارفی که فرایند طبیعی قیمت‌گذاری اوراق بهادار، فرایند طبیعی بازار و به‌طور کلی بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران تأثیر بگذارد، دست‌کاری قیمت گفته می‌شود. دست‌کاری قیمت باعث ایجاد ظاهری گمراه‌کننده و غیر واقعی از بازار اوراق بهادار و در نتیجه بی‌اعتمادی مردم به بازار و کاهش سرمایه‌گذاری در این بازارها و در نتیجه تخصیص نامناسب منابع به سایر بازارها می‌شود که اثرات زیان‌باری بر اقتصاد یک کشور دارد. اگرچه ممکن است هریک از افراد حاضر در بازار قیمت را دست‌کاری کنند اما افرادی از قبیل سهام‌داران عمده، کارگزاران، ناشران و مدیران شرکت‌های سهامی، با توجه به جایگاه و موقعیتشان، توانایی و امکانات بیشتری برای دست‌کاری قیمت دارند. هرچند روش‌های دست‌کاری قیمت را نمی‌توان در یک مجموعه محدود بیان کرد اما براساس نوع دست‌کاری به سه دسته یعنی دست‌کاری بر مبنای اطلاعات، دست‌کاری بر مبنای عمل و دست‌کاری بر مبنای معامله تقسیم‌بندی می‌شوند. اغلب دست‌کاری‌های رخ داده از نوع دست‌کاری بر مبنای معامله هستند. با توجه به آثار زیان‌بار دست‌کاری قیمت، نظام‌های حقوقی همه بورس‌های دنیا دست‌کاری قیمت را ممنوع کرده و در صدد مقابله با آن برآمده‌اند. نظام‌های حقوقی در بورس‌های معتبر در صدد قوانینی را وضع کنند که همه انواع دست‌کاری را پوشش دهد و دست‌کاری قیمتی نباشد که خلأ قانونی برای آن وجود داشته باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد در واقعیت، نوع نظام هوشمند نظارتی مورد استفاده توسط نهادهای ناظر مهم‌تر از نوع قوانین آن بورس‌ها در کشف دست‌کاری قیمت است. نهادهای ناظر در بورس‌ها وظیفه رصد معاملات در بازار را بر عهده دارند و هر زمان معاملات مشکوکی مشاهده کردند مطابق قانون با آن برخورد می‌کنند. به دلیل تعداد معاملات بالا در هر ساعت برای نظارت بر آن‌ها از نرم‌افزارهای هوشمند استفاده می‌شود. به‌روز بودن و سرعت بالای این نرم‌افزارها به کشف سریع دست‌کاری قیمت بسیار کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: اوراق بهادار، بورس، دست‌کاری قیمت، روش‌های دست‌کاری، قوانین

ضد دست‌کاری قیمت

۱- عضو هیأت علمی، دانشگاه علامه طباطبائی mirhasang@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه صنعتی شریف majid.alifar@gmail.com

مقدمه

بورس از نظر اقتصادی، به نوعی بازار دادوستد یا نوعی نظام خرید و فروش اطلاق می‌شود که در آن اسناد و اوراق مالی، پول‌های کشورهای مختلف، طلا، کالاهای پایه‌ای و امثال آن مبادله می‌شود. وجود بورس برای هر اقتصاد پیشرفته‌ای لازم است. از کارکردهای بورس می‌توان به جمع‌آوری سرمایه‌های جزئی و انباشت آن برای تجهیز منابع مالی شرکت‌ها، به کارگیری پس‌اندازهای راكد در تولید، تأمین مالی دولت و مؤسسات، کنترل حجم پول، نقدینگی و تورم و... اشاره کرد. هرگاه بازار در انجام کارکردهای خود کارآیی^۱ لازم را نداشته نباشد، بورس را دچار اختلالات عمده‌ای می‌کند و تبعات ناشی از آن در سطوح ملی و حتی فراملی منعکس خواهد شد. در یک بازار دست‌کاری‌شده^۲ یا در معرض چنین تهدیدی هرگز نمی‌توان و نباید انتظار داشت قیمت‌ها منعکس‌کننده واقعیت‌های اقتصادی حکم‌فرما بر سازوکار عرضه و تقاضای بازار باشند. در واقع، احتمال دست‌کاری می‌تواند تمامی مزیت‌ها و منافع اقتصادی بورس را با تهدیدی جدی مواجه سازد و از سوی دیگر منع دست‌کاری قیمت از جمله ابزارهای مهمی است که ممکن است باعث توسعه عمقی بورس شود. با افزایش عمق بازار^۳، کارآیی نیز به سطح بالاتری ارتقا می‌یابد. تحقیق حاضر درصدد است به این سؤالات پاسخ دهد که دست‌کاری قیمت به چه روش‌هایی انجام می‌شود؟ نحوه کشف دست‌کاری قیمت در بورس‌های معتبر دنیا چگونه است؟ قوانین و مقررات در بورس‌های معتبر دنیا چگونه با دست‌کاری قیمت برخورد می‌کنند؟ قوانین ضد دست‌کاری در ایران در مقایسه با بورس‌های معتبر چگونه است؟

مرور ادبیات

موضوع دست‌کاری قیمت تقریباً به اندازه تشکیل اولین بورس اوراق بهادار (آمستردام هلند) قدمت دارد. هرچند امروزه به واسطه تصویب قوانین مناسب و پوشش بسیاری از موارد که باعث برهم زدن تعادل منطقی قیمت سهام شرکت‌ها در بورس‌های پیشرفته می‌شود، دست‌کاری قیمت در این نوع بازارهای مالی ممکن است بسیار سخت به نظر برسد، اما نباید این گونه تصور کرد که بحث دست‌کاری قیمت در این بورس‌ها یک موضوع حل‌شده است؛ زیرا در بورس‌های پیشرفته دست‌کاری قیمت اغلب به واسطه روش‌های پیچیده و کاملاً مخفی که شناسایی و تحت مقررات در آوردن آن‌ها بسیار دشوار است، انجام می‌شود. در مقابل، در بورس‌های نوظهور که نظام نظارتی کارا ندارند و در جلوگیری از دست‌کاری قیمت مؤثر نیستند، دست‌کاری قیمت اوراق بهادار توسط کسانی که از قدرت لازم برای این منظور برخوردارند، به‌صورت گسترده و در همه اشکال آن وجود دارد (جیان پینگ می و گیوجان وو^۴، ۲۰۰۴).

1- Efficiency

2- Manipulated

3- Depth of the market

4- Jianping Mei & Guojun Wu

از نخستین تحقیقات صورت گرفته در زمینه دست‌کاری قیمت، مطالعات هارت^۱ (۱۹۷۷) است که به بررسی دست‌کاری قیمت با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی در بازار دارایی‌ها می‌پردازد. هارت شرایطی که تحت آن سفته‌بازی^۲ سودآور در یک وضعیت غیراحتمالی^۳ امکان‌پذیر است را مطالعه کرد. وی دریافت اگر توابع تقاضا غیرخطی^۴ باشد سفته‌بازان قادر به انجام معاملات سودآور خواهند بود (جاروو^۵، ۱۹۹۲).

جاروو (۱۹۹۲) تحلیل‌های هارت را به وضعیت احتمالی تعمیم داد و همان نتایج را به دست آورد. او نشان داد اگر تکانه قیمت^۶ وجود داشته باشد، سفته‌بازی سودآور امکان‌پذیر است؛ زیرا افزایش قیمت در یک دوره به واسطه معامله سفته‌باز، باعث افزایش قیمت‌ها در دوره‌های آتی خواهد شد. علاوه بر این نشان داد که دست‌کاری سودآور زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که سفته‌باز قادر به تحت فشار قرار دادن بازار باشد. در هر دو تحقیق ذکر شده تابع تقاضای سرمایه‌گذاری بیشتر از آنکه تحت تأثیر رفتار حداکثرسازی^۷ مطلوبیت مورد انتظار^۸ آن‌ها باشد، مستقل در نظر گرفته شده است. بنابراین روشن نیست که چگونه و با چه شرایطی دست‌کاری با فرض عقلایی بودن^۹ سازگار است.

از اولین مطالعات منسجم دانشگاهی که در زمینه دست‌کاری قیمت در سطح بازارهای مالی انجام شد و بعد از آن به مثابه مبنایی برای تحقیقات بعدی شد، تحقیقات آلن و گیل^{۱۰} (۱۹۹۲) بود. آن‌ها مدلی را با استفاده از اطلاعات نامتقارن که در آن، همه عوامل فعال بازار انتظاراتی عقلایی دارند و در پی حداکثرسازی مطلوبیت خود هستند را توسعه دادند. آن‌ها در یک چاقوب محدودتر که حباب قیمتی به وسیله ابزارهایی تحت مقررات قانونی بود، نشان دادند که دست‌کاری قیمت حتی در صورت نبود تکانه قیمت و عدم امکان تحت فشار قرار دادن بازار نیز سودآور خواهد بود. بنابراین آلن و گیل مدلی را ارائه نمودند که در آن، سه نوع معامله‌گر وجود دارد: (۱) تعداد انبوهی از سرمایه‌گذاران منطقی قابل شناسایی، (۲) یک معامله‌گر مطلع بزرگ، و (۳) یک دست‌کاری‌کننده بزرگ که به صورت معامله‌گر بزرگی دارای اطلاعات محرمانه است. در این مدل، اطلاعات ناقص سرمایه‌گذاران و عدم تقارن اطلاعات در بازار عامل اصلی دست‌کاری قیمت است. سرمایه‌گذاران در مورد اینکه هدف معامله‌گر بزرگی که اقدام به خرید سهام می‌کند، آگاهی او از زیر ارزش بازار بودن سهم است یا دست‌کاری قیمت آن، اطمینان کافی ندارند و این همان عاملی است که سودآور

1- Hart

2- Speculation

3- Non-probabilistic

4- Nonlinear

5- Jarrow

6- Price momentum

7- Maximization

8- Expected utility

9- Rationality

10- Allen & Gale

بودن دست کاری را امکان پذیر می کند.

آلن و گیل در مطالعات خود سه نوع طبقه بندی از دست کاری قیمت ارائه می کنند که در زیر به هر یک از آن ها اشاره می کنیم:

۱- دست کاری بر مبنای عمل^۱ عبارتست از سلسله اقداماتی که برای تغییر ارزش واقعی یا ارزش مورد انتظار دارایی ها، انجام می شود.

۲- دست کاری بر مبنای اطلاعات^۲ به نوعی از دست کاری اطلاق می شود که بر پایه انتشار اطلاعات نادرست یا شایعات غیر واقعی انجام می شود.

۳- دست کاری بر مبنای معامله^۳ نوعی دست کاری است که ردیابی و پیگرد قانونی آن با دشواری های بیشتری روبه رو است. این نوع دست کاری هنگامی روی می دهد که سرمایه گذار در نظر دارد با خرید و سپس فروش سهمی و صرف نظر از هرگونه اقدام در انتظار عمومی برای تغییر ارزش شرکت یا انتشار اطلاعات غلط قیمت سهم مورد نظر خود را تغییر دهد.

هالی^۴ (۱۹۹۳) با بررسی روند بازده سهام شرکت های دست کاری شده طی سال های ۱۹۲۷ تا ۱۹۹۲ در بورس های نیویورک و لندن دریافت که الگوی رفتاری دست کاری قیمت در بیشتر موارد مشابه است. براساس نظر وی دست کاری قیمت یک سهم در بورس اوراق بهادار را می توان به چهار مرحله زیر تقسیم کرد:

- ۱- مرحله تشکیل ائتلاف بین دستکاری کنندگان و تبانی آنان برای ایجاد تقاضای کاذب در بازار،
- ۲- افزایش شدید و مستمر قیمت سهم به دلیل افزایش تقاضا نسبت به عرضه در بازار،
- ۳- خروج دستکاری کنندگان از سهم، با فروش یک جای سهم موردنظر به متقاضیان،
- ۴- کاهش شدید تقاضا و حجم معاملات سهم موردنظر و در نتیجه سقوط قیمت سهم به کمتر از قیمت قبل از دستکاری.

بگنولی و لیپمن^۵ (۱۹۹۶) دست کاری قیمت بر مبنای عمل با استفاده از الگوی قیمت پیشنهادی^۶ را مطالعه کردند. در مدل آن ها ابتدا دستکاری کنندگان قیمت اقدام به تملک اوراق بهادار می نمودند؛ سپس قیمت پیشنهادی بیشتر برای تملک اوراق بهادار ارائه می کردند که در این شرایط قیمت اوراق بهادار در بازار افزایش می یابد. بنابراین دستکاری کنندگان قادر خواهند بود در قیمت های بالاتر اوراق خود را بفروشند. در نهایت، بعد از فروش اوراق بهادار دیگر قیمت پیشنهادی بالا برای خرید اوراق توسط دستکاری کنندگان دنبال نخواهد شد و قیمت اوراق بهادار کاهش خواهد یافت.

1- Action-based manipulation

2- Information-based manipulation

3- Trade-based manipulation

4- Holley

5- Bagnoli, & Lipman

6- Take-over bids

ماهونی^۱ (۱۹۹۹) به تحقیق در زمینه دست‌کاری قیمت بر مبنای اطلاعات پرداخت. او میانگین رفتار قیمتی سهام معامله‌شده در سال‌های ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹ بورس‌های ایالت متحده آمریکا را مطالعه کرد. ماهونی (۱۹۹۹) نشان داد شواهد اندکی برای اثبات دست‌کاری قیمت بر مبنای اطلاعات وجود دارد. آگاروال و وو^۲ (۲۰۰۲) با مطالعه شواهد تجربی دست‌کاری قیمت اوراق بهادار در بورس‌های ایالت متحده آمریکا، مدل آلن و گیل (۱۹۹۲) را توسعه دادند. آن‌ها دریافتند در بازاری که دستکاری‌کنندگان حضور دارند و تعداد زیادی از افراد در پی کسب اطلاعات هستند، رقابت بر سر اوراق بهادار افزایش خواهد یافت و در این حالت، شرایط ورود دستکاری‌کنندگان اوراق بهادار تسهیل می‌شود. آگاروال و وو (۲۰۰۲) در این پژوهش دریافتند افراد مطلع از اطلاعات درونی شرکت‌ها همچون مدیران عالی شرکت‌ها، کارگزاران، پذیره‌نویسان اوراق بهادار و سهام‌داران عمده با بیشترین احتمال به منزله دستکاری‌کنندگان قیمت اوراق بهادار محسوب می‌شوند. آن‌ها همچنین دریافتند اوراق بهاداری که نقدشوندگی پایینی داشته باشد، با احتمال بیشتری در معرض دست‌کاری قیمت قرار دارند و دست‌کاری باعث افزایش نوسان قیمتی اوراق بهادار خواهد شد؛ به این صورت که قیمت سهام در طول دوره دست‌کاری افزایش و در دوره بعد از دست‌کاری کاهش می‌یابد. هنگامی که دستکاری‌کنندگان اوراق بهادار را می‌فروشند قیمت و نقدشوندگی سهام نسبت به زمانی که آن را می‌خرند، بیشتر است؛ بنابراین آگاروال و وو (۲۰۰۲) مدلی را در این رابطه ارائه کردند و نتیجه گرفتند که دست‌کاری قیمت روی کارایی بازار تأثیر زیادی دارد.

پالشیکار^۳ و همکاران (۲۰۰۸) در تحقیقی وجود توافقات و تبانی‌های جمعی را یکی از علل اساسی پدید آمدن دست‌کاری قیمت سهام نامیدند. آن‌ها نشان دادند توافقات و تبانی‌های جمعی برای دست‌کاری قیمت وجود دارد. پالیش‌کار و همکاران (۲۰۰۸) معتقدند این توافقات و تبانی‌های جمعی، بازار را در معرض بازده‌های تحریف‌شده و اثرات مضر آن قرار می‌دهد.

سان^۴ و همکاران (۲۰۱۱) برای بررسی دست‌کاری قیمت، رفتار سرمایه‌گذاران را در بازار سهام تحلیل کردند. برای این منظور از معاملات سهام ۱۰۰ شرکت در دوره یک‌ساله استفاده کردند. آن‌ها به وسیله یک شبکه معاملاتی^۵ اقدام به مدل‌سازی دست‌کاری قیمت نمودند. یافته‌های سان و همکاران (۲۰۱۱) برای شناسایی سهام‌های دست‌کاری‌شده به کار می‌رود.

دiaz و همکاران^۶ (۲۰۱۱) در تحقیقی مدل‌های شناسایی دست‌کاری قیمت بر مبنای توسعه دادند. آن‌ها برای مدل‌سازی از داده‌های طی روز^۷ استفاده کردند. Diaz و همکاران (۲۰۱۱) در مقاله خود از طریق کدگذاری خصوصیات تقلب در معامله، الگویی جدید برای شناسایی سهام

1- Mahoney

2- Aggarwal & Wu

3- Palshikar

4- Sun

5- Trading network

6- David Diaz

7- Intraday

دست‌کاری شده معرفی می‌کنند. آن‌ها همچنین چند پیشنهاد برای افزایش اثربخشی فرایندهای عملیاتی بازار بورس و نهادهای نظارتی آن ارائه کردند.

پوتنینز^۱ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای چگونگی وقوع دست‌کاری قیمت و تأثیر قوانین بر این دست‌کاری بررسی کرد. پوتنینز در این مقاله طبقه‌بندی جدید و گسترده‌ای از انواع مختلف دست‌کاری قیمت ارائه می‌کند و دست‌کاری و دسته‌بندی راهکارهای دست‌کاری قیمت را تعریف می‌کند. پوتنینز و کامرتن‌فرد^۲ (۲۰۱۴) در تحقیق دیگری با مطالعه قیمت‌های پایانی^۳ سهام دست‌کاری‌شده، دست‌کاری قیمت را بررسی می‌کنند. یافته‌های آن‌ها نشان داد سهام‌های با اطلاعات نامتقارن و نقدشوندگی پایین بیشتر در معرض دست‌کاری قیمت قرار دارند؛ همچنین دست‌کاری قیمت‌ها اغلب در انتهای هر ماه/سه‌ماهه رخ می‌دهد. پوتنینز در این تحقیق بودجه نظارتی دولت را دارای اثر قوی هم بر دست‌کاری قیمت و هم بر شناسایی دست‌کاری قیمت می‌داند.

میسرا^۴ و همکاران (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای به بررسی قوانین منع دست‌کاری و دستکاری‌های تاریخی رخ داده پرداختند. آن‌ها نشان دادند که در شروع بحران مالی نوامبر ۲۰۰۷، مدارک قوی از دست‌کاری بازار^۵ وجود داشت. آن‌ها تأکید داشتند در تجزیه و تحلیل بازارهای مالی، امکان اقدامات عمدی از طرف افراد یا گروه‌های هماهنگ باید در نظر گرفته شود. میسرا و همکاران (۲۰۱۲) نتیجه گرفتند قوانین منع دست‌کاری برای اثربخشی بهتر، باید با شفافیت و در دسترس بودن اطلاعات بازار، همراه شود.

دیسانایکی و لیم^۶ (۲۰۱۵) معاملات نهانی^۷ و دست‌کاری قیمت سهام در بازارهای آسیا را مطالعه کردند. معاملات نهانی به معاملاتی گفته می‌شود که براساس اطلاعات نهانی^۸ برای کسب سود یا جلوگیری از زیان، قیمت سهام شرکت را دست‌کاری می‌کند. دیسانایکی و لیم در مقاله خود سه هدف را دنبال کردند؛ هدف اول آن‌ها شناسایی معاملات نهانی و دست‌کاری قیمت است؛ هدف دوم برآورد مقدار سود غیرقانونی (یا زیان جلوگیری‌شده) است که ممکن است به دست آمده باشد؛ و در نهایت هدف سوم تجزیه و تحلیل پاسخ مناسب قانون‌گذاران و دیگر اعضای بازار به معاملات نهانی و دست‌کاری قیمت است. آن‌ها نتیجه گرفتند که قانون‌گذاران باید منابع بیشتری را به کار تحقیقاتی در این حوزه اختصاص دهند و همچنین شرکت‌ها باید در انتشار اطلاعات حساس به بازار بیشتر دقت کنند.

از نخستین پژوهش‌های داخلی درباره دست‌کاری قیمت سهام شرکت‌ها می‌توان به مطالعات دکتر میرفیض فلاح شمس (۱۳۸۴) اشاره کرد. فلاح شمس (۱۳۸۴) با بررسی روند بازده همه شرکت‌های

1- Tālis J. Putniņš

2- Putnins, T.J. & Comerton-Forde C.

3- Closing prices

4- Misra

5- Market manipulation

6- Gishan Dissanaiké & Kim-Hwa Lim

7- Insider trading

8- Insider information

پذیرفته در بورس طی دوره زمانی ۱۳۸۱ الی ۱۳۸۳ و مقایسه آن با مباحث نظری دست‌کاری، سهام شرکت‌های دست‌کاری‌شده را شناسایی کرد. او وجود مشکلات ساختاری در بورس اوراق بهادار تهران از قبیل نبود تنوع ابزارهای مالی، کم‌عمق‌بودن بازار، نبود ابزارهای مدیریت ریسک را عامل اصلی تمایل به دست‌کاری قیمت در بازار می‌داند. فلاح شمس (۱۳۸۴) همچنین پس از بررسی به این نتیجه رسید که در بورس اوراق بهادار تهران امکان بروز دو نوع دست‌کاری وجود دارد که عبارت‌اند از: دست‌کاری بر مبنای معامله و دست‌کاری بر مبنای اطلاعات؛ عمدتاً دست‌کاری‌های رخ داده به‌صورت ترکیبی از این دو نوع است.

فلاح شمس (۱۳۸۷) در تحقیق دیگری، با بررسی سهام ۱۳۰ شرکت بورس اوراق بهادار تهران که در طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ در مقاطعی از نوسانات شدید قیمتی برخوردار بودند، دست‌کاری قیمت در بورس اوراق بهادار تهران را مطالعه کرد. او در این تحقیق عوامل مؤثر در تشخیص قیمت‌های دست‌کاری‌شده را پنج مورد بیان می‌کند که شامل نسبت قیمت به عایدی (P/E)^۱، اندازه شرکت، شفافیت اطلاعات، میزان مالکیت و نقدشوندگی سهم می‌شود. او عدم شفافیت اطلاعات را مهم‌ترین عامل بروز دست‌کاری قیمت در بورس اوراق بهادار تهران معرفی می‌کند. عدم وجود اطلاعات شفاف در مورد عملکرد شرکت‌ها، زمینه را برای تبانی و انتشار اطلاعات غلط و شایعات از سوی دست‌کاری‌کنندگان قیمت‌ها فراهم خواهد کرد.

فلاح شمس و کردلوئی (۱۳۹۰) به مدل‌سازی و پیش‌بینی بروز دست‌کاری قیمت در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آن‌ها از متغیرهای اندازه شرکت، نسبت قیمت به عایدی، شفافیت اطلاعات، نقدشوندگی سهم و ترکیب سهام‌داران، به‌منزله عوامل تعیین‌کننده دست‌کاری قیمت در مدل‌سازی استفاده کردند. نتایج آن‌ها نشان داد کم‌عمق‌بودن بازار، عدم ساختار مناسب بازار و عدم وجود پیگیری‌های قانونی، از علل اساسی بروز دست‌کاری قیمت در بورس اوراق بهادار تهران است. فلاح شمس و کردلوئی (۱۳۹۱) در تحقیق دیگری با استفاده از مدل ماشین بردار پشتیبان^۲ دست‌کاری قیمت‌ها را پیش‌بینی کردند. آن‌ها ابتدا با استفاده از آزمون وابستگی دیرش^۳ شرکت‌های دست‌کاری‌شده را انتخاب کردند؛ سپس دقت پیش‌بینی مدل ماشین بردار پشتیبان در دست‌کاری قیمت‌ها را اندازه‌گیری کردند. نتایج آن‌ها نشان داد مدل ماشین بردار پشتیبان ۸۱ درصد از دست‌کاری‌ها را به درستی پیش‌بینی می‌کند.

دست‌کاری قیمت چیست؟

دست‌کاری قیمت به‌صورت «مداخله تعمدی در نیروهای آزاد عرضه و تقاضا در بورس اوراق بهادار» یا «اقدامی آگاهانه برای ترغیب دیگران به اخذ موقعیت معاملاتی خاص موردنظر (خرید یا

1- Price - earnings ratio

2- Support vector machine

3- Duration Dependence Test

فروش) یا کنترل تغییر قیمت به صورت ساختگی و با استفاده از معاملات ساختگی^۱ تعریف شده است. بنابراین به طور کلی دست کاری قیمت شامل همه فعالیت هایی است که افراد خاصی به طرق مختلف قیمت های ساختگی و تصویر غیر واقعی از فعالیت بازار برای گمراه کردن سایر سرمایه گذاران ایجاد می کنند. دستکاری کنندگان^۱ قیمت سهام با فریب، انتشار شایعه، ایجاد تقاضا و عرضه کاذب و... قیمت سهام را در جهت منافع فردی خود تغییر می دهند؛ این موضوع باعث بی اعتمادی و نارضایتی سرمایه گذاران در بورس خواهد شد. همه افراد حاضر در بازار، حتی سهام داران جز (با انتشار اخبار نادرست یا پخش شایعات) ممکن است قیمت را دست کاری کنند. اگرچه دست کاری قیمت را نمی توان محدود به گروه های خاصی نمود اما سه گروه سهام داران عمده، کارگزاران، ناشران و مدیران شرکت های سهامی، با توجه به امکانات و موقعیتشان، احتمال بیشتری وجود دارد که به منزله دستکاری کننده در بازار حضور پیدا کنند. البته بیشتر دستکاری های رخ داده، نه توسط یک گروه، بلکه توسط مجموعه ای چند از گروه های ذکر شده به طور هماهنگ و از پیش برنامه ریزی شده، انجام می شود.

هدف نهایی دستکاری کنندگان به دست آوردن سود است که برای رسیدن بدین مقصود از روش های مختلف دست کاری قیمت، معاملات ساختگی، انتشار شایعات و اطلاعات خلاف واقع بهره می گیرند. در تقسیم بندی کلی که توسط آلن و گیل^۲ در زمینه دست کاری قیمت انجام شد، دست کاری قیمت به سه دسته «دست کاری بر مبنای اطلاعات»، «دست کاری بر مبنای معامله» و «دست کاری بر مبنای عمل» تقسیم می شود.

دست کاری بر مبنای اطلاعات

دست کاری قیمت بر مبنای اطلاعات از شایع ترین و پر استفاده ترین روش های دست کاری قیمت است که بخش عمده ای از دست کاری قیمت های رخ داده را به خود اختصاص داده است. در این نوع از دست کاری قیمت، دستکاری کنندگان با انتشار اطلاعات گمراه کننده، شایعات نادرست و ساختگی، عدم بیان بخشی از واقعیات یا وارونه نشان دادن وقایع برای گمراه کردن سهام داران، قیمت اوراق بهادار را دست کاری می کنند. به عنوان مثال، شخص متخلف با انتشار اطلاعات نادرست یا دامن زدن به شایعات، تقاضا برای اوراق بهاداری را که خود پیش از آن خریداری کرده است، افزایش می دهد و سپس آن ها را با قیمت های بیشتر می فروشد. از نمونه های بارز این نوع دست کاری قیمت اوراق بهادار، می توان به معاملات ائتلافی در ایالات متحده در طول دهه ۱۹۲۰ اشاره کرد. در این استراتژی، گروهی از سرمایه گذاران با تشکیل یک ائتلاف ابتدا اقدام به خرید اوراق بهادار کردند؛ آنگاه با انتشار شایعات مورد نظر در مورد شرکت در نهایت سهام فوق را با قیمت های بیشتر، یک جا می فروشند و از این رهگذر سود به دست می آورند.

1- Manipulators

2- Allen & Gale

دست‌کاری بر مبنای معامله

این نوع دست‌کاری اوراق بهادار زمانی رخ می‌دهد که یک معامله‌گر بزرگ یا گروهی از معامله‌گران به‌طور بسیار ساده با خرید تدریجی و ایجاد تقاضای کاذب و سپس فروش یک‌جای اوراق بهادار، قیمت را دست‌کاری می‌کنند. از آنجا که بخش عمده معاملات صندوق‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری به‌صورت بلوک‌های بزرگی از یک سهم است، بنابراین شناسایی و کشف دست‌کاری قیمت اوراق بهادار براساس معامله بسیار سخت و دشوار است. این نوع از دست‌کاری مجموعه بسیار وسیعی از روش‌های دست‌کاری قیمت را در بر می‌گیرد. دست‌کاری بر مبنای معامله را در یک تعریف کلی، می‌توان دست‌کاری بازار با استفاده از انجام معاملات مؤثر بر ارزش واقعی یا انتظاری اوراق بهادار دانست. معاملات ساختگی که بخش مهمی از دست‌کاری بازار را در بر می‌گیرد، به شیوه‌های گوناگونی انجام می‌شود. در این نوع دست‌کاری اشخاص متخلف اغلب برای انجام چنین معاملاتی از اسامی و حتی شرکت‌های بدلی استفاده می‌کنند و ماهیت واقعی خود را مخفی می‌کنند و در مواردی نیز افراد مرتبط با هم، در اقدامی هماهنگ و مشترک با تشکیل ائتلافی مخفی به تبادل اوراق بهادار در بین خود می‌پردازند و پس از جذب سرمایه‌گذاران دیگر، اوراق بهادار مزبور را با قیمت‌های بیشتر می‌فروشند.

دست‌کاری بر مبنای عمل

دست‌کاری بر مبنای عمل برخلاف دو نوع دست‌کاری قبلی بسیار محدود و کم‌کاربرد است. به‌طور کلی به اعمالی غیر از معاملات که ارزش واقعی یا ارزش مورد انتظار دارایی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند، دست‌کاری قیمت بر مبنای عمل گفته می‌شود. متداول‌ترین روش در این نوع دست‌کاری، قیمت پیشنهادی برای تملک^۱ است. در این روش دستکاری‌کنندگان ابتدا اقدام به خرید اوراق بهادار می‌کنند و زمانی که صاحب اوراق بهادار شدند، قیمت پیشنهادی خرید بیشتری را برای اوراق بهادار خود مطرح می‌کنند؛ در این شرایط قیمت اوراق بهادار در بازار افزایش می‌یابد. بنابراین دست‌کاری‌کنندگان قادر خواهند بود اوراق بهادار خود را با قیمت‌های بیشتر بفروشند. درنهایت، بعد از فروش اوراق بهادار از سوی دست‌کاری‌کنندگان، قیمت پیشنهادی خرید بیشتر برای خرید اوراق بهادار بیش از این دنبال نخواهد شد و قیمت اوراق بهادار به‌طور چشمگیری کاهش می‌یابد. از آنجا که قیمت‌های پیشنهادی خرید بالا به انجام معاملاتی نیز منجر می‌شود، عده‌ای این نوع دست‌کاری قیمت را زیرمجموعه دست‌کاری بر مبنای معامله می‌دانند. اما تفاوت مهمی که این نوع دست‌کاری را از دست‌کاری بر مبنای معامله متمایز می‌کند این است که در این نوع دست‌کاری عامل فریب سهام‌داران معاملات ساختگی یا معاملات گمراه‌کننده نیست بلکه عامل فریب سهام‌داران عمل دست‌کاری‌کنندگان مبنی بر پیشنهاد خرید بالا است.

روش‌های دست‌کاری قیمت

دست‌کاری قیمت به روش‌های بسیار متنوعی انجام می‌گیرد. همگام با پیشرفت و تحول بورس‌ها این روش‌ها ابعاد تازه‌ای می‌یابند و به صورت‌های متفاوتی اجرا می‌شوند. روش‌های دست‌کاری قیمت را نمی‌توان در یک مجموعه روش‌های محدود بیان کرد؛ زیرا این روش‌ها با تغییر قوانین نظارتی در بورس‌ها، پیشرفت و تحول فناوری‌های ارتباطی، تغییر سامانه معاملاتی بورس‌ها و... می‌توانند شکل جدیدی به خود بگیرند. بنابراین دست‌کاری‌کنندگان بسته به شرایط برای رسیدن به اهداف خود روش‌های دست‌کاری قیمت جدیدی را پدید می‌آورند.

اگرچه نمی‌توان تمام روش‌های ممکن دست‌کاری قیمت را بیان کرد اما با بیان روش‌های دست‌کاری مهم می‌توان به بینشی برای پیش‌بینی روش‌های بعدی رسید. بنابراین در اینجا تعدادی از روش‌های مهم دست‌کاری قیمت بررسی می‌شود.

• ایجاد رونق مصنوعی^۱: به روشی از دست‌کاری قیمت گفته می‌شود که در آن دست‌کاری‌کنندگان بر قیمت اوراق بهادار به وسیله خرید یا فروش در میان خودشان اثر می‌گذارند. در این روش، معاملات ظاهری گمراه‌کننده و ساختگی^۲ از روند و حجم معاملات در بازار یا حرکت قیمتی سهام خاص را نشان می‌دهد. معاملات در این روش می‌تواند به طرق زیر انجام شود:

۱- معامله ساختگی^۳: فروش و خرید دوباره همان سهام یا بخش قابل ملاحظه‌ای از همان سهام (به‌طوری‌که باعث تغییر مالکیت شرکت نشود) به این منظور که قیمت سهام افزایش یابد. در این استراتژی دو طرف خرید و فروش یک نفر است؛ بنابراین تشخیص آن دشوار نیست.

۲- معاملات از پیش تعیین شده^۴: به خرید و فروش روی قرارداد آتی^۵، اختیارات^۶ یا سهام شرکت که بین کارگزاران و دلال‌های سهام در قیمت از پیش تعیین شده انجام می‌گیرد معاملات از پیش تعیین شده می‌گویند.

۳- سفارشات جور شده ساختگی^۷: انجام معاملات به وسیله جفت کردن سفارش خرید و فروش سهام شرکت در یک قیمت و یک زمان صورت می‌پذیرد. در سفارشات جور شده ساختگی برای تعیین اینکه چگونه سفارشات را با سفارشات وارد شده خودشان جور کنند و چگونه معاملات را به سمت چیزی که می‌خواهند هدایت کنند، از الگوریتم‌هایی استفاده می‌شود. یک الگوریتم مشهور استفاده شده در سفارشات جور شده ساختگی، اولین ورودی اولین خروجی^۸، است که در آن اولین سهام خریداری شده باید با اولین فروش ثبت شود.

1- Painting the tape

2- Artificial and misleading appearance

3- Wash sale

4- Pre-arranged trading

5- Futures

6- Options

7- Matched orders

8- First In, First Out (FIFO)

• افزایش قیمت پیشنهاد خرید^۱: در این روش دست‌کاری کنندگان پیشنهاد خرید برای سهام مورد نظر را افزایش می‌دهند و در پی آن قیمت به‌طور ساختگی افزایش می‌یابد. سپس دست‌کاری کنندگان این توهم را به وجود می‌آورند که افزایش قیمت به سبب فعالیت شرکت سهامی رخ داده است.

• خرید و فروش سریع سهام^۲: به‌طور کلی روش خرید و فروش سریع سهام عبارتست از خرید سهام مورد نظر سپس القای ظاهری گمراه‌کننده، انتشار اخبار ساختگی و نادرست و در انتها فروش سهام و کاهش شدید قیمت سهام. این استراتژی عموماً بخشی از نقشه بزرگ پیچیده‌ای از دست‌کاری قیمت روی سهام مورد نظر است. عاملان این نقشه (دست‌کاری کنندگان) مسئولان شرکت را برای انتشار سهام و واگذار کردن به آن‌ها (با بهانه ترقی دادن وضع شرکت) متقاعد می‌کنند. سپس دست‌کاری کنندگان، اطلاعات ساختگی مثبتی درباره شرکت تهیه می‌کنند و آن را برای همه سهام‌داران خرد ارسال می‌کنند (تا اینجای دست‌کاری به Pump مشهور است). بعد از آن اقبال سهام‌داران برای خرید سهم زیاد می‌شود و حجم معاملات و قیمت سهام افزایش می‌یابد؛ سپس دست‌کاری کنندگان سهام خود را می‌فروشند (به این مرحله از دست‌کاری Dump می‌گویند). با خروج دست‌کاری کنندگان از سهم و تکذیب اطلاعات ساختگی قیمت سهم در اکثر اوقات به سطح پایین‌تری نسبت به قبل از دست‌کاری قیمت کاهش می‌یابد و سهام‌داران خرد به منزله بازندگان اصلی این نقشه، بخشی از سرمایه خود را از دست می‌دهند.

• تبلیغ و فروش سریع سهام^۳: در این روش دست‌کاری کنندگان سهام مورد نظر را خریداری می‌کنند و به تبلیغ گسترده درباره آن سهم می‌پردازند. در این روش دست‌کاری کنندگان از تمام ابزارهای ارتباطی استفاده می‌کنند و در شبکه‌های اجتماعی به زیاده‌گویی درباره سهام مزبور می‌پردازند و شایعات مثبتی درباره سهام منتشر می‌کنند. در نهایت زمانی که قیمت سهام بالا رفت سریعاً اقدام به فروش سهام می‌کنند و تبلیغات درباره سهم قطع می‌شود و قیمت سهام به سطح قبلی خود و حتی پایین‌تر از آن کاهش می‌یابد. در این روش نیز سهام‌داران خرد و معامله‌گران ساده بازندگان اصلی هستند.

• فریب و تحت فشار قرار دادن^۴: هنگامی که وضعیت شرکت سهامی خیلی بد می‌شود و بدهی‌های زیادی، دارایی‌های ناچیزی دارد و هر سال زیان می‌سازد همه به دلیل این چشم‌انداز بد شرکت اقدام به فروش سهام این شرکت می‌کنند. حتی کسانی که سهام شرکت را ندارند اقدام به فروش استقراضی این سهم می‌کنند؛ تا اینکه سهام شرکت که فروش استقراضی شده است از کل سهام شرکت بیشتر شود. در این هنگام کسانی که از این موضوع با خبر می‌شوند ابتدا اقدام به خرید سهم می‌کنند و سپس همه کسانی که فروش استقراضی انجام داده بودند، سهام مزبور را خریداری می‌کنند. این، تمایلات به خرید قیمت

1- Advancing the bid

2- Pump and dump

3- Hype and dump

4- Lure and squeeze

سهام را افزایش می‌دهد و قیمت تا زمانی افزایش می‌یابد که سهام‌داران متوجه شوند همه به اندازه کافی سهام دارند و دوباره فشار فروش و فروش استقراضی و... و این چرخه ادامه می‌یابد.

• تعیین آخرین معامله^۱: در این روش دست‌کاری‌کنندگان، آخرین قیمت سهام را به وسیله خرید (فروش) سهام تحت تأثیر قرار می‌دهند. آخرین قیمت معامله‌شده می‌تواند تصور اشتباه در سهام‌داران به وجود بیاورد و افزایش (کاهش) آخرین معامله را به معنی بهبود (وخامت) اوضاع شرکت تلقی کنند و در روزهای آتی اقدام به خرید (فروش) سهام نمایند و در جهت خواست و امیال دست‌کاری‌کنندگان حرکت کنند. تعیین آخرین معامله برای تحت تأثیر قرار دادن ارزش پرتفوی برای ظاهرسازی^۲ برای سرمایه‌گذاری‌ها نیز پرکاربرد است. شرکت‌های سرمایه‌گذاری از طریق این روش اقدام به سودسازی می‌کنند.

• بالا یا پایین بردن^۳: در این روش دست‌کاری‌کنندگان با انجام معاملات پر حجم و افزایش (کاهش) ساختگی در قیمت سهام، تصور اشتباهی را در ذهن سایر سهام‌داران ایجاد می‌کنند که اوضاع سهام مزبور مطلوب (وخیم) است. سپس سایر سهام‌داران اقدام به خرید (فروش) سهام می‌کنند و دست‌کاری‌کنندگان بلافاصله سهام مذکور را می‌فروشند (خریداری می‌نمایند).

• انحصار موقتی^۴: در این روش دست‌کاری‌کنندگان ابتدا میزان قابل ملاحظه‌ای از سهام شرکت را خریداری می‌کنند و با خرید قابل ملاحظه خود قیمت سهام بالا می‌رود. آن‌ها در دوره زمانی محدود سهام خود را نگه می‌دارند تا بتوانند در موقعیت مناسبی با قیمت‌های زیاد آن را به فروش برسانند.

• پیش دستی^۵: این روش به تضاد منافع کارگزار و مشتری نیز مشهور است. در این روش دست‌کاری‌کننده همان کارگزار است. کارگزاران اقدام به خرید سهام می‌کنند و سهام مزبور را به مشتریان خود معرفی می‌کنند و به تبلیغ و زیاده‌گویی درباره سهام می‌پردازند. در انتها با بالا رفتن قیمت سهام و فروش آن توسط کارگزار، دیگر توصیه‌های خرید دنبال نخواهد شد و قیمت سهام با افت همراه خواهد بود.

• معاملات نهانی^۶: به معاملاتی که با استفاده از اطلاعات نهانی انجام می‌شود معاملات نهانی می‌گویند. عموماً در دست‌کاری با استفاده از معاملات نهانی دست‌کاری‌کنندگان مدیران یا افراد نزدیک به مدیران شرکت هستند. مدیران شرکت هنگامی که اتفاق مثبتی در وضعیت شرکت می‌افتد و خبر آن اتفاق هنوز اطلاع‌رسانی نشده است با استفاده از این مزیت اقدام به خرید سهام شرکت خود می‌کنند و هنگامی که خبر مزبور اطلاع‌رسانی شد با افزایش قیمت سهام اقدام به فروش سهام می‌کنند. این موضوع درباره اخبار منفی و فروش سهام توسط مدیران نیز صدق می‌کند.

1- Marking the close

2- Window dressing

3- Ramping

4- Cornering

5- Front running

6- Insider trading

• لاپوشانی و انبار کردن^۱: سهام‌داران عمده اغلب از این روش استفاده می‌کنند. آن‌ها برای فرار از الزامات قانونی مالکیت شرکت‌های سهامی، سهام خود را در قالب معاملات جعلی به سهام‌داران ساختگی دیگری منتقل می‌کنند. در این هنگام حجم معاملات به یکباره افزایش قابل ملاحظه‌ای می‌یابد. سهام‌داران جز این افزایش حجم را نشانه بهبود و ترقی اوضاع سهام برآورد می‌کنند و ممکن است با خرید ناآگاهانه در وضعیت موجود متضرر شوند.

• دست‌کاری قیمت^۲: این استراتژی دست‌کاری قیمت معمولاً توسط صاحبان شرکت رخ می‌دهد. در این روش سفارشات خرید (فروش) با حجم زیاد با هدف حفظ قیمت سهام در سطحی خاص یا افزایش قیمت سهام، انجام می‌شود. دست‌کاری‌کنندگان از افزایش قیمت برای رسیدن به اهداف مالی یا حسابداری، انتشار سهام جدید با قیمت‌های بالاتر، جذب سرمایه‌گذاران جدید به شرکت و... استفاده می‌کنند.

• پوشش^۳: در این روش دست‌کاری‌کنندگان اقدام به فروش سهام می‌کنند یا شایعات و اخبار ساختگی منفی درباره سهام مورد نظر منتشر می‌کنند؛ با این هدف که قیمت سهام کاهش یابد یا حداقل حفظ شود. دستکاری‌کنندگان این کار را برای ممانعت از اجرای قراردادهای اختیار خرید می‌کنند زیرا منافع اصلی آن‌ها در قراردادهای اختیار خرید است.

• تثبیت^۴: در این روش دست‌کاری‌کنندگان سهام را خریداری می‌کنند یا اخبار ساختگی مثبت درباره سهام منتشر می‌کنند؛ به این منظور که قیمت سهام مزبور افزایش یابد یا حداقل حفظ شود. دست‌کاری‌کنندگان این کار را با هدف ممانعت از اجرای قراردادهای اختیار فروش می‌کنند؛ به این دلیل که منافع اصلی آن‌ها در قراردادهای اختیار فروش است.

• تهاجم افتان^۵: در این روش دست‌کاری‌کنندگان با فروش سنگین سهام یا فروش استقراضی^۶ گسترده، قیمت سهام را کاهش می‌دهند. پس از کاهش قیمت سهام را می‌خرند و سهام فروخته‌شده خود را با قیمت کمتر مجدداً خریداری می‌نمایند و از این محل سود می‌کنند.

• خرید در بالاترین قیمت یا معاملات در قیمت‌های بالاتر^۷: در این روش دستکاری‌کنندگان بیشترین قیمت خرید را پیشنهاد می‌دهند و در پیشنهادهای خرید، رقابت را برای خرید در میان سایر سرمایه‌گذاران خرد به وجود می‌آورند. هنگامی که قیمت پیشنهادی جدید توسط سایر معامله‌گران بیشتر از قیمت پیشنهادی دست‌کاری‌کنندگان قرار می‌گیرد، قیمت پیشنهادی فروش را افزایش می‌دهند یا حجم آن را کم می‌کنند؛ بنابراین سرمایه‌گذاران را به بالا بردن پیشنهادشان تحریک

1- Parking and warehousing

2- Price manipulation

3- Capping

4- Pegging

5- Bear raid

6- Short selling

7- Highest bidder or transaction at progressively higher prices

می‌کند. در این وضعیت افزایش تدریجی قیمت سهام اتفاق می‌افتد.

• تشکیل ائتلاف^۱: این ائتلاف‌ها به وسیله توافق‌نامه (اغلب نوشته شده) در میان معامله‌گران تشکیل می‌شود. معامله‌گران یک رهبر را انتخاب می‌کنند و با مدیریت رهبر در یک دوره زمانی خاص روی سهام مزبور را معامله می‌کنند. معاملات آن‌ها باعث افزایش قیمت و حجم معاملات سهام می‌شود، این موضوع تصور غلط از بهبود وضعیت شرکت سهامی را نزد سایر معامله‌گران به وجود می‌آورد. سپس سایر معامله‌گران نیز اقدام به خرید سهام مزبور می‌نمایند؛ در این هنگام دست‌کاری‌کنندگان ائتلافی اقدام به فروش سهام خود می‌نمایند. دست‌کاری‌کنندگان ائتلافی براساس توافق‌نامه سود یا زیان به دست آمده خود را بین خود تقسیم می‌کنند.

نحوه شناسایی دست‌کاری قیمت

از آنجاکه شیوه‌های دست‌کاری قیمت بسیار متنوع و حتی نامحدود است، مقامات ناظر برای کشف و پیگیری آن در بازار با مشکلات و پیچیدگی‌های خاصی مواجه‌اند. با این حال، این مقامات از گستره وسیعی از ابزارهای بازدارنده دست‌کاری قیمت برای حفظ سلامت و واقعی بودن قیمت بازار بهره می‌گیرند. اهداف اصلی نظارت بر بازار عبارت‌اند از: ایجاد بازاری منظم و منصفانه از طریق کنترل و نظارت بر معاملات غیرعادی و سوداگری بی‌رویه، حمایت از سرمایه‌گذاران از طریق انجام اقدامات نظارتی مربوطه و به موقع، و مرور به موقع سیاست‌ها و رویه‌های نظارتی از طریق بازخوردهای دریافتی مقایسه با مقررات نظارتی سایر بورس‌های پیشرو در جهان.

در اکثر کشورها دست‌کاری قیمت براساس قوانین بازدارنده فعالیت‌های متقلبانه پیگیری می‌شود. بدین منظور ناظران و مأموران تحقیق، ملزم به شناخت شیوه‌های متنوع دست‌کاری در بازار و همچنین نیازمند نظام‌های مناسبی برای بررسی و کشف اعمال متقلبانه در آن هستند. اولین گام برای کشف دست‌کاری قیمت، بررسی روند قیمت‌ها و حجم معاملات است. مأمور تحقیق با مشاهده قیمت یا حجم دادوستدی خارج از معیارهای متعارف که خود براساس ضوابط مشخصی تعیین می‌گردند به وجود دست‌کاری در بازار مظنون می‌شود. گام بعدی بررسی روند معاملات سهام دست‌کاری‌شده در گذشته و مرور اخبار و اطلاعیه‌های مرتبط با شرکت موردنظر است. مأمور تحقیق در موارد مقتضی وضعیت اشخاصی را که به دادوستدهای مشکوک می‌پردازند، نیز بررسی می‌کند و در این راه کارگزاران و واسطه‌های بازار را به همکاری با خود فرا می‌خواند. گسترش واحدهای نظارتی و وضع قوانین و مقرراتی علیه دست‌کاری در بازار علاوه‌بر آنکه به شناسایی موارد دست‌کاری و عاملان آن در بازار یاری می‌رساند، هزینه تقلب و دست‌کاری را برای دست‌کاری‌کنندگان بالقوه بالا می‌برد و بدین ترتیب خود به منزله عاملی بازدارنده مطرح می‌شود.

با گسترش بورس‌ها و آگاهی سرمایه‌گذاران از شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری در آن، تعداد معاملات در بورس‌ها بسیار بالا رفت. به این ترتیب که امکان بررسی و چک نمودن تک‌تک

معاملات توسط مأموران تحقیق امکان‌پذیر نیست؛ در نتیجه برای این منظور از نرم‌افزارهای نظارتی استفاده می‌شود. در اکثر بورس‌های دنیا از برنامه‌های نرم‌افزاری خاصی برای آگاه نمودن ناظران از معاملات نامتعارف استفاده می‌شود. در بورس‌های نیویورک، لندن و چند بورس معتبر دیگر، از نرم‌افزار نظارتی بسیار پیشرفته و هوشمندی به نام SMART SONAR استفاده می‌شود. این نرم‌افزار علاوه بر جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های بازار و اطلاعات و اخبار شرکت، امکان جمع‌آوری اطلاعات متنی در تالارهای گفتگو یا سایت‌های خبری را نیز دارد. این امکان به SMART SONAR کمک می‌کند که روند معاملات آتی سهام شرکت‌ها را پیش‌بینی کرده و در صورت مغایرت یا معاملات غیرمنتظره، آن‌ها را گزارش دهد. به عنوان مثال اگر تمام اخبار درباره سهام شرکتی مثبت باشند اما معاملات سهام شرکت با رشد منفی همراه باشد، SMART SONAR این مورد را گزارش کرده و مأمور تحقیق باید آن را بررسی کند.

بررسی مقررات منع دست‌کاری قیمت در بورس‌های معتبر دنیا

دست‌کاری قیمت به منزله یکی از واقعیت‌های بازار مالی و مصادیق سوءاستفاده از بازار از دغدغه‌های اساسی در بازارهای مالی نیز محسوب می‌شود و یکی از موضوعات مهمی است که هم برای مقررات معاملات و هم کارایی بازار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مقامات ناظر هرگونه دست‌کاری بازار را به دلیل تحریف قیمت‌ها، اختلال در فرآیند کشف قیمت و احتمال وارد آوردن زیان‌های سنگین بر گروه کثیری از سرمایه‌گذاران ممنوع اعلام کرده‌اند. به‌طور خاص، بسیاری از بازارهای آسیایی از اوراق بهاداری برخوردارند که دارای حجم معاملات اندکی بوده و در نتیجه بیشتر از دست‌کاری بازار آسیب می‌پذیرند. در بازارهای مالی مدرن، دست‌کاری اغلب به‌طور پنهان صورت می‌گیرد که به راحتی قابل ردیابی و انجام پیگردهای قانونی نیست. اگرچه به نظر می‌رسد فعالیت‌های دستکارانه در بورس‌های بزرگ تا حد قابل توجهی کاهش یافته است، ولی هنوز یکی از مسائل جدی در بازارهای فرابورس در ایالات متحده و نیز بازارهای مالی نوظهور به شمار می‌رود. به‌خصوص در بسیاری از بازارهای نوظهور که از مقررات اجرایی و حقوقی ضعیفی برخوردارند، دست‌کاری بازار همچنان شایع و متداول است. با این حال، در ایالات متحده که بازارها از مقررات جامع‌تری برخوردار هستند، در دهه گذشته بیش از ۱۰۰ مورد دست‌کاری قیمت به ثبت رسیده است. اگرچه نظریه‌های متعددی درباره دست‌کاری بازار سهام ارائه شده است، شواهد تجربی چندانی در این زمینه موجود نیست. علاوه بر این، اغلب شواهد تجربی موجود نیز بر کشورهای توسعه‌یافته نظیر ایالات متحده متمرکز شده‌اند و تحقیقات چندانی در رابطه با بازارهای نوظهور انجام نشده است. الزامات افشای اطلاعاتی و مقررات اوراق بهادار در کشورهای مختلف بسیار متفاوت است. الزامات افشا در ایالات متحده با سایر کشورهای توسعه‌یافته از وابستگی بالایی برخوردار بوده، درحالی که این الزامات و مقررات اوراق بهادار در بازارهای نوظهور چندان سخت‌گیرانه نیست.

مقامات ناظر بورس‌ها برای جلوگیری از انتشار شایعات غلط و گمراه‌کننده، که بنا به مطالعات

و بررسی‌های صورت گرفته اثر منفی بر وضعیت بازار می‌گذارد، اقدام به تدوین مقررات نموده‌اند. اگرچه شایعه‌پراکنی^۱ در اغلب بازارهای مالی به دلیل استفاده از ابزارهای مختلف از مشکلات چندان شایعی به نظر نمی‌رسد، اما از آنجاکه اعتبار اطلاعات منتشره درباره شرکت‌های بورسی در بازار برای تأمین اعتماد به بازار بسیار حائز اهمیت است. بنابراین مقام‌های ناظر بورس‌ها در این خصوص از شدت عمل بالایی برخوردار بوده و اقدام به تدوین قواعد و مقررات صریح و سخت‌گیرانه‌ای در این زمینه نموده‌اند.

با مطالعه مقررات و قوانین ضد دست‌کاری در بورس‌ها مشاهده می‌شود، دست‌کاری قیمت در همه آن‌ها با توجه به شیوه‌های انجام دست‌کاری تعریف شده و ممنوع است. به عبارتی دیگر هرگونه دادوستد، رفتار (دروغ، نیرنگ، پخش شایعه، توسل به اعمال خلاف قانون، تشویق به انجام عمل خلاف قانون)، اقدام فریبنده، انتشار اطلاعات غیرواقعی و اغراق‌آمیز، پنهان کردن اطلاعات مهم، سوءاستفاده از اطلاعات خاص، اعلام تعهد یا پیش‌بینی فریبنده و نادرست و استفاده از هر نوع ابزار و روشی که بر بازار و افزایش، کاهش یا ثبات قیمت اوراق بهادار مؤثر باشد، طبق قوانین و مقررات ممنوع است و متخلف مجرم شناخته می‌شود. در برخی از بورس‌ها چنانچه شخص هر یک از اعمال فوق را انجام دهد یا باعث انجام اعمال مزبور شود، مجرم شناخته و مجازات می‌شود.

تعریف دست‌کاری قیمت در بورس‌های مختلف با یکدیگر متفاوت است. در بورس لندن ملیت انگلیسی در تعریف دست‌کاری آمده است که در هیچ‌یک از بورس‌های دیگر این شرط ذکر نشده است. در برخی از بورس‌ها مانند لندن، عمدی بودن اعمال ملاک تشخیص جرم است؛ درحالی‌که در بورس‌های دیگر چنانچه شخص به عمد یا غیرعمد مرتکب اعمال فوق شود، مجرم شناخته می‌شود. در بورس‌های نیویورک، لندن، فرانکفورت و ترکیه قید داشتن قصد (ضابطه ذهنی)^۲ برای تشخیص دستکاری قیمت در نظر گرفته می‌شود. از قید داشتن قصد از جهات مختلف انتقاد شده است. تعیین قصد دستکاری دشوار است و تعقیب نادرست، سبب دلسردی سرمایه‌گذارانی می‌شود که به‌طور صحیح فعالیت می‌کنند. علاوه بر قید داشتن قصد دست‌کاری قیمت، قید انجام دست‌کاری قیمت نیز می‌تواند معاملات نامطلوب و دست‌کاری قیمت را، بدون نیاز بهک بررسی پرهزینه و اغلب ناامیدکننده درباره انگیزه معامله‌کنندگان سهام، ممنوع سازد. از طرف دیگر نیز اقداماتی که باعث دستکاری قیمت می‌شوند، ممکن است بر اثر ناآگاهی، عدم مهارت، اشتباه و به‌طور کلی بدون قصد دستکاری انجام شود؛ ولی همان آثار مخرب را بر بازار و سرمایه‌گذاران داشته باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد قید داشتن قصد نمی‌تواند معیار مناسبی برای تشخیص دست‌کاری قیمت باشد. در حقوق ایران مقنن در بند ۳ ماده ۴۶ قانون بازار مقرر می‌دارد: «هر شخصی که اقدامات وی نوعاً باعث ایجاد ظاهر گمراه‌کننده از فرآیند معاملات اوراق بهادار یا ایجاد قیمت‌های کاذب یا اغوای اشخاص به انجام معاملات اوراق بهادار

1- Rumor mongering

2- Subjective

شود» به مجازات مقرر محکوم می‌شود. همانگونه که مشاهده می‌شود مقنن در تعریف دست‌کاری قیمت، ملاک را بر اقدام قرار داده و نه داشتن قصد دست‌کاری قیمت؛ از آنجاکه بررسی و کشف قصد دست‌کاری بسیار پرهزینه و دشوار است و همچنین ممکن است دست‌کاری قیمت به صورت اشتباه انجام شده باشد و آثار سوء بر بورس و معاملات بگذارد و نیز راه فرار و توجیه برای دستکاری‌کنندگان ایجاد کند. براساس این قید اقدام به دست‌کاری قیمت نه تنها محدودیت‌های قید دیگر را ندارد بلکه به همان کارآیی قید قصد دست‌کاری قیمت است. فرایند کشف دست‌کاری قیمت به این صورت است که نرم‌افزارهای نظارتی براساس الگوهای دست‌کاری قیمت از پیش مشخص شده، معاملات مشکوک به دست‌کاری را به مأمورین نظارتی گزارش می‌کنند، سپس آن مأموران به بررسی مورد مشکوک می‌پردازند. در این فرایند فقط می‌توان عمل دست‌کاری و اطلاعات مربوط به نوع معامله و طرفین معامله و سابقه آن‌ها را مشاهده کرد که تمام این مدارک نمی‌تواند قصد معامله‌گر را به طور کامل نمایان سازد؛ بنابراین در بورس‌هایی که قید داشتن قصد انجام دست‌کاری ملاک است جمع‌آوری مدارک و مستندات بسیار دشوارتر و پیچیده‌تر می‌شود. در نتیجه این تفاوت در تعریف دست‌کاری که بورس تهران و برخی از بورس‌های دیگر با بورس‌های نیویورک، لندن، فرانکفورت و ترکیه دارند، ضعف و خلأ قانونی محسوب نمی‌شود.

وضع قوانین منع دست‌کاری قیمت با مشاهده دستکاری‌های رخ داده انجام می‌شود. تجربه کشورها حاکی از به کارگیری روش‌های مختلفی در دست‌کاری قیمت است؛ که با وضع قوانین سعی در کنترل و جلوگیری از آن دارند. گرچه روش‌های دست‌کاری قیمت نامحدود است اما همه دستکاری‌ها با استفاده از اصول و شاخصه‌هایی انجام می‌شود که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- انجام دادوستد بدون تغییر در اصل مالکیت،
- وارد کردن دستور فروش با آگاهی از وجود دستور خرید متقابل توسط همان شخص یا شخص دیگر،
- وارد کردن دستور خرید با آگاهی از وجود دستور فروش متقابل توسط همان شخص یا شخص دیگر،
- انجام معاملات صوری،
- انتشار اطلاعات غیر واقعی و فریبنده در مورد نقل و انتقال اوراق پذیرفته شده،
- خرید و فروش به قصد حفظ ارزش اوراق بهادار شرکت و برخلاف اصول،
- خرید و فروش به قصد انتقال حق تقدم‌ها،
- امضای قرارداد یا انجام عملی به قصد فریب دیگران،
- انتقال محرمانه ابزارهای مالی به قصد دریافت مجدد آن به قیمت کمتر، و
- معاملات پیاپی با هدف ترغیب دیگران.

در حقوق ایران اگرچه اصطلاح دستکاری در متون قانونی به کار نرفته است، اما عنوان مجرمانه مندرج در بند ۳ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار، همان دستکاری قیمت است. در واقع مقنن به جای

استفاده از اصطلاح دستکاری قیمت، این مفهوم و برخی شیوه‌های آن را توضیح داده است. ماده هفت دستورالعمل انضباطی کارگزاران شامل ۳۷ بند است که در آن مقنن بسیاری از اقدامات احتمالی دستکاری کنندگان که با انجام آن‌ها اقدام به دست کاری قیمت می‌کنند را ممنوع کرده است. در این ماده همه حالات دست کاری قیمت که پایه و اصل در دست کاری قیمت محسوب می‌شوند ممنوع شده است. بنابراین این ماده را می‌توان مهم‌ترین ماده قانونی منع دست کاری قیمت در بورس اوراق بهادار دانست که شامل تعداد قابل ملاحظه و طیف وسیعی از روش‌های دست کاری قیمت می‌شود. به عنوان مثال در بند هشت این ماده، معاملاتی که باعث تغییر مالکیت نمی‌شود ممنوع اعلام شده‌اند؛ زیرا با معاملات دوطرفه و ساختگی می‌توان سایر سهام‌داران را گمراه کرد و رونق ظاهری در معاملات سهام مزبور به وجود آورد. بنابراین ماده مذکور نقش اساسی در منع مصادیق و ابزارهای دست کاری قیمت در قالب فعالیت‌های مرتبط با دادوستد و فعالیت‌های مرتبط با انتشار اطلاعات و اشاعه شایعات دارد؛ همچنین کارگزاران را از انجام معاملات مشکوک به دست کاری قیمت منع می‌کند.

با وجود اختلاف در تعریف دست کاری قیمت در بورس‌های مختلف، ممنوعیت دست کاری قیمت و تحت پیگرد قرار گرفتن دستکاری کنندگان در تمام بورس‌های دنیا مشترک است. باتوجه به مباحث بالا می‌توان دست کاری قیمت را به این صورت تعریف کرد: «هر اقدام نامتعارفی که فرایند طبیعی قیمت‌گذاری اوراق بهادار، سازوکار طبیعی بازار و به‌طور کلی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران را تحت تأثیر قرار دهد». به‌طور کلی می‌توان گفت با وجود تفاوت قوانین دست کاری قیمت در کشورهای مختلف، می‌بینیم که دست کاری قیمت به‌خوبی توسط قوانین در این بورس‌ها محدود شده است.

نتیجه‌گیری

دستکاری قیمت باعث ایجاد ظاهری گمراه‌کننده و غیرواقعی از بازار اوراق بهادار و در نتیجه بی‌اعتمادی عموم مردم به این بازار می‌شود. این بی‌اعتمادی و به دنبال آن کاهش سرمایه‌گذاری در این بازارها از بُعد کلان اقتصادی روی اقتصاد کشور تأثیر می‌گذارد. دست کاری قیمت عبارتست از هر اقدام نامتعارفی که فرایند طبیعی قیمت‌گذاری اوراق بهادار، سازوکار طبیعی بازار و به‌طور کلی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران را تحت تأثیر قرار دهد. دست کاری قیمت را ممکن است همه افراد حاضر در بازار انجام دهند، اما گروه‌هایی از افراد حاضر در بازار از قبیل سهام‌داران عمده، کارگزاران، ناشران و مدیران شرکت‌های سهامی باتوجه به جایگاه و موقعیتشان توانایی و امکانات بیشتری برای دست کاری قیمت دارند و احتمال ارتکاب به این تخلف برای آن‌ها بیشتر است. بی‌تردید هدف اصلی و نهایی متخلفان از دست کاری قیمت، به دست آوردن سود است، اما برای رسیدن به این مقصود ممکن است اهداف میانی خاصی را نیز دنبال کنند.

دستکاری سبب زیان طیف وسیعی از سرمایه‌گذاران و کاهش اعتماد عمومی به بورس اوراق بهادار می‌شود. براساس این، نظام‌های حقوقی تمام بورس‌های دنیا دستکاری قیمت را ممنوع کرده و درصد مقابله با آن برآمده‌اند. بنابراین مقابله حقوقی با دستکاری اغلب به دلیل ضررهایی است که به

بورس اوراق بهادار و سرمایه‌گذاران وارد می‌کند. در برخی از بورس‌ها قید داشتن قصد برای تشخیص دست‌کاری قیمت در نظر گرفته می‌شود. از طرفی اقداماتی که باعث دستکاری می‌شود، ممکن است بر اثر ناآگاهی، نداشتن مهارت، اشتباه و به‌طور کلی بدون قصد دستکاری انجام شود؛ ولی همان آثار مخرب را بر بازار و سرمایه‌گذاران داشته باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد قید داشتن قصد نمی‌تواند معیار مناسبی برای تشخیص دست‌کاری قیمت باشد. بنابراین قید عمل دست‌کاری قیمت معیار مناسب‌تر و کاربردی‌تری نسبت به قید داشتن قصد است. بنابراین، هر اقدام یا رویه نامتعارفی که سبب تأثیر بر فعالیت طبیعی بازار و سازوکار عرضه و تقاضای بازار شود ممکن است دستکاری قیمت محسوب شود.

منابع

- فلاح شمس، میرفیض. (۱۳۸۴). طراحی الگوی پیش‌بینی دست‌کاری قیمت در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۲۷.
- فلاح شمس، میرفیض. (۱۳۸۷). بررسی عوامل تأثیرگذار بر دست‌کاری قیمت در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌نامه علوم اقتصادی، شماره دوم.
- فلاح شمس، میرفیض. (۱۳۹۰). پیش‌بینی دست‌کاری قیمت در بورس اوراق بهادار. فصل‌نامه علمی پژوهشی مهندسی مالی، شماره هفتم.
- فلاح شمس، میرفیض، کردلوئی، حمیدرضا. (۱۳۹۰). آزمون مدل‌های لاجیت و شبکه عصبی مصنوعی جهت پیش‌بینی دست‌کاری قیمت در بورس اوراق بهادار تهران. مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، شماره هفتم.
- فلاح شمس، میرفیض، کردلوئی، حمیدرضا. (۱۳۹۱). بررسی دست‌کاری قیمت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از مدل ماشین بردار پشتیبان. نشریه تحقیقات مالی، دوره ۱۴، شماره ۱.
- Aggarwal, R., & Wu, G. (2002). Stock Market Manipulation - Theory and Evidence. Working Paper, University of Michigan.
- Allen, F., & Gale, D. (1992). Stock-Price Manipulation. The Review of Financial Studies, V. 5(3), pp. 503-529
- Bagnoli, M., & Lipman, B. (1996). Stock Price Manipulation through Takeover Bids. Rand Journal of Economics, V. 27, pp. 124-147.
- Diaz, D., Theodoulidis, B., & Sampaio, P. (2011). Analysis of Stock Market Manipulations Using Knowledge Discovery Techniques Applied to Intraday Trade Prices. Expert Systems with Applications (Elsevier), V.38, pp. 12757-71.
- Dissanaike, G., & Lim, K.H. (2015). Detecting and Quantifying Insider Trading and Stock Manipulation in Asian Markets. Asian Economic Papers,

V.14 , No.3 , pp. 1-20

Eren, N., & Ozsoylev, H. (2006). Hype and Dump Manipulation. Social Science Research Network

Holley, D. (1993). Market Manipulation- The Focus on Prevention. Heinonline, V. 19, pp. 925-943

Jarrow, R. A. (1992). Market Manipulation, Bubble, Corner, and Short Squeezes. Journal of Financial and Quantitative Analysis, V. 27, pp. 311-336

Jianping, M., & Wu, G. (2004). Behavior Based Manipulation. NYU Working paper

Mahoney, P. G. (1999). The Stock Pools and the Securities Exchange Act. Journal of Financial Economics, V. 51, pp. 343-69.

Markham, J. (2014). Law Enforcement and the History of Financial Market Manipulation. Taylor & Francis Group. 1st edition. Routledge.

Misra, V., Lagi, M., & Bar-Yam, Y. (2012). Evidence of Market Manipulation in the Financial Crisis. New England Complex Systems Institute, Cambridge, Massachusetts 02142.

Palshikar, G. K., & Manoj, M. (2008). Collusion Set Detection Using Graph Clustering. Data Min Known Disc, V. 16, pp. 135-164.

Putnins, T. J. (2011). Market Manipulation: A Survey. Journal Of Economic Surveys, April 2011.

Putnins, T. J., & Comerton-Forde, C. (2014). Stock Price Manipulation: Prevalence and Determinants. Review of Finance, V.18, pp. 23-66.

Soderstorm, R. (2011). Regulating Market Manipulation: An Approach to designing Regulatory Principles. Working paper.

Sun, X., Chen, X., et al. (2011). Distinguishing Manipulated Stocks via Trading Network Analysis. Institute of Computing Technology, Chinese Academy of Sciences, Beijing 100190.

Yan, X., Klein, L.R., & Dalko, V. (2011). Does Monopoly Exist in the Stock Market? Detection and Prevention of Trade-Based Market Manipulation. 16th World Congress International Economic Association.

نقش شاخص فساد بر وفور درآمدهای منابع طبیعی و رشد اقتصادی در کشورهای منتخب نفتی

اصغر مبارک^۱

چکیده

در این مقاله تلاش شده است اثرات وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی با در نظر گرفتن نقش شاخص فساد به منزله متغیر نهادی بررسی شود. بدین منظور، اثرات کیفیت نهادی مانند اثربخشی دولت و کنترل فساد در کنار عامل وفور منابع طبیعی روی رشد اقتصادی کشورهای دارای اقتصاد نفتی طی دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۶ با استفاده از رویکرد داده‌های تابلویی بررسی شده است. نتایج تجربی نشان می‌دهد طی دوره زمانی مورد بررسی وفور منابع طبیعی دارای تأثیر منفی و معنی‌دار و نیز کیفیت نهادی دارای اثر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی این کشورها بوده است. در ضمن، عدم برخورد مناسب و منطقی با وفور منابع طبیعی و درآمدهای حاصل از آن به پایین آمدن سطح کیفیت نهادی منجر شده و از این طریق باعث کاهش بیشتر رشد اقتصادی این کشورها شده است. با توجه به نتایج به دست آمده و تحلیل‌های ارائه شده از آنجا که توأم بودن وفور منابع با ضعف کیفیت نهادی در یک چرخه باطل سبب کندی هرچه بیشتر رشد اقتصادی می‌شود. توصیه سیاستی مهم مقاله، اصلاح الگوی مدیریت درآمدهای ناشی از فروش منابع سرشار طبیعی برای بهبود و ارتقای کیفیت نهادی است؛ این امر می‌تواند یکی از راهبردهای مناسب برای شکستن چرخه باطل و به‌طور متعادل در یک فرایند دوسویه، موجب افزایش و پایداری رشد اقتصادی تلقی شود. در کنار اصلاح الگوی مدیریت درآمدهای منابع طبیعی، اهتمام به ارتقای کیفیت نهادی از کانال‌های دیگر نیز می‌تواند در تسریع رشد اقتصادی مؤثر واقع شود.

واژگان کلیدی: اقتصادهای نفتی، داده‌های تابلویی، رشد اقتصادی، کیفیت نهادی، وفور منابع طبیعی

۱- مقدمه

مروری بر نظریات کلاسیک اقتصاد دلالت بر آن دارد که بین وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی رابطه مثبت وجود داشته و براساس نتایج مطالعات انجام گرفته تا اواسط قرن بیستم، وفور منابع طبیعی همواره سبب تسهیل رشد اقتصادی قلمداد می شده است. اما در نیم قرن اخیر مطالعات جدیدی در این زمینه انجام شده که یافته ها و مشاهدات آن تا حدودی برخلاف نگرش کلاسیک است. گروهی از اقتصاددانان همانند ساکس و وارنر^۱ به وجود رابطه منفی بین رشد اقتصادی و منابع طبیعی پی بردند و از آن به منزله بلای منابع طبیعی^۲ یاد کرده اند. برای تبیین این پدیده تعجب برانگیز تلاش هایی انجام شد که توضیحات ارائه شده در این خصوص بر حول موضوعاتی نظیر بیماری هلندی، رانت جویی^۳، شوک های قیمتی برونزای منابع طبیعی و کیفیت نهادی^۴ تأکید دارند.

به اعتقاد اقتصاددانان بلای منابع طبیعی در کشورهایی مصداق دارد که از مدیریت پایدار عایدات منابع ناتوان هستند و این امر باعث نرخ های پایین تر پس انداز می شود. کیفیت نهادی یک کشور در این مسیر، یعنی در مسیر مصیبت یا موهبت منابع طبیعی، نقشی اساسی و بی بدیل بازی می کند؛ به طوری که با وجود کیفیت نهادی خوب می توان انتظار داشت که منابع طبیعی تبدیل به مصیبت نشوند و نقش موهبت را ایفا کنند.

از آنجا که کیفیت نهادی در چگونگی استفاده از وفور منابع طبیعی و تبدیل آن به فرصت و یا بلای منابع نقش تعیین کننده دارد و نیز یکی از مهم ترین کانال های اثرگذاری وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی کشورهای نفتی تلقی می شود، از این رو از جمله موضوعات مهمی است که برای تبیین پارادوکس وفور در کشورهای متکی بر منابع مطرح می شود. بنابراین چگونگی اثرگذاری وفور منابع طبیعی از کانال کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای نفتی از مهم ترین مسائل قابل طرح است. در این راستا، مقاله حاضر با هدف «بررسی اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی با در نظر گرفتن نقش کیفیت نهادی در اقتصادهای نفتی» تنظیم شده و مباحث آن در ادامه مقاله به شکل زیر سازماندهی شده است؛ مبانی نظری تحقیق در قسمت دوم ارائه شده و سپس مطالعات تجربی در زمینه وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی و کیفیت نهادی مرور شده است. در قسمت چهارم، مدل مورد استفاده و چگونگی جمع آوری و پردازش داده ها توضیح داده شده و در قسمت پنجم به برآورد مدل و استحکام نتایج پرداخته شده و در قسمت پایانی نیز نتایج و جمع بندی بحث ارائه شده است.

۲- مبانی نظری

باتوجه به اینکه منابع طبیعی همانند نیروی کار و سرمایه عوامل اساسی تولید محسوب می شود، لذا انتظار می رود وفور آن به طور ذاتی موجب تسهیل و تسریع رشد اقتصادی شود؛ به طوری که مطالعات

1- Sachs and warner

2- Natural resource curse

3- Rent seeking

4- Institutional quality

تجربی انجام شده طی قرن نوزده و نیمه اول قرن بیستم منابع طبیعی را به منزله موتور رشد اقتصادی معرفی کرده است (Bravo-Ortega and Gregorio, 2005). این در حالی است که از اواسط قرن بیستم تاکنون یافته‌های تجربی برخلاف این نظریه بوده و در این مطالعات از وفور منابع به منزله عامل کندی رشد اقتصادی یاد شده است. به عبارت دیگر، شواهد تجربی دلالت بر این دارد که اغلب کشورهای ثروتمند از لحاظ منابع طبیعی، به‌طور متوسط شاهد رشد اقتصادی کندتری نسبت به کشورهای فاقد چنین منابعی هستند. این پارادوکس وفور منابع طبیعی برای اولین بار در مطالعه تجربی ساکس و وارنر^۱ (۱۹۹۵) مطرح و تبیین شده و بعدها این موضوع در مطالعات تجربی متعددی همانند ساکس و وارنر (۲۰۰۱ و ۱۹۹۷)، گیل‌فاسون^۲ (۲۰۰۱)، هاوسمن و ریگوبن^۳ (۲۰۰۲)، اتکینسون و همیلتون^۴ (۲۰۰۳)، پایراکس و قرلا ف^۵ (۲۰۰۴) و استیجنس^۶ (۲۰۰۵) و... بحث و بررسی شده است. از این رو اقتصاددانان سعی کرده‌اند دلایل وجود رابطه منفی بین وفور منابع و رشد اقتصادی را تبیین کنند و در این راستا دلایل مختلفی برای تبیین پدیده بالای منابع طبیعی طرح شده است که برخی از این دلایل به‌صورت زیر هستند:

الف- یکی از مهم‌ترین علل اقتصادی اظهارشده در این خصوص، پدیده بیماری هلندی است. در کشورهای صادرکننده منابع طبیعی، بخش‌های تولیدی قابل تجارت غیر از بخش منابع طبیعی (به عنوان مثال بخش صنعت) از رونق بخش منابع و افزایش ارزش پول ملی متضرر می‌شوند؛ زیرا درآمد منابع طبیعی با افزایش قیمت، در بخش‌های غیر قابل تجارت^۷ داخلی جذب می‌شود و عوامل تولید برای کسب سود بیشتر از بخش‌های مولد قابل تجارت به این بخش‌ها سوق پیدا می‌کنند (Imi, ۲۰۰۷). این چرخه معیوب به تضعیف بخش‌های تولیدی همانند صنعت و کاهش توان صادراتی آن‌ها منجر می‌شود.

ب- وفور منابع طبیعی باعث ساختار اقتصادی متکی بر درآمدهای صادراتی آن‌ها می‌شود که باعث آسیب‌پذیری اقتصاد در قبال شوک‌های برون‌زای قیمت منابع شده و در نتیجه این بی‌ثباتی‌ها رشد اقتصادی کندتر می‌شود (De Ferranti et al, 2001, cited in Iimi, 2007). همچنین نوسان قیمت جهانی منابع طبیعی، تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی را با نااطمینانی مواجه می‌کند و نااطمینانی باعث افزایش ریسک و کاهش انباشت سرمایه می‌شود (Sachs and Warner, 1997).

ج- در برخی اقتصادهای دارای منابع طبیعی غنی، رفتارهای رانت‌جویانه^۸ رونق دارد. فساد

1- Sachs and Warner

2- Gylfason

3- Hausmann and Rigobon

4- Atkinson and Hamilton

5- Papyrakis and Gerlagh

6- Stijns

7- Non-tradable

8- Rent seeking

اقتصادی در بخش خصوصی و دولت، ناکارآمدی نظام اداری و حمایت شدید از تولید داخلی از جمله فعالیت‌های رانت‌جویانه است. پیامدهای اصلی رفتارهای رانت‌جویانه در پدیده‌هایی از قبیل اختلال در تخصیص منابع، کاهش فعالیت‌های مولد، کاهش کارایی اقتصادی، افزایش نابرابری اجتماعی و کندی رشد اقتصادی نمود می‌یابد (سلمانی و یآوری، ۱۳۸۳).

د- کاهش بلندمدت در قیمت‌های واقعی منابع طبیعی، ضمن ایجاد وابستگی فزاینده و شکل‌گیری اقتصادهای تک‌محصولی، این کشورها را از منابع مالی قابل اتکا در دوره‌های بلندمدت محروم می‌کند (Hamilton and Ruta, 2006).

ه- رانت حاصل از وفور منابع طبیعی از یک طرف موجب رضایت خاطر و غفلت دولت‌مردان شده و با پوشاندن ناکارآمدی‌های اقتصادی و اجتماعی، انگیزه‌های لازم برای اصلاحات اقتصادی و بهبود کارایی و بهره‌وری اقتصاد را از بین می‌برد؛ از سوی دیگر این پدیده اغلب باعث افزایش مصرف‌گرایی می‌شود (Hamilton and Ruta, 2006) که در دولت‌ها به صورت کسری بودجه و در سایر اجزای تقاضای نهایی از جمله خانوارها به صورت فزونی سطح تقاضا و مصرف بر تولید و عرضه داخلی ظاهر می‌شود.

همان‌طور که اشاره شد، بروز پارادوکس منابع طبیعی و رشد، دلایل متعددی داشته و شرایط اقتصادی کشورهای دارای وفور منابع طبیعی، در ایجاد پارادوکس نقش بسزایی دارد. به‌طوری‌که بلای منابع طبیعی الزاماً شامل همه کشورهای دارای منابع طبیعی نمی‌شود، به دلیل اینکه برخی شرایط و ساختار اقتصادی حاکم بر بعضی از کشورها مانند استرالیا و آمریکا به گونه‌ای است که این کشورها به رغم دارا بودن منابع طبیعی فراوان شاهد سطح توسعه بالایی هستند. به عبارت دیگر، می‌توان استدلال کرد که الزاماً وفور منابع طبیعی به‌طور ذاتی عامل بازدارنده رشد و توسعه اقتصادی نیست؛ بلکه اغلب به دلیل وجود ساختار اقتصادی نامناسب حاکم بر کشورها، از وفور منابع طبیعی استفاده کارآمد نشده و وفور منابع سبب بروز انحرافات خاص در اقتصاد شده و بدین ترتیب از کانال‌های مختلف موجب کندی رشد اقتصاد می‌شود. این انحرافات از طریق مکانیزم‌ها و کانال‌هایی - همانند نوسانات درآمدهای ارزی حاصل از صادرات منابع طبیعی، بیماری هلندی، ضعف و سوء مدیریت دولتی، فساد و ارتشا، کاهش سرمایه انسانی و کاهش کیفیت نهادی از پدیده وفور منابع به اقتصاد منتقل می‌شود. بدین ترتیب وفور منابع طبیعی به‌طور غیرمستقیم باعث ایجاد آثار نامطلوب اقتصادی از جمله کاهش رشد اقتصاد می‌شود (بهبودی و همکاران، ۱۳۸۸).

۲-۱. وفور منابع طبیعی، رشد اقتصادی و کیفیت نهادی

همان‌طور که در بالا اشاره شد، وفور منابع طبیعی به خودی خودی برای کشورها نعمت است و می‌تواند در روان‌سازی چرخه فعالیت‌های اقتصادی تعیین‌کننده باشد و این ساختار اقتصادی حاکم بر کشورهاست که نحوه استفاده از وفور منابع را به انحراف کشیده و موجب بروز بلای منابع طبیعی می‌شود. در این راستا، اقتصاددانان برای تبیین بلای منابع، کانال‌هایی را که وفور منابع از

طریق آن‌ها زمینه را برای کندی رشد اقتصادی فراهم می‌نماید بررسی کرده‌اند. کیفیت نهادی یکی از مهم‌ترین کانال‌های اثرگذاری وفور منابع بر رشد اقتصادی است. برخی از اقتصاددانان همانند مهلوم^۱ و همکاران معتقدند که در کشورهای دارای منابع طبیعی، کارفرمایان و فعالان اقتصادی بین رانت‌جویی و فعالیت‌های سودمند و مولد اقتصادی یکی را انتخاب می‌کنند. سودمندی نسبی این فعالیت‌ها به میزان شاخص‌های کیفیت نهادی همانند حاکمیت قانون و اثربخشی دولت، کنترل فساد و حق اعتراض و پاسخ‌گویی بستگی دارد. کیفیت نهادی بالا باعث ایجاد موقعیتی می‌شود که در آن فعالان اقتصادی به فعالیت‌های مولد می‌پردازند؛ درحالی که کیفیت نهادی پایین باعث گرایش به رانت‌جویی می‌شود. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که منابع فقط در جایی به صورت بلا درمی‌آید که کیفیت نهادی ضعیف باشد. بنابراین، کیفیت نهادی می‌تواند در نحوه استفاده از وفور منابع طبیعی و از این رو در رشد اقتصادی نقش تعیین‌کننده ایفا کند.

مروری بر ادبیات اقتصادی نشان می‌دهد به رغم اینکه کیفیت نهادی در نحوه استفاده از وفور منابع و تبدیل آن به فرصت (نعمت) و یا بلای طبیعی (نقمت) نقش مهمی ایفا می‌نماید و از این طریق بر رابطه بین وفور منابع و رشد اقتصادی اثرگذار است، خود کیفیت نهادی نیز می‌تواند تحت تأثیر وفور منابع طبیعی قرار گیرد. به‌طوری که وفور منابع طبیعی می‌تواند سطح کیفیت نهادی را کاهش دهد و از این کانال رشد اقتصادی را به‌طور منفی تحت تأثیر قرار دهد. به‌طور کلی در ادبیات اقتصادی سه رویکرد مختلف درباره ارتباط کیفیت نهادی و بلای منابع طبیعی وجود دارد که در مطالعات تجربی نیز این سه رویکرد قابل ملاحظه است:

– فراوانی منابع طبیعی موجب آسیب رساندن به کیفیت نهادی می‌شود و مقادیر شاخص‌های آن را کاهش می‌دهد. این رویکرد که منبای کار بسیاری از مقالات نیز هست، مدعی است که مهم‌ترین دلیل بلای منابع طبیعی، پایین بودن کیفیت نهادی در کشورهای غنی از نظر منابع طبیعی است. برای مثال راس^۲ معتقد است که وابستگی به نفت موجب کاهش دموکراسی می‌شود. در واقع، در این رویکرد به اثرات منفی غیرمستقیم وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی (از کانال کیفیت نهادی) تأکید می‌شود. به‌طوری که این دیدگاه معتقد است وفور منابع باعث کاهش کیفیت نهادی شده و از آنجا که کیفیت نهادی با رشد اقتصادی رابطه مثبت دارد، بنابراین وفور منابع طبیعی در نهایت موجب کندی رشد اقتصادی می‌شود. این رویکرد در کشورهای در حال توسعه بیشتر مصداق دارد و برای کشورهای توسعه‌یافته برخوردار از منابع طبیعی چندان موضوعیت ندارد.

– رویکرد دوم رابطه خاصی بین کیفیت نهادی و وفور منابع طبیعی قائل نیست. ساکس و وارنر از مهم‌ترین افراد این گروه هستند که در مطالعات خود تأثیر کیفیت نهادی در توضیح بلای منابع را رد می‌کنند. از دیدگاه ایشان کیفیت نهادی نقش توضیح‌دهنده‌ای درباره بلای منابع ندارند، بلکه

1- Mehlum

2- Ross

عامل اصلی از نظر آن‌ها بیماری هلندی است. به‌طور خلاصه این رویکرد بر این دلالت دارد که وفور منابع طبیعی تأثیر معنی‌داری بر کیفیت نهادی نداشته و کیفیت نهادی متأثر از عوامل دیگری است. از این‌رو طرفداران این دیدگاه معتقدند که وفور منابع طبیعی نمی‌تواند از کانال کیفیت نهادی رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد.

– وفور منابع به همراه کیفیت نهادی ضعیف، موجب بلای منابع طبیعی می‌شود. از منظر این رویکرد هر چند ممکن است وفور منابع طبیعی موجب کاهش کیفیت نهادی نشود، ولی آنچه که رشد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ترکیبی از دو عامل نهادی و وفور منابع است. به عبارت دیگر، در این رویکرد بر نقش کیفیت نهادی در رابطه بین وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی تأکید شده است و این رویکرد متفاوت از رویکرد اول است. به‌طوری‌که در این دیدگاه چگونگی اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی به کیفیت نهادی بستگی دارد. چنانچه کشورهای دارای وفور منابع طبیعی از سطح کیفیت نهادی ضعیف برخوردار باشند، وفور منابع طبیعی باعث بلای طبیعی خواهد شد؛ ولی چنانچه کشورهای دارای منابع طبیعی از سطح کیفیت نهادی بالاتر برخوردار باشند، وفور منابع طبیعی تبدیل به فرصت خواهد شد. بنابراین، آنچه وفور منابع طبیعی را به فرصت یا بلای منابع تبدیل می‌کند، کیفیت نهادی است. درواقع در این رویکرد، وفور منابع طبیعی به خودی خود عامل منفی برای رشد اقتصادی تلقی نمی‌شود و اینکه آیا وفور منابع باعث بلای طبیعی می‌شود یا رشد اقتصادی را تسریع می‌کند، به کیفیت نهادی کشور بستگی دارد. به‌طوری‌که کیفیت نهادی تعیین‌کننده اثرات وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی است.

بنابراین، براساس ادبیات منابع طبیعی می‌توان استدلال کرد که نحوه استفاده از منابع طبیعی در نعمت یا نعمت بودن آن نقش بسیار مهم ایفا می‌نماید که این امر به مسائل متعددی از جمله کیفیت نهادی کشورها بستگی دارد. کیفیت نهادی به دو شکل ممکن اثرات وفور منابع بر رشد اقتصادی را متأثر می‌سازد. از یک طرف، براساس رویکرد اول، وفور منابع می‌تواند به‌طور مستقیم کیفیت نهادی کشورها را تضعیف نماید و از این راه، رشد اقتصادی را کندتر کند. از سوی دیگر، براساس رویکرد سوم مطرح‌شده، چگونگی کیفیت نهادی کشورها می‌تواند در رابطه بین وفور منابع و رشد اقتصادی، تعیین‌کننده باشد؛ به‌طوری‌که پایین بودن سطح کیفیت نهادی، استفاده از وفور منابع طبیعی را به انحراف کشیده و این انحرافات و استفاده نادرست از وفور منابع باعث کندی رشد اقتصاد شود.

۳- پیشنهاد مطالعات تجربی

کیفیت نهادی از جمله موضوعاتی است که به دلیل تأثیر آن بر رشد اقتصادی کشورهای دارای وفور منابع طبیعی، در سال‌های اخیر حجم زیادی از مطالعات تجربی به ویژه در خارج از کشور را به خود اختصاص داده است. در این قسمت از مقاله پیشنهاد مطالعات تجربی با رویکرد انتقادی بررسی کرده است. به عبارت دیگر، در این بخش نتایج مطالعات تجربی انجام‌شده در زمینه موضوع تحقیق مرور شده است و سازگاری مباحث مطرح‌شده در قسمت ۱-۲ مقاله (وفور منابع طبیعی، رشد

اقتصادی و کیفیت نهادی) با نتایج و شواهد تجربی بحث شده است.

سالای مارتین و سابرامانیان^۱ (۲۰۰۳) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که وابستگی به منابع از دو طریق می‌تواند بر رشد اقتصادی اثرگذار باشد: به‌طور مستقیم یا به‌طور غیرمستقیم از طریق تأثیر بر کیفیت نهادی. آن‌ها همچنین تأثیر منفی وابستگی به منابع طبیعی بر کیفیت نهادی در مورد منابع معدنی و سوختی را بسیار قوی تشخیص دادند. نتایج این مطالعه رویکرد اول مطرح شده در بخش ۲-۱ مبانی نظری را تأیید کرده‌اند.

پایپراکس و قرلاف (۲۰۰۴) نیز بیان می‌کنند که وفور منابع طبیعی موجبات کندی رشد اقتصادی را فراهم می‌کند، اما آن‌ها دریافتند که وقتی متغیرهایی از قبیل فساد، سرمایه‌گذاری، درجه باز بودن تجاری، رابطه مبادله و شاخص‌های سرمایه‌انسانی در تصریح مدل در نظر گرفته می‌شوند، وفور منابع طبیعی اثر مثبتی روی رشد اقتصادی می‌گذارد. لذا همان‌طور که در مبانی نظری اشاره شد وفور منابع ذاتاً و به‌طور مستقیم، اثر منفی بر رشد ندارد بلکه آنچه موجب مشاهده رابطه منفی بین این دو مفهوم اساسی می‌شود وجود کانال‌هایی است از وفور منابع متأثر می‌شوند و به‌طور غیرمستقیم بر رشد اثر منفی می‌گذارند. به نظر می‌رسد در غیاب همه متغیرهای مربوط به این کانال‌ها در تصریح مدل، اثر آن‌ها در ضریب منفی وفور منابع ظاهر می‌شود.

خیرخواهان و برادران شرکا (۱۳۸۲) از زاویه اقتصاد سیاسی مسئله وفور منابع طبیعی و بلای منابع در کشورهای عضو اوپک را بررسی کردند. آنان ضعف نهادهای قانونی و حضور گروه‌های ذی‌نفع قدرتمند و رانت‌جویی را به‌منزله دلایل رشدنیافتگی این کشورها و ظهور پدیده بلای منابع دانسته‌اند. این نتیجه‌گیری به نوعی رویکرد سوم مندرج در قسمت ۲-۱ مقاله مبنی بر اینکه منابع طبیعی به خودی خود بحران‌زا نبوده، بلکه بر اینکه فقدان کیفیت نهادی مناسب و سطح بالا در یک کشور باعث ایجاد بلای منابع می‌شود تأیید کرده است. در این راستا مطالعات دیگری مانند علایلی^۲ (۲۰۰۵) و ایمی و اوچیمایا^۳ (۲۰۰۵) نیز به نتایج مشابهی دست یافته‌اند. علایلی در مطالعه خود به این نتیجه رسید که با افزایش شفافیت پرداخت‌های حاصل از منابع توسط شرکت‌ها به دولت، افزایش شفافیت دولت در مدیریت درآمدهای منابع، محدود کردن تجارت با ریسک‌های بالا، می‌تواند درآمدهای حاصل از منابع طبیعی را در جهت رشد و توسعه به کار گرفت. همچنین ایمی و اوچیمایا با استفاده از مدل رشد درون‌زای منابع طبیعی، به‌طور تجربی دریافتند که وفور منابع طبیعی معمولاً به کندتر شدن رشد اقتصادی منجر می‌شود؛ درحالی‌که اگر دولت‌ها توانایی کافی برای اعمال سیاست‌های مناسب مدیریت منابع را داشته باشند، وفور منابع می‌تواند ابزار سودمندی برای توسعه اقتصادی باشد. در مطالعه دیگری بولت^۴ و همکاران (۲۰۰۵) رابطه بین وفور منابع و شاخص‌های

1- Sala-i-Martin and Subramanian

2- Alayli

3- Iimi and Ojima

4- Bulte

مختلف رفاه را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که کشورهای دارای وفور منابع طبیعی در یک سطح درآمد اولیه معین، از سطوح پایین توسعه انسانی رنج می‌برند. آن‌ها همچنین دریافتند که ارتباط مستقیم ضعیفی بین منابع طبیعی و رفاه وجود دارد؛ درحالی‌که ارتباط غیرمستقیمی بین آن‌ها وجود دارد که از طریق کیفیت نهادی عمل می‌کند.

نتایج مطالعات رابینسون^۱ و همکاران (۲۰۰۶) نیز حاکی است که شرایط اقتصادی و کارایی دولت در اثرگذاری وفور منابع بر رشد نقش قابل توجهی دارد. ایشان چنین استدلال کرده‌اند که افزایش درآمد بخش منابع، از یک سو باعث بهبود مسیر استخراج منابع و از طرف دیگر باعث حمایت بیشتر و بنابراین ناکارایی در بخش دولتی می‌شود. اثر کل این پدیده به کیفیت نهادی بستگی دارد. در جایی که کیفیت نهادی بالا بوده و قابلیت حساسی سیاستمداران وجود داشته باشد، رونق بخش منابع باعث افزایش درآمد ملی و رشد اقتصادی می‌شود و بالعکس در صورتی که کیفیت نهادی ضعیف باشد، به کندی رشد اقتصادی منجر می‌شود.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در مطالعات تجربی فوق کیفیت نهادی در رابطه بین وفور منابع و رشد اقتصادی نقش بسزایی داشته است. مطالعات تجربی متعدد دیگری همچون ژوکووا^۲ (۲۰۰۶)، کلستاد^۳ (۲۰۰۷)، ایمی (۲۰۰۷)، برانش ویلر^۴ (۲۰۰۷) و مهرآرا و همکاران (۲۰۰۸) به نقش کیفیت نهادی در چگونگی استفاده از وفور منابع طبیعی و در نتیجه آثار آن بر رشد اقتصادی تأکید کرده و این اهمیت را با استفاده از شواهد تجربی کشورهای مختلف تأیید کرده‌اند. ژوکووا با آزمون فرضیه آستانه‌ای برای نرخ‌های رشد اقتصادی بدون به کار گرفتن سازوکار رانت‌جویی به این نتیجه رسید که وفور منابع طبیعی بر روی نرخ رشد اقتصادی کشورهای با منابع طبیعی پایین‌تر از سطح آستانه، دارای تأثیر مثبت و برای کشورهای دارای منابع طبیعی بیشتر از سطح آستانه دارای تأثیر منفی است. همچنین یافته‌های وی نشان داد که سطح آستانه نیز به کیفیت نهادی بستگی داشته و با توسعه آن افزایش می‌یابد؛ به‌طوری‌که در این مطالعه توضیح داده می‌شود که چرا کشورهای با کیفیت نهادی خوب، کمتر دچار بلای منابع می‌شوند. کلستاد با استفاده از داده‌های بین‌کشوری ساکس و وارنر (۱۹۹۷) به آزمون اثر کیفیت نهادی بخش خصوصی در مقابل بخش دولتی بر روی بحران منابع پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که فقط بهبود کیفیت نهادی بخش خصوصی بلای منابع طبیعی را اصلاح می‌کند.

ایمی با استفاده از داده‌های بین‌کشوری به بررسی اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی با ملحوظ کردن اثرات کیفیت نهادی (همانند حاکمیت قانون، سیاست‌های کنترل فساد، حق اعتراض و پاسخ‌گویی) پرداخت و نشان داد که کیفیت نهادی خوب برای مدیریت مؤثر منابع طبیعی و رشد

1- Robinson

2- Zhukova

۳- Kolstad

4- Brunnschweiler

اقتصادی خیلی مهم است. برانش ویلر (۲۰۰۷) با اثرات وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی با در نظر گرفتن نقش کیفیت نهادی به این نتیجه رسید که رابطه تجربی مثبت بین وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی بین سال‌های ۱۹۷۰-۲۰۰۰ با کیفیت نهادی سالم تقویت می‌شود. مهرآرا و همکاران (۲۰۰۸) نیز در مطالعه خود رابطه بین بلای منابع طبیعی و کیفیت نهادی کشورهای صادرکننده نفت را بررسی کرده‌اند. آن‌ها با تقسیم کشورهای نفتی به دو گروه کشورهای با کیفیت نهادی ضعیف و خوب به این نتیجه رسیدند که در کشورهای گروه اول درآمدهای نفتی دارای اثر منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی است؛ درحالی‌که در کشورهای گروه دوم این درآمدها دارای اثر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی هستند. به عبارت دیگر نعمت یا نعمت بودن منابع طبیعی (نفت) در این کشورها به کیفیت نهادی آن‌ها بستگی دارد.

در مرور مطالعات تجربی می‌توان مشاهده کرد که هرچند اغلب مطالعات تجربی تأثیر منفی وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی کشورهای برخوردار از منابع طبیعی را نتیجه‌گیری نموده‌اند، ولی برخی نیز این تأثیر را مثبت گزارش نموده‌اند. در ارتباط با رابطه وفور منابع طبیعی، کیفیت نهادی و رشد اقتصادی نیز اکثر مطالعات به این نتیجه رسیده‌اند که وفور منابع طبیعی در صورت وجود کیفیت نهادی بالا می‌تواند در جهت رشد و توسعه اقتصادی کشورهای دارای این منابع به کار گرفته شود، در غیر این صورت منابع طبیعی به منزله نعمت تلقی شده و به کاهش رشد منجر خواهد شد. در حقیقت منابع طبیعی نعمتی است که در اختیار جوامع انسانی قرار گرفته است و به خودی خود نمی‌تواند بلااستفاده محسوب شود، بلکه نحوه استفاده از این منابع است که سبب می‌شود احیاناً این منابع به صورت بلااستفاده دربیایند و در این راستا، سطح کیفیت نهادی نقش اساسی دارد.

بنابراین همان‌طور که در مبانی نظری بحث شد و مطالعات تجربی نیز نشان داد، شرایط اقتصادی حاکم بر کشورها از جمله سرمایه انسانی و کیفیت نهادی می‌تواند در نحوه اثرگذاری وفور منابع بر رشد اقتصادی نقش مهمی دارد و بسته به شرایط اقتصادی کشورها ممکن است نتایج متفاوتی حاصل شود. بنابراین چگونگی اثرات وفور منابع بر رشد اقتصادی و نیز نقش کیفیت نهادی در این رابطه مستلزم انجام مطالعه تجربی دقیق است. مروری بر مطالعات تجربی انجام شده نشان می‌دهد، به رغم اینکه در سال‌های اخیر به ویژه از سال ۲۰۰۵ به بعد، تحقیقات زیادی در خارج از کشور در زمینه وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی با در نظر گرفتن کیفیت نهادی انجام یافته یا در حال انجام است، در اقتصادهای نفتی در این زمینه مطالعه‌ای انجام نشده است. از این رو بررسی موردی نقش اثرات کیفیت نهادی در رابطه وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی در اقتصادهای نفتی ضروری است و با توجه به قرار گرفتن کشورمان ایران در این گروه از کشورها حائز اهمیت است. لذا بررسی روابط بین وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی از یک سو و نقش و اهمیت کیفیت نهادی در این رابطه از سوی دیگر مهم‌ترین هدف مقاله را تشکیل می‌دهد؛ تا به این ترتیب رویکردهای سه‌گانه مطرح شده در قسمت ۲-۱ مقاله در اقتصادهای نفتی مورد آزموده می‌شود و چگونگی اثرات وفور منابع بر رشد

اقتصادی و نیز نقش کیفیت نهادی در این کشورها معلوم شود.

۴- مدل و داده‌های تحقیق

مدل مورد استفاده در این مطالعه، در چارچوب متعارف ادبیات موضوعی رشد و وفور منابع طبیعی قرار دارد، که با تکیه بر مطالعات رشد بین‌کشوری همانند منکیو، رومر و ویل (۱۹۹۲)، بارو و سالای مارتین (۱۹۹۵) و بارو (۱۹۹۷) و نیز مطالعات تجربی رشد اقتصادی در کشورهای صاحب منابع طبیعی همانند ساکس و وارنر (۱۹۹۵ الف، ۱۹۹۷، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۱)، به ویژه مطالعه ایمی (۲۰۰۷) شکل گرفته است که به شکل زیر معرفی می‌شود:

$$git = \alpha_0 + \alpha_1 FUELit + \alpha_2 \theta it + \alpha_3 FUELit * \theta it + \alpha_4 Nit + \alpha_6 Xit' + \varepsilon$$

که در آن:

g نرخ رشد تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه به قیمت ثابت دلار سال ۲۰۰۰؛

$FUEL$ سهم صادرات سوخت از کل صادرات کالایی به منزله شاخص وفور منابع طبیعی؛

θ شاخص کیفیت نهادی، در این مطالعه متغیرهای اثربخشی دولت (GOV)، کنترل فساد (COR)، حق اعتراض و پاسخ‌گویی (VOI) و حاکمیت قانون (RUL) به منزله شاخص کیفیت نهادی^۱ استفاده شده است.

N نرخ رشد جمعیت بوده و X نیز شامل متغیرهای برون‌زایی است که برای کنترل ناهمسانی بین کشورها استفاده می‌شود، که در این مطالعه لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه در ابتدای هر دوره دوساله ($\ln GDP$) و سرمایه انسانی (HUM) به منزله متغیر کنترل استفاده شده‌اند. همچنین در این تحقیق از نرخ ثبت‌نام دوره متوسطه مردان به منزله معیار سرمایه انسانی استفاده شده است. خاطر نشان می‌سازد که داده‌های مربوط به همه متغیرهای مدل به جز شاخص کیفیت نهادی از لوح فشرده بانک جهانی (WDI, ۲۰۱۲) اخذ شده و اطلاعات مربوط به شاخص کیفیت نهادی نیز از مطالعه محاسبات انجام‌شده توسط کافمن و همکاران (۲۰۱۱) اخذ شده است.

همان‌طور که از مدل اقتصادسنجی تحقیق معلوم است، برای بررسی نقش کیفیت نهادی در رابطه وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی از ضریب متغیر تقاطعی وفور منابع طبیعی و کیفیت نهادی (α_3) استفاده شده است. در واقع، ضریب (α_3) از لحاظ آماری رویکرد سوم مطرح شده در بخش (۱-۲) مقاله را آزموده است و همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شده است، چگونگی اثرات وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی به کیفیت نهادی (خوب و ضعیف) بستگی دارد.

مدل معرفی شده با استفاده از رگرسیون داده‌های تابلویی نامتوازن^۲ تخمین زده شده است. باتوجه به نتایج آزمون F ، فرضیه صفر مبتنی بر استفاده از روش ترکیبی قابل رد کردن نبوده و از این رو برای

۱- شاخص‌های مربوط به کیفیت نهادی - که شامل حق اعتراض و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت تنظیم بازار، حاکمیت قانون و کنترل فساد، است - توسط کافمن و همکاران در سال‌های متعددی محاسبه و منتشر شده که آخرین ویرایش آن مربوط به سال ۲۰۱۱ است. برای مشاهده داده‌ها و کسب اطلاعات بیشتر به Kaufmann & Kraay and Mastruzzi, 2011 رجوع شود.

۲- به دلیل فقدان داده‌های آماری برخی متغیرها برای برخی از کشورها یا برخی سال‌ها، روش داده‌های تابلویی نامتوازن به کار گرفته شده است.

برآورد مدل از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) استفاده شده است.

دوره زمانی این پژوهش ۲۰۱۴-۱۹۹۶ است که به صورت شش دوره زمانی دوساله در نظر گرفته می شود.^۱ جامعه آماری این مطالعه نیز کشورهای صادرکننده عمده نفت خام هستند که برحسب تعریف انکتاد ۲۰۱۴، کشورهای الجزایر، آنگولا، بحرین، برونی، کنگو، گابن، گینه استوایی، ایران، عراق، کویت، لیبی، نیجریه، عمان، قطر، عربستان سعودی، سوریه، ترینیداد و توباگو، امارات متحده عربی، اکوادور، سودان، ونزوئلا و یمن اقتصاد نفتی^۲ تلقی می شوند.

۵- برآورد مدل و تحلیل نتایج

نتایج برآورد مدل در جدول (۱) نشان داده شده است. همان طور که اشاره شد باتوجه به آزمون F که در سطر پایانی جدول مورد اشاره و ذیل هر مدل گزارش شده فرضیه صفر مبتنی بر استفاده از روش ترکیبی قابل رد کردن نبوده و از این رو برای برآورد مدل از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (EGLS) استفاده شده است. نتایج حاصل از تخمین مدل حاکی است که در طی دوره زمانی مورد بررسی، به طور کلی در اقتصادهای نفتی، وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی تأثیر منفی و معنی دار داشته است.

همچنین نتایج دلالت بر این دارد که رابطه بین تولید ناخالص داخلی سرانه ابتدای دوره با نرخ رشد سرانه کشورها منفی است؛ یعنی هرچه GDP سرانه اولیه کمتر باشد، نرخ رشد اقتصادی طی دوره بیشتر خواهد بود. این پدیده در ادبیات موضوعی رشد به همگرایی شرطی موسوم بوده و یکی از نتایج مدل رشد نو کلاسیک است که در کشورهای مورد بررسی مورد انتظار است.

رابطه بین سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه مثبت و معنی دار بوده است. این نتیجه مطابق انتظار توریک بوده و نشان دهنده اهمیت سرمایه انسانی در رشد اقتصادی است. علامت ضریب متغیر جمعیت نیز منفی و معنی دار بوده است که مطابق انتظار است.

کیفیت نهادی یکی دیگر از عوامل مهم تأثیرگذار بر رشد اقتصادی است و ضریب مثبت و معنی دار متغیر اثربخشی دولت (به منزله شاخصی برای کیفیت نهادی) حاکی از آن است که کیفیت نهادی از جمله متغیرهای کلیدی تأثیرگذار بر رشد اقتصادی کشورهای نفتی بوده است. این شاخص توانایی دولت در تنظیم و اجرای سیاست های درست را نشان می دهد. هرچه دولت های کشورهای دارای اقتصاد نفتی در اجرای سیاست های مناسب و درست، موفق عمل کنند می توانند به رشد اقتصادی این کشورها کمک کنند. یعنی رشد اقتصادی می تواند با استفاده از کیفیت نهادی سالم و خوب در کشورهای دارای وفور منابع طبیعی تقویت شود.

۱- به علت محدودیت داده های مربوط به کیفیت نهادی که توسط کافمن و همکاران در بانک جهانی فقط برای سال های (۱۹۹۶-۲۰۰۷) محاسبه شده و تا سال ۲۰۱۴ نیز فقط برای سال های زوج تخمین زده شده است، ناگزیر دوره زمانی به ۱۹۹۶-۲۰۰۷ محدود شده و از داده های دوسالانه استفاده می شود. بنابراین در این مطالعه دوره گذر رشد تخمین زده می شود.

۲- اقتصادهایی که سهم صادرات نفت و فراورده های نفتی از کل صادرات کالایی آن ها ۵۰ درصد و بیشتر باشد (UNCTAD, 2008).

جدول ۱- رابطه رشد اقتصادی با وفور منابع طبیعی در حضور شاخص کیفیت نهادی (اثر بخشی دولت) در اقتصادهای نفتی (۲۰۱۴-۱۹۹۶)

	مدل (۱)	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)	مدل (۵)
C	۲/۴۹ (۱/۷۴)	۱۲/۰۸ *(۵/۴۵)	۸/۸۶ (۱/۵۴)	۲/۸۶ *(۲/۳۲)	۴/۸۵ (۱/۶۳)
LNGDP	-۰/۶۴ ***(-۱/۸۵)	-۰/۸۵ *(-۲/۴۸)	-۱/۵۴ ***(-۲/۳۵)	-۰/۳۸ (-۱/۵۲)	-۰/۱۷ (-۰/۲۱)
N	-۱/۰۸ *(-۲/۹۰)	-۱/۴۹ *(-۳/۹۴)	-۰/۸۵ *(-۸/۷۴)	-۲/۴۲ *(-۸/۸۵)	-۱/۱۹ *(-۴/۶۵)
HUM	۰/۰۹ *(۲/۸۴)	----	۰/۰۷۴ *(۲/۷۵)	۰/۴۵ *(۴/۳۲)	۰/۰۶۸ *(۲/۷۴)
FUEL	-۰/۰۰۷ (-۰/۸۵)	-۰/۰۰۹ ***(-۱/۹۵)	-۰/۰۲ (-۱/۳۶)	-۰/۰۲ **(-۳/۸۵)	-۰/۰۳۵ *(-۲/۴۱)
GOV	----	۱/۳۶ **(۳/۴۸)	۱/۷۸ (۱/۸۵)	----	۱/۸۵ *** (۱/۳۵)
GOV*FUEL	----	----	----	-۰/۰۰۴ (-۱/۳۸)	-۰/۸۷ ***(-۱/۸۴)
R ²	۰/۳۴	۰/۳۶	۰/۴۸	۰/۸۵	۰/۸۵
تعداد مشاهدات	۴۸	۸۵	۴۵	۴۸	۵۲
تعداد کشورها	۱۵	۱۶	۱۵	۱۵	۱۵
نتایج آزمون F	۰/۶۵	۱/۳۵	۰/۵۳	۰/۶۵	۰/۶۳

اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده آماره آزمون t است.

***، ** و * به ترتیب نشانگر معنی‌داری در سطح ۹۹، ۹۵ و ۹۰ درصد است.

ضریب متغیر تقاطعی اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی را در حضور متغیر کیفیت نهادی بیان می‌کند. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، ضریب این متغیر بیانگر نقش کیفیت نهادی در رابطه بین وفور منابع طبیعی و رشد اقتصادی است. به بیان بهتر، ضریب متغیر تقاطعی نشان‌دهنده اهمیت و نقش کیفیت نهادی در تبدیل منابع طبیعی به نعمت (فرصت) و یا نعمت (بلائی طبیعی) است. همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، ضریب متغیر تقاطعی کیفیت نهادی و وفور منابع طبیعی منفی شده است و این علامت منفی بیانگر این مطلب است که در کشورهای مورد مطالعه، ضعف کیفیت نهادی سبب شده است وفور منابع طبیعی به خوبی استفاده نشود و به جای نعمت به نعمت تبدیل شود و از این طریق اثر منفی وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی تشدید شود.

همان‌طور که در رویکرد اول ادبیات نظری مربوط به رابطه بین وفور منابع، کیفیت نهادی و رشد اقتصادی نیز مطرح شد، ممکن است وفور منابع طبیعی موجب کاهش کیفیت نهادی شود و از این طریق رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. در واقع، ممکن است این سؤال مطرح شود که اثرات غیرمستقیم وفور منابع از کانال کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی چگونه است؟ آیا وفور منابع طبیعی در اقتصادهای نفتی موجب کاهش کیفیت نهادی شده است؟ و با توجه به اثر مثبت و معنی‌دار کیفیت نهادی بر رشد، آیا وفور منابع از کانال کیفیت نهادی سبب کندتر شدن رشد اقتصادی شده است؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که براساس مدل مطرح شده در کل، وفور منابع طبیعی دارای دو اثر مستقیم و غیرمستقیم بر رشد اقتصادی است. یعنی اگر رشد اقتصادی (y) را تابعی از دو متغیر وفور منابع طبیعی (x_1) و کیفیت نهادی (x_2) در نظر بگیریم، با توجه به این مسئله که کیفیت نهادی در کشورهای دارای منابع طبیعی تحت تأثیر پدیده وفور منابع قرار می‌گیرد، پس خود متغیر کیفیت نهادی تابعی از وفور منابع طبیعی است؛ بنابراین می‌توان نوشت:

$$y = f(x_1, x_2) \quad x_2 = g(x_1)$$

با توجه به روابط ذکر شده، برای بررسی اثر کل وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی می‌توان از مشتقات جزئی استفاده کرد؛ به‌طوری‌که:

$$dy/dx_1 = \delta y/\delta x_1 + (\delta y/\delta x_2) * (\delta x_2/\delta x_1) \quad dy/dx_1$$

بیانگر کل اثرات (مستقیم و غیرمستقیم) وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصاد است که در آن: $(\delta y/\delta x_1)$ نشان‌دهنده اثر مستقیم وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی اقتصادهای نفتی است که در این مطالعه رابطه بین دو متغیر منفی است.

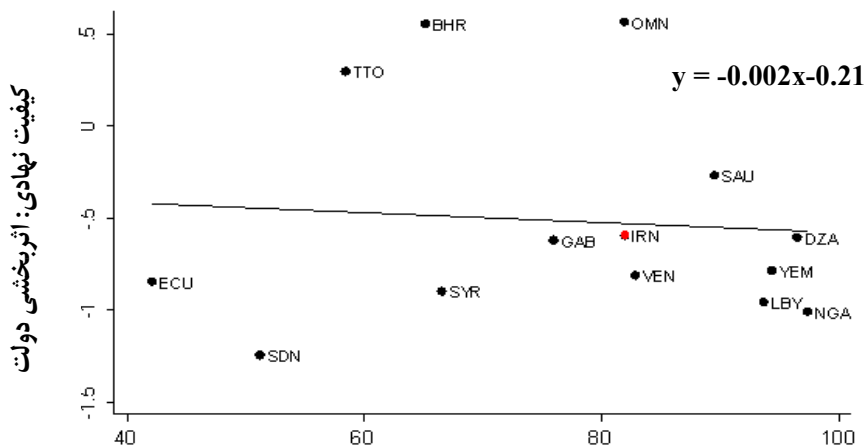
$(\delta y/\delta x_2)$ بیانگر اثر کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی اقتصادهای نفتی است. همان‌گونه که در جدول (۱) می‌توان مشاهده کرد، رابطه مثبت بین این دو متغیر برقرار است، یعنی هرچه کیفیت نهادی افزایش یابد، رشد اقتصادی نیز بیشتر خواهد بود. علامت این مشتق جزئی مثبت است.

$(\delta x_2/\delta x_1)$ نشان‌دهنده اثرات وفور منابع طبیعی بر کیفیت نهادی است. آمار توصیفی مربوط به ارتباط وفور منابع طبیعی با کیفیت نهادی در اقتصادهای نفتی، حاکی از وجود رابطه منفی بین آنها است. بدین معنی که هرچه وفور منابع طبیعی در این کشورها بیشتر باشد، کیفیت نهادی بیشتر کاهش می‌یابد. پس علامت این مشتق منفی خواهد بود.

نمودار شماره ۱ نیز رابطه وفور منابع طبیعی و شاخص کیفیت نهادی (اثر بخشی دولت) را در دوره

مورد بررسی (۲۰۱۴-۱۹۹۶) به صورت توصیفی نشان می دهد که حاکی از رابطه منفی این دو متغیر است.

نمودار شماره ۱- رابطه بین وفور منابع طبیعی و کیفیت نهادی (اثر بخشی دولت)



شاخص وفور منابع طبیعی

عبارت مشتق زنجیره ای $(\delta y / \delta x_p) * (\delta x_p / \delta x_n)$ بیانگر اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی از کانال کیفیت نهادی است. که باتوجه به فرمول ریاضی، حاصل ضرب دو مشتق جزئی خواهد بود و علامت آن منفی است. به عبارت دیگر، آثار غیرمستقیم وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی از کانال کیفیت نهادی منفی خواهد بود.

نتایج فوق نشان می دهد که هر دو اثر مستقیم و غیرمستقیم وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی منفی بوده و در نتیجه کل اثر وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی اثری منفی است؛ یعنی در اقتصادهای نفتی، وفور منابع طبیعی به طور مستقیم دارای تأثیر منفی بر رشد اقتصادی بوده و این اثر منفی از طریق کیفیت نهادی نیز تشدید می شود. از این رو در کشورهای دارای اقتصاد نفتی، اتکا بیشتر به منابع طبیعی و صادرات بیشتر نفت خام موجب صدمه زدن به کیفیت نهادی می شود و از این طریق نیز باعث تشدید کاهش رشد اقتصادی این کشورها می شود. ضمن اینکه براساس ضریب منفی متغیر تقاطعی مدل، کیفیت نهادی در این گروه از کشورها توانایی مدیریت و استفاده صحیح از منابع درآمدی ناشی از صدور نفت خام را ندارد و به دلیل ضعیف بودن کیفیت نهادی این کشورها، وفور منابع طبیعی به جای نعمت به نعمت تبدیل می شود.

در این قسمت برای بررسی استحکام نتایج به دست آمده، از سه شاخص دیگر از شاخص های

کیفیت نهادی (کنترل فساد، حق اعتراض و پاسخ‌گویی و حاکمیت قانون) استفاده شده است و مدل با لحاظ این متغیرهای نهادی برآورد شده است. باتوجه به نتایج حاصل از آماره آزمون F ، مدل با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته تخمین زده شده که نتایج برآورد در جدول ۲ نشان داده شده است.

نتایج حاصل از تخمین مدل‌های سه‌گانه در بررسی استحکام نتایج (جدول ۲)، نشان دهنده این است که علامت انتظاری ضرایب متغیرهای توضیحی همانند مدل اصلی (جدول ۱) مطابق انتظار بوده و براساس نتایج حاصل از برآورد مدل‌ها می‌توان گفت که وفور منابع طبیعی، رشد جمعیت و درآمد سرانه اولیه، اثر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای نفتی داشته و متغیر سرمایه انسانی دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار بر رشد اقتصادی می‌باشند.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های کیفیت نهادی به کار گرفته شده در استحکام نتایج با رشد اقتصادی رابطه مثبت و مطابق انتظار داشته است. لیکن ضرایب تقاطعی این شاخص‌ها با وفور منابع، منفی بوده و دلالت بر این دارد که در کشورهای مورد مطالعه پایین بودن کیفیت نهادی سبب شده است که وفور منابع بر رشد اقتصادی تأثیر منفی بر جای گذاشته است. به عبارت دیگر کیفیت نهادی پایین باعث شده وفور منابع به جای فرصت و نعمت به تهدید و نقیمت تبدیل شود.

از سوی دیگر بررسی نمودارهای پراکنش (نمودارهای ۲ تا ۴ در پیوست) بین سایر شاخص‌های کیفیت نهادی و وفور منابع طبیعی نیز نشان می‌دهد که رابطه منفی بین این دو متغیر وجود داشته است. به‌طوری‌که در دوره مورد مطالعه در این کشورها با افزایش وفور منابع طبیعی کیفیت نهادی کاهش یافته است. هرچند رابطه بین کیفیت نهادی و رشد اقتصادی به لحاظ نظری و مطالعات تجربی مثبت بوده و نتایج تحقیق حاضر نیز آن را تأیید کرده است، ولی وفور منابع طبیعی به‌طور غیرمستقیم از کانال کیفیت نهادی موجب کندی رشد اقتصادی شده است. این فرایند که نشانگر اثر غیرمستقیم وفور منابع از کانال کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی است، موجب می‌شود ضعف کیفیت نهادی در یک چرخه باطل سبب کندی هرچه بیشتر رشد اقتصادی در این کشورها شود. به عبارت دیگر، در اقتصادهای نفتی، درآمد حاصل از صادرات منابع طبیعی منابع اغلب به جای اینکه صرف حمایت از رشد و توسعه اقتصادی شود، در فرایندها و مدیریت نامناسب به هدر می‌رود و توان استفاده مؤثر از فرصت برخورداری از وفور منابع طبیعی را تضعیف می‌کند.

جدول ۲- استحکام نتایج: رابطه رشد اقتصادی با وفور منابع طبیعی در حضور شاخص‌های کیفیت نهادی (کنترل فساد، حق اعتراض و پاسخ‌گویی و حاکمیت قانون) در اقتصادهای نفتی (۲۰۱۴-۱۹۹۶)

	مدل (۶)	مدل (۷)	مدل (۸)
C	۷/۰۹ (۲/۴۵)	۱۴/۸۵ *(۲/۲۰)	۵/۱۷ ** (۳/۰۸)
LNGDP	-۰/۹۰۱ (-۲/۰۲)	-۰/۵۴ (-۱/۳۵)	-۰/۴۲ (-۰/۶۹)
N	-۰/۵۴ *(-۷/۰۱)	-۰/۹۵ *(-۲/۶۴)	-۱/۳۵ *(-۵/۸۵)
FUEL	-۰/۰۵ *(-۷/۴۵)	-۰/۰۷ ***(-۱/۸۵)	-۰/۳۲ *(-۳/۵۴)
HUM	۰/۰۸ *(۳/۳۵)	۱۳/۵۵ *(۲/۳۲)	۰/۰۸ *(۲/۸۵)
COR	۴/۷۴ *(۲/۷۴)	----	----
COR*FUEL	-۰/۰۲۴ *(-۴/۹۰)	----	----
VOI	----	۳/۷۵ *** (۲/۹۵)	----
VOI* FULE	----	-۰/۰۴ (-۱/۹۵)	----
RULE	----	----	۱/۳۵ (۱/۸۶)
RULE * FULE	----	----	-۰/۰۳ (-۱/۹۵)
R ²	۰/۵۴	۰/۵۹	۰/۶۴
تعداد مشاهدات	۴۸	۵۴	۴۵
تعداد کشورها	۱۵	۱۵	۱۵
F نتایج آزمون	۰/۶۲	۰/۵۶	۰/۴۵

اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده آماره آزمون t است.

*, **, و *** به ترتیب نشانگر معنی‌داری در سطح ۹۹، ۹۵ و ۹۰ درصد است.

۶- نتیجه گیری و توصیه سیاستی

ملاحظات نظری حاکی از آن است که اصولاً وفور منابع طبیعی باعث گسترش امکانات تولیدی یک اقتصاد می شود؛ از این رو منابع طبیعی به طور ذاتی و طبق تئوری های اقتصادی نمی تواند مانع رشد اقتصادی شود. بلکه وفور منابع طبیعی از طریق کانال هایی از قبیل کاهش بلندمدت در رابطه مبادله، بیماری هلندی، فساد اداری، رانت جویی، کاهش کیفیت نهادی و ... موجب بروز برخی انحرافات در عملکرد اقتصادهای متکی بر منابع شده و در نتیجه رشد اقتصادی آنها را به طور منفی متأثر می سازد. همچنین ملاحظه ادبیات تحقیق نشان می دهد چگونگی کیفیت نهادی کشورها در نحوه تأثیر گذاری (مثبت یا منفی) وفور منابع طبیعی بر رشد اقتصادی نقش بسزایی دارد. به طوری که کشورهایی که دارای کیفیت نهادی ضعیف هستند، وفور منابع طبیعی به خوبی مدیریت نشده و از این لحاظ موجب بلای طبیعی شده است، ولی در کشورهایی که دارای کیفیت نهادی بالاتر هستند، وفور منابع تبدیل به نعمت شده و به رشد اقتصادی آنها کمک کرده است.

نتایج تجربی تحقیق دلالت بر این دارد که وفور منابع طبیعی در اقتصادهای نفتی باعث بدتر شدن کیفیت نهادی شده و از این طریق باعث کندی رشد اقتصادی این کشورها می شود. در این کشورها نه فقط درآمدهای نفتی باعث افزایش رشد اقتصادی نمی شود، بلکه با آسیب زدن به شاخص های کیفیت نهادی باعث کندی رشد اقتصادی می شود.

ضرایب مربوط به متغیرهای تقاطعی کیفیت نهادی و وفور منابع طبیعی نیز چنین نتیجه گیری را به خوبی تأیید می کنند؛ چون علامت منفی این ضرایب دلالت بر این دارد که در این گروه از کشورها به دلیل ضعیف بودن سطح کیفیت نهادی، وفور منابع طبیعی به خوبی مدیریت نشده و استفاده صحیح از درآمدهای ناشی از صدور منابع طبیعی به عمل نیامده است و به همین جهت، وفور منابع طبیعی باعث پایین آمدن سطح کیفیت نهادی شده و این عوامل در مجموع سبب شده است وفور منابع طبیعی بلای این کشورها شود و در رشد اقتصادی این کشورها تأثیر منفی از خود بر جای بگذارد. در واقع، در کشورهای نفتی وجود کیفیت نهادی ضعیف باعث شده است نه فقط برخورد صحیح و کارآمد با درآمدهای حاصل از صدور منابع طبیعی صورت نگیرد، بلکه بر بروز این مشکل (تضعیف کیفیت نهادی) افزوده و از این کانال رشد اقتصادی را به طور معنی دار کاهش داده است.

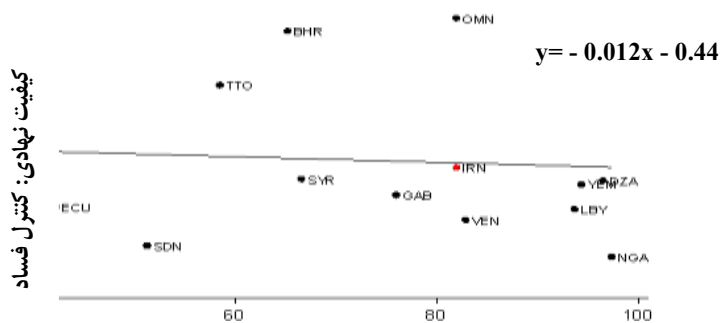
از سوی دیگر بررسی توصیفی نشان داد که بین شاخص های کیفیت نهادی و وفور منابع طبیعی رابطه منفی وجود داشته است. بنابراین هرچند از لحاظ نظری و مطالعات تجربی بین کیفیت نهادی و رشد اقتصادی رابطه مثبت وجود دارد و نتایج تحقیق حاضر نیز آن را تأیید کرده است، ولی وفور منابع طبیعی به طور غیرمستقیم از کانال کیفیت نهادی موجب کندی رشد اقتصادی شده است. این فرایند موجب می شود ضعف کیفیت نهادی در یک چرخه باطل باعث کندی هرچه بیشتر رشد اقتصادی در این کشورها شود.

با در نظر گرفتن نتایج به دست آمده و تحلیل های ارائه شده، از آنجا که توأم بودن وفور منابع

با ضعف کیفیت نهادی در یک چرخه باطل سبب کندی هرچه بیشتر رشد اقتصادی می‌شود؛ این پدیده، از یک سو منتج به عدم تدبیر مناسب در نحوه هزینه‌کرد و جذب درآمدهای حاصل از صدور منابع طبیعی از جمله نفت خام و از سوی دیگر ناشی از ضعف کیفیت نهادی است؛ بنابراین حلقه مفقوده عدم تحقق نرخ‌های رشد اقتصادی بالاتر و پایدارتر در این جوامع را به رغم وفور منابع طبیعی، باید در نحوه برخورد با درآمدهای حاصل از فروش منابع و مدیریت آن جستجو کرد. در این راستا، طبق نتایج این مطالعه، توصیه سیاستی مهم آن، اصلاح الگوی مدیریت درآمدهای ناشی از فروش منابع سرشار طبیعی برای بهبود و ارتقای کیفیت نهادی است که این امر می‌تواند یکی از راهبردهای مناسب برای شکستن چرخه باطل و به‌طور متعادل در یک فرایند دوسویه، موجب افزایش و پایداری رشد اقتصادی تلقی شود. در کنار اصلاح الگوی مدیریت درآمدهای درآمدهای منابع طبیعی ارتقای کیفیت نهادی از کانال‌های دیگر نیز می‌تواند در تسریع رشد اقتصادی مؤثر واقع شود.

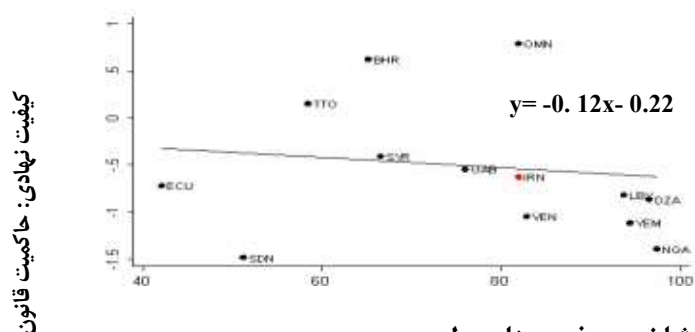
پیوست:

نمودار (۲) رابطه بین وفور منابع طبیعی و کیفیت نهادی (کنترل فساد)



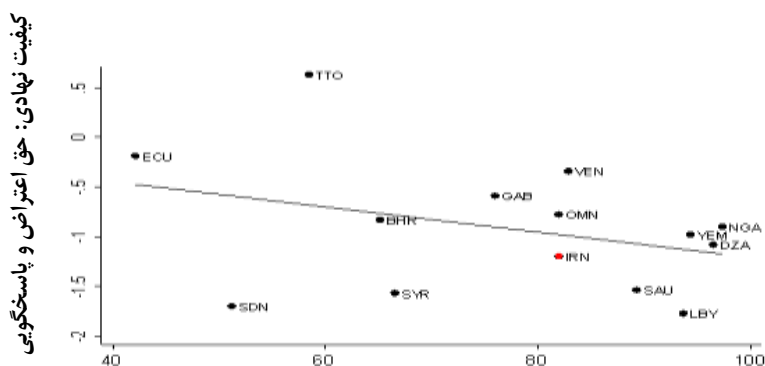
شاخص وفور منابع طبیعی

نمودار (۳) رابطه بین وفور منابع طبیعی و کیفیت نهادی (حاکمیت قانون)



شاخص وفور منابع طبیعی

نمودار (۴) رابطه بین وفور منابع طبیعی و کیفیت نهادی (حق اعتراض و پاسخ‌گویی)



کیفیت نهادی: حق اعتراض و پاسخ‌گویی

منابع

- بهبودی، داود، اصغرپور، حسین و ممی‌پور، سیاب. (۱۳۸۸). فراوانی منابع طبیعی، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۴۰، صص ۱۲۵-۱۴۷.
- بهبودی، داود، اصغرپور، حسین و ممی‌پور، سیاب. (۱۳۸۸). نقش وفور منابع طبیعی در رابطه سرمایه انسانی با رشد اقتصادی در کشورهای صادرکننده نفت (رهیافت داده‌های مقطعی)، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، سال ۱۲ شماره ۲۵.
- بهبودی، داود، اصغرپور، حسین و ممی‌پور، سیاب. (۱۳۸۸). تبیین بلای منابع با تأکید بر نقش سرمایه انسانی، نامه مفید، سال ۱۵ شماره ۷۵.
- خیرخواهان، جعفر و برادران شرکا، حمیدرضا. (۱۳۸۲). رونق نفتی و نرخ پس انداز در کشورهای اوپک، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۶، صص ۱۰۱-۱۳۲.
- سامتی، مرتضی، احمدزاده، عزیز و شهنازی، روح‌الله. (۱۳۸۶). اثر منابع طبیعی بر اقتصاد کشورهای اوپک و چند کشور منتخب، فصلنامه جستارهای اقتصادی، سال چهارم، شماره هفتم، صص ۵۵-۷۴.
- سلمانی، بهزاد و یآوری، کاظم. (۱۳۸۳). رشد اقتصادی در کشورهای دارای منابع طبیعی: مورد کشورهای صادرکننده نفت، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۱، صص ۱-۲۴.
- Alayli, Mohammed Ali (2005), "Resource Rich Countries and Weak Institutions: The resource Curse Effect", Berkeley.EEP131, pp.1-15.
- Behboudi, Davoud, Mamipour, Siab and Karami, Azdar, (2010) "Natural Resource Abundance, Human Capital and Economic Growth in the Petroleum Exporting Countries" Journal of Economic Development, Vol 35, No 3.
- Bravo-Ortega, Claudio and Jose De Gregorio (2005), "The relative richness of the poor? Natural resources, human capital and economic growth", World Bank, Working Paper Series No. 3484.
- Brunnschweiler, Christa N (2007), "Cursing the Blessing? Natural Resource Abundance, Institutions, and Economic Growth", World development Vol.36, no.3, pp.399-419.
- Bulte, E, Damania, R. and Deacon, R (2005), "Resource Intensity, Institutions, Development", World Development Vol. 33, no.7, pp.1029-1044.
- Hamilton, Kirk and Ruta, Giovanni (2006), "From Curse to Blessing, Natural Resource and Institutional Quality", Environment Matters- The World Bank Group, pp. 24-27.

Imi, Atsushi and Ojima, Yasuhisa (2005), "Natural Resources, Economic Growth and Good Governance: An Empirical Note", JBICI Working Paper, no.21, pp.1-21.

Imi, Atsushi (2007), "Escaping from the Resource Curse: Evidence from Botswana and the Rest of the World", IMF Staff Papers, Vol. 54, no.4, pp 663-699.

Kaufmann, D., Kraay, A. and Mastruzzi, M. (2008), "Governance Matters VII: Aggregate and Individual Governance Indicators for 1996-2007", World Bank Policy Research Working Paper no. 4654, pp.1-105.

Kolstad, Ivar (2007), "The resource curse: Which institutions matter?", Michelsen Institute, pp. 1-7.

Mankiw, G., Romer, D., and Weil, D. (1992), "A Contribution to the Empirics of Economic Growth", Quarterly Journal of Economics, Vol.107, no.2, pp.407-437.

Mehlum, H., Moene, K. and Torvik, R. (2006), "Institutions and the resource curse", The Economic Journal, 116, pp.1-20.

Mehrara, M., Alhosseini, M. and Bahramirad, D. (2008), "Resource curse and institutional quality in oil countries", MPRA Paper, no. 16456, pp.1-22.

Papayrakis, Elissaios and Gerlagh, Reyer (2004), "the resource curse hypothesis and its transmission channels", Journal of Comparative Economics, 32, pp.181-193.

Papayrakis, Elissaios and Gerlagh, Reyer (2007), "Resource abundance and economic growth in the United states", European Economic Review, 51, pp.1011-1039.

Robinson, J. A., Torvik, R. and Verdier, T. (2006), "Political foundations of the resource curse", Journal of Development Economics, 79, pp.447-468.

Sala-i-Martin, Xavier and Subramanian, Arvind (2003). "Addressing the natural resource curse: an illustration from Nigeria", NBER Working Paper, no. 9804, pp.1-46.

Sachs, Jeffrey D. and Andrew M. Warner (1995a), "Natural resource abundance and economic growth", NBER Working Paper no. W5398.

Sachs, Jeffrey D. and Andrew M. Warner (1997), "Natural resource abundance and economic growth", Working Paper, Institute for International

Development, Harvard university, pp.1-50.

Sachs, Jeffrey D. and Andrew M. Warner (2001), “Natural resources and economic development: the curse of natural resources”, *European Economic Review*, 45, pp. 827-838.

Zhukova, Nadezhda (2006), “Resource Abundance and Economic Growth: the Role of Institutional Development”, Working paper #BSP/2004/071E–Moscow, New Economic School, pp.1-35.

UNCTAD (2008), *UNCTAD Handbook of Statistics 2008*

World Bank (2008), *World Development Indicators CD-ROM*.

آسیب‌شناسی فرایند مناقصه و مزایده و شناسایی فسادهای آن

علی احمدی^۱

چکیده

یکی از راه‌هایی که قانون‌گذار، برای تأمین نیازهای دستگاه‌های دولتی، همچنین فروش اقلام، املاک و محصولات تولیدی، پیش‌بینی نموده مناقصه و مزایده است، این فرایند (مناقصه عمومی و محدود) در معاملات عمده بوده و با توجه به شیوه اطلاع‌رسانی و قبول پیشنهادها و بعضاً تبانی در معاملات از طریق فروش اطلاعات (رانت اطلاعاتی) مربوط به معامله، ابهام در شرایط و اسناد مناقصه و مزایده، کلی‌گویی و فقدان شفافیت در شرایط و مختصات اقلام مورد نیاز، درهم نمودن اقلام سالم و معیوب و اعلام به منزله مازاد و بعضاً، رعایت نمودن مواعید مقرر در فرایند برگزاری و انتخاب پیمانکار و انعقاد قرارداد و متعاقب آن فقدان نظارت مؤثر توسط واحد ناظر در دستگاه طرف قرارداد با پیمانکار یا مشاور، تهیه و تأیید صورت وضعیت‌های صورتی به سبب ماهیت آن‌ها، بالأخص در پروژه‌های عمرانی که پس از انجام، بررسی را با شرایط سخت مواجه می‌نماید، همچنین وجود گستره مالی زیاد و مطرح شدن موضوع اموال عمومی در آن، تمایل متولیان امر اعم از بخش خصوصی و دولتی را برای ایجاد فساد نمایان می‌نماید.

شایان ذکر است، عواملی از جمله: اعتباربخشی به پیشنهادهای مبهم، مخدوش، مشروط، ارائه شده خارج از وقت مقرر در قوانین و اسناد متناظر، توافقات بعد از تشریفات معامله، فقدان برنامه نیازسنجی متناسب و تلاش برای تأمین اقلام غیر ضروری، بر آورد غلط و بعضاً غیر واقعی بودن بر آورد اولیه، ندادن رسید به ذی نفع پس از تحویل پاکت‌ها، توجه پذیر جلوه دادن یک طرح از نظر اقتصادی و زیست محیطی، رویکرد اسناد مناقصه به نفع یک فرد خاص و محدود کردن رقابت، پیچیدگی عمدی اسناد مناقصه برای دشوار کردن امر نظارت، فقدان معیار صحیح و استفاده از معیارهای ذهنی برای ارزیابی مناقصه گران و در برخی موارد اعمال غرض یا اعمال نفوذ با داشتن هدف خاص، سوء استفاده از شرایط اضطراری مانند بلایای طبیعی، جنگ و...، پرداخت رشوه برای افزایش رتبه پیمانکار و وارد شدن در فهرست کوتاه یا خارج شدن از فهرست سیاه، سوء استفاده از قانون و برگزاری مناقصه محدود و ترک تشریفات مناقصه به منزله یک اصل، ارائه قیمت بسیار بالا برای برنده کردن شخص مورد نظر، و توافق عوامل تأثیر گذار با خریداران اقلام در مزایده‌ها و تبانی برای ارائه قیمت اندک، ورود کار چاق کن‌ها و... فساد در معاملات دولتی را افزایش می‌دهد.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، رانت، تبانی، مناقصه عمومی، مناقصه محدود، مزایده، معاملات دولتی، فساد

مقدمه

بر اساس بند الف ماده ۲ قانون برگزاری مناقصه، مناقصه فرایندی است رقابتی برای تأمین کیفیت موردنظر (طبق اسناد مناقصه) که در آن تعهدات موضوع معامله به مناقصه‌گری که کمترین قیمت متناسب را پیشنهاد کرده باشد واگذار می‌شود، همچنین مستند به ماده ۹ قانون برگزاری مناقصه، فرایند برگزاری مناقصات به ترتیب شامل مراحل: الف - تأمین منابع مالی. ب - تعیین نوع مناقصه در معاملات بزرگ (یک مرحله‌ای یا دومرحله‌ای، عمومی یا محدود). ج - تهیه اسناد مناقصه. د - ارزیابی کیفی مناقصه‌گران در صورت لزوم. ه - فراخوان مناقصه. و - ارزیابی پیشنهادها. ز - تعیین برنده مناقصه و انعقاد قرارداد می‌باشد. در پیگیری و عملیاتی نمودن موارد مذکور، اختیارات شناور متولیان امر در دستگاه‌های دولتی، به اعتبار اینکه منافع بخش عمومی نیز در مناقصه وجود دارد و فرد اموال خود را معامله نمی‌کند، امکان وسوسه برای برداشت قسمتی از منافع برای فرد و در نتیجه امکان سوءاستفاده بیشتر برای تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران در حوزه معاملات دولتی می‌شود.

آسیب‌های مرتبط با فرایند مناقصه و مزایده، در مراحل مختلف شامل، اعلام نیاز از سوی واحد مربوطه، برآورد اولیه قیمت در مناقصه و ارجاع به کارشناسی برای تعیین قیمت در مزایده، تهیه اسناد، انتشار آگهی، بازگشایی پاکت‌ها، انعقاد قرارداد و در نهایت انجام کار که باعث فساد می‌شود، عموماً سوءاستفاده مسئولین متولیان امر، بالأخص اعضای کمیسیون معاملات از اختیارات قانونی واداری با استفاده از ترفند و شیوه‌های مختلف، تفسیرهای سلیقه‌ای از قوانین و مقررات مورد عمل و استفاده از ابهامات موجود در قوانین، به ویژه جاهایی که قانون‌گذار برای مشخص نمودن روش انجام کار سکوت نموده است، باهدف انتفاع اقتصادی از سطوح پایین در سیستم‌های اداری، همچنین اغماض واحدهای ناظر درون‌سازمانی و بعضاً برون‌سازمانی در مراحل مختلف معامله دولتی و اعلام نمودن نارسایی و تخلفات و متعاقب آن تخلفات پیمانکار در اجرای پروژه، محقق می‌شود.

بدون شک بالا بودن حجم معاملات دولتی در قیاس با معاملات بخش غیردولتی، دارای گستردگی و پیچیدگی خاصی بوده و همین عامل از یک‌طرف و میل و رغبت دستگاه‌های دولتی برای انجام معامله به صورت ترک تشریفات از سوی دیگر، زمینه تبانی در معاملات دولتی را افزایش می‌دهد. گرچه قانون‌گذار در صدر ماده ۷۹ قانون محاسبات عمومی مصوب سال ۱۳۶۶ به اصل لزوم انجام کلیه معاملات دولتی براساس تشریفات مناقصه و مزایده تصریح داشته است. لیکن در عمل، با ارائه توجیهاتی، اجرای دقیق اصل فوق تا حدودی مغفول مانده است، بنابراین، در انجام معاملات دولتی، اصل بر انجام آن‌ها از رهگذر برگزاری تشریفات مناقصه و مزایده است مگر در موارد خاص، با عنایت به مراتب فوق، رقابتی بودن یکی از ارکان مناقصه بوده و به تعبیر دیگر، ماهیت خاص مناقصه، انتخاب طرف قرارداد و معامله از طریق ایجاد فرصت برای اشخاص حقیقی و حقوقی واجد صلاحیت با استفاده از ظرفیت‌های پیش‌بینی شده در قوانین و مقررات متناظر با رعایت مدیریت رقابت سالم در کلیه فرایندها می‌باشد. ازسوی دیگر طبق ماده ۹ قانون برگزاری مناقصه،

فرایند برگزاری مناقصه، شامل تأمین منابع مالی، تعیین نوع مناقصه، تهیه اسناد مناقصه، ارزیابی کیفی مناقصه و در صورت لزوم فراخوان مناقصه، ارزیابی پیشنهادها و انعقاد قرارداد می‌باشد.

شیوه‌های انجام یک معامله دولتی، که دولت برای رفع حوائج ضروری خود مبادرت به انجام تشریفات آن می‌نماید، اعم از اینکه طرف معامله دولت باشد یا طرفین آن از ادارات دولتی و اعم از اینکه طرف شخص حقیقی باشد یا اینکه شخص حقوقی، خصوصی یا عمومی باشد در اجرای ماده ۱۱ قانون برگزاری مناقصه، با توجه به نوع آن (کوچک یا جزئی، متوسط و بزرگ یا عمده) تعیین گردیده است. البته در برخی موارد به لحاظ انحصاری بودن و ماهیت طرف قرارداد که دولتی یا مؤسسه عمومی غیردولتی باشد، استثنائاتی در قوانین و مقررات مربوط پیش‌بینی شده است.

درباره مزایده طبق ماده ۸۲ قانون محاسبات عمومی، در مورد معاملات جزئی به بیشترین بهای ممکن به تشخیص و مسئولیت مأمور فروش، در مورد معاملات متوسط با حراج و در مورد معاملات عمده با انتشار آگهی مزایده عمومی صورت می‌گیرد. در این مقاله، فرایند مناقصه و مزایده در دستگاه‌های اجرایی و دولتی، از منظر آسیب‌شناسی مورد توجه قرار گرفته و فسادهای مرتبط با آن نیز براساس مطالعه ادبیات نظری و عملی مرتبط با مقاله تبیین شده و شیوه‌های تبانی در معاملات دولتی و ارتکاب این جرم با توجه به سیاست‌های تقنینی در ایران (که البته کمتر از مناقصه است) اشاره می‌شود.

مبحث اول) آسیب‌ها، جهت‌گیری و مدل‌های تحقق تبانی در مناقصه‌ها:

در سال‌های اخیر، در فرایند برگزاری مناقصات کشور، تمایل زیاد دستگاه‌های مناقصه‌گذار برای برگزاری مناقصات محدود مشاهده شده است. در این حالت، مناقصات محدود و ترک تشریفات مناقصات به منزله یک اصل و مناقصات عمومی به منزله یک استثنا مطرح می‌شود، به‌طوری‌که از نظر ریالی، میزان مناقصات محدود از مناقصات عمومی پیشی می‌گیرد. مسلماً، این حالت زمینه‌های رانتجویی و سوءاستفاده را برای افرادی خاص مهیا می‌کند. به‌طور کلی، هر قدر خریدهای دولتی (اعم از کالا یا خدمات) از روش مناقصه عمومی فاصله می‌گیرند و به سوی مناقصه محدود یا ترک تشریفات مناقصه نزدیک می‌شوند، اعمال نظارت بر فرایند خریدها کم‌رنگ‌تر شده و احتمال وقوع تبانی بیشتر می‌شود. قانون‌گذار نیز در مفاد جزء ۲ بند ب ماده ۴ و ماده ۲۷ قانون برگزاری مناقصات با تشخیص صحیح این مطلب، خریدهای بزرگ دستگاه‌ها را فقط از طریق برگزاری مناقصه عمومی مجاز دانسته و انجام معامله از طرق دیگر را فقط برای وضعیت‌های خاص، اضطراری و با شرایط محدودکننده، تجویز کرده است. قاعده‌ای وجود دارد و آن این است که در فرضی که اکثر خریدهای اداره‌ای، از طریق برگزاری مناقصه محدود یا بدتر از آن از طریق ترک تشریفات مناقصه انجام شده باشد و دلایل ارائه‌شده برای اتخاذ این روش‌ها نیز چندان منطقی نباشد، باید به حسن جریان امور در بخش خریدهای آن دستگاه شک کرد، هر چند برگزاری مناقصه عمومی، به تنهایی اثبات‌گر سلامت معاملات انجام گرفته نیست.

تشریح آسیب‌ها، جهت‌گیری و مدل‌های تحقق‌تبانی در مناقصه‌های عمومی (معاملات عمده):

برخی شکل‌گیری‌های فساد اقتصادی ناظر بر مناقصه عمومی، که با تبانی بخش دولتی و خصوصی همراه است به شیوه‌های زیر محقق می‌شود:

- روابط پشت پرده و قول و قرارهای متولیان برگزاری مناقصه و پیشنهاددهندگان قیمت، بعضاً با ورود کارچاق‌کن‌ها و به اصطلاح واسطه‌ها یا از منظر حقوقی، رایش‌ها:^۱

در همه مراحل انجام مناقصه، یعنی از زمان تعریف نیاز از سوی دستگاه مناقصه‌گذار تا عقد قرارداد و تحویل محصول، امکان سوءاستفاده و در نتیجه بروز فساد وجود دارد؛ که در مراحل مختلف، به اشکال مختلف و احتمال وقوع متفاوت نمایان می‌شود. درباره تبانی به شیوه فوق ممکن با عناوین کمیسیون، حق‌الزحمه، حق‌العمل یا پاداش برای خود یا دیگری، نفعی در داخل یا خارج از کشور، از طریق توافق یا تفاهم یا ترتیبات خاص دیگر منظور دارد یا با اقداماتی زمینه تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام‌شده شود، البته عبارت، افزایش قیمت تمام‌شده که ذیل ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی^۲ آمده دلالت بر این امر دارد که قانون‌گذار به خرید و مناقصه توسط دستگاه ذی‌ربط نظر داشته، نه فروش و مزایده. (مهاجری، ۱۳۷۹)

- مذاکره مناقصه‌گران با یکدیگر و توافق باهم درباره چگونگی ارائه قیمت و طراحی نحوه پیشنهاد قیمت:

در این خصوص، شرکت‌ها و اشخاصی که قصد شرکت در مناقصه را دارند، با توافقات فی‌مابین و اطلاع از وضعیت موضوع مناقصه، عالماً و عامداً، به کیفیتی ارائه قیمت می‌نمایند، که نوسانات موجود در قیمت‌های پیشنهادی، زمینه برنده شدن قیمت‌های پایین‌تر که به نحوی در چرخه قیمت‌گذاری خودشان قرار دارد، برنده و متعاقب آن از امتیاز و انتفاعی که برای آن‌ها تحصیل می‌شود سهم می‌شوند. (رویه عملی اعضای کمیسیون مناقصه در این فرض به گونه‌ای است که اگر متوجه تبانی مناقصه‌گران نگردند، قیمت‌های بالا را حذف و به مناسب‌ترین قیمت که به برآورد آن‌ها نزدیک‌تر باشد، جهت برنده نمودن اظهارنظر می‌نمایند). البته در برخی موارد نیز مناقصه‌گران با یکدیگر تبانی و قیمت پایین ارائه می‌کنند تا در مناقصه برنده‌شده و پس از انعقاد قرارداد و دریافت بخشی از مبلغ قرارداد، زمینه تضییع حقوق دولت را فراهم نمایند، که در این خصوص تبانی و توافق

۱- به فرد یا افرادی که در دریافت رشوه توسط کارکنان دولت، نقش واسطه را دارند، رانش یا رایش گفته می‌شود.

۲- هریک از کارمندان و کارکنان و اشخاص عهده‌دار وظیفه مدیریت و سرپرستی در وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان‌های مذکور در ماده (۵۹۸) که بالمباشره یا به واسطه در معاملات و مزایده‌ها و مناقصه‌ها و تشخیصات و امتیازات مربوط به دستگاه متبوع، تحت هر عنوانی اعم از کمیسیون یا حق‌الزحمه و حق‌العمل یا پاداش برای خود یا دیگری نفعی در داخل یا خارج کشور از طریق توافق یا تفاهم یا ترتیبات خاص یا سایر اشخاص یا نمایندگان و شعب آن‌ها منظور دارد یا بدون مأموریت از طرف دستگاه متبوعه بر عهده آن چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجوهی که حسب وظیفه به عهده او بوده یا تفریح حسابی که باید به عمل آورد برای خود یا دیگری نفعی منظور دارد، به تأدیه دو برابر وجوه و منافع حاصله از این طریق محکوم می‌شود و در صورتی که عمل وی موجب تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام‌شده آن شود به حبس از شش ماه تا پنج سال یا مجازات نقدی از سه تا سی میلیون ریال نیز محکوم خواهد شد. ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی

باعث فسادى که زمینه به ضرر دولت یا شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت شود، مشمول مجازات لحاظ شده در قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی خواهد بود. (مهاجرى، ۱۳۷۹)

- تبانی مناقصه‌گران با دستگاه مناقصه‌گذار برای اعلام برآورد اولیه غیر واقعی و عدم اعلام مبلغ برآوردی معامله از سوی مسئولان دستگاه مربوط برای اعلام آن به اشخاص مورد نظر:

ممکن است اعضای کمیسیون مناقصات به استناد بند ۵ ماده ۱۳ قانون مناقصات^۱، از ذکر مبلغ برآوردی معامله در اسناد مناقصه خودداری کرده، ولی با تبانی مناقصه‌گران مورد نظر، مبلغ را به آنان اعلام می‌کنند تا این افراد در پیشنهاد قیمت خود مبلغی را پیشنهاد دهند که باعث برنده شدن آنان شود. این نوع تبانی را فقط در فرض شرکت یا معاونت کارکنان دولتی دستگاه مربوط می‌توان تصور کرد. فساد فاحش‌تر در این خصوص مربوط به زمانی است که برخی افراد در سیستم دولتی با تبانی با افرادی که مقرر است پیشنهاد ارائه و در مناقصه شرکت نمایند، نسبت به برآورد اولیه قیمت، قیمت برآوردی که ملاک مقایسه برای قیمت‌های پیشنهادی مناقصه‌گران است را بالاتر از قیمت معقول و منطقی محاسبه و اعلام می‌نمایند. به ویژه اگر موضوع مناقصه امور و نیازهای تخصصی دستگاه باشد که در این فرض، چون مداخلت سایر اعضای کمیسیون معاملات، به اعتبار صلاحیت اظهار نظر توسط متولی واحد تخصصی درون دستگاهی، کم‌رنگ می‌باشد، فساد وسیع و پیچیده‌تر می‌شود.

- شرکت در مراحل اولیه مناقصه و عدم حضور در مراحل پایانی:

تبانی در این فرض، عموماً مربوط به مناقصه‌گرانی است که برای بازارگرایی و افزایش تعداد شرکت‌کنندگان در فراخوان مناقصه در تشریفات اولیه حاضر و در فرایندهای بعدی با مذاکره و توافق با سایر پیشنهاددهندگان، حضور پیدا ننموده و زمینه برنده شدن شرکت یا شرکت‌هایی که باهم تبانی داشته‌اند را فراهم می‌نماید. نکته اقدام به این عمل این گونه است که اگر از ابتدا حضور نداشته باشد، احتمال تجدید مناقصه به علت به حدنصاب نرسیدن شرکت‌کنندگان متصور است.^۲ گرچه در این موارد دستگاه می‌تواند از محل ضمانت‌نامه ارائه‌شده اقدامات قانونی را پیگیری نماید، لیکن به علت اینکه برخی شرکت‌کنندگان حرفه‌ای، معمولاً ضمانت‌نامه‌های دارای اشکال ارائه یا با هماهنگی بانک صادرکننده آن را از اعتبار می‌اندازند، و بعضاً نیز اعضای کمیسیون معاملات دستگاه‌ها اشرافیت لازم برای تشخیص ایرادهای موجود در ضمانت‌نامه را ندارند، موضوع پیگیری عملاً منتفی می‌شود. نکته پایانی در این بحث این است که گرچه عدم حضور شخص در فرایند مناقصه، گاهی ممکن است سبب محدودیت‌ها و مشکلاتی برای وی شود،^۳ لیکن عالماً عامداً از

۱- مبلغ برآورد شده معامله و مبنای آن (در صورتی که تعیین آن میسر یا به مصلحت نباشد) در مواردی که فهرست‌بهای پایه وجود دارد، برآورد مربوط طبق فهرست یادشده تهیه می‌شود.

۲- مستفاد از بند ۱ ماده ۲۴ قانون برگزاری مناقصات.

۳- طبق ماده ۲۴ آیین‌نامه ارجاع کار به پیمان‌کاران مصوب ۲۴/مهر/۱۳۸۱ هیأت وزیران «پیمانکارانی که در یک دوره یک‌ساله بیش از سه بار شرکت در فراخوان ارجاع کار در صورت دریافت دعوت‌نامه، خودداری کنند، می‌بایست دلایل خود را مستند به مدارک و اسناد معتبر برای بررسی به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارسال کنند. چنانچه کمیته فنی تشخیص صلاحیت، امتناع از کار را ناشی از فقدان صلاحیت در ارجاع کار تشخیص دهد، گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکار به مدت یک سال لغو خواهد شد.»

ادامه کار انصراف داده تا شخص دیگری برنده شود.

- هماهنگی با برخی نشریات، که در دسترس همگان نبوده و مخاطبان محدودی دارند برای چاپ

فراخوان مناقصه:

در برخی موارد، آگهی مناقصه با علم و به عمد در روزنامه کثیرالانتشاری که مورد مراجعه عموم نیست یا در صفحه‌هایی از روزنامه که کم‌تر جلب توجه می‌کند، به چاپ می‌رسد تا هم وظیفه قانونی مقرر در بند ب ماده ۱۳ قانون برگزاری مناقصات رعایت و هم بااطلاع موضوع به افراد موردنظر، زمینه برنده شدن آنان فراهم شود.

- کم‌رنگ بودن ارزیابی اسناد مدارک شرکت کنندگان در مناقصه از سوی اعضای کمیسیون

معاملات به‌منزله یکی از مؤلفه‌های فرایند شکلی مناقصه:

قانون‌گذار در ماده ۸ نظام مستندسازی مناقصات^۱ ارزیابی شکلی پیشنهادهای ارائه‌شده^۲ را یکی از تکالیف اعضای کمیسیون معاملات پیش‌بینی نموده است، مضافاً آنکه مستند به بند ۳ ماده ۱۰ قانون آئین‌نامه معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۹، «دستگاه مناقصه‌گذار مجاز نیست به پیشنهادهای مبهم، مشروط و بدون سپرده و پیشنهادهایی که بعد از انقضای مدت مقرر در آگهی برسد ترتیب اثر بدهد»، گاهی، مناقصه‌گران با ارائه پیشنهادهای مبهم و مشروط و در ضمن شرکت در فرایند مناقصه، زمینه برنده شدن شخص موردنظر خود را که پیشنهاد وی فاقد این ایرادهاست را فراهم می‌کنند. به تعبیر دیگر، برای اینکه اشخاصی که مقرر است در مناقصه شرکت نمایند، اعضای کمیسیون معاملات دستگاه را در مقابل عمل انجام‌شده قرار دهند و مجبور باشند به عللی ازجمله، ضیق وقت، برگشت نشدن اعتبار دولتی که با مشقت فراوان جذب گردیده و نتیجه‌گیری از جلسات، برنده مناقصه‌ای داشته باشند، باهم تبانی نموده و در بین برخی پیشنهادها، پیشنهادهای دارای ایراد ارائه می‌دهند که روز بازگشایی پاکت‌ها کنار گذاشته شوند و درنهایت برخی پیشنهادهای خاص که خودشان ارائه داده‌اند برنده گردند. پیشنهاد مشخص درباره پیشگیری از موارد مشابه این است که: اعضای کمیسیون معاملات روز بازگشایی پاکت‌ها به اسناد و مدارک ارائه‌شده، دقت کافی و وافی نموده، بالأخص درباره امضای اسناد تعهد‌آور که معمولاً در ارائه پیشنهاد قیمت‌ها رعایت نمی‌شود، با اخذ آخرین تغییرات شرکت که توسط اداره ثبت شرکت‌ها، آگهی گردیده، موضوع فوق را کنترل و از امضاهای مجاز در اسناد تعهد‌آور اطمینان حاصل نمایند. همچنین ضمن ثبت پاکت‌ها پیشنهادی در دبیرخانه با قید تاریخ و ساعت و مقام تحویل‌گیرنده، به کلیه شرکت‌کنندگان رسیدی مبنی بر تحویل پاکت‌های مربوط ارائه تا از حذف سلیقه‌ای شرکت‌کنندگان پیشگیری شود. در بسیاری از موارد مشاهده گردیده که به علت عدم ثبت پاکت‌ها در دبیرخانه و عدم ارائه رسید، به

۱- آئین‌نامه اجرایی نظام مستندسازی و اطلاع‌رسانی مناقصات مصوب ۸۵/۹/۵ هیأت محترم وزیران (موضوع: بند د ماده ۲۳ قانون برگزاری مناقصات)

۲- بند ب ماده ۶ قانون برگزاری مناقصات: بررسی پیشنهادهای مناقصه‌گران از نظر کامل بودن مدارک آن‌ها و امضای آن‌ها و نیز خوانا بودن غیرمشروط بودن پیشنهادهای قیمت (ارزیابی شکلی).

هنگام تشکیل جلسات کمیسیون معامله، برخی پакت‌ها به خاطر اعمال نفوذ برای برنده کردن برخی افراد خاص، در جلسه بازگشایی نشده و فرد حقیقی یا حقوقی پیشنهاددهنده نیز دلیلی برای اثبات ادعای خود مبنی بر شرکت در مناقصه نداشته و از این حیث ضمن تضییع حقوق افراد، سوء جریان فساد استمرار دارد.^۱

-انصراف برنده اول از انعقاد قرارداد:

یکی دیگر از آسیب‌هایی که باعث فساد در معاملات دولتی می‌شود، گاهی، پذیرش پیامدهای احتمالی مربوط (از جمله، ضبط سپرده شرکت در مناقصه) از سوی برنده مناقصه و درنهایت فراهم نبودن مقدمات برای انعقاد قرارداد با برنده اول و از این رهگذر زمینه برنده شدن نفر دوم را فراهم می‌کند می‌باشد، مستند به بند ب ماده ۲۱ قانون برگزاری مناقصات «قرارداد با برنده اول در مهلت پیش‌بینی شده در اسناد منعقد خواهد شد، چنانچه برنده اول از انعقاد قرارداد امتناع کند یا ضمانت انجام تعهدات را ارائه نکند، تضمین مناقصه وی ضبط و قرارداد با برنده دوم منعقد می‌شود. در صورت امتناع نفر دوم تضمین وی نیز ضبط و مناقصه تجدید می‌شود». در موارد پیش گفته، تبانی اغلب بدون آگاهی مستخدمان مربوط در دستگاه دولتی یا بدون شرکت یا معاونت آنان رخ می‌دهد.

-استفاده از فرصت‌های خاص برای انتشار آگهی:

ممکن است، مسئولان مربوط در دستگاه دولتی به انتشار فراخوان مناقصه در پایان سال مالی یا نزدیک به آن در موعدی اقدام کنند که اکثر مناقصه‌گران پیش‌تر در مناقصات دیگر شرکت و ظرفیت فعالیت کاری آن‌ها تکمیل شده است و با تبانی این موضوع را به شخص موردنظر که ظرفیت لازم را دارد اطلاع داده و از این رهگذر سبب برنده شدن وی شوند.

- کلی‌گویی در برخی اسناد مناقصه اولیه و متعاقب آن شفاف‌سازی برخی موارد در سایر اسناد مرتبط با همان مناقصه و اطلاع‌رسانی به برخی مناقصه‌گران خاص باهدف آگاه‌سازی آن‌ها برای ارائه پیشنهاد مشخص و محروم نمودن سایرین از فرصت به وجود آمده برای حضور در معامله:

تمامی اسناد مناقصه مستند به قانون باید به‌طور یکسان و بدون هیچ کم و کاستی در اختیار شرکت‌کنندگان در مناقصه قرار گیرد،^۲ حال اگر اشتباهی در اسناد مناقصه باشد که پیمانکار متوجه آن شود و از دستگاه مناقصه‌گذار سؤال نماید، باید این اشتباه به اطلاع تمامی شرکت‌کنندگان در مناقصه برسد که این کار می‌تواند با تشکیل جلسه و دعوت تمامی شرکت‌کنندگان یا نامه‌نگاری

۱- تجارب نظارتی در مأموریت‌های سازمانی با موضوع نظارت بر روند برگزاری مناقصه و مزایده در دستگاه‌های اجرایی.

۲- براساس ماده ۱۳ «قانون برگزاری مناقصات که بحث فراخوان مناقصه است، در یک آگهی باید: ۱- نام دستگاه ۲- نشانی دستگاه ۳- شرحی از خدمات یا کالای موردنیاز به همراه کیفیت و کمیت ۴- نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۵- محل دریافت اسناد، ۶- مهلت دریافت اسناد، ۷- مهلت تحویل اسناد و محل آن ۸- زمان گشایش پیشنهادها ۹- مبلغ و مبنای برآورد شده معامله در صورتی که از فهرست‌بها استفاده شده باشد، ۱۰- رعایت مهلت حداقل ۱۰ روزه میان زمان دریافت اسناد تا تحویل اسناد، ۱۱- چاپ آگهی کامل با رعایت موارد فوق حداقل ۲ تا ۳ بار آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار کشوری یا استان مربوطه، ۱۲- استفاده از سایر رسانه‌ها برای اطلاع‌رسانی کامل‌تر، ۱۳- چاپ آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار انگلیسی‌زبان داخلی و یک مجله یا روزنامه بین‌المللی مرتبط با موضوع در صورتی که مناقصه بین‌المللی باشد. برخی از دستگاه‌ها در فراخوان مناقصه برخی از این موارد را رعایت نمی‌کنند و زمینه‌ای فراهم می‌شود که تبانی صورت گرفته و اطلاعات کامل در اختیار برخی پیمانکاران گیرد و آن‌ها با آگاهی و اشراف بیشتر به شرایط مناقصه قیمت را ارائه و برنده گردند.

مکتوب برای همگی صورت پذیرد، در برخی موارد چنین اطلاع‌رسانی صورت نگرفته و زمینه تبانی می‌شود. با توجه به موضوع فوق ضعف یا کمبود جریان اطلاع‌رسانی مستقل یا رانت اطلاعاتی در اجزا و ماهیت مناقصه یا مزایده که مؤثر در ارائه قیمت و آنالیز می‌باشد نیز می‌تواند زمینه بروز و تشدید فساد اقتصادی در مناقصات را فراهم آورد.

- خُرد کردن یا جزء جزء نمودن موضوع معامله باهدف بر گزار نشدن مناقصه عمومی:

در این صورت، تبانی کنندگان بخش دولتی می‌توانند با خُرد و تفکیک کردن معاملاتی که انجام آن‌ها به صورت واحد، مستلزم انجام مناقصه عمومی است به اجزای کوچک، زمینه معامله را با تبانی با افراد موردنظر خود انجام دهند. همچنین برخی معاملات با توجه به برآورد و نصاب، درواقع ترکیبی از یک فراخوان عمومی و یک مناقصه محدود می‌باشند، یعنی دستگاه مناقصه‌گذار در ابتدا از طریق انتشار آگهی ارزیابی در جراید کثیرالانتشار کشور از مناقصه‌گران ذی صلاح برای دریافت کار برگ‌های اعلام ارزیابی دعوت به عمل می‌آورد و پس از انجام ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، از مناقصه‌گرانی که حائز حداقل امتیاز تعیینی گردیده‌اند جهت شرکت در مناقصه و دریافت اسناد مناقصه کتباً دعوت به عمل می‌آورد. حال هر قدر که مبلغ برآورد اولیه مناقصه بزرگ‌تر شود یعنی حجم کار یا حجم خرید بیشتر باشد به طور منطقی تعداد مناقصه‌گران ذی صلاح نیز کمتر خواهد شد، خصوصاً اگر موضوع مناقصه یک EPC (طراحی، تأمین کالا و ساخت) باشد. برای مثال تعداد مناقصه‌گران داخلی که قادر به طراحی و ساخت سدهای دو قوسی در کشور می‌باشند به مراتب از تعداد مناقصه‌گرانی که توانایی طراحی و احداث بندهای کوچک آبی را دارند کمتر است و در این مطلب تردیدی وجود ندارد. این مثال قابل تعمیم به تمامی حوزه‌های پیمانکاری کشور می‌باشد، لذا در معاملات بسیار بزرگ دولتی که تعداد مناقصه‌گران ذی صلاح غالباً کمتر از تعداد انگشتان یک-دست می‌باشند، تبانی مناقصه‌گران با یکدیگر یا با عناصری از داخل دستگاه مناقصه‌گزار، منافع آنان را به شکل بهتری در مقام مقایسه با حالت مشارکت آنان در یک رقابت منصفانه تأمین می‌نماید، لذا منطق اقتصادی ایجاب می‌کند که این مناقصه‌گران بر سر یک قیمت کف، توافق نموده و برای بیشتر از آن با یکدیگر به رقابت برخیزند یا حتی پیشاپیش با انجام مذاکرات و تقسیم منافع، از بین خود، شرکتی را به منزله برنده تعیین نموده و سایر مناقصه‌گران نسبت به ارائه پیشنهادهای مبهم، مشروط، مخدوش و به طور کلی غیر قابل قبول مبادرت می‌نمایند تا با بازخواست احتمالی مناقصه‌گذار یا شک وی مبنی بر وقوع تبانی نیز مواجه نگردند.

شایان ذکر است وفق مفاد تبصره بند «الف» ماده «۱۰» آیین‌نامه اجرایی نظام مستندسازی و اطلاع‌رسانی مناقصات در صورتی که حداقل قیمت پیشنهادی مناقصه‌گران بیش از ۱۰ درصد از برآورد اولیه دستگاه مناقصه‌گذار باشد لازم است که کمیته فنی بازرگانی دستگاه مناقصه‌گذار صحت مبنای قیمت و توجیه‌پذیری آن را تأیید نماید. لذا اگر مناقصه‌گران امکان تبانی با اکثریت اعضای کمیته فنی - بازرگانی یا اعضای کمیسیون مناقصه دستگاه مناقصه‌گذار را بیابند قادر خواهند

بود پیشنهاد قیمتی حتی بیش از ۱۰ درصد بر آورد اولیه دستگاه مناقصه گذار نیز ارائه نموده و برنده مناقصه اعلام شوند. برای مثال در یک مناقصه با بر آورد اولیه ۲۰ میلیارد تومان هریک درصد افزایش قیمت پیشنهادی مناقصه گر برنده، نسبت به بر آورد اولیه دستگاه مناقصه گزار، معادل ۲۰۰ میلیون تومان خواهد بود، مبلغی که قدرت افسونگری زیادی هم بر مناقصه گران و هم کارکنان کلیدی دستگاه مناقصه گذار دارد.

- تصمیم‌گیری‌های مغرضانه یا کمتر عقلانی در زمان ارزیابی مناقصه گران:

ارزیابی کیفی مناقصه گران، بالأخص در مناقصه محدود و مناقصات عمومی دومرحله‌ای، عبارت است از ارزیابی توان انجام تعهدات مناقصه گران از سوی مناقصه گذار یا به تشخیص وی توسط کمیته فنی بازرگانی.^۱

ارزیابی کیفی، ارزیابی صلاحیت انجام کار مناقصه گر است و درصدد ارزیابی شخص مناقصه گر می‌باشد (بدون در نظر گرفتن پیشنهاد مناقصه گر)، گرچه مواردی از جمله: تضمین کیفیت خدمات و محصولات، داشتن تجربه و دانش در زمینه مورد نظر، حسن سابقه، داشتن پروانه کار یا گواهینامه‌های صلاحیت. در صورتی که توان مالی متقاضی برای انجام کار ضرورت دارد در ارزیابی کیفی باید لحاظ شود. لیکن در این فرایند که معمولاً تعدادی از کارکنان متخصص دستگاه دولتی عهده‌دار ارزیابی می‌گردند، نداشتن فرمول و ضابطه مشخص علمی و عینی برای ارزیابی و امتیازدهی به صاحبان شرکت‌های شرکت کننده در مناقصه و استفاده از معیارهای انتخابی ذهنی به جای وجود ضوابط و معیارهای معین، بالأخص در مواردی که داشتن امتیاز بالا، نقش تعیین کننده در برنده شدن داشته باشد فساد صورت می‌گیرد، به عبارت دیگر با برخی شرکت‌ها تباری صورت گرفته و وضعیت و اهمیت شرکت از حیث قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها مورد مطالعه و محاسبه اولیه قرار گرفته و در فرایند ارزیابی، آیت‌های امتیاز آور به گونه‌ای طراحی می‌شود که در شرکت مدنظر وجود داشته و مقدمات برنده شدن فراهم می‌شود.

- تخصیص سیاسی منابع و اعتبارات و وجود رانت اقتصادی:

یکی دیگر از زمینه‌های اصلی بروز فساد اقتصادی در مناقصات دولتی را می‌توان در اقتدار بوروکراتیک، مخدوش بودن حقوق ارباب رجوع و شکنندگی بالای آن در دستگاه بوروکراسی جست‌وجو کرد. در واقع، به دلیل وجود رانت‌های هنگفت در ساختار اقتصادی کشور و اطلاع بوروکرات‌ها از این امر، همواره امکان بروز رفتارهای رانت در برگزاری مناقصات دولتی وجود دارد. کارگزاران دولتی سعی می‌کنند تا با سوءاستفاده از قدرت خود، بخشی از رانت‌های حاصله را به نفع خود جمع‌آوری کنند و در نتیجه دوستان و هم‌حزبی‌های خود را در زمره واجدین شرایط در آورند و مناقصه و قراردادها را به آن‌ها واگذار کنند. سیاسی بودن تخصیص منابع اقتصادی و ایجاد کمپانی‌های سرمایه‌داری ساختگی (از طریق وضع قوانین و مقررات اقتصادی و در واقع، تنظیم اقتصاد

۱- بنده ماده ۲ و بند الف ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات.

توسط بوروکرات‌ها) از جمله منابع اصلی توانایی بوروکرات‌ها در سوءاستفاده از مناصب دولتی است. زمانی که تخصیص منابع سیاسی شود، بوروکرات‌ها و بوروکراسی، سازوکار تخصیص منابع خواهند شد. بنابراین افراد و گروه‌هایی که به دنبال حقوق مربوط به موقعیت‌های انحصاری سودآوری هستند که دولت ایجاد می‌کند، باید آن‌ها را از بازارهای سیاسی شده‌ای خریداری کنند که بوروکرات‌ها کنترل می‌کنند. بوروکرات‌ها نیز بر این نکته واقف هستند که موقعیت‌های انحصاری و امتیازات دولتی برای افرادی که به آن‌ها دست پیدا می‌کنند، مازاد غیر تولیدی شایان توجهی (یعنی رانت) به همراه دارند. از این رو، سعی می‌کنند با دریافت رشوه از آن‌ها بخشی از مازاد غیر تولیدی را به خودشان انتقال دهند. درواقع، تنظیم اقتصاد از طریق بوروکرات‌ها و ایجاد محدودیت‌ها و کمیابی‌های ساختگی (دولتی) برای افراد و گروه‌هایی که از آن‌ها بهره‌مند می‌شوند، هم سبب شکل‌گیری رانت می‌شود و هم برای بوروکرات‌ها رشوه ایجاد می‌کند.

– فقدان حضور رسانه‌ها در زمان بازگشایی پاکت‌ها:

با عنایت به نقش رسانه‌ها در شفاف‌سازی امور و اعتماد عمومی مردم به آن‌ها، یکی از آسیب‌های موجود در فرایند برگزاری معاملات دولتی، به هنگام بازگشایی پاکت‌ها، فقدان الزامات قانونی برای حضور رسانه‌ها در روز بازگشایی پاکت‌ها است، حضور رسانه‌ها در زمان بازگشایی پاکت‌ها پیشنهادی، بالأخص قیمت‌های ارائه‌شده، باعث شفاف‌سازی می‌شود، به گونه‌ای که در برخی کشورها، از جمله ترکیه در مزایده‌های توزیع شبکه برق و گاز مزایده از طریق تلویزیون صورت می‌گیرد، برای رفع آسیب فوق و پیشگیری از هرگونه فساد از آنجایی که رسانه‌ها چشم مردم هستند و حضورشان در مناقصه و مزایده‌ها، به خصوص مناقصه‌های بزرگ می‌تواند سطح اعتماد عمومی مردم را بالاتر برده و بر شفاف‌سازی اقتصادی کمک شایانی داشته باشد، پیشنهاد مشخص نگارنده این است که: در تغییرات بعدی قانون برگزاری مناقصات، ترتیباتی اتخاذ شود که رسانه‌ها نیز بتوانند بر فرایند مناقصه و مزایده نظارت داشته و همانند برخی کشورها، معاملات از طریق رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه ملی اطلاع‌رسانی و تشریفات آن پیگیری شود.

ضعف سازوکارهای نظارت بر فرایند برگزاری مناقصات به خصوص فقدان دانش نظارتی در تشخیص تبانی در معاملات، به اعتبار اینکه در نظارت‌ها صرفاً ظاهر اسناد و شکل کار نظارت می‌شود، یکی دیگر از زمینه‌های تبانی است، به عبارت دیگر اگر عنصر نظارتی که به‌منزله ناظر در جلسات بازگشایی پاکت‌ها شرکت نموده و به قوانین و مقررات و فنون مختلف تبانی در معاملات، شناخت و تسلط کافی نداشته باشد، نوع نظارت کیفی نبوده و چه‌بسا اعضای کمیسیون معاملات نیز از ضعف دانش عنصر نظارتی نسبت به اتخاذ تصمیم خلاف اقدام و به تأیید عنصر نظارتی رسانده و پیگیری را در مراحل بعدی دشوار نمایند. پیشنهاد مشخص این است که: عناصر نظارتی در حدود وظایف ذاتی خود با کسب تجربه و افزایش ظرفیت‌های قانونی و مستندسازی تجارب فنی و فنون و مهارت‌های مختلف در این خصوص، در نظارت‌های خود به ماهیت اسناد و مدارک مربوط، مذاقه

و تأمل عمیق نموده و با ارائه رهنمودهای اصلاحی به اعضای کمیسیون معاملات، زمینه را برای برگزاری معامله به دور از هرگونه فساد فراهم نمایند.

تشریح آسیب‌ها، جهت‌گیری و مدل‌های تحقق تبانی در مناقصه‌های محدود (معاملات عمده):

یکی از روش‌های انتخاب طرف معامله از نظر روش دعوت از مناقصه‌گران، مناقصه محدود است که در آن به تشخیص و مسئولیت بالاترین مقام دستگاه مناقصه‌گذار، محدودیت برگزاری مناقصه عمومی با ذکر ادله تأیید می‌شود. فراخوان مناقصه از طریق ارسال دعوت‌نامه برای مناقصه‌گران صلاحیت‌دار [براساس ضوابط موضوع مواد (۱۳) و (۲۷) قانون برگزاری مناقصات] به اطلاع مناقصه‌گران می‌رسد.^۱

برخی از شیوه‌های تبانی در مناقصه‌های محدود به شرح زیر می‌باشد:

۱- هنگامی که دستگاه مناقصه‌گذار مبنای تهیه لیست بلند خود را فهرست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور قرار می‌دهد، می‌تواند به صلاحدید خود تعدادی از مناقصه‌گران را برای ارزیابی کیفی انتخاب نماید، لذا دستگاه مناقصه‌گذار می‌تواند در کنار انتخاب مناقصه‌گر مدنظر خود از چند مناقصه‌گر ضعیف نیز برای ارزیابی کیفی دعوت بهعمل آورد و با تعیین حداقل امتیاز ارزیابی کیفی بالا (مثلاً امتیاز ۸۵) سایر مناقصه‌گران را به دلیل عدم کسب حداقل امتیاز کیفی، رد صلاحیت نموده و فقط مناقصه‌گر منتخب خود را تأیید صلاحیت نماید و به استناد مفاد بند «ت» ماده «۱۱» آیین‌نامه اجرایی بند «الف» ماده ۲۶ قانون برگزاری مناقصات (آیین‌نامه اجرایی برگزاری مناقصه محدود) مناقصه را به شرایط انحصار کشانده و از طریق مذاکره با مناقصه‌گر منتخب وارد معامله شود.

۲- از آنجا که در مناقصه‌ی محدود نیازی به انتشار آگهی مناقصه نیست و برنده مناقصه براساس ضوابط مقرر در ماده ۲۶ قانون برگزاری مناقصات و آیین‌نامه اجرایی بند الف این ماده از میان فهرست‌های بلند یا کوتاه انتخاب می‌شود^۲ امکان تحقق تبانی بیش‌تر از مناقصه عمومی، به ویژه در مواردی که برنده مناقصه از میان فهرست کوتاه وفق بند ب ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی بند الف ماده ۲۶ قانون مناقصات انتخاب می‌شود بیش‌تر است.

مطابق این بند، «حداقل تعداد مناقصه‌گران واجد شرایط (فهرست کوتاه) برای دعوت به مناقصه محدود، پنج مناقصه‌گر در کارهای پیمانکاری در صورت استفاده از فهرست بهای پایه و سه مناقصه‌گر در سایر مناقصات می‌باشد».

طبق بند پ ماده ۱۱ آیین‌نامه، «در صورتی که تعداد مناقصه‌گران صلاحیت‌دار کمتر از تعداد مذکور در بند (ب) باشد از همه اشخاص صلاحیت‌دار دعوت می‌شود» در هر حال، به همان میزان که از عمومی بودن مناقصه و تعداد مناقصه‌گران کاسته می‌شود، بر احتمال تبانی در انجام مناقصه افزوده می‌شود.

۳- همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، اگر دستگاه‌های اجرایی، برای گریز از رعایت تشریفات

۱- بند ب ماده ۴ قانون برگزاری مناقصات.

۲- هدف از برگزاری مناقصه محدود، ضمن رعایت اصل رقابت بین مناقصه‌گران صلاحیت‌دار، تسریع در فرایند انتخاب مناقصه‌گران است (ماده ۱ آیین‌نامه مناقصه محدود).

پیچیده و طولانی مناقصه عمومی، با تفکیک اقلام یک معامله که از نظر عرف واحد تلقی می‌شود به اجزای کوچک‌تر اقدام به انجام مناقصه به شکل محدود کنند، از این رهگذر زمینه برای برنده شدن شخص مورد نظر آن‌ها و در نتیجه انجام تبانی فراهم می‌شود.

۴- از آنجایی که مناقصه محدود، مناقصه‌ای است که در آن به تشخیص و مسؤولیت بالاترین مقام دستگاه مناقصه‌گذار، محدودیت برگزاری مناقصه با ذکر ادله تأیید می‌شود. برابر ماده «۲۶» قانون، در مناقصه محدود باید فهرست مناقصه‌گران صلاحیت‌دار توسط مراجع ذی صلاح دولتی تأیید شده باشد یا حداکثر ۲ سال قبل در یک مناقصه عمومی هم‌تراز [با این مناقصه محدود] در همان دستگاه مناقصه‌گذار به دست آمده باشد،^۱ لیکن بسیاری از دستگاه‌ها با تبانی با پیمانکاران بدون در نظر گرفتن این بند قانونی با فهرست‌های خاصی، مناقصات را به صورت محدود برگزار می‌کنند که این امر فساد اقتصادی را در پی خواهد داشت.

تشریح آسیب‌ها، جهت‌گیری و مدل‌های تحقق تبانی در معاملات کوچک:

انجام تبانی در معاملات کوچک از سوی اشخاص به جز کارکنان دولت بعید به نظر می‌رسد. در این موارد، نحوه انجام معاملات به گونه‌ای است که زمینه‌ای برای تبانی افراد غیردولتی یعنی افرادی که می‌توانند اقدام به فروش یک کالا یا خدمت به دولت کنند فراهم نیست. در اینجا، ممکن است کارپرداز با فروشنده کالا یا خدمت تبانی کرده و از این رهگذر ضرری متوجه دولت شود. به عبارت دیگر، در معاملات کوچک فقط احتمال تحقق قسمت سوم ماده واحده قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی^۲ را می‌توان تصور کرد، از آنجا که در معاملات کوچک فرآیند رقابت قابل طرح نیست، اصولاً در صورت وقوع تبانی موضوع به اندازه‌ای نیست که بتوان متضرر شدن دولت را در معنای مورد نظر قانون تصور کرد، در معاملات متوسط، احتمال وقوع هر سه حالت یادشده در ماده واحده را می‌توان تصور کرد؛ یعنی، در اینجا احتمال دارد افرادی که طرف استعلام قرار گرفته‌اند، باهم تبانی کرده و قیمتی را هماهنگ و پیشنهاد بدهند که از قیمت متعارف بیش‌تر بوده و از این رهگذر زمینه برنده شدن یکی از آن‌ها را فراهم و دولت را متضرر کنند. در چنین حالتی، که معمولاً نیز شایع است، احتمال تبانی این افراد با شخص کارپرداز و مسئول واحد تدارکاتی وجود دارد. البته، در این معاملات نیز حجم ریالی معامله در سطحی نیست که دولت ضرر عمده‌ای ببیند، لیکن فساد وجود دارد.

۱- مطابق ماده ۳ آیین‌نامه مناقصه محدود، فهرست بلند عبارت است از: فهرست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، فهرست دستگاه‌های مرکزی، فهرست سازمان‌های حرفه‌ای، البته استفاده از فهرست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در مواردی که از رتبه‌های پایین‌تر قرار است استفاده شود غیرممکن و بسیار دشوار خواهد بود.

۲- ماده واحده - اشخاصی که در معاملات یا مناقصه‌ها و مزایده‌های دولتی یا شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی یا شهرداری‌ها یا یکدیگر تبانی کنند و در نتیجه ضرری متوجه دولت یا شرکت‌ها و مؤسسات مذکور بشود به حبس تأدیبی از یک تا سه سال و جزای نقدی به میزان آنچه من غیر حق تحصیل کرده‌اند محکوم می‌شوند. هرگاه مستخدمین دولت یا شرکت‌ها یا مؤسسات مزبور یا شهرداری‌ها و همچنین کسانی که به نحوی از انحاء از طرف دولت یا شرکت‌ها یا مؤسسات فوق در انجام معامله یا مناقصه یا مزایده دخالت داشته باشند و با علم یا اطلاع از تبانی معامله را انجام دهند یا به نحوی در تبانی، شرکت یا معاونت کنند به حداکثر مجازات حبس و انفصال ابد از خدمات دولتی و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها محکوم خواهند شد. در کلیه موارد مذکور در صورتی که عمل مطابق قانون مستوجب کیفر شدیدتری باشد مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد. مصوب ۱۳۴۸/۳/۱۹

تشریح آسیب‌ها، جهت‌گیری و مدل‌های تحقق تبانی در ترک تشریفات:

برخی ضرورت‌ها و محدودیت‌های موجود، انجام معامله از رهگذر مناقصه را دشوار می‌کند و دستگاه اجرایی ناگزیر است که معامله را بدون رعایت تشریفات حاکم بر مناقصه انجام دهد، مجوز قانونی ترک تشریفات مناقصه (و مزایده) که پیش‌تر در ماده ۸۳ قانون محاسبات عمومی آمده بود و اکنون با برخی تغییرهای جزئی در ماده ۲۷ قانون برگزاری مناقصات مقرر شده است،^۱ هرچند اصل بر لزوم انجام معاملات دولتی از رهگذر مناقصه و مزایده بوده و ترک تشریفات مناقصه و مزایده استثنا به حساب می‌آید، اما ممکن است دستگاه‌های اجرایی با تهیه گزارش‌های واهی، کلیشه‌ای و توجیه‌ناپذیر و در نتیجه گرفتن مجوز از هیأت ترک تشریفات مناقصه، از رعایت این تشریفات سرباز زده و از این رهگذر معاملات دولتی را بدون رعایت هرگونه تشریفات به افراد موردنظر خود واگذار کنند، موارد ترک تشریفات مناقصه از جمله مواردی است که تبانی در آنجا شایع است. پیشنهاد نگارنده این است که: در اجرای ابلاغیه مورخ ۱۳۸۸/۶/۲۸ هیأت محترم وزیران^۲ و حضور و نظارت مستمر دستگاه‌ها و عناصر نظارتی در معاملات دستگاه‌ها، به نحوی تدبیر شود تا انتخاب طرف قرارداد از طریق ترک تشریفات، به حداقل ممکن برسد.

تشریح آسیب‌ها، جهت‌گیری و مدل‌های تحقق تبانی در موارد عدم الزام به برگزاری مناقصه:

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، گاهی قانون‌گذار رأساً انجام معامله را بدون رعایت تشریفات مناقصه تجویز کرده است.^۳ این موارد عبارت‌اند از خرید اموال منحصربه‌فرد (انحصاری)^۴، اجاره به شرط تملیک با اجازه گرفتن اموال غیرمنقول، خرید اموال منقول و غیرمنقول و کالاها و خدماتی که نرخ آن‌ها را مراجع صلاحیت‌دار تعیین کرده‌اند، تعمیر تجهیزات و ماشین‌آلات ثابت و متحرک، خرید خدمات مشاوره، خدمات فرهنگی و هنری آموزشی و ورزشی، خرید قطعات یدکی، معاملات محرمانه و خرید سهام و تعهدات ناشی از اجرای احکام قضایی. هرچند مجوز قانون‌گذار توجیه‌پذیر است، لیکن این مجوز در جای خود می‌تواند به دستاویزی برای تبانی تبدیل شود، برای مثال در خرید یک ملک، گرچه محل استقرار آن ملک و تناسب آن با نیاز دستگاه مربوط از هر امر دیگری مهم‌تر است، گاهی محل قرار گرفتن این ملک اهمیت و ضرورت چندانی ندارد و خرید آن در

۱- در مواردی که انجام مناقصه براساس گزارش توجیهی دستگاه مناقصه‌گذار به تشخیص یک هیأت سه‌نفره مرکب از مقامات مذکور در ماده (۲۸) این قانون میسر نباشد می‌توان معامله را به طریق دیگری انجام داد. در این صورت هیأت ترک تشریفات مناقصه با رعایت صرفه و صلاح دستگاه ترتیب انجام این‌گونه معاملات را با رعایت سایر مقررات مربوط در هر مورد برای یک نوع کالا یا خدمت تعیین و اعلام خواهد نمود.

۲- دستگاه‌های اجرایی در انعقاد قرارداد و انجام معاملات و واگذاری کارها و پروژه‌ها، تشریفات قانونی مناقصات را دقیقاً رعایت نموده و از انجام ترک تشریفات به استثنای موارد ضروری و براساس موازین قانونی خودداری نمایند.

۳- ماده ۲۹ قانون برگزاری مناقصات

۴- دستورالعمل تبصره ۱ بند ۱۰ ماده ۱۰ قانون برنامه پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۹۰/۱۰/۱۹ شورای اقتصاد، براساس ماده ۵ کالاهای انحصاری را کالاهایی تلقی نموده که سهم یک یا چند بنگاه عادی یا شرکت تولیدکننده خریدار و فروشنده از عرضه و تقاضای بازار به میزانی باشد که قدرت تعیین قیمت یا مقدار را در بازار داشته یا ورود بنگاه‌های جدید به بازار یا خروج از آن با محدودیت مواجه باشد.

هر مکانی نیاز دستگاه را برطرف می‌کند. در این گونه موارد، راه برای تبانی باز است. یا در شرایط رقابتی امروزی، در عمل کالای منحصربه فردی وجود ندارد تا معتقد به عدم الزام به برگزاری مناقصه شویم، لیکن در عمل این امکان وجود دارد که دستگاه‌ها برخی کالاها را انحصاری تلقی کرده و بدون رعایت تشریفات یادشده به خرید آن‌ها اقدام کنند، یا در مثالی دیگر، خرید خدمات مشاوره یا تعمیر تجهیزات و ماشین آلات نیز می‌تواند با رعایت تشریفات مناقصه باشد، ولی، اگر دستگاه‌های اجرایی انجام معاملات را با رعایت تشریفات مناقصه ناممکن بدانند، از این رهگذر راه را برای تبانی فراهم می‌کنند.

مبحث دوم) آسیب‌ها، جهت‌گیری و مدل‌های تحقق تبانی در مزایده:

در قوانین و مقررات مرتبط با مزایده، همانند مناقصه، احکام و الزاماتی به‌طور خاص و ویژه پیش‌بینی نشده است، لیکن در برخی موارد از وحدت ملاک مقررات مناقصه، برای تعیین تکلیف مزایده نیز استفاده می‌شود. احکام مقرر در آیین‌نامه حاکم بر اموال دولتی، در حال حاضر مورد استفاده در فروش اموال دولتی می‌باشد، در فرایند مزایده که عموماً فروش اقلام و املاک و محصولات است، به اعتبار اینکه بیشترین قیمت پیشنهادی ملاک عمل خواهد بود مانور متقلبانه از سوی شرکت‌کنندگان و کارکنان سیستم دولتی به شیوه‌های زیر قابل تصور می‌باشد:

۱- توافق شرکت‌کنندگان در مزایده مبنی بر بالا نبردن مبلغ مورد معامله تا

سقفی معین:

در این فرض، اشخاصی که قصد شرکت در مزایده دارند باهم تبانی نموده و قرار می‌گذارند که مبالغ پیشنهادی خود را تا سقف مشخص بالاتر نبرند،^۱ در این فرض در صورت برنده شدن هریک از دیگران که در منافع حاصله شریک باشند، این توافق چندجانبه می‌تواند یکی از مصادیق تبانی قرار گیرد. البته برای تشخیص تبانی در قوانین و مقررات مربوط، ضابطه و معیار کلاسیک و مشخص‌شده‌ای بیان‌نشده است و از مجموع قرائن و جهات حاکم بر معامله، می‌توان تبانی را تشخیص داد. (مهاجری، ۱۳۷۹)

۲- تبانی مأمور فروش با داوطلبان خرید اقلام مورد مزایده:

با توجه به فرایند مزایده، که در معاملات جزئی، مأمور فروش با مراجعه به اشخاص حقیقی و حقوقی که قصد خرید دارند و انجام تحقیق کامل از بها و با رعایت صرفه دولت، معامله را انجام

۱- ماده واحده - اشخاصی که در معاملات یا مناقصه‌ها و مزایده‌های دولتی یا شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی یا شهرداری‌ها یا یکدیگر تبانی کنند و در نتیجه ضرری متوجه دولت یا شرکت‌ها و مؤسسات مذکور بشود به حبس تأدیبی از یک تا سه سال و جزای نقدی به میزان آنچه من غیر حق تحصیل کرده‌اند محکوم می‌شوند.

هرگاه مستخدمین دولت یا شرکت‌ها یا مؤسسات مزبور یا شهرداری‌ها و همچنین کسانی که به نحوی از انحاء از طرف دولت یا شرکت‌ها یا مؤسسات فوق در انجام معامله یا مناقصه یا مزایده دخالت داشته باشند و با علم یا اطلاع از تبانی معامله را انجام دهند یا به نحوی در تبانی شرکت یا معاونت کنند به حداکثر مجازات حبس و انفصال ابد از خدمات دولت و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها محکوم خواهد شد و در کلیه موارد مذکور در صورتی که عمل مطابق قانون مستوجب کیفر شدیدتری باشد مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد.

دهد و سند مربوط را با تعهد به اینکه معامله با بیش‌ترین بهای ممکن انجام شده است و با ذکر نام و نام خانوادگی و سمت و تاریخ امضاکننده تنظیم و ارائه می‌کند.^۱ در این بخش از مزایده که مأمور فروش رعایت منافع بیت‌المال برایش مهم نباشد، یا با قبول مبلغی حاضر باشد اسناد را صوری تهیه نماید در عمل فرض تبانی بین معامله‌کنندگان حالت شایع تبانی در معامله است.

۳- تبانی خریداران با یکدیگر در حراج و ارائه قیمت‌های پایین:

در فروش اقلام مورد مزایده که از حیث مبلغ در زمره معاملات متوسط می‌باشد طبق فرایند،^۲ «حراج» می‌باشد که اشخاص با ارائه قیمت بسیار پایین می‌توانند زمینه برنده شدن شخصی را که پیشنهاد وی مختصری از دیگران بیش‌تر است را فراهم کنند. در این خصوص، فرض تبانی که برای کارکنان دولت متصور است، عدم اعلام دقیق مشخصات مورد معامله در آگهی مزایده برای برنده کردن شخص موردنظر است، به ویژه آن دسته از مشخصات موضوع معامله که آگاهی از آنان ممکن است سبب ارائه پیشنهاد قیمت بالا از سوی درخواست‌کنندگان شود.

۴- فقدان شفافیت لازم درباره مزایده اقلامی که در زمره معاملات عمده می‌باشند:

در معاملات عمده یکی از زمینه‌های وجود تبانی، فقدان احکام قانونی جامع و شفاف است، وجود عبارت «در صورتی که با عمل مزایده منطبق باشد» در عمل سبب سلیقه‌ای شدن اجرای مزایده و در نتیجه احتمال وقوع تبانی می‌شود، برای مثال، ممکن است مسئولان یک دستگاه دولتی معتقد باشند که مشروط و مبهم بودن پیشنهادهای قیمت، جزء اموری نیست که قابل انطباق با مزایده باشد و از این رهگذر با پذیرش این گونه پیشنهادهای، زمینه را برای تبانی و اعمال سلیقه شخصی فراهم کنند و انگهی، پس از تصویب قانون برگزاری مناقصات که موجب نسخ بخش مناقصات آیین‌نامه معاملات دولتی شده است، اختلاف نظرهای جدی در مورد ضرورت یا عدم ضرورت انطباق احکام مزایده یا قانون تازه تصویب به وجود آمده که از این امر نیز به جای خود می‌تواند محلی برای تحقق تبانی شود.^۳

بر خلاف مناقصه، که مداخله کارکنان دولت در انجام آن‌ها به طور مطلق ممنوع است، قانون‌گذار در برخی موارد اجازه حضور کارکنان دولت را در مزایده‌های دولتی صادر کرده است. از جمله این موارد ماده واحده قانون فروش خانه‌های سازمانی مصوب سال ۱۳۸۵ و آیین‌نامه اجرایی آن است که فروش خانه‌های یادشده را به کارکنان تجویز کرده است. بند الف ماده ۶۳ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ و بندهای الف و ج و ک تبصره ۱۳ قانون بودجه سال ۱۳۷۳ و ماده ۱ لایحه قانونی نحوه استفاده از اتومبیل‌های دولتی و فروش اتومبیل‌های زائد مصوب قوانین بودجه سنواتی که فروش اموال و امکانات دولتی به کارکنان درخواست‌کننده بازخریدی را تجویز کرده است، در چنین مواردی از آنجا که کارکنان دولت

۱- ماده ۳۶ آیین‌نامه معاملات دولتی

۲- ماده ۳۷ آیین‌نامه معاملات دولتی

۳- ماده ۳۸ آیین‌نامه معاملات دولتی

قدرت و نفوذ بیش تری نسبت به اشخاص عادی دارند و آنان، به ویژه وقتی معامله به همان دستگاه محل خدمت آن مربوط است، اطلاعات جزئی و دقیق از موضوع معامله دارند، احتمال تبانی وجود دارد.

۵- تبانی شرکت کنندگان خاص در مزایده‌های اقلام تخصصی با کارشناس قیمت گذار و ارزیاب:

برخی اقلام در دستگاه‌های اداری وجود دارد که فروش آن‌ها نفعی برای همگان ندارد اشخاص خاصی حرفه بهره‌برداری و تبدیل به احسن آن‌ها را دارند، لذا چون مشتریان انحصاری هستند با کارشناس مربوطه در مرحله قیمت گذاری تبانی و مبلغ را تا حد قابل توجهی پایین آورده و در مزایده شرکت و برنده می‌شوند. با توجه به عدم وجود مقررات جامع درباره مزایده، امروزه هیچگونه محدودیتی برای شرکت افراد در مزایده وجود ندارد، برای مثال در مواردی که «مبنای نصاب در فروش مبلغ ارزیابی کاردان خبره و متعهد رشته مربوط که توسط دستگاه اجرایی مربوطه انتخاب می‌شود، خواهد بود»^۱. در نتیجه، شخص کاردان یادشده که در جریان دقیق کیفیت معامله می‌شود، علاوه بر اینکه می‌تواند شخصاً در مزایده شرکت کند می‌تواند با تبانی با دیگران و اعلام دقیق این مشخصات به آنان زمینه برنده شدن آن‌ها را فراهم کند.

۶- تبانی کمیته مربوطه به کالاهای اسقاطی با اشخاص بالأخص کالاهای دارای مشتری خاص:

برخی اقلام در دستگاه‌های دولتی دارای مشتریان محدود و حرفه‌ای هستند که اعضای کمیته اسقاط در دستگاه دولتی از طریق تبانی با آن‌ها جنس را به ویژه اقلام و کالاهای تخصصی را با داشتن عیب جزئی که بعضاً هم قابل تعمیر است معیوب تشخیص و در نتیجه سود سرشاری متوجه خریدار می‌شود.

نتیجه‌گیری:

سوءاستفاده از اختیارات اداری و قانونی و بعضاً برداشت‌های غلط یا تفسیر شخصی و سلیقه‌ای از قوانین و مقررات ناظر بر معاملات دولتی آن‌هم باهدف تبانی و اعمال نفوذ در معاملات برای انتفاعات اقتصادی به‌طور معمول وجود دارد، برخی کشورها که در حوزه مبارزه با فساد رتبه مطلوبی دارند و سلامت اداری در آن‌ها بیشتر از کشورهای دیگر است، شیوه‌های مختلفی برای پیشگیری و مقابله با فساد در حوزه مناقصه و مزایده، تجربه کرده‌اند، لیکن در کشور ما، کماکان مصادیقی در حوزه روابط ناسالم و برخی چالش‌ها در موضوعات مرتبط با مناقصه‌ها و مزایده‌ها وجود دارد، که عموماً مرتبط با زمینه‌های دخالت دولت در تنظیم معاملات دولتی، وجود منابع رانت اطلاعاتی برای افراد ذی‌نفع، نامناسب بودن ساختارها و چارچوب نهادی هدایت‌کننده مناقصات دولتی، نامتناسب بودن نظام قیمت گذاری در مناقصات و بعضاً تبانی در قیمت گذاری اقلام مزایده، کامل و به موقع انجام

نشدن ارزیابی کیفی، فنی و بازرگانی و مالی مناقصه‌گران، آشنا نبودن مناقصه‌گران نسبت به حقوق خود، افزایش حجم و مبلغ قرارداد حین انجام کار، کمبود جریان اطلاع‌رسانی مستقل (مطبوعات) در فرایند برگزاری مناقصات، ضعف سازوکارهای نظارت بر روند برگزاری معاملات، زمینه‌های مربوط به اقتدار بوروکراتیک و ... از آسیب‌های عمده ایجاد فساد در حوزه مناقصه و مزایده می‌باشد. در این راستا استفاده از شیوه‌های الکترونیکی شفاف‌سازی فرایندها و به تعبیر دیگر بازنگری در فرایندها، توجه به آسیب‌های موجود (که به برخی از آنها اشاره گردید) و متعاقب آن بازنگری در سیاست‌های تقنینی ناظر بر پیشگیری و مقابله با فساد و استفاده از صاحب‌منصبان متخصص و متعهد در کمیسیون‌های معاملات دستگاه‌ها، طراحی سیستم‌های هوشمند و قوی و بومی‌سازی آنها در دستگاه‌های اداری، استفاده از فناوری و تجارب موفق کشورهای که در حوزه ارتقای سلامت نظام اداری دارای رتبه‌های برتر می‌باشند و بومی‌سازی آنها با روش‌های انجام کار در سیستم اداری کشور ناظر بر معاملات دولتی، ارتقای سطح علمی و آگاهی کارکنان دولت و افراد جامعه در کنار تقویت و تجهیز رسانه‌های گروهی برای امکان اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف قوانین و مقررات، فرایند برگزاری معاملات دولتی و آشنایی با مفاسد مالی قابل ارتکاب در روند تأمین کالاها و خدمات دولتی، شفافیت در قوانین و مقررات مورد عمل، استفاده از ظرفیت پیش‌بینی‌شده در جزء (۵) بند «ب» ماده (۲۴) قانون برگزاری مناقصات که به کمیسیون مناقصه دستگاه‌های مناقصه‌گزار این اختیار داده شده است تا در صورت تشخیص وقوع تبانی بین مناقصه‌گران نسبت به لغو مناقصه اقدام نمایند، تبیین روش‌های انجام کار براساس معیارهای دقیق علمی و اجرایی، تقویت سازوکارهای نظارتی مؤثر و کارآمد و کلان‌نگر، جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت، امکانات، اختیارات و مناصب دولتی برای تأمین منافع شخصی، جلوگیری از خُرد کردن معاملات، تقویت دانش و تجربه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران از طریق برگزاری دوره و کارگاه‌های آموزشی متناسب، توجه خاص به نیازسنجی اولیه و ارائه اطلاعات شفاف و صحیح در اسناد مناقصه برای پیشگیری از کلی‌گویی و برداشت‌های نادرست و در نتیجه برخورد با رانت اطلاعاتی و برخورد قاطع با کارچاق‌کن‌ها و مفسدان در تمام سطوح، اختصاص به هنگام اعتبار و امکانات، رفع دغدغه و نیازهای معیشتی کارکنان دولت، مذاقه دقیق در قوانین و مقررات ناظر بر تشریفات معاملات و داشتن نشاط و روحیه مضاعف برای اجرای دقیق و صحیح آنها، رسیدگی دقیق به شکایات شرکت‌کنندگان در مناقصه و مزایده توسط هیأت رسیدگی به شکایات پیش‌بینی‌شده در قانون برگزاری مناقصات، بازنگری در برخی قوانین و مقررات از جمله تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸ و قانون منع مداخله کارمندان دولت در معاملات دولتی مصوب سال ۱۳۳۷ و سایر قوانین و مقررات بازدارنده ناظر به فساد در معاملات دولتی و سایر عوامل مرتبط، به‌منزله نمونه‌ای از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پیشگیری و برخورد با فسادهای موجود در مناقصه و مزایده‌ها می‌باشد.

منابع:

- ۱- آیین نامه اموال دولتی، مصوب ۲۷ اسفند ۱۳۴۹ و اصلاحیه مصوب ۱۳۵۰/۲/۱۱، منتشر در روزنامه رسمی شماره ۷۶۴۱ مورخ ۱۳۵۰/۲/۱۱.
- ۲- طیبی ابوالفضل، برزو زاده محسن، قانون برگزاری مناقصات و آیین نامه های اجرایی آن، انتشارات اندیشه ماندگار، ۱۳۸۶.
- ۳- عناوین مجرمانه، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، چاپ شرکت زیتون بهاران، ۱۳۸۹.
- ۴- قره داغلی، علی، ۱۳۹۴، قوانین و مقررات برگزاری مناقصه و مزایده، چاپ ششم.
- ۵- مجموعه کامل قوانین و مقررات مالی محاسباتی، میر بافقی، سیدحسین، مرادیان، نیری ابراهیم، انتشارات کیومرث، ۱۳۸۶.
- ۶- محشای قانون مجازات اسلامی، علی نژاد، عارف، انباز، کریم، مؤسسه فرهنگی هنری انتشاراتی نگاه بینه، ۱۳۹۴.
- ۷- مهاجری، علی، ۱۳۷۹، جرائم خاص کارکنان دولت، سازمان انتشارات کیهان ص ۱۹۶.

وضعیت ارزیابی اثربخشی سیاست ضد فساد جمهوری اسلامی ایران بر مبنای شاخص‌های بین‌المللی

رضا فلسفی^۱

مسعود صفری دنیاچالی^۲

امید سحرخیز^۳

چکیده

سیاست‌های کنترل و پیشگیری فساد همواره بحث‌برانگیز هستند. سابقه و تجربه سازمان‌های بین‌المللی برای بهبود عملکرد نهادهای عمومی توانسته درس‌های ارزشمندی برای تدوین برنامه‌های مدون برای مبارزه با فساد در آشنایی با شاخص‌ها، استانداردها و کشورها به همراه بیاورد. از این رو کنوانسیون‌های بین‌المللی معتبر در زمینه سلامت اداری و فساد می‌تواند دید بهتری از وضعیت فساد و سلامت اداری در کشورهای مختلف به ما نمایش دهد و برای مقایسه و ارزیابی وضعیت ایران با سایر کشورها مفید واقع شود. براساس این، در این پژوهش تلاش نمودیم با استفاده از روش توصیفی-اسنادی و براساس مطالعه و بررسی آثار موجود مرتبط با موضوع تحقیق و رجوع به اسناد و مدارک مربوط به ارزیابی میزان اثربخشی سیاست مقابله با فساد جمهوری اسلامی ایران بر مبنای چند شاخص معتبر بین‌المللی از جمله شاخص درک فساد، حاکمیت قانون و آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر و بنیاد هریتیج پردازیم. نتیجه این کاوش بیانگر آن است که سیاست‌های ضد فساد در جمهوری اسلامی ایران باتوجه به رتبه و امتیازات محاسبه شده در مؤلفه‌ها و شاخص‌های معتبر بین‌المللی از اثربخشی لازم برخوردار نیست.

واژگان کلیدی: پیشگیری، فساد، درک فساد، حاکمیت قانون، آزادی اقتصادی

۱- کارشناسی ارشد حقوق عمومی، گرایش مدیریت نظارت و بازرسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری تهران
reza_falsafi@ymail.com

۲- بازرس کل استان خراسان شمالی

۳- معاون نظارت و بازرسی استان خراسان شمالی

مقدمه

درباره اثربخشی پیشگیری از فساد، جامعه‌شناسان می‌گویند پیشگیری اثربخش از فساد، با ریشه‌های فرهنگی و عقیدتی در ارتباط است؛ به گونه‌ای که اگر ارزش‌ها، هنجارها، عقاید و باورهای حاکم بر افراد اجتماع متکی بر ارزش‌های مادی‌گرایانه، فردگرایانه و مصرف‌گرایانه باشد و ساختارهای اجتماعی از انسجام و کارکردهای لازم برخوردار نباشند، ناکارآمدی و ضعف نظام فرهنگی و اجتماعی را به دنبال داشته و پیامد آن، شکل‌گیری فساد در همه سطوح و لایه‌های اجتماع خواهد بود (Abueva, 1970: 206). آن‌ها همچنین معتقدند جایی که احساس ظلم، اجحاف و نابرابری، تبعیض، قانون‌گریزی و رویه‌های مذمومی از این قبیل در میان آحاد مردم رواج پیدا کند، آن جامعه یا کشور روی توسعه را به خود نخواهد دید و نظام حاکم بر آن با بحران مقبولیت مواجه خواهد شد. در چنین وضعیتی مردم رغبتی به همکاری با دولت‌ها نخواهند داشت (همان: ۲۰۸).

در مقابل عده‌ای بر این باورند که آنچه اثربخشی مقابله با فساد را در جامعه کاهش می‌دهد و موجب گسترش آن می‌شود، مردم یک کشور نیستند بلکه دستگاه عریض و طویل حاکمیت سیاسی و ساختار اقتصادی و اجتماعی مسلط بر یک کشور است (Pope, 2000: 37). اما به نظر می‌رسد برای تعیین اثربخشی سیاست‌های پیشگیرانه از مفاسد در یک کشور باید میان رژیم‌های دموکراتیک، غیردموکراتیک و مذهبی تفاوت قائل شد زیرا در حکومت‌های غیردموکراتیک و تمامیت‌خواه، با عنصر قانون تلاش می‌کنند مردم را مطیع خود سازند و همه صداها را خاموش کنند. عنصر ایدئولوژی، در رژیم‌های ایدئولوژیک قدرت بیشتری دارد و به همین ترتیب، عنصر قانون در حکومت‌های مذهبی باز هم قوی‌تر عمل می‌کند (Abueva, 1970: 207). درواقع در این نوع رژیم‌ها، اجرای قانون به منزله اجرای قوانین خدا بوده و بر همه لازم‌الاجرا است.

در رژیم‌های دموکراتیک، نظام‌های نظارت و کنترلی عدیده‌ای برای مبارزه با فساد وجود دارند؛ در این جوامع، فرض بر این است که اگر نظارت و کنترل نباشد، پاک‌ترین و بهترین افراد نیز می‌توانند به سوی فساد کشیده شوند (همان). به عبارتی، نظارت و کنترل مردم بر دولت و حکومت، شاه‌کلید نظام نظارت و کنترل فساد در این جوامع است. اما در رژیم‌های ایدئولوژیک تمرکز قدرت در دست حاکمیت بوده و کنترل و نظارت مردمی بر عملکرد دولت و حاکمیت میسر نیست (همان: ۲۰۸). با توجه به مطالب پیش گفته آنچه از بررسی سیاست‌های ضد فساد در جمهوری اسلامی ایران با توجه به ساختار حاکمیتی مذهبی از نوع اسلامی و دموکراسی از نوع مردم‌سالاری به دست می‌دهد، به نظر می‌رسد که سیاست‌های ضد فساد در جمهوری اسلامی ایران، هم سیاست‌های کنترل و نظارت

۱- اصل (۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، براساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیرومند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت الله العظمی امام خمینی، در همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین‌ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاول سال یک هزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند به آن رأی مثبت داد.

مردمی^۱ و هم نظارت و کنترل‌های حاکمیتی^۲ از جانب ارکان حکومتی را دارا است و حاکی از آن است که سیاست‌های اتخاذشده به درستی صورت پذیرفته و علی‌القاعده باید مؤثر واقع شود. اما باید برای اثبات این ادعا به این پرسش که «وضعیت سیاست‌های ضد فساد جمهوری اسلامی ایران بر مبنای شاخص‌های معتبر بین‌المللی چگونه است؟» به‌منزله یکی از ابزارهای مهم و معتبر در ارزیابی میزان اثربخش بودن سیاست‌های ضد فساد و همچنین به‌منزله پرسش محوری و اصلی این پژوهش پاسخ داده شود تا مشخص شود سیاست‌های کنترل و نظارت مردمی و حاکمیتی اتخاذشده در کشور به چه میزان اثربخش بوده است. بر اساس این، ما پس از تبیین مبانی نظری پژوهش (گفتار اول) برای درک مطلوب‌تر مخاطبان این کاوش به ارزیابی سیاست‌های ضد فساد جمهوری اسلامی ایران بر مبنای شاخص‌های بین‌المللی (گفتار دوم) همچون شاخص درک فساد، حاکمیت قانون و آزادی اقتصادی مؤسسه فریزر و بنیاد هریتیج خواهیم پرداخت.^۳

گفتار اول: مبانی نظری

ورود به هر بحثی، مستلزم شناخت مفاهیم، مشخصات و قلمرو آن بحث است. بدون در نظر گرفتن چنین امری، احتمال سرگردانی در قلمرو بحث وجود دارد. برخی از مفاهیم نیاز به تعریف دقیق دارند تا ذهن‌ها همگی یک مطلب را بفهمند؛ بنابراین یک واژه علمی باید به‌طور جداگانه تعریف شود. اما این تعاریف باید به گونه‌ای باشد که به درک متقابل کمک کند و نه آنکه آن را دشوار سازد. به همین علت مفاهیم علمی باید پیش از استفاده، برای همه نوع از اندیشمندان و خوانندگان قابل درک باشند.

در این گفتار به چارچوب‌های نظری پژوهش خواهیم پرداخت تا با شناخت نظریه‌های مطرح در این زمینه و بهره‌برداری از آن‌ها بتوانیم مسیر تحقیق را به‌طور دقیق و صحیح‌تری هدایت نماییم. بر اساس این، ما بر مبنای نظریه‌های صاحب‌نظران و دانش و تجربه محققان برای روشنگری و هویت مفاهیم نظری تحقیق، مفاهیم اصلی و بنیادی پژوهش را مشخص می‌کنیم و با بهره‌گیری از آثار و نوشته‌های اندیشمندان و نویسندگان مختلف و با استناد و رعایت نظم معقول به توصیف و تشریح مفاهیم نظری خواهیم پرداخت.

بند اول: تعریف و مفهوم «اثربخشی»^۴

در فرهنگ معین مؤثر بودن، کارگر، اثر و نشان به جا گذارنده بودن در معنای اثربخشی به کار رفته است (معین، همان: ۵۶). واژه اثربخشی یکی از کلیدواژه‌هایی است که در علم مدیریت به آن

۱- به‌منزله نمونه رجوع کنید به اصول مربوط به حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی، اصل ۸ قانون اساسی، ماده ۸ قانون آمران به معروف و ناهیان از منکر (مصوب ۱۳۹۴/۰۱/۲۳ مجلس شورای اسلامی).

۲- به‌منزله نمونه رجوع کنید به قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰/۰۷/۱۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی و قانون دیوان محاسبات کشور مصوب ۱۳۶۱/۱۱/۱۱.

۳- در اینجا اشاره به این نکته نیز مهم است که مؤسسات یادشده، مؤسساتی غربی هستند و در بسیاری مواقع، رویکردهای سیاسی می‌تواند بر روش کار و به دنبال آن در نوع نتایج به‌دست آمده و اعلامی از سوی آن‌ها تأثیر بگذارد. بنابراین یکی از ویژگی‌های نوشته حاضر، آشناسازی خوانندگان با مؤلفه‌هایی است که از سوی این مؤسسات به‌منزله مبنای ارزیابی موقعیت مدنظر قرار می‌گیرد.

پرداخته شده است و در این پژوهش مقصود ما از طرح آن همان کاربرد مدیریتی است. اما به دلیل کثرت ترکیبات و شاخه‌های این واژه در علوم مدیریت و خروج موضوعی و غیرمرتبط بودن آن‌ها، ما برای جلوگیری از سردرگمی ذهن مخاطب و اطاله کلام به یکی از بایسته‌ترین تعاریف مرتبط با موضوع تحقیق خواهیم پرداخت.

منظور از اثربخشی درواقع بررسی میزان مؤثر بودن اقدامات انجام‌شده برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده است. به عبارتی ساده‌تر در یک فرایند اثربخش، میزان تحقق اهداف اندازه‌گیری می‌شود. به‌طور کلی اثربخشی هنگامی حاصل خواهد شد که اول، نیازها به روشنی تشخیص داده شود؛ دوم، برنامه مناسبی برای برطرف ساختن نیازها طراحی شود؛ سوم، برنامه طراحی شده به درستی اجرا شود، و چهارم، ارزیابی مناسبی از فرایندهای دستیابی به اهداف انجام شود (رضائیان، ۱۳۹۵: ۲۲۵). به این ترتیب اثربخشی نشان می‌دهد که تلاش‌های انجام‌شده تا چه میزان موجب کسب نتایج مورد نظر شده است. بر اساس این، در این پژوهش قصد داریم بررسی نماییم وضعیت ایران در امر پیشگیری از فساد و مقابله با آن بر مبنای شاخص‌های بین‌المللی تا چه میزان ما را به اهدافمان در این حوزه رسانیده است.

بند دوم: تعریف و مفهوم «فساد»^۱

فساد در لغت به معنای «تباهی، ویرانی، نابودی، فتنه، آشوب، کینه، دشمنی، ستم و پوسیدگی» است (عمید، ۱۳۶۹: ماده فساد). همچنین راغب اصفهانی در کتاب مفردات گفته است: «فساد خارج شدن از حالت اعتدال است، کم باشد یا زیاد و نقطه مقابل آن «صلاح» است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۷۹). فساد طبق تعریفی که در فرهنگ معروف «ویستر»^۲ آمده عبارت است از «پاداشی نامشروع که برای وادار کردن فرد به تخلف از وظیفه تخصیص داده شده است» (سرداری، ۱۳۸۷: ۱۳۴). به تعبیری فساد عملی پنهانی جهت کسب چیز یا خدمتی برای شخص سوم به شکلی که او بتواند اعمالی انجام دهد که منفعی برای خودش یا شخص سوم یا هر دو داشته باشد و عامل فساد در آن دست داشته باشد (Senior, 2006: 69).

تعریفی دیگر از فساد آن است که مقامات دولتی اعمالی را انجام دهند که مجاز به انجام آن نیستند یا با اهداف مالی یا خصوصی کارهایی را که مسئول انجام آن هستند، تسریع نمایند (ممیش اوقلو و دورگان، ۱۳۹۰: ۵). به‌طور کلی می‌توان گفت فساد مفهومی سهل‌ممتنع است؛ به‌گونه‌ای که از دیدگاه برخی از نویسندگان پیچیدگی مفهوم فساد را از تعدد قربانیان این پدیده به‌خوبی می‌توان درک کرد (Akindele and Adeyemi, 2011: 198). بنابر تعریفی دیگر فساد به معنی استفاده غیرمجاز از قدرت عمومی برای منافع خصوصی است (Morris, 1991: 18). سازمان

1- Corruption

2- Webster

شفافیت بین الملل به اختصار فساد را «سوءاستفاده از قدرت اعطاشده برای انتفاع شخصی» تعریف کرده است (Stapenhurst and Langseth, 1997: 10).

به طور کلی در غالب تعاریف ارائه شده از فساد سه نوع دسته بندی متمایز مشاهده می شود. این تعاریف تمرکز بر ادارات عمومی، تمرکز بر بازار و تمرکز بر منافع عمومی را مدنظر قرار می دهند (Collier, 1999: 97). فساد در نظام اداری، کم و بیش گریبان گیر همه کشورها است و مشکل فساد در همه جا وجود دارد و فقط مربوط به کشورهای جهان سوم نیست (Ghazanafar and Karen, 2000: 351).

به طور کلی، فساد به فرهنگ کشورها ارتباط ندارد و کشوری با شرایط فرهنگی بالا نیز می تواند درگیر فساد شود (Lee, ۲۰۱۳: ۲۸۷). معیاری که در تعریف عام فساد مورد نظر اکثریت است، مفهوم قدرت و سوءاستفاده از آن است. بسیاری از ساختارهایی که در دنیای غرب برای مبارزه با فساد شکل گرفته، برای این منظور است که زمامداران از قدرت خود سوءاستفاده نکنند (Sergio Díaz and Jorge Pérez, 2013: 114). فارغ از این تعابیر، با تمرکز بر واژه فساد می توان به کارگیری طیف وسیع و متنوعی از معیارها از قبیل نقض هنجارهای فرهنگی، سلب اعتماد عمومی، سوءاستفاده از موقعیت و منصب اداری، قانون گریزی، مخالفت با اصول دموکراسی و ساختارهای فسادآور، سوءاستفاده از قدرت، منابع مالی و... را در تعاریف فساد مشاهده کرد.

در یک جمع بندی کلی، نگاهی به تعاریف و مفهوم پردازی های یادشده نشان می دهد که فساد مفهومی چندوجهی و متغیر دارد. درواقع می توان گفت که فساد مفهومی پیچیده است. به طوری که برخی معتقدند که این پیچیدگی در مفهوم فساد مانع از آن می شود که بتوان به همه عوامل مؤثر بر بروز آن پی برد (Heidenheimer and Johnston, 2011: 45). سخن کوتاه اینکه دستیابی به تعریف و مفهوم سازی واحدی از فساد بسیار مشکل است و این بدین معنا است که فساد همیشه پس زمینه اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و سیاسی متناسب با ماهیت، اهداف، هنجارها و ارزش های ملت ها دارد (Johnson and Sharma, 2004: 19-21). به هر حال باید توجه داشت، بسته به اینکه فساد را در کدام شاخه از علم حقوق یا علم سیاست یا سایر علوم تعریف می کنیم، تعاریف مختلفی از آن به دست می آید.

بنابراین فساد در یک معنای تقریباً جامع و مانع، هرگونه سوءاستفاده از قدرت و اختیارات قانونی و حتی استفاده ناشایست و خارج از اصول قدرت تلقی می شود که ممکن است در جهت منافع شخصی باشد یا نباشد و در همه عرصه ها از جمله اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... مطرح است.

گفتار دوم: وضعیت ارزیابی اثربخشی سیاست ضد فساد جمهوری اسلامی ایران بر مبنای شاخص های بین المللی

سیاست های کنترل و پیشگیری فساد همیشه بحث برانگیز هستند. سابقه و تجربه سازمان های بین المللی برای بهبود عملکرد نهادهای عمومی توانسته درس های ارزشمندی برای تدوین برنامه های

مدون برای مبارزه با فساد در آشنایی با شاخص‌ها، استانداردها و کشورها به همراه بیاورد. از این رو کنوانسیون‌های بین‌المللی معتبر در زمینه سلامت اداری و فساد می‌تواند دید بهتری از وضعیت فساد و سلامت اداری در کشورهای مختلف را به ما نمایش دهد و برای مقایسه و ارزیابی وضعیت سیاست‌های ضد فساد ایران با سایر کشورها مفید واقع شود. در ادامه به بررسی وضعیت میزان اثربخشی سیاست‌های ضد فساد ایران در شاخص‌های بین‌المللی پیش‌گفته درباره سلامت اداری و پیشگیری از فساد که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است می‌پردازیم.

بند اول: شاخص درک فساد^۱

این شاخص توسط سازمان شفافیت بین‌الملل^۲ در سال (۱۹۹۵) برای ارزیابی سالانه سطح فساد در کشورها براساس ارزیابی و نظرسنجی کارشناسان طراحی شده است (De Maria, 2008: 185). شاخص درک فساد بر روی فساد در بخش عمومی (شامل دولت) متمرکز شده است و فساد را سوءاستفاده بخش عمومی و دستگاه‌های دولتی از منافع افراد جامعه تعریف می‌نماید (Melgar, 2010: 120). آمارگیری‌هایی که برای تهیه این شاخص انجام می‌گیرد سؤالاتی را در رابطه با سوءاستفاده قدرت دستگاه‌های دولتی و عمومی از منافع خصوصی مردم مورد پرسش قرار می‌دهد که این سؤالات به‌طور مثال، در رابطه با رشوه‌گیری توسط دستگاه‌های دولتی است و نظرسنجی‌ها همه موارد فساد مدیریتی، فساد سیاسی، فساد اداری، قضایی، قانونی، کوچک، بزرگ و... را شامل می‌شود (همان: ۱۲۱).

این شاخص به نمره‌دهی کشورها بین (۰) تا (۱۰) می‌پردازد. به گونه‌ای که کشوری با کمترین فساد نمره (۱۰) و کشوری با بیشترین میزان فساد نمره (۰) را از آن خود می‌کند (De Maria, همان: ۱۸۷). تعداد چهارده منبع اطلاعاتی که از دوازده منبع اطلاعاتی مستقل سرچشمه می‌گیرد برای تهیه این شاخص استفاده شده است (De Maria, William, 2008: 785) که این دوازده منبع در جدول (۱) آمده است. همچنین انتخاب و اعتبار منابع اطلاعاتی توسط یک کمیته به نام «کمیته راهبری شاخص شفافیت بین‌المللی»^۳ تعیین می‌شود که دوره زمانی اطلاعات استفاده‌شده برای محاسبه شاخص، معمولاً دو سال است و هر کشوری که در بیش از سه منبع بررسی شده باشد، در این شاخص قرار می‌گیرد (همان: ۷۸۷).

کشورهایی که در سطوح پایین شاخص دسته‌بندی می‌شوند، باید اقدامات قابل توجهی را در مقابله با فساد اتخاذ کنند و کشورهایی که در بالای شاخص قرار می‌گیرند باید از عدم صادر کردن

1- Corruption Perception Index (CPI)

همچنین نک: راهداری، ا.م.، جعفریانی، ا. (۱۳۹۴). گزارش وضعیت فساد و سلامت اداری در ایران. تهران: کمیسیون رقابت، خصوصی‌سازی و سلامت اداری، صص ۵-۱۳.

2- Transparency International (TI)

سازمان شفافیت بین‌الملل یک سازمان غیردولتی است که در سال (۱۹۹۳) تأسیس شد و دفتر اصلی آن در برلین، آلمان قرار دارد. هدف این سازمان که در حدود ۱۰۰ کشور نمایندگی دارد تلاش برای مبارزه با فساد و افزایش آگاهی در مورد آن است. این سازمان به‌طور سالیانه اقدام به انتشار شاخص ادراک فساد می‌کند.

3- Transparency International Index Steering Committee

فساد به کشورهای کمتر توسعه یافته اطمینان حاصل کنند (همان). امتیاز پایین در شاخص نشانه‌ای از رشوه، عدم حاکمیت قانون، عدم پاسخ به نیاز و خواسته شهروندان و عدم حفظ منافع آنان است. (Melgar, Ibid: 123)

وضعیت ایران در این شاخص از سال (۲۰۱۲) تا (۲۰۱۵) در جدول (۲) آمده است. وضعیت ایران در شاخص ادراک فساد در جدول (۲) نشان می‌دهد که در سال (۲۰۱۵) با کسب رتبه ۱۳۰ صعود داشته است. اما به طور کلی به نظر می‌رسد نوسانات امتیازی چندان چشم گیر نیست. در مجموع با توجه به سیاست‌های ضد فساد در جمهوری اسلامی ایران به خصوص قوانین بالادستی باید گفت در این زمینه نتایج خوبی حاصل نشده است و تا دسترسی به اهداف کلان کشور فاصله زیادی وجود دارد.

جدول (۱): منابع اطلاعاتی تعیین شاخص ادراک فساد در سازمان شفافیت بین‌الملل

منبع اطلاعاتی	نام شاخص	شرکت کنندگان در نظرسنجی	موضوعات مورد بررسی
(ADB) Asian Development Bank بانک توسعه آسیایی	ارزیابی رتبه عملکرد کشور	کارمندان و کارشناسان داخل و خارج کشور	فساد، تضاد، منافع، انحراف، سرمایه‌گذاری‌ها، موفقیت‌ها، تلاش‌های مبارزه با فساد
(AFDB) African Development Bank بانک توسعه آفریقایی	ارزیابی ویژگی‌های سیاسی و نهادی کشور	کارمندان و کارشناسان داخل و خارج کشور	فساد، تضاد، منافع، انحراف، سرمایه‌گذاری‌ها، موفقیت‌ها، تلاش‌های مبارزه با فساد
(BTI) Bertelsmann Foundation مؤسسه برتلزمان	شاخصی است برای تبدیل (شاخص تبدیل برتلزمان)	خبرنگاران محلی و کارشناسان داخل و خارج سازمان‌ها	صلاحیت دولت‌ها در مجازات کردن و بازداشتن از فساد
(CPIA) World Bank (IDA and IBRD) بانک جهانی	ارزیابی ویژگی‌های سیاسی و نهادی کشور	کارمندان و کارشناسان داخل و خارج کشور	فساد، تضاد، منافع، انحراف، سرمایه‌گذاری‌ها، موفقیت‌ها، تلاش‌های مبارزه با فساد
(EIU) Economic Intelligence Unit واحد بینش اقتصادی	پیش‌بینی و ریسک خدمات کشوری	ارزیابی کارمندان و کارشناسان	سوءاستفاده از ادارات عمومی برای نفع شخصی یا حزبی
(FH) Freedom House خانه آزادی	تحول در کشورها	ارزیابی کارشناسان مقیم در کشور مربوطه	اندازه فساد انجام شده یا مشاهده شده در حکومت‌ها از طریق مردم و گزارش‌های رسانه‌ها و همچنین پیش‌قدمی در مبارزه با فساد

1- Melgar, N, Máximo R, & Tom W. S. The perception of corruption. p. 128-29.

همچنین نک: عطانی، ا. (۱۳۸۷). گزارش نقدی بر شاخص‌های سنجش فساد (شاخص ادراک فساد (CPI). تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، صص ۹-۱۳.

ادامه جدول (۱): منابع اطلاعاتی تعیین شاخص ادراک فساد در سازمان شفافیت بین الملل.

منبع اطلاعاتی	نام شاخص	شرکت کنندگان در نظرسنجی	موضوعات مورد بررسی
(GI) Global Insight (Formerly World Market Research Center) مرکز پژوهش بازارهای جهانی	رتبه بندی ریسک کشورها	ارزیابی کارمندان و کارشناسان	احتمال اینکه ادارات از فسادهای اداری کوچک به فسادهای بزرگ سیاسی برسند.
(IMD) The International World Competitiveness Center مرکز رقابت جهانی	سال نامه رقابت جهانی	مدیران عالی و میانی اجرایی	وجود یا عدم وجود فساد و رشوه
(MIG) Merchant International Group گروه بازرگانان بین المللی	پویایی نواحی خاکستری	کارکنان ماهر و خبرنگاران شبکه های محلی	فساد، از رشوه وزرای دولتی تا منشی های مدیران
(PERC) Political and Economic Risk Consultancy مشاور ریسک سیاسی و اقتصادی	خبرنامه آگاهی آسیایی	بازرگانان خارج کشور	کیفیت رسیدگی به موضوع فساد در بخش های اجتماعی
(UNFCA) United Nations Economic Commission for Africa کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آفریقا	گزارش حکمرانی آفریقا	کارشناسان تبعه کشور (بین ۷۰ تا ۱۲۰ نفر در هر کشور)	کنترل فساد شامل وضعیت گزارش سطوح فساد در قوای مقننه، قضائیه و مجریه و همچنین در وصول مالیات و نیز وضعیت پیچیدگی دستیابی به دادگستری و خدمات دولتی
(WEF) The World Economic Forum مجمع جهانی اقتصاد	گزارش رقابت پذیری جهانی	مدیران بنگاه های بین المللی و بومی	ممنوعیت نداشتن بسیاری از پرداخت ها و رشوه های مربوط به وظایف مختلف دولت

جدول (۲):^۱ وضعیت سلامت ایران در شاخص ادراک فساد از سال (۲۰۱۲) تا (۲۰۱۵) سازمان

شفافیت بین الملل

سال	رتبه	امتیاز
۲۰۱۲	۱۳۳ از ۱۷۵	۲۸ از ۱۰۰
۲۰۱۳	۱۴۴ از ۱۷۵	۲۵ از ۱۰۰
۲۰۱۴	۱۳۶ از ۱۷۵	۲۷ از ۱۰۰
۲۰۱۵	۱۳۰ از ۱۶۷	۲۷ از ۱۰۰

بند دوم: شاخص حاکمیت قانون^۲

حاکمیت قانون مفهومی بسیار مهم است که به عقیده برخی، تعریف دقیق و روشنی از آن ارائه نشده اما برداشت‌های بسیاری از آن شده است (مرکز مالیری، ۱۳۸۵: ۱۹). حاکمیت قانون یکی از اصول مهم سیاسی و حقوقی است که بشر از دیرباز در پی تحقق آن بوده است. گاهی از این اصل به مفهوم برابری و مساوات در برابر قانون تعبیر شده و گاهی از آن به حکومت قانون در مقایسه با حکومت‌های دیکتاتوری، مطلقه و پادشاهی استفاده شده است؛ گاهی نیز آن را به ویژگی‌های عمومیت داشتن، استمرار و صریح بودن قوانین توصیف نموده‌اند (همان: ۲۲).

مطابق این اصل صاحب‌نظران استفاده خودسرانه و مستبدانه از قدرت در تصمیم‌گیری‌های حکومتی را مردود می‌دانند و بر این باورند که حاکمان و سیاستمداران به‌منزله حافظان و خادمان قانون محسوب می‌شوند و خود نیز مشمول قانونند؛ به‌طوری‌که میزان مشروعیت حکومت آن‌ها به میزان وفاداری آنان به معیارهای قانونی، فراشخصی و خردمندانه بستگی دارد (Scalia, 1989: 1175-88; Rigobon and Rodrik, 2005: 535). به هر حال

حاکمیت قانون دارای یک معنای عام و یک معنای خاص است. در معنای عام، یعنی وجود نظم در کشور (Przeworski and Maravall, 2003: 12). به عبارت دیگر، وقتی افراد جامعه به گونه‌ای مشابه و با رعایت هنجارهای مشترک رفتار نمایند، به معنای آن است که قانون حاکم است. در معنای مضیق‌تر به معنای اجرای قوانین موضوعه و قوانینی که مجلس و مقامات صالح کشور به نحوه درست و در راستای اجرای آن هدف قانون وضع کرده‌اند. (همان: ۱۲)

باتوجه به اهمیت و جایگاه حاکمیت قانون و تأثیر آن در توسعه و سلامت دولت‌ها درباره نبود فساد، شاخصی با عنوان شاخص حاکمیت قانون توسط پروژه عدالت جهانی^۳ منتشر می‌شود. این شاخص برای سال‌های (۲۰۱۲) و (۲۰۱۳) با ۹۷ کشور و در سال (۲۰۱۴) با ۹۹ کشور محاسبه شده است (Agrast, et al., 2015: 18). در سال (۲۰۱۵)، این شاخص

درک فساد را در ۱۰۲ کشور ارزیابی کرده تا میزان حاکمیت قانون در این کشورها مشخص

1- Report Corruption Perception Index. (2015). Retrieved from: <http://www.transparency.org/cpi2015#results-table>

1- The Rule of Law Index

3- World Justice Project

4- Retrieved from: http://works.bepress.com/alejandro_ponce/9/

و مسائل حاکمیتی برای استفاده در برنامه‌ریزی توسعه اندازه‌گیری شوند. این شاخص از ۱۰۰۰ نفر در هر کشور و نزدیک به ۲۵۰۰ کارشناس در مورد فساد، آزادی‌های اولیه، قانون و سایر مسائل حاکمیتی می‌پرسد. برای محاسبه این شاخص از هشت عامل (نشانگر) اصلی و ۴۷ متغیر فرعی استفاده شده است.

هشت عامل اصلی عبارت‌اند از:

۱) محدودیت بر قدرت‌های دولت^۱، ۲) نبود فساد^۲، ۳) دولت باز^۳، ۴) حقوق اساسی^۴، ۵) نظم و امنیت^۵، ۶) اجرای قانون^۶، ۷) عدالت مدنی^۷، و ۸) عدالت قضایی^۸. ایران از این شاخص در سال (۲۰۱۲) تا (۲۰۱۳) امتیاز ۳۷ و در سال (۲۰۱۴) امتیاز ۴۴ را کسب کرده است^۹. باتوجه به وضعیت ایران در این شاخص در سال (۲۰۱۵) که در جدول (۴) آمده است بهترین عملکرد ایران در نشانگرهای اجرای قانون، عدالت مدنی و عدالت قضایی و در حقوق اساسی، دولت باز و محدودیت بر قدرت‌های دولت ضعیف بوده است^{۱۰}.

جدول (۳): وضعیت سلامت ایران در هشت نشانگر حاکمیت قانون (۲۰۱۵).

رتبه جهانی	امتیاز	نام فاکتور	رتبه جهانی	امتیاز	نام فاکتور
۸۰	۰/۶۲	نظم و امنیت	۹۴	۰/۳۷	محدودیت بر قدرت‌های دولت
۳۵	۰/۵۴	اجرای قانون	۶۴	۰/۴۲	نبود فساد
۴۰	۰/۵۶	عدالت مدنی	۹۹	۰/۳۵	دولت باز
۶۰	۰/۳۹	عدالت قضایی	۱۰۲	۰/۲۲	حقوق اساسی

1- Constraints on government powers

2- Absence of corruption

3- Open government

«دولت باز» یک دکتین حکمرانی است که بیان می‌دارد، شهروندان حق دسترسی به مدارک و رویه‌های دولتی را دارند تا بتوانند بر بخش عمومی نظارت داشته باشند. به‌طور کلی این دکتین بر مقابله با استبدال‌های دیگر دولت برای مشروعیت‌بخشی به محرمانگی فزاینده عملکرد دولت استوار است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک؛

Veljković, N., Sanja B. D., and Leonid S. (2014). "Benchmarking open government: An open data perspective." Government Information Quarterly. 31(2), 279.

4- Fundamental rights

5- Order and security

6- Regulatory enforcement

7- Civil justice

8- Criminal justice

9- The WJP Rule of Law Index 2015 report. Retrieved from: <http://worldjusticeproject.org/search/node/iran2015>

10- همان

11- همان

بند سوم: شاخص آزادی اقتصادی^۱

آزادی اقتصادی یا حق آزادی اقتصادی نشان‌دهنده قابلیت اعضای یک جامعه برای انجام کنش‌های اقتصادی و یکی از ابعاد نبود فساد در نظام اداری کشور است (Gwartney, et al., 2014: 17). برخی آزادی اقتصادی را حق اساسی هر انسانی در کنترل دارایی و نیروی کار خود می‌دانند؛ به‌طوری‌که در یک جامعه آزاد از نظر اقتصادی، افراد اجازه دارند تا زمانی که قانون را رعایت می‌کنند، به هر شکلی که می‌خواهند کار، تولید، مصرف و سرمایه‌گذاری کنند (De Haan and Sturm, 2000: 219). درواقع در یک جامعه آزاد از نظر اقتصادی، دولت اجازه می‌دهد نیروی کار، سرمایه و محصولات به‌صورت آزادانه چرخش پیدا کنند. با توجه به اهمیت و جایگاه آزادی اقتصادی در کشورها این عامل تبدیل به یک شاخص با عنوان شاخص آزادی اقتصادی شده است که یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اندازه‌گیری سلامت و میزان فساد در کشورها است.

این شاخص توسط مؤسسه فریزر^۲ و بنیاد هریتیج^۳ هر ساله به‌طور جداگانه منتشر می‌شود و نقش مهمی در تشخیص فساد و نبود آن در دولت‌ها دارد. مؤسسه فریزر که در ونکور کانادا قرار دارد، یک سازمان سیاست عمومی است که تمرکز آن بر نقش بازارهای رقابتی در تأمین مناسبات اقتصادی و اجتماعی مردم کانادا است. این مؤسسه شاخص آزادی اقتصادی جهان^۴ را برای اندازه‌گیری سازگاری نهادها و سیاست‌های کشورها با آزادی اقتصادی بخش خصوصی طراحی کرده است (احمدیان و شهبازی غیائی، ۱۳۹۰: ۱۱). بنیاد هریتیج یک مؤسسه تحقیقاتی آموزشی است که از سال (۱۹۷۳) در واشنگتن تأسیس شده است و از سال (۱۹۹۵) با همکاری روزنامه وال‌استریت، سالنامه به محاسبه شاخص آزادی اقتصادی کشورها و رتبه‌بندی آن‌ها می‌پردازد و با گذر زمان به تکمیل و تجدیدنظر در این شاخص اقدام می‌کند (همان و Terry and Anthony, 2016: vii). به‌منزله نمونه این مؤسسه در ویرایش سال (۲۰۰۷) تغییراتی را در روش رتبه‌بندی خود ایجاد کرده است. به‌طوری‌که در روش پیشین امتیاز هر شاخص فرعی در فاصله ۱ تا ۵ تعیین می‌شد و نیز کسب امتیاز بیشتر به معنی آزادی اقتصادی کمتر بود ولی در روش جدید امتیاز هر شاخص فرعی در فاصله ۰٪ تا ۱۰۰٪ تعیین می‌شود و کسب امتیاز بیشتر به معنی آزادی بیشتر است (احمدیان و شهبازی غیائی، همان: ۱۱).

هریک از این مؤسسات برای محاسبه آزادی اقتصادی در جهان و کشورها دارای مجموعه‌ای شاخص‌های فرعی و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده است که شباهت‌های بسیاری دارند، اما در دسته‌بندی و ترکیب مؤلفه‌ها اندکی تفاوت مشاهده می‌شود که در جدول‌های (۵) و (۶)^۵ نشان داده شده است. براساس آخرین رتبه‌بندی انجام‌شده توسط مؤسسه فریزر در سال (۲۰۱۳) و بنیاد هریتیج در سال (۲۰۱۶) کشورهای هنگ کنگ، سنگاپور، نیوزیلند، استرالیا، دانمارک و سوئیس با کمی نوسان در

1- Economic Freedom Index (EFI)

2- Fraser Institute

3- Heritage Foundation

4- Economic Freedom of The World (EFW)

5- Terry, M., Anthony B. K. (2016). "Report Index of Economic Freedom". pp. 22-24.

رتبه ها و امتیازات کسب شده در صدر اقتصادهای آزاد و رها از فساد طبقه بندی شده اند.^۱
جدول (۴): شاخص ها و مؤلفه های مؤسسه فریزر در محاسبه سلامت کشورها در شاخص آزادی اقتصادی جهان

Indexes and Components	شاخص ها و مؤلفه ها
Size of Government 1. Government consumption 2. Transfers and subsidies 3. Government enterprises and investment 4. Top marginal tax rate (i) income (ii) payroll	اندازه دولت ۱. مخارج مصرفی دولت ۲. پرداخت های انتقالی و یارانه ها (درصدی از GDP) ۳. مالکیت دولتی و سرمایه گذاری دولت نسبت به کل سرمایه گذاری ۴. بیشترین نرخ مالیات بر (الف) درآمد (ب) مزد و حقوق
Freedom to Trade Internationally 1. Tariffs (i) Revenue from trade taxes (% of trade sector) (ii) Mean tariff rate (iii) Standard deviation of tariff rates 2. Regulatory trade barriers (i) Non-tariff trade barriers (ii) Compliance costs of importing and exporting 3. Black-market exchange rates 4. Controls of the movement of capital and people (i) Foreign ownership / investment restrictions (ii) Capital controls (iii) Freedom of foreigners to visit	آزادی تجارت بین المللی ۱. تعرفه ها (الف) درآمد حاصل از مالیات تجاری (درصدی از بخش تجارت) (ب) متوسط نرخ های تعرفه (ج) انحراف معیار نرخ های تعرفه ۲. موانع قانونی تجارت (الف) موانع غیر تعرفه ای (ب) هزینه های صادرات و واردات ۳. نرخ ارز بازار سیاه ۴. اندازه بخش تجاری نسبت به اندازه مورد انتظار (الف) محدودیت های سرمایه گذاری و مالکیت خارجی (ب) کنترل های سرمایه (ج) کنترل های بازار سرمایه بین المللی
Legal System and Property Rights 1. Judicial independence 2. Impartial courts 3. Protection of property rights 4. Military interference in rule of law and politics 5. Integrity of the legal system 6. Legal enforcement of contracts 7. Regulatory costs of the sale of real property	ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت ۱. استقلال قضایی ۲. عدالت قضایی ۳. حمایت از حقوق مالکیت ۴. دخالت نهادهای نظامی در اجرای قانون ۵. سلامت سیستم قانون گذاری ۶. اجرای قانونی قراردادهای ۷. محدودیت های قانونی فروش دارایی حقیقی
Sound Money 1. Money growth 2. Standard deviation of inflation 3. Inflation: most recent year 4. Freedom to own foreign currency bank accounts	دسترسی به پول سالم ۱. رشد پول ۲. انحراف معیار تورم ۳. تورم سال های اخیر ۴. آزادی داشتن حساب بانکی خارجی

1- James G, Robert L, & Joshua H. Economic Freedom of the World, p. 8, & See Also: a. <http://www.freetheworld.com/release.html> ; b. Terry, Miller. Anthony B. K. (2016). "Report Index of Economic Freedom". pp. 4-6. ; & <http://www.heritage.org>

2- See: James G., Robert L., and J. H., (2015). Economic Freedom of the World: Annual Report, Publisher: Fraser Institute, p. 4 ; See Also: www.fraserinstitute.org & www.freetheworld.com

جدول (۵): شاخص‌ها و مؤلفه‌های بنیاد هریتیج در محاسبه سلامت کشورها در شاخص آزادی اقتصادی

شاخص‌ها و مؤلفه‌ها	Indexs and Components
اندازه دولت	Government Size 1. Fiscal freedom 2. Government spending
حاکمیت قانون	Rule of Law 1. Property rights 2. Freedom from corruption
کارآیی قانونی	Regulatory Efficiency 1. Business Freedom 2. Labor Freedom 3. Monetary Freedom
بازارهای آزاد	Open Markets 1. Trade Freedom 2. Investment Freedom 3. Financial Freedom

وضعیت ایران در شاخص آزادی اقتصادی جهان و مؤلفه‌های آن توسط مؤسسه فریزر به صورت تفکیک شده در جدول‌های زیر نشان داده شده است و حاکی از آن است که ایران جایگاه مناسبی ندارد.

جدول (۶): وضعیت سلامت ایران در شاخص اندازه دولت و مؤلفه‌های آن (۲۰۱۳) مؤسسه فریزر

شاخص	رتبه	امتیاز	مؤلفه‌ها	امتیاز
اندازه دولت	۱۵۷	۶/۱۱	۱. مخارج مصرفی دولت	۵/۴۴
			۲. پرداخت‌های انتقالی و یارانه‌ها (درصدی از GDP)	۷/۹۹
			۳. مالکیت دولتی و سرمایه‌گذاری دولت نسبت به کل سرمایه‌گذاری	
			۴. بیشترین نرخ مالیات بر درآمد مزد و حقوق	۷

* نمرات اکتسابی از (۱۰) است.

1- Terry, M., Anthony B. K. (2016). "Report Index of Economic Freedom" by the Heritage Foundation. Wall Street Journal.

2- Gwartney, J., Lawson, R, and Hall, J. Economic Freedom of the World. p. 95. & See Also: www.freetheworld.com • www.fraserinstitute.org

جدول (۷): وضعیت سلامت ایران در شاخص آزادی تجارت بین‌المللی و مؤلفه‌های آن (۲۰۱۳) مؤسسه فریزر

شاخص	امتیاز	مؤلفه‌ها	امتیاز
آزادی تجارت بین‌المللی	۴/۱۲	۱. مالیات به‌عنوان درصدی از صادرات و واردات	۴/۰۷
		۲. درآمد حاصل از مالیات تجاری (درصدی از بخش تجارت)	۷/۲۵
		۳. متوسط نرخ‌های تعرفه	۴/۶۸
		۴. انحراف معیار نرخ‌های تعرفه	۰/۰۰
		۵. موانع قانونی تجارت	۵/۳۱
		۶. موانع غیرتعرفه‌ای	۴/۸۷
		۷. هزینه‌های صادرات و واردات	۵/۷۶
		۸. اندازه بخش تجاری نسبت به‌اندازه مورد انتظار	۵/۸۶
		۹. نرخ ارز بازار سیاه	۱/۲۵
		۱۰. کنترل‌های بازار سرمایه بین‌المللی	۲/۶۶
		۱۱. محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و مالکیت خارجی	۰/۷۷
		۱۲. کنترل‌های سرمایه	۰/۳۴

* نمرات اکتسابی از (۱۰) است.

جدول (۸): وضعیت سلامت ایران در شاخص ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت و مؤلفه‌های آن (۲۰۱۳) مؤسسه فریزر

شاخص	امتیاز	مؤلفه‌ها	امتیاز
ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت	۵/۲۱	۱. استقلال قضایی	۳/۹۸
		۲. عدالت قضایی	۳/۰۹
		۳. حمایت از حقوق مالکیت	۴/۷۶
		۴. دخالت نهادهای نظامی در اجرای قانون	۷/۵۰
		۵. سلامت سیستم قانون‌گذاری	۶/۶۷
		۶. اجرای قانونی قراردادها	۵/۶۳
		۷. محدودیت‌های قانونی فروش دارایی حقیقی	۵/۸۵

* نمرات اکتسابی از (۱۰) است.

جدول (۹): وضعیت سلامت ایران در شاخص دسترسی به پول سالم و مؤلفه‌های آن (۲۰۱۳)
مؤسسه فریزر

شاخص	امتیاز	مؤلفه‌ها	امتیاز
دسترسی به پول سالم	۷	۱. رشد پول	۹/۸۰
		۲. انحراف معیار تورم	۶/۰۵
		۳. تورم سال‌های اخیر	۲/۱۵
		۴. آزادی داشتن حساب بانکی خارجی	۱۰

* نمرات اکتسابی از (۱۰) است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

باتوجه به جایگاه و وضعیت سلامت اداری ایران بر مبنای شاخص‌های بین‌المللی که به‌طور مبسوط بررسی شد، باید در مقام پاسخ به این سؤال که «وضعیت ارزیابی اثربخشی سیاست ضد فساد جمهوری اسلامی ایران بر مبنای شاخص‌های معتبر بین‌المللی چگونه است؟» به‌منزله پرسش محوری و اصلی این تحقیق این‌گونه پاسخ دهیم که میزان اثربخش بودن سیاست‌های ضد فساد جمهوری اسلامی ایران از کارآیی و اثربخشی لازم برخوردار نیست و نیاز به تقویت و حتی در برخی موارد سیاست‌گذاری مجدد دارد و به نظر می‌رسد یکی از شیوه‌های تقویت این سیاست‌ها بهره‌گیری از سیاست‌های مشترک مقابله با فساد در کشورهای موفق و سازمان‌های بین‌المللی باشد.

آنچه در این پژوهش ارائه شد، درآمدی کوتاه بر یک موضوع نسبتاً گسترده بود. بااین حال سعی شد به رؤس اصلی مسائل اشاره شود. به علاوه سعی شد به مهم‌ترین منابع مرتبط داخلی و خارجی که در این زمینه منتشر شده‌اند ارجاع داده شود تا افرادی که مایل به توسعه مطالعات خود در این زمینه هستند با مهم‌ترین آثاری که در این خصوص نگاشته شده‌اند، آشنا گردند. بدیهی است به بسیاری از موضوعات اشاره نشد و مواردی نیز که به آن‌ها اشاره شد، مطالعه و مذاقه بیشتری را می‌طلبند.

به هر روی، برخی نکات و مسائلی که محققان در ضمن مطالعه منابع این پژوهش بدان دست یافتند و به دلیل اینکه پرداختن به این نکات و مسائل خود موضوع یک مقاله یا حتی گسترده‌تر از آن است در اینجا به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌نماییم.

(۱) مطالعات ما حاکی از آن است که نه فقط برخی از مناطق نسبت به دیگر مناطق به شدت تحت تأثیر فساد هستند، بلکه فساد در تمامی مناطق جهان دارای اشکال و چارچوب‌های متفاوتی است. درحالی‌که در برخی از مناطق فساد اداری بسیار رایج است، در دیگر مناطق، این نوع از فساد نسبت به فساد سیاسی، کنترل‌شده محسوب می‌شود. این امر خود از اهمیت ارزیابی ماهیت

فساد قبل از طراحی سیاست‌های ضدفساد حکایت دارد تا سیاست‌گذاران به اولویت‌بندی اهداف و استفاده مؤثر از منابع موجود قادر باشند. درک تفاوت‌های موجود در ماهیت و ساختار فساد در تمامی مناطق و کشورها می‌تواند به تبیین معمای چرایی شکست برخی سیاست‌ها که موفقیت کامل آن‌ها در شرایط دیگر اثبات شده است در بعضی از کشورها کمک نماید. باید اعتراف نمود که در بسیاری از موارد نهادها و سازمان‌های مسئول مبارزه با فساد خود «اسیر» فساد شده و به شیوه‌های فسادآلود رفتار می‌کنند. در برخی موارد دیگر تلاش‌های ضدفساد به خاطر منابع ناکافی یا فقدان تمایل سیاسی لازم برای تضمین کارآمدی این اقدامات، نمی‌تواند پایدار شود. بنابراین تمامی این ملاحظات دوباره به اهمیت انجام مطالعات موردی مجدد هریک از کشورها برای درک ماهیت فساد و طراحی استراتژی‌های مؤثر ضدفساد اشاره دارد.

۲) فساد پدیده‌ای است که مبارزه با آن فقط با تصویب قانون و ابلاغ بخش‌نامه و دستورالعمل امکان‌پذیر نیست، بلکه باید ریشه‌های آن را شناخت و با اصلاح زیرساخت‌های لازم، و برنامه‌ریزی درازمدت، به مقابله سیستمی با آن پرداخت. فساد در هر کشور بسته به شرایط خاص آن، می‌تواند ناشی از شرایط اقتصادی (گذر، تعدیل، بازسازی، خصوصی‌سازی و...)، ضعف مسئولیت‌پذیری‌ها، ناکارآمدی نظام اداری، ضعف نظارت سیستمی، ضعف نظارت عمومی (جامعه مدنی، مطبوعات، احزاب و...)، ضعف نظام جزایی و کیفری، ضعف قوانین و مقررات و بی‌ثباتی آن‌ها، شفاف نبودن قوانین و مقررات، نظام‌مند نبودن رقابت‌های سیاسی و حمایت جریان‌های سیاسی از عناصر مرتبط، فقدان امنیت شغلی، ضعف نظام تأمین اجتماعی و... باشد. بنابراین گزینش راهبردها چهره‌ای اقتضایی براساس توجه به شرایط مختلف به خود می‌گیرد.

۳) ابهام، ناسازگاری، یا هم‌پوشانی وظایف، اختیارات، و مسئولیت‌های دستگاه‌ها و نهادهای تشکیل‌دهنده حکومت اعم از قوای اجرایی، قضایی، و قانون‌گذاری که درنهایت اصل مهم مسئولیت‌پذیری را خدشه‌دار یا ناکارآمد می‌سازد، ضعف کنترل و نظارت مؤثر یا کارآمد، نبود معیارهای ارزیابی و سنجش فساد به‌منزله ابزار کنترل و نظارت، نبود شفافیت و گردش مناسب داده‌ها و اطلاعات به‌منزله ابزار ارزیابی و سنجش فساد، عدم الزام به حساب‌دهی و گزارش‌دهی به‌منزله ابزار شفافیت، فقدان پوشش قانونی مؤثر یا اجرای نادرست قانون یا نابرخورداری قانون از ضمانت اجرایی کافی، ازجمله عواملی هستند که باعث تشدید فساد در هر کشور می‌شود.

۴) تعدد قوانین و پیچیدگی‌ها و ابهامات موجود در آن‌ها و وجود قوانین نامناسب و سکوت یا ابهام قانون در تشخیص و اثبات برخی از مصادیق فساد، به همراه طولانی بودن فرایندها و روش‌های انجام کار و عدم آگاهی ارباب رجوع از آن فرایندها موجب گردیده است تا فضای لازم برای بروز فساد اداری- مالی فراهم شود. در مورد ایران به نظر می‌رسد چارچوب‌های حقوقی رضایت‌بخشی وجود دارند؛ هرچند این قوانین کامل نیستند و نیاز به اصلاح و گسترش دارند ولی به نظر می‌رسد مشکل اصلی در اجرای بی‌طرفانه قانون و همه‌گیرانه آن است.

۵) و نکته آخر اینکه به نظر می‌رسد نحوه نظارت در سازمان‌های دولتی ایران از نظر فراهم آوردن بستر مقابله با فساد و فراهم ساختن بستر کنترل و نظارت دقیق، مستمر و به‌هنگام ساختن کنترل‌ها، باید مجدداً بازبینی شود؛ زیرا ضعف این موارد با توجه به فعال نبودن کامل سیستم نظارت عمومی (مردم، نهادهای مدنی و رسانه‌ها) و عدم پاسخ‌خواهی مردم از مدیران و کارکنان و پایین بودن سطح آگاهی عمومی (مردم و کارکنان) و عدم وجود تناسب بین مجازات متخلفان از نظر شدت جرایم، به موقع، متناسب و قاطع بودن، زمینه عقلانی برای ارتکاب به فساد اداری - مالی را فراهم می‌سازد.

منابع

جان گراهام، (بیتا)، استراتژی‌های پیشگیری از جرم در اروپا و آمریکای شمالی، ترجمه مؤسسه تحقیقات علوم جزایی و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران.

دادخدایی، لیلا. (۱۳۹۰). فساد مالی - داری و سیاست جنایی مقابله با آن، با تکیه بر کنوانسیون سازمان ملل متحد، انتشارات میزان، تهران.

دیلک ممیش اوقلو و عایشه دورگان. (۱۳۹۰). راهکارهای حقوقی مبارزه با فساد اداری در ترکیه، ترجمه محمدجواد حق‌شناس، چاپ اول، انتشارات سازمان بازرسی کل کشور، تهران.

راهداری، امیرحسین، جعفریانی، ابراهیم. (۱۳۹۴). گزارش وضعیت فساد و سلامت اداری در ایران، انتشار توسط: کمیسیون رقابت، خصوصی سازی و سلامت اداری.

رضائیان، علی. (۱۳۹۲). مبانی سازمان و مدیریت، چاپ شانزدهم، انتشارات سمت، تهران.

ریموند، گسن. (۱۳۷۶). روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۰-۱۹.

سرداری احمد. (۱۳۸۷). رویکردی بر ساختارهای اداری کشورهای در حال توسعه، مجموعه مقالات دومین همایش ملی و پژوهشی نظارت و بازرسی در کشور، چاپ اول، انتشارات دانشکده مدیریت تهران.

عطائی، امید. (۱۳۸۷). گزارش نقدی بر شاخص‌های سنجش فساد (شاخص ادراک فساد (CPI)، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران.

معین، محمد. (۱۳۸۵). فرهنگ فارسی جیبی، گردآوری عزیزالله علیزاده، انتشارات راه رشد، چاپ سوم، تهران.

Abueva, Jose Veloso. (1970), "What are we in Power For?: The Sociology of Graft and Corruption." Philippine Sociological Review Vol. 18, no. 3/4, pp. 203-208.

Agrast, Mark, Juan Botero, Joel Martinez, Alejandro Ponce, and Christine

Pratt. (2015). "WJP Rule of Law Index." Available at: http://works.bepress.com/alejandro_ponce/9/.

Akindele, S. T. & Adeyemi, O. O. (2011). *Corruption and the Nigerian State: A Critical Discourse*, Saarbrücken Germany: Lap Lambert Academic.

Arnold J. Heidenheimer, & Michael Johnston. (2011). *Political Corruption: Concepts and Contexts*. 3rd edition. Transaction Publishers, New Brunswick (U.S.A.) and London (U.K.), Dec 31.

Crawford, A. (2007). *Crime Prevention and Community Safety*, the Oxford Handbook of Criminology, 4th edition. New York, Oxford University Press.

De Haan, Jakob, and Jan-Egbert Sturm. (2000), "On the relationship between economic freedom and economic growth." *European Journal of Political Economy*, Vol. 16, No. 2, pp. 215-241.

De Maria, Bill. (2008), "Neo-colonialism through measurement: a critique of the corruption perception index." *Critical perspectives on international business* Vol. 4, no. 2/3, pp. 184-202.

De Maria, William. (2008), "Measurements and markets: deconstructing the corruption perception index." *International Journal of Public Sector Management* Vol. 21, no. 7, pp. 777-797.

Ghazanfar, S. M., and Karen S. May. (2000), "Third world corruption: A brief survey of the issues." *The Journal of Social, Political, and Economic Studies* Vol. 25, no. 3, p. 351.

Gwartney, James, Robert Lawson, and Seth Norton. (2014). *Economic freedom of the world 2014 annual report*, Publisher: Fraser Institute.

James Gwartney, Robert Lawson, and Joshua Hall, (2015), *Economic Freedom of the World: Annual Report*, Publisher: Fraser Institute.

Johnson, Roberta Ann, and Shalendra Sharma, (2004), *About corruption*. Palgrave Macmillan, US.

Lee, W.S. (2013), "Engaging in corruption: The influence of cultural values and contagion effects at the micro level". *Journal of Economic Psychology*, pp.287-300.

Morris, S. D. (1991). *Corruption and Politics in Contemporary Mexico*, 1th

Edition, University of Alabama Press, Tuscaloosa.

Paul Michael Cozens, Greg Saville, David Hillier, (2005), "Crime prevention through environmental design (CPTED): a review and modern bibliography", *Property Management*, Vol. 23 No. 5, pp.328 – 356.

Pope, Jeremy, and Frank Vogl. (2000), "Making anticorruption agencies more effective." *Finance and Development* Vol. 37, No. 2, pp. 6-9.

Przeworski, Adam, and José María Maravall. (2003). *Democracy and the Rule of Law*. Vol. 5. Cambridge University Press.

Rigobon, Roberto, and Dani Rodrik. (2005), "Rule of law, democracy, openness, and income." *Economics of transition* Vol. 13, no. 3, pp. 533-564.

Robert, Lawson, and Joshua. Hall. (2015). *Economic Freedom of the World: Annual Report*, Publisher: Fraser Institute.

Scalia, Antonin. (1989), "The rule of law as a law of rules." *The University of Chicago Law Review* Vol. 56, no. 4, pp. 1175-1188.

Senior, I. (2006). *Corruption - The World's Big*, 3th Edition, Institute of Economic Affairs, London.

SergioDíaz-Briquets, Jorge Pérez-López. (2013). *Corruption in Cuba: Castro and Beyond*, EditionEighth, by University of Texas Press, Printed in the United States of America.

Stapenhurst, F., & Langseth, P. (1997), *The Role of Public Administration In Fighting Corruption*. 5th Edition, by University of Texas Press, Printed in the United States of America.

Terry, Miller. Anthony B. Kim, (2016), " Report Index of Economic Freedom", by the Heritage Foundation, Publisher: The Wall Street Journal.

Veljković, Nataša, Sanja Bogdanović-Dinić, and Leonid Stoimenov. (2014), "Benchmarking open government: An open data perspective." *Government Information Quarterly* Vol. 31, no. 2, pp. 278-290.

مفاهیم و مصادیق جرایم شرکتي و ضرورت توجه به راهکارهای ایزو ۲۶۰۰۰ و حسابداری اجتماعی از سوی سازمان بازرسی کل کشور

حمزه ملکيان^۱

اصغر سپهیان قره بابا^۲

چکیده

امروزه فساد به علت عواقب مضر آن از جمله بالا بردن هزینه معامله، عدم اطمینان و در نهایت پیشگیری از سرمایه گذاری، بهکی از بزرگترین چالش های جهان تبدیل شده است. بسیاری از شرکت ها در راستای حفظ جایگاه و منافع خود در بازارهای رقابتی، با عدول از الزامات قانونی و استانداردهای حاکم بر خود، همچنین با نقض قوانین موجود ضمن وارد آوردن خسارات و صدمه های جبران ناپذیر و هزینه های گزاف اقتصادی و اجتماعی بر کشورها، حقوق و منافع گروه های دیگر و در نهایت جامعه را تضییع می کنند و مرتکب جرایم شرکتي می شوند. در این میان نقش سازمان بازرسی کل کشور به منزله نهاد متولی نظارت بر حسن جریان عملکرد دستگاه ها، در حوزه شناسایی، پیشگیری، اصلاح و مقابله با این جرائم بسیار پررنگ است. هدف مقاله حاضر، بررسی دقیق مفاهیم و مصادیق جرایم شرکتي و همچنین به کارگیری استاندارد بین المللی ایزو ۲۶۰۰۰ و حسابداری اجتماعی به منزله راه حلی برای مقابله با این پدیده توسط سازمان بازرسی است که جهت دستیابی به هدف مقاله و بررسی ریشه های ظهور جرایم شرکتي، مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتي نیز تشریح گردید. نتایج تحقیق بیان می دارد هر استاندارد و معاهده ای که به گونه ای به مسئولیت اجتماعی شرکتي توجه کرده باشد، باید به منزله یک عامل مهم توسعه پایدار و مقابله با جرایم شرکتي در واحدهای تجاری تقویت شود، که سرآمد آنان استاندارد بین المللی ایزو ۲۶۰۰۰ است. از طرفی در راستای ایفای مسئولیت پاسخ گویی و گزارشگری آثار متقابل معاملات بین واحدهای تجاری و جامعه پیرامونی اش، حسابداری اجتماعی به منزله راه حل پیشگیرانه و کاشف جرایم شرکتي معرفی گردید. بنابراین نتایج تحقیق توصیه می کند سازمان بازرسی کل کشور جهت مقابله با پدیده جرایم شرکتي، استفاده از این ظرفیت ها را برای حسن جریان امور در دستور کار خود قرار دهد.

واژگان کلیدی: جرایم شرکتي، مسئولیت اجتماعی شرکتي، ایزو ۲۶۰۰۰، حسابداری اجتماعی، سازمان بازرسی کل کشور

۱- کارشناسی ارشد حسابداری، عضو پیوسته انجمن حسابداری ایران h.malekian_1989@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه رازی کرمانشاه، بازرس اقتصادی و امور زیربنایی اداره کل بازرسی استان کرمانشاه

۱. مقدمه

توسعه بازارهای ملی و فراملی و نقش انکارناپذیر شرکت‌های خصوصی به‌منزله ابزارهای بی‌بدیل کارآفرینی و عامل توسعه و تعالی اقتصاد جوامع مختلف، سبب شکل‌گیری نگاهی یک‌سویه به کارکردهای مثبت شرکت‌ها شده است. این در حالی است که بسیاری از واحدهای تجاری با تفکری اشتباه در راستای حفظ جایگاه و منافع خود در بازارهای رقابتی، با عدول از الزامات قانونی و استانداردهای حاکم بر خود، همچنین با نقض قوانین موجود در زمینه‌های کار، تجارت، محیط‌زیست، مالیات، گمرک و بورس و وارد آوردن خسارات و صدمه‌های جبران‌ناپذیر و هزینه‌های گزاف اقتصادی و اجتماعی بر کشورها، ضمن ارتکاب به جرایمی دست به فساد می‌زنند. فساد یک پدیده جهانی است که در همه کشورها وجود دارد، ولی براساس شواهد، به کشورهای فقیر بیش از سایرین آسیب می‌زند، رشد اقتصادی را سرکوب می‌کند و بودجه‌های مورد نیاز برای آموزش، بهداشت و سایر خدمات عمومی را از مسیر خود منحرف می‌سازد. براساس آمار بانک جهانی، سالانه و به‌طور تقریبی بالغ بر یک تریلیون دلار از طریق رشوه ردوبدل می‌شود.^۱ امروزه فساد به علت عواقب مضر آن از جمله بالا بردن هزینه معامله، عدم اطمینان و درنهایت پیشگیری از سرمایه‌گذاری، به‌کی از بزرگ‌ترین چالش‌های جهان تبدیل شده است (ویرجینیا و همکاران،^۲ ۲۰۰۸). در راستای مبارزه با این پدیده، نهادهای بین‌المللی همچون سازمان بین‌المللی شفافیت^۳ (TI)، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)،^۴ سازمان ملل متحد، بانک جهانی (GAC)^۵ و در سال‌های اخیر وزارت دادگستری آمریکا و کمیسیون بورس اوراق بهادار به طرز چشمگیری اقدامات خود را علیه جریان‌ات فعال مفاسد افزایش داده‌اند (الکن و پانده،^۶ ۲۰۱۱). در ایران نیز به استناد اصل (۱۷۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده یک قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور امر نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اجرایی بر عهده سازمان بازرسی قرار داده شده است. این سازمان به‌منزله نهاد متولی مقابله با فساد، ضمن شناسایی و علت‌یابی پدیده فساد و تجزیه و تحلیل آن، موظف است با ارائه راهکارهایی در جلوگیری از فساد به‌صورت کارا عمل نماید.

در میان اشکال مختلف فساد، فساد شرکتی در روابط بین شرکت‌های انتفاعی خصوصی و تأمین‌کنندگان یا مشتریان اتفاق می‌افتد. زمانی که مقامات شرکت‌های سهامی بزرگ از منابع شرکت برای به دست آوردن منافع شخصی و به هزینه سهامداران استفاده می‌کنند مرتکب فساد شرکتی می‌شوند (موزز مونتش، ۱۳۹۲). حال آنکه اگر هر گروهی منافع شخصی خود را بدون در نظر گرفتن

1- www.unodc.org/islamicrepublicofiran/fa/legal.html

2- Arvanitidou Virginia, Konstantinidou Eleni, Papadopoulos Dimitrios and Xanthi Chrysoula

3- Transparency International

4- The Organisation for Economic Co-operation and Development

5- Governance and Anti-Corruption

6- Benjamin, A., Olken, MIT and Rohini Pande, Harvard University.

عواقب اعمال خود بر اجتماع هدف قرار دهد جان سالم به در نمی‌برد (لاینوز^۱، ۱۹۷۴)؛ به این معنی که توانایی کسب و نگهداری استانداردهای بین‌المللی و فرصت حضور در بازارهای جهانی را نمی‌یابد یا در صورت حضور با از دست دادن اعتماد در جامعه، جایگاه خود را از دست می‌دهند.

هدف مقاله حاضر، بررسی دقیق مفاهیم و مصادیق جرایم شرکتی و معرفی استاندارد بین‌المللی ایزو ۲۶۰۰۰ و حسابداری اجتماعی به‌منزله راه‌حلی برای مقابله با این پدیده است که می‌تواند توسط سازمان بازرسی به آن توجه شود. جهت دستیابی به هدف مقاله و بررسی ریشه‌های ظهور جرایم شرکتی و پس از ارائه مفاهیم و مصادیق آن، مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتی نیز تشریح می‌شود. بدین ترتیب ضمن معرفی علت اصلی جرایم شرکتی، مبنایی برای توسعه چارچوب مفهومی اصول استاندارد بین‌المللی ایزو ۲۶۰۰۰ و تئوری حسابداری اجتماعی به‌منزله راه‌حل‌های پیشنهادی فراهم می‌شود.

۲. چارچوب مفهومی فساد و جرایم شرکتی

در دهه گذشته فساد، به جایگاه مهمی در متون و مناظرات مربوط به توسعه، اقتصاد و حتی سیاست رسیده است؛ تاجایی که بررسی اثر فساد در اقتصاد، برای اندازه‌گیری هزینه‌های سیستم حکومت‌های ناکارآمد، حائز اهمیت است (گونزالو^۲، ۲۰۱۳). بانک جهانی در تعریفی ساده، فساد را سوءاستفاده از قدرت عمومی برای نفع خصوصی می‌داند (تانزی^۳، ۱۹۹۸). فساد یک فعالیت متقلبانه است که در آن رئیس، مدیر اجرایی، مدیر، کارمند یا پیمانکار یک نهاد برای دستیابی به برخی منافع شخصی یا نفع خود یا برای یک فرد یا نهاد دیگری خلاف منافع نهاد عمل نموده و از موقعیت اعتماد خود در نهاد سوءاستفاده می‌کنند.

بنیاد فکری جرایم شرکتی با مطالعات ساترلند در دهه چهل قرن بیستم بر روی سابقه بزهکاری هفتاد شرکت خصوصی مشهور و معتبر در عرصه‌های تجاری، بازرگانی و صنعتی شکل گرفت. ایشان در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که تمامی شرکت‌های بزرگ، ضمن نقض قوانین و مقررات بازرگانی به‌طور مکرر مرتکب جرایمی همچون تبلیغات فریبکارانه، تقلب‌های مالیاتی، سوءاستفاده از علائم تجاری و جرایم علیه قوانین و مقررات کار شده‌اند (شکریان، ۱۳۹۰). به دنبال تحقیقات ساترلند و با مطالعات مارشال کلینارد و ریچارد کویینی (۱۹۷۳) و کلینارد (۱۹۹۰) فساد بخش خصوصی با اصطلاح جرم شرکتی وارد ادبیات جرم‌شناسی گردید و نخستین تعریف از آن شکل گرفت. از دیدگاه ایشان رفتارهای ناقض قانون و مجرمانه‌ای که توسط شرکت یا کارمندانش به قصد انتفاع ارتکاب یافته و صرف‌نظر از اینکه به موجب قانون جزا، قانون مدنی یا سایر قوانین قابل مجازات باشد یا خیر جرم شرکتی نامیده می‌شود (مون^۴، ۲۰۰۲). ون دی بوت^۵ جرایم شرکتی

1- Linowes

2- Gonzalo F. Forgues-Puccio

3- Tanzi

4- Wei-Teh Mon

5- Van de Bunt

را فعل یا ترک فعل‌های غیرقانونی می‌داند که به صورت فردی یا گروهی توسط اعضا و کارکنان شرکت‌ها و با هدف کسب منفعت شرکت در خلال وظایف سازمانی‌شان ارتکاب می‌یابد (شکریان، ۱۳۹۰). در تعریفی دیگر فریدریچ جرایم شرکتی را اعمال غیرقانونی و مضر می‌داند که توسط اعضای هیأت مدیره، صاحبان مناصب یا کارمندان شرکت و با هدف افزایش منافع شخصی یا شرکتی ارتکاب می‌یابد (فریدریچ^۱، ۱۳۷۹). آنچه از این تعاریف برمی‌آید این است که مدیران و کارکنان شرکت‌ها و واحدهای بخش خصوصی برای دستیابی به منافع - چه منافع شخصی و چه منافع شرکتی - ضمن تخطی از قوانین و استانداردهای حاکم، حقوق و منافع گروهی دیگر را نیز پایمال می‌نمایند و در نگاه وسیع‌تر، ارتکاب جرم توسط شرکت یک تهدید قابل ملاحظه در رفاه جامعه است (قانون اصلاحات کمیسیون نیو سات ولز^۲، ۲۰۰۱). در ادامه برای آشنایی بیشتر با جرایم شرکتی به منزله یک تهدید اجتماعی، نمونه‌هایی از مصادیق و اشکال آن ارائه می‌شود.

۲-۱- مصادیق و اشکال جرایم شرکتی

دامنه واژه فساد گسترده است و طیف وسیعی از رفتارهایی که از سوی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی رخ می‌دهد، ممکن است در این دامنه قرار گیرند. سازمان FBI^۳ (۱۹۸۹) «آن دسته از اعمال غیرقانونی که مشخصه آن‌ها فریب، پنهان کاری یا سوءاستفاده از اعتماد است و متکی به زور، خشونت یا تهدید نیست و افراد و سازمان‌ها برای به دست آوردن پول، اموال یا خدمات، برای اجتناب از پرداخت هزینه‌ها یا از دست دادن پول، با هدف حفظ منافع شخصی یا شغلی، مرتکب این اعمال می‌گردند» را به منزله جرایم شرکتی می‌داند. با توجه به تعدد و تنوع بسیار جرایم شرکتی، در ادامه نمونه‌هایی از جرایم اقتصادی شرکتی ارائه می‌شود:

■ جرایم مالیاتی

مهم‌ترین وظیفه دولت حداکثر کردن رفاه اجتماعی است و مهم‌ترین و معمول‌ترین روش تأمین مخارج دولت برای رفاه اجتماعی دریافت مالیات است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به درآمدهای قابل ملاحظه شرکت‌ها، بخش اعظم درآمدهای مالیاتی دولت می‌بایست از اشخاص حقوقی اخذ شود. در پی ضعف فرهنگ مالیاتی، شرکت‌ها تمام تلاش خود را برای کاهش یا حذف هزینه‌های مالیاتی به کار می‌گیرند و با اعمالی همچون انجام معاملات صوری، گزارش کمتر از واقع درآمد^۴ و حساب‌سازی‌های حرفه‌ای، فعالیت در اقتصاد زیرزمینی و دیگر اعمال متقلبانه دست به فساد می‌زنند و مرتکب جرم می‌شوند. این نوع جرم شرکتی که به نوعی کلاهبرداری از بخش عمومی است یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین عناوین مجرمانه اقتصادی است که مجرمین شرکتی مرتکب آن می‌شوند (شکریان، ۱۳۹۰).

1- Friedrich

2- Law Reform Commission for New South Wales

3- Federal Bureau of Investigation

4- Under-reporting of Income

■ فساد مالی

بسیاری از اندیشمندان همچون بکر^۱ (۱۹۷۴)، تانزی و داوودی^۲ (۱۹۹۷) و راجیو و نلسون^۳ (۱۹۹۸) ریشه فساد مالی را در فعالیت‌های دولت می‌دانند. این در حالی است که امروزه در ایران به موازات طرح بحث خصوصی‌سازی و کوچک شدن پیکره دولت، بخش خصوصی با حضور در حوزه فعالیت‌های دولتی و بازارهای رقابتی و سهم شدن در توسعه و رشد اقتصادی سبب شده است که فساد مالی در این بخش همانند بخش عمومی قابلیت ارتکاب پیدا کند. اعمال نفوذ بر مقامات سیاسی و نمایندگان مجلس جهت طرح یا تصویب قوانین خاص و منتفع‌کننده شرکت‌ها، سوءاستفاده از مناقصه‌ها و مزایده‌های عمومی، توسل به وسایل متقلبانه جهت برخورداری از امتیازات و تسهیلات عمومی، ارتشا در معاملات داخلی و بین‌المللی اعم از واردات و صادرات فقط بخشی از مظاهر فساد مالی شرکت‌ها هستند که ضمن ایجاد نابرابری اقتصادی و خدشه‌دار کردن رقابت سالم در سطح ملی و بین‌المللی موجب تضرر شرکت‌های قانونمند یا خروج آن‌ها از میدان رقابتی می‌شوند و درنهایت دولت‌ها را متضرر می‌سازند (همان، ۱۳۹۰).

■ جرایم گمرکی

گمرک به منزله یک سازمان دولتی برای حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان داخلی و جلوگیری از ورود و خروج کالاهای غیرمجاز، مسئولیت اجرای قوانین گمرکی و اخذ حقوق و عوارض واردات و صادرات را بر عهده دارد. تبعیت از قوانین و مقررات دارای بار مالی بوده و مستلزم پرداخت هزینه‌های زیادی از سوی شرکت‌هاست که نتیجه نهایی آن افزایش قیمت تمام‌شده کالا و خدمات و کسب سود پایین است (همان، ۱۳۹۰). این امر سبب شده است تا عدول از قوانین و مقررات گمرکی و میل به قاچاق کالا از سوی شرکت‌ها توجیه‌پذیر شود و شرکت‌ها با اعمال شگردهای خاصی همچون اظهار کردن کالاهای ممنوع‌الورود و غیرمجاز با عنوان کالاهای مجاز یا مشروط با نام دیگر، اعمال نفوذ و عدم پرداخت عوارض و تعرفه‌های گمرکی، ایجاد کانال‌ها و واسطه‌های خارج از نظام گمرکی برای ورود و خروج کالاهای غیرمجاز، با تعرض به منابع ملی ضمن کسب امتیازات مالی بسیار، زمینه‌ساز بحران‌های اقتصادی شوند.

■ جرایم بورسی

در پی توسعه و تعالی بازارها، بورس به منزله یک بازار خودانتظام تشکیل شد و در طول سال‌های اخیر با شکل‌گیری نهادهای مالی نوین، گسترش دامنه فعالیت شرکت‌های کارگزاری و ورود ابزارهای جدید مالی، این بازار ضمن گسترش دچار پیچیدگی نیز شده است. با توجه به اینکه شرکت‌ها به منزله مشتریان این بازار به حساب می‌آیند؛ از این رو جرایم شرکتی در این حوزه بیشتر موضوعیت پیدا می‌کند. شرکت‌ها با ارتکاب جرایمی همچون انتشار اخبار کذب، معاملات صوری

1- Becker

2- V. Tanzi and H. Davoodi

3- Rajeev K. Goel and Michael A. Nelson

و متقابله، خودداری از ارائه اطلاعات صحیح، سوءاستفاده از اطلاعات نهانی و عدم پابندی به اصل شفافیت، افشا، گزارش دهی صحیح، مسئولیت پاسخ گویی و تخطی از الزامات قانونی، ضمن دامن زدن به عدم کارایی بازار سرمایه موجبات خسارت به سرمایه گذاران و بی اعتمادی ایشان نسبت به این بازار را ایجاد کرده و در نهایت موجبات رکود و تضییع منافع ملی را فراهم می کنند.

علاوه بر موارد ذکر شده به مثابه مصادیقی از جرایم اقتصادی شرکتی، رفتارهای مجرمانه و ناقض قانون دیگری همچون جرایم استخدامی، جرایم زیست محیطی، جرایم مربوط به مواد غذایی و دارویی، جرایم مربوط به نقض حقوق مصرف کنندگان و جرایم رایانه ای وجود دارند که از نظر اهمیت و خطرناکی با جرایم اقتصادی شرکتی برابری می کنند (همان، ۱۳۹۰).

همانند سایر مفاسد و جرایم، آنچه به منزله نقطه مشترک مفاهیم و مصادیق جرایم شرکتی قابل درک است توجه به این نکته است که اشخاص حقوقی در قالب شرکت ها برای دستیابی و حداکثر کردن منافع خود، حقوق و منافع گروه های دیگر و در نهایت جامعه را تضییع می کنند و با تخریب بازارهای رقابتی و کاهش سرمایه گذاری، موجبات رکود و ناکارآمدی اقتصادها را فراهم می آورند. امروزه در بسیاری از کشورهای مختلف جهان فساد و مبارزه با آن به منزله یک مسئله اساسی، مورد نظر دولت ها است. با وجود مطالعات اندیشمندان بسیاری در این زمینه، یکی از دلایل عدم موفقیت مبارزه با فساد و جرایم شرکتی، آگاهی محدود نسبت به علل، آثار و معرفی راه های مبارزه متناسب با علل این معضل است. در ادامه با ارائه مفاهیم مسئولیت اجتماعی شرکتی سعی بر آن است که یکی از علل اصلی ارتکاب به جرایم شرکتی روشن و راهکارهایی برای مقابله با آن ارائه شود.

۳. تعاریف و مفاهیم مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR)

از دهه ۵۰ تاکنون، در امتداد گسترش دامنه اهداف واحدهای تجاری و نقش پاسخ گویی این واحدها نسبت به جامعه، مسئولیت اجتماعی شرکت ها که از آن به منزله وجدان شرکتی، شهروندی شرکتی، اقدامات یا عملکرد اجتماعی و کسب و کار مسئولیت پذیر نام برده می شود؛ به مثابه یک مفهوم مهم در ادبیات کسب و کار مطرح گردید.

آلتن^۱ (۱۹۶۸) CSR را موضوعی هوشمند و هدفمند برای رفاه جامعه می داند که از فعالیت های مخرب شرکت جلوگیری می کند و باعث بهبود زندگی انسان ها می شود. مسئولیت اجتماعی شرکت مجموعه ای از وظایف و تعهداتی است که شرکت باید در جهت حفظ، مراقبت و کمک به جامعه ای انجام دهد که در آن فعالیت می کند (بامی و گریفتن^۲، ۱۹۹۲). بلوم و گاندلج^۴ (۲۰۰۱) معتقدند (CSR) تعهدات شرکت نسبت به ذی نفعان یعنی مردم و گروه هایی است که از رویه ها و

1- Altman

2- Corporate social responsibility

3- Bamey and Griffin

4- Bloom and Gandvlf

سیاست‌های شرکت اثر می‌پذیرند یا بر آن‌ها اثر می‌گذارند. این تعهدات فراتر از الزامات قانونی و وظایف شرکت نسبت به سهامداران است. اجرای این تعهدات مستلزم حداقل کردن اثرات منفی و حداکثر کردن اثرات مثبت شرکت بر جامعه است (نقل از مهربانی و ایقان، ۱۳۹۲).

فرنچ و ساورد^۱ در کتاب فرهنگ مدیریت درباره مسئولیت اجتماعی می‌نویسند «مسئولیت اجتماعی وظیفه‌ای است بر عهده مؤسسات خصوصی؛ به این معنا که تأثیر سوئی بر زندگی اجتماعی که در آن کار می‌کنند نگذارند. میزان این وظیفه عموماً مشتمل است بر وظایفی چون آلوده نکردن، تبعیض قائل نشدن در استخدام، پرداختن به فعالیت‌های غیراخلاقی و مطلع کردن مصرف‌کننده از کیفیت محصولات، که این وظایف مبتنی بر مشارکت مثبت در زندگی افراد جامعه است» (فرنچ و ساورد، ۱۳۷۱). به اعتقاد اتاوا «مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها معانی مختلفی دارد و برای همه افراد یکسان نیست. بعضی، از آن معنی تعهد یا مسئولیت قانونی را برداشت می‌کنند و برخی دیگر آن را به معنی رفتار مسئولانه اجتماعی بر حسب رعایت مسائل اخلاقی می‌دانند. برای برخی دیگر معنی آن مسئول بودن یا معادل هدایای صدقه‌ای و کمک خیریه است. بعضی نیز آن را به معنی آگاهی اجتماعی می‌پندارند. بسیاری از آنان که مشتاقانه این مفهوم را می‌پذیرند، آن را به منزله مشروعیت و مقبولیت می‌دانند و تعداد کمی آن را به مثابه نوعی وظیفه محول‌شده برای اعمال ضوابط رفتاری عالی‌تر بر روی بنگاه‌های اقتصادی، بازرگانان، صنعتگران و نه شهروندان می‌پندارند» (والس^۲، ۲۰۰۳).

تمامی دیدگاه‌های مطرح‌شده در ارتباط با مسئولیت اجتماعی شرکتی گویای این مطلب است که یکی از وظایف و تعهدات سازمان در جهت منتفع ساختن جامعه مسئولیت اجتماعی است؛ به نحوی که هدف اولیه سازمان یعنی حداکثر کردن سود را صورتی متعالی ببخشد (رابینسون^۳، ۱۹۸۰). به دیگر سخن، واحدهای تجاری، لازم است از توجه صرف به مسئولیت اقتصادی خود که حداکثر کردن سود است فراتر بروند و برای کسب اعتماد و حرکت رو به جلو در بازارهای رقابتی و حتی دستیابی به اهداف اقتصادی‌شان، باید تعهدات اجتماعی خود نسبت به جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند را به رسمیت بشناسند و در راستای اصول اخلاقی و الزامات قانونی، به‌طور مطلوب وظیفه پاسخ‌گویی خود را به جا آورند و به حقوق محیط فعالیت خود و تمامی اشخاصی که به نحوی با واحدهای تجاری در ارتباط هستند یا آثار فعالیت واحدهای تجاری بر آن‌ها اثر می‌گذارد توجه کنند.

کارول^۴ (۱۹۹۹-۱۹۹۱) با ارائه یک مدل هرمی به‌صورت زیر، چهار نوع مسئولیت اقتصادی، قانونی، اخلاقی و بشردوستانه را به‌منزله عوامل تشکیل‌دهنده CSR معرفی کرد:

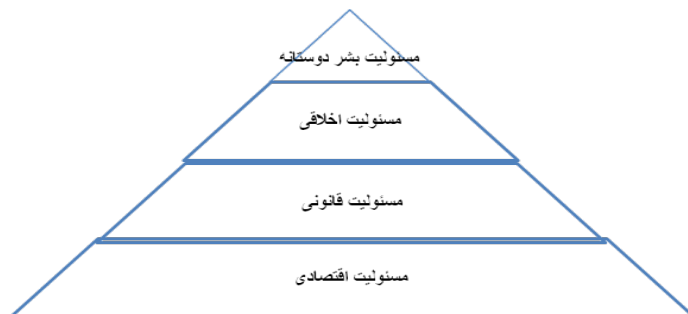
1- French and Savrd

2- Wallace

3- Ropbbinson

4- Carroll

شکل (۱): مدل مفهومی مسئولیت اجتماعی شرکتی کارول (۱۹۹۹-۱۹۹۱)



■ مسئولیت اقتصادی

کارول با اشاره به ارائه کالا و خدمات به جامعه به منزله ماهیت تأسیس واحدهای تجاری و هدف اصلی آنان که حداکثر کردن سود است، مسئولیت اقتصادی را تشریح می‌کند. این نوع مسئولیت‌پذیری، ماهیت اقتصادی دارد و شامل ایجاد بازده سرمایه‌گذاری برای مالکان و سرمایه‌گذاران، ایجاد اشتغال در جامعه، پرداخت منصفانه به کارگران، کشف منابع جدید، ترویج فناوری پیشرفته، نوآوری و ایجاد خدمات و محصولات نوین است (حجازی و ابو حمزه، ۱۳۹۳).

■ مسئولیت حقوقی

واحدهای تجاری باید مطابق با قوانین و مقررات اعلام‌شده از سوی نهادهای قانون‌گذار، مسئولیت اقتصادی خود را انجام دهند که از نظر کارول این مهم به گونه‌ای تحقق بخشیدن به قرارداد اجتماعی بین واحدهای تجاری و جامعه است. به دیگر سخن، جامعه انتظار دارد که شرکت‌ها در کنار انجام مسئولیت‌های اقتصادی خود، الزامات قانونی سیستم‌های حقوقی اجتماعی را نیز رعایت نمایند؛ حتی اگر رعایت قوانین و مقررات موجب از دست دادن برخی فرصت‌های اقتصادی شود (همان، ۱۳۹۳).

■ مسئولیت اخلاقی

گاهی بسیاری از فعالیت‌ها بدون آنکه در قوانین و مقررات الزاماتی برای آن‌ها در نظر گرفته شده باشد، در عرف به منزله ارزش مطرح می‌گردند. منظور از مسئولیت‌های اخلاقی توجه واحدهای تجاری به انتظارات، ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی موجود در جامعه‌ای است که در آن فعالیت می‌کند. اگر خط‌مشی تجاری شرکت یک خط‌مشی اخلاقی باشد طبیعتاً شرکت به انجام آنچه که درست، عادلانه و منصفانه است متعهد خواهد شد (همان، ۱۳۹۳).

■ مسئولیت بشردوستانه

منظور از مسئولیت بشردوستانه آن دسته از اقدامات اختیاری شرکت‌های بزرگ است که در پاسخ به انتظارات جامعه (شامل درگیر شدن شرکت‌های بزرگ تجاری در اعمال یا برنامه‌هایی برای ترویج رفاه انسان) به منزله شهروندان خوب صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، مسئولیت بشردوستانه یعنی شرکت طبق انتظارات بشر دوستانه جامعه رفتار کند و در فعالیت‌های اختیاری و خیریه‌ای

همچون کمک به هنر، آموزش و پرورش یا در پروژه‌هایی که باعث افزایش کیفیت زندگی جامعه می‌شود مشارکت نماید.

در حوزه مدل مفهومی مسئولیت اجتماعی شرکتی، وود (۱۹۹۱) در پی این واقعیت که سازمان‌ها و جامعه در هم تنیده شده و موجودیتی مجزا از هم ندارند و اینکه جامعه انتظار نتایج مطلوبی از کسب و کارها و سازمان‌ها دارد؛ درصدد ارائه مدل عملکرد اجتماعی شرکت برآمد. مدل وود توسعه‌دهنده استراتژی غیربازاری خوب است که سه سطح دارد: سطح اول شامل اصول مسئولیت‌پذیری سازمانی، سطح دوم شامل خط‌مشی‌گذاری و فرایندهای پاسخ‌گویی اجتماعی سازمانی و سطح سوم شامل نتایج محسوس و مرتبط با مسائل اجتماعی سازمانی است (حساس یگانه و برزگر، ۱۳۹۳).

از مدل‌های مفهومی مسئولیت اجتماعی شرکتی کارول و وود، می‌توان این نکته را درک کرد که دامنه وظایف، اهداف و مسئولیت واحدهای تجاری از توجه صرف به حداکثر کردن منافع و جنبه‌های اقتصادی فراتر رفته‌اند و این امر ضرورت پایبندی به اصول اخلاقی و مسئولیت پاسخ‌گویی و توجه به منافع جامعه را برای آنان به ارمغان آورده است. با توجه به اصل یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی که بیان می‌دارد: «براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر قوه قضائیه تشکیل می‌شود...» و قانون و آیین‌نامه تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، می‌توان به نقش مثرثر سازمان بازرسی کل کشور در برقراری مسئولیت اجتماعی و حسن جریان امور در دستگاه‌ها و تقویت اعتماد اجتماعی در جامعه اشاره نمود.

۱-۳- ارتباط مسئولیت اجتماعی شرکتی با جرایم شرکتی

آنچه از مفاهیم جرایم شرکتی و مسئولیت اجتماعی شرکتی بر می‌آید استنباط این مطلب است که در پی فرایند جهانی شدن و توسعه بنگاه‌های اقتصادی بزرگ و متعاقب آن تأثیری که این بنگاه‌ها بر ساختار و نظام اجتماعی می‌گذارند، انتظارات جامعه نسبت به نقش و رفتار واحدهای تجاری افزایش می‌یابد و سبب شکل‌گیری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها شده است. این در حالی است که شواهد رسوایی‌های بزرگ مالی شرکت‌ها و مؤسسات بزرگ از جمله انرون، ورلداکام، و زیراکس این مطلب را می‌رساند که با وجود حضور مؤسسات و سازمان‌هایی همچون سازمان بین‌المللی شفافیت (TI)، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، سازمان ملل متحد، بانک جهانی (GAC) و سازمان بین‌المللی استاندارد (ISO)^۱، شرکت‌ها با تخطی از مسئولیت اجتماعی خود مرتکب جرم می‌شوند و دست به فساد می‌زنند و ضمن گسترش بی‌اعتمادی در جامعه، زمینه‌های محدودیت

کسب و کار و رقابت، کاهش بهره‌وری و در نهایت ناکارآمدی دولت‌ها را فراهم می‌آورند. به عبارت دیگر نکته نهفته در مفاهیم ارائه‌شده، خلاف جهت بودن مسیر فساد و جرایم شرکتی با CSR است. به این معنی که هر اندازه شرکت‌ها در مسئولیت اجتماعی خود کوتاهی کنند به گونه‌ای زمینه‌های وقوع جرایم شرکتی را افزایش داده‌اند. ارائه اطلاعات نادرست در صورت‌های مالی شرکت، دستکاری در بازار سهام، رشوه خواری تجاری، رشوه به مقامات عمومی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، ارائه اطلاعات نادرست در تبلیغات و فروشندگی، اختلاس و سوءاستفاده از منابع مالی به‌منزله نمونه‌هایی از جرایم شرکتی (اوگرادی^۱، ۲۰۱۱)، گزیده‌ای از اقداماتی است که در نتیجه بی‌توجهی شرکت‌ها به CSR رخ می‌دهد. بنابراین می‌توان عدول از مسئولیت اجتماعی شرکتی را به‌منزله عامل فساد و یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر رفتار مجرمانه شرکت‌ها دانست.

بی‌شک شرکت‌های تجاری نقش بسیار مهمی در کاهش و در نهایت از بین بردن فساد چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی بازی می‌کنند. سازمان ملل، با هدف انجام فعالیت‌ها و کسب و کار مسئولانه تحت قلمرو و موازین حقوق شهروندی، استانداردهای کار، رعایت اصول زیست محیطی و مبارزه با فساد و افزایش شفافیت برای ارتقای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، معاهده‌ای جهانی را در ده اصل به تصویب رساند (مرکز ترویج مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، ۱۳۸۶) و در یک بند آن به الزام تلاش شرکت‌ها در جهت افزایش شفافیت و مبارزه با فساد تأکید دارد. در همین راستا، در ادامه سعی بر آن است که دو راه‌حل ارائه شود که متناسب با عدول از مسئولیت اجتماعی شرکتی که از سوی شرکت‌ها قابل انجام است و می‌تواند از سوی دستگاه‌های نظارتی به‌ویژه سازمان بازرسی کل کشور به آن توجه شود.

۲-۳- ایزو ۲۶۰۰۰، استاندارد راهنمای مسئولیت اجتماعی کسب و کار

سازمان بین‌المللی استاندارد در دسامبر ۲۰۱۰، رهنمود استاندارد بین‌المللی مسئولیت اجتماعی سازمانی، ایزو ۲۶۰۰۰ را به‌منزله یک استاندارد هدایت داوطلبانه منتشر کرد که شاید نشان‌دهنده تنها تلاش کامل و منسجم در شرح شیوه‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی مؤثر باشد (بیکر^۲، ۲۰۱۲). ایزو ۲۶۰۰۰ مسئولیت اجتماعی را به شرح زیر بیان می‌کند: «مسئولیت یک سازمان برای اثربخشی تصمیمات و فعالیت‌های خود بر جامعه و محیط، از طریق رفتار شفاف و اخلاقی شامل موارد زیر است: مدنظر قرار دادن انتظارات و توقعات سهامداران، همخوانی و مطابقت با قانون اجرایی و هنجارهای رفتار بین‌المللی و تعمیم آن در سراسر سازمان و به کار بستن در تمامی روابط آن» (پایگاه علمی-پژوهشی پارس مدیر). این استاندارد با در نظر گرفتن اصول هفت‌گانه مسئولیت اجتماعی (شامل: شفافیت، پاسخ‌گویی، رفتار اخلاقی، احترام به منافع و علایق ذی‌نفعان، احترام به اجرای قانون، احترام به هنجارهای رفتاری بین‌المللی و احترام به حقوق بشر) و با هدف ارائه راهنمایی

1- O'Grady

2- Backer

درباره حاکمیت و مدیریت سازمانی، حقوق بشر، کارکنان و فعالیت‌های نیروی کار، محیط‌زیست، فعالیت‌های اجرایی منصفانه، امور مشتریان و مصرف‌کنندگان، مشارکت جمعی و توسعه جامعه، تمامی سازمان‌ها را، صرف‌نظر از فعالیت، اندازه و موقعیت آن‌ها، اعم از اینکه در کشورهای پیشرفته یا در حال توسعه فعالیت می‌کنند مخاطب قرار می‌دهد.

۳-۴- مزایای پیاده‌سازی ایزو ۲۶۰۰۰

۱. ترغیب به تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر براساس شناخت بهتر از انتظارات و توقعات جامعه، فرصت‌های مرتبط با مسئولیت اجتماعی (نظیر مدیریت بهتر خطرات و تهدید قانونی) و تهدیدها و خطرات مرتبط با عدم مسئولیت اجتماعی،

۲. بهبود اقدامات مدیریت بحران (تهدید) سازمان،

۳. افزایش شهرت سازمان و افزایش اعتماد عمومی،

۴. افزایش رقابت سازمان با رقبای خود که شامل دسترسی به وضعیت مالی و شریک ممتاز است،

۵. بهبود و ارتقای رابطه سازمان با سهامداران خود و ظرفیت آن برای ابتکار و نوآوری، از طریق ارائه دیدگاه‌ها و نگرش‌های جدید و تماس با طیف متنوعی از سهامداران،

۶. افزایش وفاداری، صداقت و روحیه کارمندان، ارتقای ایمنی و سلامت کارگران زن و مرد و تأثیر مثبت بر توانایی استخدام، ترغیب و ابقای کارمندان،

۷. صرفه‌جویی حاصل از بهره‌وری و راندمان منبع، کاهش مصرف انرژی و آب، کاهش ضایعات، بازیافت محصولات فرعی با ارزش و در دسترس روزافزون به مواد خام،

۸. افزایش اطمینان‌پذیری و عدالت در معاملات از طریق امور سیاسی مسئولانه، رقابت منصفانه و فقدان (عدم) فساد و رشوه خواری،

۹. جلوگیری یا کاهش تمارضات احتمالی با مشتریان در زمینه محصولات یا خدمات، و

۱۰. کمک به دوام بلندمدت سازمان از طریق افزایش تداوم منابع طبیعی و خدمات محیطی و کمک به تولید کالای عمومی و تحکیم جامعه و نهادهای شهری.

در راستای اهمیت و ارزش ایزو ۲۶۰۰۰، ویلتون دبیر کل سازمان بین‌المللی کارفرمایان (IOE)^۱ طی یک مکاتبه رسمی با دبیر کل سازمان بین‌المللی استاندارد حمایت خود را از استاندارد ایزو ۲۶۰۰۰، به این دلیل که اولاً یک استاندارد راهنما است و به علاوه، مبتنی بر اجماع بین‌المللی درباره مسئولیت اجتماعی کسب‌وکار که برگرفته شده از استانداردهای بین‌المللی است، اعلام می‌دارد. ضمناً مبنایی برای بحث‌های فرامرزی فراهم نموده و همچنین جهت‌دهی مناسبی برای آغاز کار مسئولیت اجتماعی کسب‌وکار را فراهم آورده است؛ از طرف اعضا IOE و شرکت‌های عضو خود از ایزو ۲۶۰۰۰ قدردانی کرد (ویلتون،^۲ ۲۰۱۴).

شرکت‌ها به‌منزله رکن اقتصادی جامعه در ایجاد ثروت و اشتغال‌زایی و جذب سرمایه‌گذاری

1- International organization employers

2- Wilton

شناخته می‌شوند. به همین منظور رعایت حقوق سهامداران، شفافیت اطلاعات و ایفای مسئولیت‌های اجتماعی (CSR) توسط شرکت‌ها از مهم‌ترین عواملی است که از سوی نهادهای بین‌المللی بیش از گذشته به آن توجه شده است (کشتکار، ۱۳۹۲) و به نظر می‌رسد برای پیشرفت و تعالی جامعه و مقابله با جرائم شرکتی، هر استاندارد و معاهده‌ای که به گونه‌ای به مسئولیت اجتماعی شرکتی توجه کرده است باید به‌منزله یک عامل مهم توسعه پایدار و مبارزه با جرایم شرکتی در واحدهای تجاری تقویت شود.

۴- حسابداری اجتماعی یک ابزار پیشگیرانه

امروزه به دلیل گسترش دامنه مسئولیت پاسخ‌گویی واحدهای تجاری، اهمیت اطلاعات در مورد جنبه‌های رفتاری جدید شرکت‌های بزرگ که در حسابداری مالی نشان داده نشده است به‌طور پیوسته در حال رشد است؛ تا جایی که بهترین راه برای اطمینان از موفقیت مالی و حرکت روبه جلو، گسترش هم‌پوشانی منافع کسب‌وکار و منافع جامعه و محیط‌زیست است (کاملیا و همکاران، ۲۰۰۹). پاسخ‌گویی اجتماعی، چهره عمومی سازمان را بهبود می‌بخشد و از سازمان یک سیمای مطلوب به جامعه عرضه می‌دارد و سازمان‌هایی که می‌خواهند چهره عمومی مطلوبی داشته باشند باید در عمل نشان دهند که از هدف‌های اجتماعی حمایت می‌کنند و چهره مطلوب داشتن نیز در بازار سرمایه خیلی مهم است (الوانی و قاسمی، ۱۳۷۷).

شرکت‌ها نمی‌توانند نسبت به محیط پیرامونی خود بی‌تفاوت باشند و لازم است مدیران واحدهای تجاری علاوه بر افزایش سودآوری و تولید کالا و خدمات، آثار رفتارهای واحدهای تجاری خود را بر جامعه نیز در نظر بگیرند؛ زیرا براساس نظریه مشروعیت، سازمان‌ها تا زمانی می‌توانند به حیات خود ادامه دهند که جامعه به آن‌ها مشروعیت ببخشد (فروغی و همکاران، ۱۳۸۶). یک استراتژی برای اینکه واحد تجاری دوام‌پذیر باشد، این است که باید منافع همه افراد ذی‌نفع را در نظر بگیرد؛ یعنی سرمایه‌گذاران، کارمندان، مشتریان، مدیران، سازمان‌های غیردولتی و به‌طور کلی جامعه (کشتکار، ۱۳۹۲). حال آنکه در جهت مشروعیت و پایداری واحد تجاری، هرگونه راهبردی که توسط مدیریت انجام می‌پذیرد در صورتی می‌تواند بر جامعه اثرگذار باشد که افشا شود و در اختیار عموم قرار گیرد (دیگن^۲، ۲۰۰۲، نقل از فروغی و همکاران). به دلیل عدم توجه به منافع سایر گروه‌های اجتماع و همچنین اثرات زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های واحد تجاری و ناتوانی حسابداری سنتی برای گزارش آن، در اوایل دهه شصت میلادی مفهوم جدیدی به نام حسابداری اجتماعی^۳ در مباحث نظری حسابداری مطرح شد.

حسابداری اجتماعی فرایند گردآوری، اندازه‌گیری و گزارش معاملات و تأثیر متقابل این

1- Cmelia

2- Deignan

3- Social accounting

معاملات بین واحدهای تجاری و جامعه پیرامونی اوست. حسابداری اجتماعی از طریق اندازه‌گیری و گزارشگری تأثیرات متقابل واحد تجاری و جامعه پیرامونی‌اش، ارزیابی از توان ایفای تعهدات اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد (جعفری، ۱۳۷۲) و می‌تواند به‌منزله یک ابزار پیشگیرانه در جهت اقدامات سوء واحدهای تجاری عمل کند. با در نظر گرفتن دو کارکرد تولید و ارائه کالا و خدمات سودمند برای جامعه و توزیع عادلانه امکانات اقتصادی، اجتماعی یا سیاسی بین گروه‌های اجتماعی که به دنبال قرارداد واحد تجاری و جامعه پیرامونش پدیدار می‌شود؛ حسابداری اجتماعی سه هدف را دنبال می‌کند:

۱. تعیین و اندازه‌گیری خالص انتفاع و مشارکت اجتماعی واحد تجاری طی دوره مالی از طریق محاسبه هزینه‌ها و منافع اجتماعی واحد تجاری،
 ۲. تعیین ارتباط استراتژی و عملیات جاری واحد تجاری با ترجیحات و معیارهای اجتماعی. این دو هدف تأثیرات متقابل معاملات اجتماعی واحد تجاری و جامعه را تعیین می‌کند و همچنین بر ارزیابی عملکرد اجتماعی واحد تجاری تأکید دارد،
 ۳. ارائه اطلاعات مربوط در مورد هدف‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های اجتماعی واحد تجاری.
- حسابداری اجتماعی با تأمین هدف‌های سه‌گانه بالا به تکمیل حسابداری مرسوم در گزارشگری و تأمین اطلاعات کافی، مربوط و مناسب مورد نیاز کلیه استفاده‌کنندگان کمک می‌کند (همان، ۱۳۷۲).

۴-۱- حسابداری اجتماعی و حسن جریان امور

مطالعات نشان می‌دهد هر اندازه افراد جامعه نسبت به وقوع جرم بی‌تفاوت و آماده نادیده گرفتن آن باشند، امکان ارتکاب جرم بیشتر می‌شود. بنابراین آنچه می‌تواند در کاهش جرایم به آن توجه شود پیشگیری‌های اجتماعی است. به این معنی که با ایجاد شفافیت در اطلاعات و ارائه گزارشات اجتماعی می‌توان ضمن آگاهی بخشیدن به عامه مردم، زمینه‌های اصلاح محیط‌های تسهیل‌کننده جرم را فراهم آورد. به استناد اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است که این مهم را با بر عهده گرفتن وظایفی همچون نظارت بر حسن اجرای قوانین، کشف جرم و تقلب و به‌منزله گام نخست اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرایم، می‌تواند انجام دهد. مطابق با اصل ۱۷۴ قانون اساسی، متولی نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمان بازرسی کل کشور است که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در انجام رساله پیشگیری از وقوع جرایم به‌خصوص جرایم شرکتی ایفا نماید. از آنجا که پیشگیری از جرم همواره کمترین هزینه و بیشترین تأثیر را در جلوگیری از سوء جریان در دستگاه‌های اجرایی دارد، بنابراین ضروریست توجه بیشتر دستگاه‌های نظارتی همچون سازمان بازرسی در راستای حسن جریان امور صرف تقویت امور پیشگیری از جرایم شود. با توجه به مطالب

ذکر شده می‌توان اذعان داشت که به کارگیری حسابداری اجتماعی از سوی واحدهای تجاری می‌تواند ضمن پیشگیری از رفتارهای متقلبانه در جهت تضييع حقوق جامعه، زمینه‌های گزارشگری صحیح و تأمین اطلاعات کافی و مناسب را از آثار روابط متقابل با جامعه در راستای مسئولیت پاسخ‌گویی را نیز فراهم آورد. بنابراین، حسابداری اجتماعی می‌تواند به‌منزله ابزاری برای پیشگیری از جرایم شرکتی و حسن جریان امور توسط سازمان بازرسی کل کشور مطرح شود.

۵- نتیجه‌گیری

امروزه فساد و مبارزه با آن به یک مسئله اساسی در بسیاری از کشورهای مختلف جهان و همچنین سازمان‌های بین‌المللی تبدیل شده است. در این مقاله با ارائه مفاهیم و مصادیق جرایم شرکتی سعی بر آن شد که جرایم شرکتی معرفی شود و این نتیجه حاصل شد که بسیاری از واحدهای تجاری با تفکری غلط و اشتباه در راستای حفظ جایگاه و منافع خود در بازارهای رقابتی، با عدول از الزامات قانونی و استانداردهای حاکم بر خود و همچنین با نقض قوانین موجود، ضمن وارد آوردن خسارات و صدمه‌های جبران‌ناپذیر و هزینه‌های گزاف اقتصادی و اجتماعی بر کشورها، حقوق و منافع گروه‌های دیگر و درنهایت جامعه را تضییع می‌کنند و مرتکب جرایم شرکتی می‌شوند. این در حالی است که به موازات فرایند جهانی شدن و توسعه بنگاه‌های اقتصادی بزرگ و متعاقب آن تأثیری که این بنگاه‌ها بر ساختار و نظام اجتماعی می‌گذارند؛ انتظارات جامعه نسبت به نقش و رفتار واحدهای تجاری افزایش یافته و سبب شکل‌گیری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها شده است. در ادامه مقاله با ارائه مفاهیم CSR، استدلال گردید که شرکت‌ها با تخطی از مسئولیت اجتماعی خود مرتکب جرم شده و دست به فساد می‌زنند و ضمن گسترش بی‌اعتمادی در جامعه، زمینه‌های محدودیت کسب‌وکار و رقابت، کاهش بهره‌وری و درنهایت ناکارآمدی دولت‌ها را فراهم می‌آورند. بنابراین عدول از مسئولیت اجتماعی شرکتی به‌منزله عامل اصلی جرایم شرکتی و یکی از متغیرهای تأثیرگذار بر رفتار مجرمانه شرکت‌ها معرفی گردید. در این میان نقش سازمان بازرسی کل کشور به‌منزله نهاد متولی نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها، در حوزه شناسایی، پیشگیری و مقابله با این جرایم بسیار پررنگ است و می‌تواند در راستای اجرای مسئولیت اجتماعی و به کارگیری استانداردهای بین‌المللی از سوی واحدها و همچنین توجه به حسابداری اجتماعی مثمر واقع شود.

همچنین، با استناد به نتیجه به دست آمده و توجه به معاهده سازمان ملل مبنی بر اینکه شرکت‌ها باید در راستای افزایش شفافیت و مبارزه با فساد تلاش کنند، بر نقش شرکت‌ها در مبارزه با فساد تأکید شد و متناسب با عدول از مسئولیت اجتماعی شرکتی به‌منزله علت معرفی شده ارتکاب جرایم شرکتی، این نتیجه حاصل گردید که هر استاندارد و معاهده که به گونه‌ای به مسئولیت اجتماعی شرکتی توجه کرده باشد، باید به‌منزله یک عامل مهم توسعه پایدار و مبارزه با جرایم شرکتی در واحدهای تجاری تقویت شود که سرآمد آنان استاندارد بین‌المللی ایزو ۲۶۰۰۰ است. همچنین در راستای ایفای مسئولیت پاسخ‌گویی و گزارشگری آثار متقابل معاملات بین واحدهای تجاری و

جامعه پیرامونی‌اش، حسابداری اجتماعی به‌منزله راه‌حل پیشگیرانه و کاشف جرایم شرکّتی معرفی گردید.

۶- پیشنهادات کاربردی

با در نظر گرفتن نتایج، و به بار نشستن مطالعات از در سطح جوامع و شرکّتها، سازمان بازرسی کل کشور برای مقابله با پدیده جرایم شرکّتی، استفاده از این ظرفیت‌ها را برای حسن جریان امور در دستور کار خود قرار دهد.

- باتوجه‌به مزایا و محاسن به کارگیری مسئولیت اجتماعی و استانداردهای بین‌المللی، به شرکّتها پیشنهاد شود که برای توسعه پایدار و حضوری فعال و مثبت در بازارهای رقابتی ملی و فراملی، همچنین برای افزایش سطح اعتماد در جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند، تلاش نمایند که با کسب استانداردهای بین‌المللی ازجمله ایزو ۲۶۰۰۰ و پیوستن به معاهده‌های بین‌المللی، سیاست و خط‌مشی خود را برای دستیابی به هدف اصلی شرکّت که به حداکثر رساندن سود است را متناسب با مسئولیت اجتماعی خود تنظیم نمایند و برای گزارش نتایج آثار اعمال‌شان بر جامعه، به حسابداری و گزارشگری اجتماعی توجه کنند.

- جهت مبارزه با جرایم شرکّتی، به دولت و نهادهای رسمی پیشنهاد شود با تصویب الزامات و قوانینی، شرکّتها را موظف به ایفای تعهدات مسئولیت اجتماعی خود نمایند و با اعطای امتیازات به شرکّتهایی که در کسب استانداردهای بین‌المللی یا پیوستن به معاهدات جهانی پیشگام هستند، موجبات انگیزشی در آنان را تقویت نمایند.

منابع

- الوانی، سید مهدی و قاسمی، سید احمد رضا. (۱۳۷۷). مدیریت و مسئولیت‌های اجتماعی سازمان. تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- پایگاه علمی پژوهشی پارس مدیر، <http://www.parsmodir.com/iso/iso26000.php>.
- پوررشیدی، رستم و جلالی جواران، مرتضی. (۱۳۸۸). تأثیرات توجه به مسئولیت اجتماعی در سازمان. دوماهنامه مدیریت. ش ۱۵۳-۱۵۴، ص ۴۴.
- جعفری، محمدرضا. (۱۳۷۲). تئوری حسابداری اجتماعی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. شماره ۵، ص ۷۸-۸۹.
- حجازی، رضوان و ابوحمزه، مینا. (۱۳۹۳). به سوی شهروند شرکّتی. پژوهش حسابداری، شماره ۱۳، ص ۲۰-۱.
- حساس یگانه، یحیی و برزگ، قدرت‌اله. ۱۳۹۳. مبانی نظری مسئولیت اجتماعی شرکّتها و پارادایم تحقیقاتی آن در حرفه حسابداری. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، شماره ۲۲، ص ۱۲۰.
- شکریان، مرضیه. (۱۳۹۰). تعقیب کیفری جرم شرکّتی، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه

- آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی؛ دانشکده حقوق.
- فردریچ، دیوید. (۱۳۷۹). جرایم یقه سفیدها، ترجمه گروه مترجمین ناجا، انتشارات معاونت آموزشی ناجا.
- فرنچ، درک و هینر ساورد. (۱۳۷۱). فرهنگ مدیریت، ترجمه محمد صائبی، تهران: انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- فروغی، داریوش، میرشمس شهشهانی، مرتضی و پور حسین، سمیه. (۱۳۸۶). نگرش مدیران درباره افشای اطلاعات حسابداری اجتماعی: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۲، ص ۷۰-۵۵.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل یکصد و هفتاد و چهارم.
- کشتکار، زهره. (۱۳۹۲). رابطه حاکمیت شرکتی، سرمایه فکری و عملکرد اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی؛ دانشکده اقتصاد و حسابداری.
- مرادی، مهدی، رستمی، امین و تقی‌زاده، رضا. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر فرار از پرداخت مالیات با تأکید بر عوامل فرهنگی. پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۸، ص ۱۸۲.
- مرکز ترویج مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها. ۱۳۸۶. معاهده جهانی سازمان ملل.
- مونتش، موزز. ۱۳۹۲. مفهوم فساد مالی: شکل‌ها، علت‌ها، انواع، و پیامدها، ترجمه آیدا پوریان‌نسب، مجله حسابداری، ص ۲۶.
- مهربانی وایقان، سمیه. (۱۳۹۲). رابطه بین کیفیت سود و عملکرد اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی؛ دانشکده اقتصاد و حسابداری.
- Altman E. I. (1968). Financial Ratios, Disarmament Analysis and the Prediction of Corporate Bankruptcy. The Journal of Finance, 23: 589-609 .
- Backer, L. (2012). Transparency and Business in International Law—Governance Between Norm and Technique. Transparency in International Law and Business, p. 157-101.
- Benjamin A. Olken, Rohini. Pande. (2011). Corruption in Developing Countries. Harvard: Harvard University.
- Carroll, A. B. (1979). A three dimensional model of corporate social performance. Academy of Management Review, 4: p. 497-505.
- Carroll, A. B. (1991). The pyramid of corporate social responsibility: toward the moral management of organizational stakeholders. Business Horizons, p. 39-48.
- Carroll, A. B. (1998). The four faces of corporate citizenship. Business and

Society Review, 100(1), 1-7.

Carroll, A. B. (1999). Corporate social responsibility - evolution of a definitional construct. *Business & Society*, 38(3), 268-295.

Conceptualizing Corruption: Forms, Causes, Types and Consequences, Montesh Moses. Retrieved from: www.icae.org.hk/newsI/issue30eng/button4.htm

Federal Bureau of Investigation (FBI). (1989). White-Collar Crime: A Report to the Public, Washington DC, US Department of Justice [Internet]. 2012 [Retrieved in: 2011 February 11]. <http://www.fbi.gov/>

Gonzalo F. Forgues-Puccio. (2013). Corruption and the Private Sector: A review of issues. Oxford Policy Management.

Jay B. Bamey & Ricky W. Griffin. (1992). *The Management of Organizations*. New Jersey: Houghton Mifflin Co), p. 724.

Law Reform Commission for New South Wales. (2001). Sentencing: Corporate Offenders. Issues Paper 20.

Linowes, D. (1974). *The Corporate Conscience*. New York: Hawthorn Books, Inc.

Lungu I., Cmelia, Caraiani, Ch., Dascalu, C., Guse G., Raluca and Sahlian N. Daniela. (2009). Corporate Social and Environmental Reporting: Another Dimension for Accounting Information, Accounting, Audit and Controlling. Departament Academy of Economic Studies of Bucharest, Romania.

Moody-Stuart, G. (1997). *Grand Corruption in Third World Development*. London: World View Publishing, Oxford press.

O'Grady, William. (2011). *Crime in Canadian Context*. Toronto: Oxford University Press, p. 175.

Richard B., Ropbbinson JR., John A. P. (1980). *Management*. New York: McGraw Hill, p. 132.

Tanzi, V. (1998). Corruption around the world: causes, consequences, scope, and cures, Working Paper no 98/63, International Monetary Fund, Washington D.C., p. 1-39.

Virginia, Arvanitidou, Konstantinidou Eleni, Papadopoulos Dimitrios and

Xanthi Chrysoula. (2008). The Role of Financial Accounting Information In Strengthening Corporate Control Mechanisms to Alleviate Corporate Corruption. University of Macedonia, Greece.

Wallace, Alan. (2003). Two models of CSR to communities, Mesa State College, Sinder, Jamie- Hill, P, Ronald , CSR in the 21st century, Journal of Business Ethics, No. 48.

Wei-Teh Mon..”Causal factors of corporate crime in Taiwan: Glualitative andGuantativen findings”. International Journal of offender therapy and Comparative Criminology, 46: p 184.

Wilton, H. Brent. 2014. “Systematic review of ISO 26000”, International Organisation of Employers.

حفاظت و اطلاعات؛ جستاری در ماهیت یک نظارت استراتژیک

مهدی لطفی^۱

چکیده

نهادهای نظارتی را می‌توان به دو شاخه تقسیم کرد که از نظر دامنه نظارت و حدود اختیارات از یکدیگر متمایزند. بعضی از نهادهای نظارتی جنبه عمومی دارند و گستره نظارت وسیعی برای آن‌ها تعریف شده است و دسته دیگر جنبه اختصاصی و محدوده متمرکزتری دارد. ولی اختصاص‌گرایی در این گونه دسته‌بندی، حاکی از نقش ضعیف و دامنه کوتاه آن نهاد نظارتی خاص نیست؛ بلکه ممکن است این ساختار متمرکز در یک سیستم و سازمان، دامنه نظارت پرنفوذ و پرارزشی داشته باشد که اثرگذاری و عمق استراتژیک آن بیشتر از نهادهای نظارتی عام باشد. پرداختن به موضوع نهادهای نظارتی خاص از جمله سازمان حفاظت و اطلاعات در مراکز نظامی و امنیتی و اداری مانند مرکز حفاظت و اطلاعات در قوه قضائیه و سازمان‌های تابعه آن که جزئی از کل هستند، از نظر اهمیت، هم‌تراز با نهادهای نظارتی عام از جمله سازمان بازرسی کل کشور و جامعه اطلاعاتی در قالب کلی از جر هستند. وظایف یک نهاد نظارتی خاص در سیستم، جهت تحقق سلامت و صیانت از سازمان است. هویت و جایگاه یک نهاد حفاظتی در زمان بحران و شرایط آشفته سیستم به‌خوبی خود را نشان می‌دهد؛ زیرا اهتمام مدیران و رؤسا، بیشتر تمرکز بر اجرا و سرعت در حصول نتیجه است تا دوران مدیریت متفاوت و موفق در رزومه مدیریت خود ثبت نمایند. این امر محقق نمی‌شود جز اینکه منویات مدیران و رؤسا توسط یک شبکه تیزبین و مطمئن درون ساختار تالحوظه اجرا شدن توسط مجریان، از انحراف و اهمال‌کاری مراقبت و نظارت شود. اینجا است که می‌توان از سازمان حفاظت و اطلاعات به‌منزله یک شبکه اعصاب که عیون بیدار و حصون مستحکم برای شکوفایی و تعالی یک دستگاه است نام برد. نهادهای حفاظت و اطلاعات با دو نقش صیانت از پرسنل و صیانت از سیستم می‌تواند در جایگاه نگهبان تفکر مدیر در تحقق اهداف مدیریت، نقش ایفا کند و در مقابل هر گونه برنامه‌ریزی پنهان جهت ساختار شکنی و ایجاد آشوبی سیستمی و کند نمودن سرعت رشد و تحقق آرمان و برنامه مدیر، اقدام پیشگیرانه نماید و با شناسایی و پالایش و آسیب‌شناسی، قبل از وقوع بحران، نسخه اصلاح تنظیم کنند؛ این یک رفتار به‌هنگام برای یک نهاد نظارتی «استراتژیک» خاص است که براساس وظایف متمرکز سازمانی برای او تعریف شده است و نشان‌دهنده همان ارزش هم‌تراز با نهادهای نظارت عام در سطح گسترده صیانت از حکومت و وضعیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یک ملت است.

واژگان کلیدی: حفاظت و اطلاعات، نظارت عام، نظارت خاص، نظارت استراتژیک،

اطلاعات، نفوذ

۱- مقدمه

یکی از دستگاه‌های نظارتی خاص در مراکز نظامی و امنیتی و اداری، سازمان «حفاظت و اطلاعات» است که به‌منزله یک مجموعه صیانتی در کنار ساختارهای اداری و اجرایی نقش‌آفرینی می‌کند که از جمله ساختارهای فعال و اثرگذار در نظام اداری است. شاید حفاظت و اطلاعات را با سیمای یک تشکیلات امنیتی، اطلاعاتی پنهان بشناسیم ولی با این باطن استراتژیک هدفی متعالی را دنبال می‌کند و آن صیانت و حفظ سلامت سازمان و محیط، با هدف ایجاد فضای امن برای یک تلاش صادقانه است. اقدامات این مجموعه در گام اول پیشگیرانه است تا مچ‌گیرانه. باید با نگاه اصلاحی و رویکرد ارشادی در ابعاد و زوایای سیستم رفتار شود و این رسالت مهم تحقق نمی‌یابد جز با آگاه‌سازی و مشارکت عمومی توسط سازمان حفاظت و اطلاعات. یکی از ضعف‌های موجود در سیستم‌های اداری و مدیریتی، ایجاد خطوط فاصل با سازمان حفاظت و اطلاعات است و به آن به‌منزله مجموعه‌ای با تاروپود مجزا از شبکه اداری نگاه می‌شود. این نوع نگاه، یکی از چالش‌های مراکز حفاظت و اطلاعات در انجام مأموریت‌های سازمانی خود است؛ زیرا تشکیلات حفاظتی یک تشکیلات انحصاری و قائم به ساختار خود نیست، بلکه موفقیت‌های یک مجموعه نظارتی در گرو همکاری و مشارکت جمعی است که لازمه آن اعتماد است. رویکرد اصلاحی، یک اقدام یک‌طرفه و واحد نیست بلکه اقدامی مشترک و دوسویه است؛ زیرا شناسایی آسیب با گسترش چتر نظارت بر محیط، امکان‌پذیر است. در غیر این صورت عدم اطلاع به موقع از بحران می‌تواند ضربه جبران‌ناپذیری را بر ساختار سیستم وارد نماید که صرف این هزینه، برای کل مجموعه است. سازمان حفاظت و اطلاعات براساس مأموریت‌های استراتژیک خود برای اصلاح، مستلزم اقدام عملیاتی به‌صورت پنهان هستند، ولی در مقوله دریافت و کسب خبر رسالت و تکلیفی است که بر همه مخاطبین و پرسنل و آحاد جامعه گذاشته شده است و تکلیف انحصاری برای سازمان حفاظت و اطلاعات محسوب نمی‌شود. در بعضی مواقع این دیدگاه به وجود می‌آید که اعلام خبر و گزارش سوءجریان به نهادهای نظارتی یک نوع مداخله در امور آن‌ها است. این تلقی، اشتباه است زیرا نظارت جامع‌الاطراف، جز با جمع‌آوری اخبار از منابع سازمانی و غیرسازمانی تحقق پیدا نمی‌کند و عدم مشارکت عمومی در ارسال و اعلام اخبار و حوادث سوء می‌تواند اخبار کانالیزه‌شده و جهت‌داری را تولید کند که جهان‌بینی محدودی را برای تحلیل و تدبیر به سازمان حفاظت و اطلاعات بدهد، بنابراین جامعه حفاظتی مجموعه‌ای فراگیر و اجتماعی است.

۲- تعریف حفاظت و اطلاعات

حفاظت در لغت به معنای حفظ کردن، نگهداری و حراست و نگاهبانی کردن است و در اصطلاح عبارتست از همه اقداماتی که برای حفظ و نگهداری تأسیسات، اسناد و مدارک، اخبار

و اطلاعات، پرسنل، مخبرات و سایر موضوعات حیاتی کشور علیه خطرات ناشی از جاسوسی، براندازی، خرابکاری، سرقت و خطرات طبیعی به عمل آید و از دسترسی افراد غیرمجاز به موارد فوق جلوگیری و ممانعت نماید.^۱ البته این تعریف باتوجه به نوع سازمان و نوع مأموریت‌های ابلاغی تعاریف خاص خود را پیدا می‌کند، در تعریف دیگر از حفاظت و اطلاعات آمده است: اطلاعات یک سرمایه ارزشمند برای سازمان است و احتیاج به حفاظت مناسب دارد. حفاظت و اطلاعات ابزاری است برای حفاظت از تهدیدها برای استمرار در روند کار، حداقل نمودن خسارت و حداکثر کردن بازگشت سرمایه و ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب و مرتبط (حاجیان و شهابی، ۱۳۸۴: ۴۸).

آنچه از اساس‌نامه مرکز حفاظت و اطلاعات می‌توان استنباط کرد «حفاظت و اطلاعات عبارت است از پیگیری، کشف، شناسایی و خنثی نمودن فعالیت‌های براندازی، جاسوسی، خرابکاری، موارد ایجاد نارضایتی، نفوذ جریان‌ات سیاسی و ایجاد اختلال در انجام مأموریت و سایر تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های امنیتی و مقابله با فشارهای مالی و اخلاقی برای حفظ استقلال و صیانت قوه قضائیه از طریق حفاظت از کارکنان، حفاظت از اطلاعات، حفاظت از اسناد و مدارک، حفاظت از اماکن و تأسیسات، حفاظت از وسایل و تجهیزات، ایجاد امنیت در ارتباطات و حفاظت از ارزش‌های انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن در قوه قضائیه».^۲ حفاظت و اطلاعات در نقش یک شبکه عصبی است که وظیفه خطیر مراقبت و امنیت ارسال پیام استراتژیک اتاق فرمان را در یک سیستم بر عهده دارد. بعضی در دسته‌بندی دو مجموعه حفاظت و اطلاعات و اطلاعات قائل به تفکیک دو مجموعه هستند؛ در حالی که در ساختار نهاد حفاظت و اطلاعات فعالیت اطلاعاتی گنجانده شده است و جزو اقدامات سازمانی به حساب می‌آید، اطلاعات در تعریف جمع اطلاع است و در اصطلاح به معنی آگاهی‌ها، دانستی‌ها و معلومات است (فرهنگ لغت دهخدا). زیرا بررسی اخبار واصله و شناسایی سوء جریان‌ات نیازمند فعالیت‌های اطلاعاتی است که با جمع‌آوری اخبار پنهان و آشکار صورت می‌گیرد. پیوند ساختاری تعریف‌شده بین اطلاعات و حفاظت و اطلاعات امری الزامی و محتوم است و اصلت این دو بخش غیر قابل تفکیک است. اگر این دو بخش به تفکیک از یکدیگر عمل کنند در راستای تأمین منافع امنیت ملی حرکت نکرده‌اند و به عبارتی منافع قشری و صنفی را بر مصالح ملی ترجیح داده‌اند (رحیمی، ۱۳۸۷: ۱۵۸).

۱-۱- اطلاعات از نظر کاربرد به دو قسم می شود:

۱-۱-۱- اطلاعات ایجابی: اطلاعاتی است که با هدف بسط و توسعه قدرت انجام می‌پذیرد (گردآوری می‌شود) و درواقع به ما امکان آفند، امکان تهاجم و فعالیت اقدامات ابتدا به ساکن

۱- جزوه آموزشی مبانی حفاظت و اطلاعات

۲- جزوه آموزشی، مبانی، حفاظت و اطلاعات

می‌دهد.

۱-۲- اطلاعات سلبی: اطلاعاتی است که با هدف تثبیت قدرت گردآوری می‌شود و به ما امکان تدافع، پدافند و اقدام می‌دهد.^۱

عصر جدید، عصر مرگ ثانیه‌ها و فاصله‌هاست. بهره‌مندی از جدیدترین و کامل‌ترین اخبار و اطلاعات در کوتاه‌ترین زمان دست برتری تصمیم‌گیری را برای مدیران تصمیم‌ساز ایجاد می‌کند؛ این مستلزم توسعه منابع خبری است. عموم جامعه سرمایه اجتماعی قابل اعتمادی برای سازمان حفاظت و اطلاعات محسوب می‌گردند و مأموریت‌های حفاظت و اطلاعات برای عموم افراد سازمانی و غیرسازمانی آرامش، امنیت و سلامت را به ارمغان می‌آورد. منابع خطری که می‌تواند تهدیدکننده اطلاعات یک سازمان باشد را می‌توان در چهار بخش متمرکز نمود: ۱. از داخل سازمان، ۲. از خارج سازمان، ۳. بر حسب تصادف، و ۴. از روی عناد از طرف دیگران (حاجیان، و شهابی، ۱۳۸۴: ۴۸). چنانچه سازمان‌های حفاظت و اطلاعات بی‌توجه به تحولات محیط امنیتی دچار عادت و روزمرگی شوند و تغییر و تحولات را نادیده بگیرند، به نقطه‌ای می‌رسند که باید تغییرات بنیادی در ساختار، فرایندها، فرهنگ سازمانی و دیگر زمینه‌های برجسته سازمانی را در زمانی کوتاه و با شتاب تند تجربه کنند و به جای پیش‌بینی تحولات برنامه‌ریزی شده با ریسک و خطرپذیری باعث هزینه‌های کلان و خسارات جبران‌ناپذیری می‌شوند (رحیمی، ۱۳۸۷: ۱۵۸).

۳- ضرورت ایجاد سازمان حفاظت و اطلاعات

۳-۱- از منظر عقلی

حس امنیت و کرامت انسانی ایجاب می‌کند هر فردی به دنبال قرارگرفتن در فضای امن و آرام برای یک زندگی بی‌دغدغه باشد. امنیت و سلامت هر محیط و مجموعه‌ای که متشکل از گروه‌ها و تشکلهای انسانی است، وابسته به بهره‌گیری از ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای تحقق این امنیت و آرامش هستند. هیچ‌کس نمی‌تواند در ضرورت آرامش و امنیت در جامعه تردید کند. زندگی با دغدغه و پرتلاطم، شرایط مرگ تدریجی را فراهم می‌کند. ازجمله مجموعه‌های تشکیلاتی که می‌تواند آرامش و امنیت را ایجاد کند، سازمان حفاظت و اطلاعات است که ضرورتی غیر قابل انکار در یک سیستم است. نیروهای حفاظت و اطلاعات باید از روی بینایی، یقین و اطمینان حرکت کنند. نوع مأموریت نیازمند داشتن حقایق امور است نه عمل براساس شبهه و تردید که آفت‌زا و احیاناً ایمان‌سوز است. این کار در درجه اول مستلزم فکر و اندیشه است (مهدوی‌راد و صادقی، ۱۳۹۳: ۱۹). لازم است در ادامه به بعضی از این ضرورت‌ها اشاره شود:

۱-۳- تشکیلاتی بودن فساد

باتوجه به رشد و توسعه فناوری و ارتقای سیستم نظارت، شبکه‌های فساد نیز تغییر ساختار داده و متناسب با این تغییر رویکرد نفوذ حرفه‌ای و مجازی خود را در دستورکار قرار داده‌اند. این خود

برگرفته از مرام‌نامه‌ای پنهان است که لازم است به اقسامی از دسته‌بندی‌های فساد اشاره شود: یک. فساد تصادفی و فساد نظام‌مند: فساد نظام‌مند در جامعه رایج است و به شکل قانده‌مند درمی‌آید. احتمال کشف و مجازات مجرم و انگیزه فساد کاهش می‌یابد؛ زیرا برخلاف حالت اتفاقی طرفین تمایلی به گزارش کردن خلاف ندارند. در این حالت نهادها و ضوابط رفتاری با الگوهای غارتگری دیوان‌سالاری تطابق می‌یابد؛ مانند رواج رشوه.

دو. فساد سازمان‌یافته و فساد فردی: در فساد سازمان‌یافته سرمایه‌گذاران می‌دانند به چه کسانی رشوه دهند و در قبال چه چیزی رشوه به دست آورند. در فساد فردی باید به چند تن مقام رسمی رشوه دهند و صفاتی هم نیست که با تقاضای رشوه بیشتری روبه‌رو نشوند. فساد سازمان‌یافته درواقع پدیده‌ای سیاسی است. یعنی کسانی که در مواضع قدرت هستند از دولت و قدرت برای انتقال منافع و عواید نامشروع به خود و وابستگان استفاده می‌کنند.

سه. فساد کلان و فساد خرد: فساد رؤسای دولت، وزیران و کارمندان عالی‌رتبه را فساد کلان و فساد کارمندان جز مثل افراد پلیس و مأموران گمرک و مالیات را فساد خرد می‌گویند. کنترل فساد کلان مقدم بر خرد است. البته بدون تردید فساد اداری همیشه با اعمال غیرقانونی تجلی نمی‌یابد. چه‌بسا تصمیماتی که در جهت انجام وظایف قانونی صورت می‌گیرد، در مقطعی باشد که منافع آن شامل افراد خاصی شود. به همین جهت در کنار مصادیق فساد اداری مثل اختلاس، ارتشا، سوءاستفاده از اموال و امکانات دولتی، کم‌کاری، تبعیض و تسریع کار دوستان و آشنایان و ... (فساد اداری غیرقانونی)، می‌توان به مصادیقی از جمله وضع قوانین تبعیض‌آمیز به نفع سیاستمداران قدرتمند و طبقات مورد لطف دولت و بخشیدن انحصارات دولتی به افراد خاص (فساد اداری قانونی) اشاره کرد (بخارایی ۱۳۸۶: ۸۵).

۲-۱-۳- تهدیدات نرم و سخت

مفهوم لغوی واژه تهدید: ترساندن، بیم دادن، بیم عقوبت دادن (بهشتی، ۱۳۶۹: ۳۱۴). در لغت‌نامه وبستر^۱ برای «تهدید» دو تعریف ارائه داده است: نخست تهدید را بیان و آن را قصد آسیب رساندن، نابود یا تنبیه کردن دیگران از روی انتقام یا ارباب می‌داند و در تعریف دوم آن را نشان دادن خطر^۲، آسیب و شرارت قریب‌الوقوع مانند جنگ تعریف کرده است (عبداله‌خانی، ۱۳۸۵: ۵۱۱-۴۹۱).

در تعریفی دیگر از واژه تهدید آمده است: «به آن دسته خطرات بالفعل و بالقوه‌ای اطلاق می‌شود که ارزش حیاتی یک کشور از جمله تمامیت اراضی، استقلال و حاکمیت ملی، نظام حاکم و نهادهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و ایدئولوژی و فرهنگ و افتخارات ملی را به خطر اندازد. تهدیدها ممکن است به درون مرزی، برون‌مرزی و تهدیدهایی که مرز مشخصی ندارند تقسیم شود» (کریمایی، ۱۳۸۴: ۴۷).

1- Webster

2- Danger

همچنین کارل روپر معتقد است تهدید عبارت است از «هر گونه نشانه، حادثه یا شرایطی که توان ایجاد خسارت و ضرر علیه یک دارایی را داشته باشد (عبداله خانی، ۱۳۸۶: ۲۳). از جمله تعاریف دیگر تهدید این است: «به مجموعه خطرهای بالقوه برون سازمانی که امنیت کارکنان و سازمان را به مخاطره می‌اندازد، تهدید گفته می‌شود» (بهارى نیا، ۱۳۸۶: ۲۵).

الف. تهدیدات نرم: این نوع تهدیدات را می‌توان به دو معیار اساسی از تهدیدات سخت باز شناخت. اولین معیار غیرخشونت آمیز بودن روش تهدید و معیار دوم، نرم افزاری بودن پیامد تهدید است. بنابراین چنانچه تهدیدی از سوی عامل آن به روش غیرخشونت آمیز اجرا شود و پیامدهای ناشی از آن نیز نرم افزاری باشد، تهدید نرم نامیده می‌شود.

ب. تهدیدات سخت: عکس معیارهای تهدیدات نرم، اصلی‌ترین معیارهای تهدیدات سخت است. بنابراین خشونت آمیز بودن در روش اقدام و سخت‌افزاری بودن در پیامد اقدام دو معیار اصلی تهدیدات سخت است. این تهدیدات اغلب با ابزارهای تجهیزات مرگ‌بار انجام شده و نتیجه آن تخریب، انهدام، کشتار و وحشت آفرینی است (عبداله خانی، ۱۳۸۶: ۶۷).

البته مفهوم دیگری به نام جنگ نرم و جنگ سخت وجود دارد که اصطلاح جنگ نرم^۱ که در مقابل جنگ سخت^۲ استفاده می‌شود یکی از مفاهیم متداول در مکاتبات و مذاکرات استراتژیست‌ها، نظریه‌پردازان و کارشناسان علوم اجتماعی و سیاسی است (عبدی، ۱۳۸۹: ۲۴).

۳-۱-۳- نیاز به امنیت

امنیت یک مفهوم آشنا و قابل شناخت برای تمام جوامع بشری از جوامع اولیه چون قبایل کوچک گرفته تا امپراتوری‌های بزرگ جهان باستان و دولت‌شهرهای یونان بوده است و به همین قسم امروز نیز تلاش برای رسیدن به «وضعیت امن» یا «Secure Situation» اولویت نخست سیاست‌های واحدهای سیاسی مختلف را تشکیل داده و راه‌های تأمین آن از جایگاه خاصی در سیاست‌گذاری‌های امنیتی دولت‌ها در قالب امنیت ملی برخوردار است (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۳).

به این صورت می‌توان گفت تأمین امنیت و راه‌های دستیابی به آن از جمله سنگ‌بناهای شکل‌گیری واحدهای سیاسی از نگاه تاریخی بوده تا از این طریق اعضای جوامع مذکور بتوانند به کمک یکدیگر به مهم‌ترین نیازشان که تأمین امنیت است، دست یابند. اما آنچه در جوامع اولیه و حتی تا این اواخر مطرح بود یک دیدگاه محدود به امنیت بود؛ به طوری که بحث امنیت روی موضوعات نظامی متمرکز بود. در اصل یک نوع دید تقلیل‌گرایانه نسبت به امنیت حکم‌فرما بود و امنیت را در توانایی‌های نظامی و برقراری صلح بعد از جنگ‌ها جستجو می‌کردند (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۳).

«امنیت» از جمله مفاهیم پیچیده‌ای است که ارائه تعاریف واحدی از آن به سادگی میسر نیست. «امنیت» پیش از آنکه مقوله‌ای قابل تعریف باشد، پدیده‌ای اداری و احساسی است؛ یعنی این

3- Soft warfare

4- Hard warfare

اطمینان باید در ذهن توده مردم، دولت مردان و تصمیم گیران به وجود آید که برای ادامه زندگی بدون دغدغه امنیت لازم وجود دارد یا نه.

کلمه امنیت، مأخوذ از کلمه لاتین securitas است. که از secures به معنای (فراغت از نگرانی) گرفته شده است. امنیت به معنای ایمن بودن و به دور از مخاطرات است (دوستدار، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

امنیت یکی از عناصر بنیادی بُعد سیاسی نظم اجتماعی محسوب می شود که دارای ابعاد متنوعی شامل ذهنی و عینی، داخلی و خارجی، فردی و جمعی است و از لحاظ گستره نیز شامل حیطه های ملی، منطقه ای و جهانی است از نظر سطح به سطح خرد و کلان تقسیم می شود. هریک از این ابعاد، گستره و سطوح امنیت به نوبه خود، به خرده ابعاد دیگری تقسیم می شود. به عنوان مثال امنیت در سطح خرد می تواند شامل امنیت جانی، ملی، فکری، بیانی، اخلاقی، شغلی و حقوقی باشد و امنیت در سطح کلان نیز می تواند زیر سطوح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و طبیعی یا زیست محیطی را در بر بگیرد (محبوبی منش، ۱۳۸۹: ۵۸).

۴-۱-۳. پدیده نفوذ

الف. معانی لغوی «نفوذ»

در کتب لغت شناسی، نفوذ به معنای اثر کردن در چیزی، داخل شدن در چیزی (فرهنگ فارسی معین)، تأثیر گذاشتن بر کسی و راه یافتن پنهانی در گروه یا جایی (فرهنگ فارسی عمید) آمده است. از سوی دیگر، معادل انگلیسی نفوذ، واژه (Influence) است که در لغت به معنی کنش یا قدرتی است که نتیجه ای را بدون اعمال آشکار زور یا بدون اعمال مستقیم فرمان، تولید می کند و در اصطلاح عبارت از اعمالی است که مستقیم یا غیرمستقیم سبب تغییر در رفتار یا نظارت دیگران می شوند (الوانی، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

در تعریفی دیگر «نفوذ شکلی ظریف و نامرئی از قدرت است که از طریق تسخیر و مهار دستگاه محاسباتی و نظام تصمیم گیری یک فرد، گروه، دولت و ... اعمال می شود. منظور این است که آن مؤلفه ای که سبب عملیاتی شدن و عینیت یافتن قدرت می شود، نفوذ است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴: ۱۷).

ب. تفاوت رخنه و نفوذ

مسئله نفوذ اغلب با مسئله رخنه اشتباه گرفته می شود. واژه نفوذ یک مفهوم نظامی است. در تاکتیک نظامی بین دو مفهوم «رنخه» و «نفوذ» طبیعتاً یک تمایز جدی وجود دارد. برخی از این تفاوت ها عبارت اند از: ۱. رخنه مستمر اتفاق می افتد اما نفوذ نقطه ای و موضعی است؛ و ۲. غالباً رخنه توسط واحدهای ارتش نظامی کلاسیک در خط مقدم اعمال می شود، اما نفوذ توسط نیروهای ویژه در عمق مواضع کشور دشمن اعمال می شود.

از این منظر وقتی نفوذ اعم از نفوذ فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... سخن به میان

می‌آید منظور این است که عناصری از فکر و فرهنگ و اعتقاد و اقتصاد کشور دشمن در عقبه مواضع فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و نظامی خودی نفوذ کرده‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴: ۱۹).

ج. انواع تقسیم‌بندی نفوذ

ج-۱. نفوذ عمودی-نفوذ افقی

ج-۱-۱- نفوذ عمودی که بیشتر سخت‌افزارانه است و حالتی آمرانه دارد، کشورهای قدرتمند به دنبال آن هستند که برتری خود را از راه‌های مختلف همچون جنگ و قدرت نظامی، اعمال فشار و تحریم و تهدید نشان دهند؛ درواقع، هر چیزی برای این کشور وسیله‌ای برای برتری طلبی و سلطه‌گری به شمار می‌آید.

ج-۱-۲- نفوذ افقی، که وجه نرم‌افزارانه آن غالب است، بازیگران به دنبال جلب اعتماد قدرت از این طریق هستند، به‌هک دیگر اعتماد دارند و احساساتشان را فاش می‌کنند. در الگوی ارتباط افقی از ابزارهای مذاکره، انواع دیپلماسی و ارتباطات، سبک زندگی، ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و ... برای تعامل و ارتباط‌گیری استفاده می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴: ۲۳-۲۴).

ج-۲. نفوذ فردی-نفوذ جریانی

ج-۲-۱- اولین و ساده‌ترین نوع نفوذ، نفوذ موردی و انفرادی است. این تاکتیک، عمری به قدمت تاریخ دارد. در این شیوه از نفوذ به قدرت‌های تخاصم تلاش می‌کنند، با بهره‌گیری از رخنه‌های موجود در طرف مقابل، عناصر خود را وارد خانه حریف کنند تا به اهداف مورد نظر خود برسند. اهداف این نفوذ گران می‌تواند از ساده‌ترین مسائل ممکن همچون کسب اطلاع و جاسوسی گرفته تا پیچیده‌ترین هدف‌گذاری‌ها، یعنی وارد کردن نفوذگر در بدنه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی سازمان حریف باشد، یا در بدنه نظام تصمیم‌گیری رخنه کنند و جایگاه فرایند کارشناسی خود را ارتقا می‌دهند، یا با بهره‌گیری از تعاملات شخصی با برخی از شخصیت‌های مؤثر، فرایند تصمیم‌سازی را به دلخواه خود هدایت و راهبرد خود را براساس عملیات «مدیریت ادراک» نخبگان بنا می‌کنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴: ۲۴-۲۵).

ج-۲-۲- نفوذ دیگری که بسیار پیچیده‌تر و زیان‌بارتر از روش اول است، «نفوذ جریانی و شبکه‌ای» است که در جریان انسانی گسترده ولی پنهان از عناصر نفوذگر که ارتباط وسیعی میان خود دارند، وارد محیط حریف می‌شوند و با بهره‌گیری از بسترهای موجود سعی می‌کنند مسیر جامعه را تغییر دهند. اگر نفوذ انفرادی به دنبال جهت‌دهی به معدودی از نخبگان بود، نفوذ شبکه‌ای، عموم جامعه را هدف می‌گیرد و فرایندی فراگیر را تعقیب می‌کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴: ۲۶).

۵-۱-۳- جنگ اطلاعاتی

اطلاعات یک سیستم دارای ارزش و سرمایه برای آن سیستم محسوب می‌شود. از این روی صیانت از اطلاعات از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و صیانت از فرار، سخت‌افزار، شبکه،

رمزنگاری، پرسنل، امنیت فیزیکی و محیطی، کنترل، بازرسی و سایر موارد ضامن سلامت، کارآیی، بقا و استمرار سیستم است.

بنابراین جنگ اطلاعات استفاده تهاجمی و دفاعی از اطلاعات و سامانه‌های اطلاعاتی برای تکذیب، تحریف یا تخریب اطلاعات، فرایندهای مبتنی بر اطلاعات، سامانه‌های اطلاعات و شبکه‌های اطلاعات دشمن با حفظ منابع اطلاعات خود است (رشیدزاده، ۱۳۸۵: ۵۰).

نبرد اطلاعات را می‌توان از دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرهای مختلف به انواع و اقسام متفاوتی تقسیم کرد و اما معروف‌ترین تقسیم‌بندی توسط لیپسکی و فلو (۱۹۹۵) از اساتید دانشگاه دفاع ملی صورت گرفته است و آن‌ها اجزای نبرد اطلاعاتی را به دو گروه تقسیم کرده‌اند: گروه اول عبارت است از فعالیت‌هایی که علیه نیروهای نظامی صورت می‌گیرد و شامل سه مورد نبرد فرماندهی-کنترل (C2W)، جنگ جاسوسی و نبرد الکترونیکی است. گروه دوم، فعالیت‌هایی است که علیه اجتماع صورت می‌گیرد و شامل جنگ روانی، نبرد اقتصادی، نبرد سایبر و نبرد اطلاع‌رسانی است در طول زمان موارد دیگری به اجزای نبرد اطلاعاتی از جمله نظارت و مراقبت، شناسایی کنترل خسارت^۱، جنگ ماهواره‌ای^۲ اضافه شده است (افضلی، ۱۳۸۷: ۷۱).

البته مفهوم استفاده از اطلاعات در جنگ قدمت طولانی دارد. ظهور اصطلاح جنگ اطلاعاتی و اهمیت روزافزون آن احتمالاً با انقلاب اطلاعات ارتباط مستقیم دارد. باور همگانی این است که چنین انقلابی آن‌قدر قدرتمند و دامنه‌تأثیر آن آنچنان گسترده است که می‌تواند بعد جدیدی در جنگ یا اصلاً سبک جدیدی از جنگ را تعریف کند. در خلال نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ اصطلاح جنگ اطلاعاتی مطرح و بعداً توجه به آن کم‌رنگ شد (وزارت دفاع و پشتیبانی، ۱۳۸۴: ۱۷).

هیچ کارشناسی نمی‌توانست تعریف روشنی برای آن ارائه دهد، چه رسد به اینکه کارشناسان نظامی درباره یک تعریف مشخص به تفاهم برسند. اغلب به نظر می‌رسد که اصطلاح جنگ اطلاعاتی طیف بسیار گسترده‌ای را در بر گرفته و شامل موارد سنتی مانند «جنگ فرماندهی و کنترل و جنگ»^۳ الکترونیک می‌شود (وزارت دفاع و پشتیبانی، ۱۳۸۴: ۱۷-۱۸).

مارتین لیپسکی، از محققان مؤسسه مطالعات استراتژیک در دانشگاه دفاع ملی، در کتاب «جنگ اطلاعاتی چیست؟» می‌نویسد: «تلاش برای درک مفهوم جنگ اطلاعاتی مانند این است که چند نفر نابینا بخواهند با لمس کردن بخش‌های مختلف یک فیل بگویند که این موجود چیست. کسی که پایش را لمس کند می‌گوید این یک درخت است، نفر دیگری که دم آن را لمس کند می‌گوید این یک طناب است و الی آخر. بنابراین باید اذعان داشت که الگوی کلی جنگ اطلاعاتی در نگاهی عمیق‌تر در آینده شاهد تحول ماهیت جنگ خواهد بود (وزارت دفاع و پشتیبانی، ۱۳۸۴: ۱۸).

1- Damagecontrol

2- Satellite war

3- Command and Control Warfare (c2w)

۲-۳- ازمنظر آیات و روایات

آنچه در کنار مباحث عقلی می‌تواند اراده انسان را مستحکم و مصمم نماید پذیرش فطری و معرفتی است که در این موضوع با نگاه دین‌مدارانه که در بین مسلمان وجود دارد به این ایدئولوژی فکری اهتمام شده است و در کنار عقول بشری به دستورات دینی به منزله یک ضرورت اعتقادی توجه شود و کاملیت دین اسلام در تمامی ابعاد و شئون زندگی بر حفظ پیکره‌بندی اجتماع مسلمین دقت نظر دارد و حصون مستحکم در مقابل هرگونه گسست در جامعه اسلامی است و مراقبت و هشدارهای لازم را صادر می‌نماید، لازم است تمامی افراد جامعه به این نقطه برسند که ادامه حیات سیاسی هر جامعه برای حفظ کرامت و استقلال خود به کسب اطلاعات و حفاظت و اطلاعات از اسرار خود نیازمند است. در آیات و روایات مختلف اهمیت و ضرورت این موضوع روشن شده است که توان نظامی بدون مراقبت حفاظتی، ابزاری بی‌خاصیت است که هیچ‌گونه رخ‌نمایی برای هراس دشمن خارجی از آن وجود ندارد.

یکی از تفاوت‌های اساسی سازمان حفاظت و اطلاعات در اسلام و سازمان‌های حفاظتی غربی و شرقی با توجه به تفاوت‌های مبنایی، تمایز در مقوله‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی است (مهدوی‌راد، صادقی، ۱۳۹۳: ۲).

خداوند سبحان در قرآن کریم به آماده‌سازی و توسعه قدرت دفاعی در مقابل دشمن و هراس به آن این‌گونه بیان فرموده است:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ، تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَ...

«و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید.»

(رضوان‌طلب، ۱۳۹۰: ۷۳)

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در مورد آمادگی در مقابل توطئه‌های دشمن می‌فرماید:

مَنْ لَمْ يَتَحَرَّزْ مِنَ الْمَكَايِدِ قَبْلَ وَقُوعِهَا لَمْ يَنْفَعْهُ الْأَسْفُ عِنْدَ هُجُومِهَا^۱

«آن‌کس که توطئه‌ها و حوادث را پیش‌بینی و پیشگیری نکند، تأسف به هنگام هجوم توطئه برای او کارآمد نیست.»

همچنین امام باقر (علیه‌السلام) در مورد بی‌توجهی به اخبار و اطلاعات دشمن این‌گونه می‌فرماید: «هر کس گزارشی را پنهان یا تعقیب نماید، اما هدفش هدر دادن خون مسلمان یا تلف کردن مال او باشد، روز قیامت با چهره‌ای سیاه و چشمانی درشت و صورتی لطمه‌دیده محشور می‌شود که همه خلایق او را می‌شناسند و هر کس گزارشی را برای احیای حق دنبال کند، با چهره‌ای نورانی و تبارنامه‌ای روشن محشور می‌شود.»^۳

(رضوان‌طلب، ۱۳۹۰: ۶۸)

۱- انفال (۸)، آیه ۶۰

۲- غرالحکم، ج ۲، ص ۷۰۱

۳- اصول کافی، ج ۷، ص ۳۸۰

در جایی دیگر امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مورد هوشیاری اطلاعاتی می فرماید:

مَنْ لَمْ يَسْتَظْهِرْ بِالْيَقْظَةِ لَمْ يَنْتَفِعْ بِالْحَفَظَةِ^۱

«آن کس که از هوشیاری اطلاعاتی بی بهره باشد، نگهبانان و سپاهیان برایش مفید نخواهد بود».

(رضوان طلب، ۱۳۹۰: ۷۵)

همچنین مولای متقیان حضرت علی (علیه السلام) در مورد حفظ اسرار می فرماید:

سِرُّكَ أَسِيرُكَ فَإِنْ أَفْشَيْتَهُ صِرْتَ أَسِيرَهُ^۲

«راز تو، اسیر توست و اگر آن را افشا کردی، تو اسیر او شده‌ای».

در جای دیگر حضرت امیر (علیه السلام) در مورد طبقه‌بندی و رعایت حفظ اسرار می فرماید:

مَا كُنْتُ كَاتِمَهُ عَدُوِّكَ مِنْ سِرٍّ فَلَا تَطْلَعَنَّ عَلَيْهِ صَدِيقُكَ

«آنچه را از دشمنت پنهان می داری، دوست را نیز از آن مطلع مکن».

(شبدینی پاشاکی، عالی‌نژاد، حسینی، ۱۳۹۱: ۳۸)

خداوند سبحان می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ^۳

«ای اهل ایمان، بیدار و مراقب باشید».

(رضوان طلب، ۱۳۹۰: ۷۴)

لذا اهمیت و ارزش حفاظت و اطلاعات در نظام اسلامی در راستای اجرای فرامین الهی و تدابیر حضرات معصومین (علیه السلام) برای رهبری جامعه اسلامی است تا در مقابل حکام جور برای به دست آوردن اخبار و اطلاعات دشمنان و صیانت از مسلمانان عمل شود.

۴. نقش و وظایف حفاظت و اطلاعات

از جمله کارکردهای حفاظت و اطلاعات، شامل جمع‌آوری اطلاعات درباره سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی، از طریق منابع آشکار و پنهان، تحلیل و تحقیق در زمینه ساختار، اشخاص و عملیات‌های سازمان‌های اطلاعاتی خارجی، برای شناخت نقاط ضعف و قدرت آن‌ها و خنثی‌سازی فعالیت‌های خصمانه سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی کشورهای دیگر می‌شود. برای اجرای این وظایف، از نفوذ به درون سازمان‌های اطلاعاتی و دستگاه سیاست خارجی و استفاده از روش‌های غیرمستقیم، مانند کسب اطلاعات از پناهندگان استفاده می‌شود (رشیدزاده، ۱۳۸۵: ۶۲).

وظیفه خطیر حفاظت و اطلاعات از جهاتی شبیه به نهادهای بهداشتی درمانی است. این نهاد در ابتدا سعی بر آن دارد ابتدا از هر آلودگی و بیماری پیشگیری نماید و در مرحله بعد اگر احتمالاً کسی آلوده شد او را درمان نماید و در نهایت اگر دو روش قبلی مؤثر واقع نشد او را همچون یک عضو مرده و فاسدشده بدن از سیستم جدا کرده و دور بیاندازد. چنین نقشی را حفاظت و اطلاعات

۱- غرورالحکم، ج ۲، ص ۷۰۲

۲- غرورالحکم، ج ۴، ص ۱۴۶، شماره ۵۶۳۰

۳- نساء (۴)، آیه ۷۱

در سازمان ایفا می‌کند. حفاظت و اطلاعات در هر سازمان با پیش‌بینی نوع تخلف‌ها و جرایمی که ممکن است در آن سازمان به وقوع بپیوندد سعی می‌کند به انحاء مختلف، چشم و گوش کارکنان آن سازمان را به روی دام‌ها و کمین‌های سر راه بگشاید و آن‌ها را هوشیار و آگاه سازد. با این کارها اول آنکه جلوی خسارت‌های احتمالی که مسلماً هزینه‌های سنگینی برای سیستم در بر خواهد داشت، گرفته می‌شود و دوم آنکه جلوی انتشار تخلف‌ها و انحراف‌ها در بین کارکنان گرفته می‌شود. هدف حفاظت و اطلاعات، شناسایی و مقابله با تهدیداتی است که از سوی فعالیت‌های اطلاعاتی اشخاص و سازمان‌های جاسوسی، خراب‌کاری، براندازی یا تروریسم، متوجه کشور و جامعه اطلاعاتی است. تقویت امنیت، ممانعت از افشای اطلاعات، شناسایی و خنثی‌سازی جاسوسی، شناسایی تهدیدات بالقوه، و کشف و برنامه‌ریزی عملیات سازمان‌های دشمن، از جمله کارکردهای حفاظت و اطلاعات در جامعه اطلاعاتی است (رشیدزاده، ۱۳۸۵: ۶۲-۶۳).

۴-۱- اقدامات حفاظت و اطلاعات به دو بخش آفندی و پدافندی تقسیم می‌شود:

۴-۱-۱- بخش آفند، تأکید بر قدرت استفاده از اطلاعات و مانع‌سازی برای استفاده دشمن و بیگانگان دارد.

۴-۱-۲- بخش پدافندی شامل اقدامات عامل و غیرعامل در برابر جنگ اطلاعاتی دشمن و بیگانگان است که از طریق دفاع فیزیکی، حفاظت اسناد، مدارک، تجهیزات، اماکن، تأسیسات، شخصیت‌ها، تقویت موانع، ضد براندازی، ضد جاسوسی، ضد خرابکاری و مانند آن به انجام می‌رسد (رشیدزاده، ۱۳۸۵: ۶۳).

• کارکردهای حفاظت و اطلاعات در سیستم

۱. کانال ارتباطی مطمئن با مراجع تصمیم‌گیر، ۲. ارتقای نظام پاسخ‌گویی، ۳. دریافت، تجزیه و تحلیل و پردازش اخبار، ۴. پشتوانه‌ای محکم برای سلامت سیستم، ۵. مشاوره‌ی امین برای مدیر، ۶. حافظ منافع کارکنان در سیستم، ۷. اعمال رفتارهای پیشگیرانه، ۸. تحقق اهداف مدیران، ۹. اطلاع‌رسانی به هنگام، ۱۰. حفاظت کلیه کارکنان، ۱۱. مدافع حقوق مراجعه‌کنندگان به سیستم، ۱۲. مشاوره‌ی امین در انتصابات، ۱۳. شفاف‌سازی و کارآمد سازی قوانین، ۱۴. ارزشیابی و مدیریت عملکرد کارکنان، ۱۵. شناسایی نیروهای مستعد در سیستم، ۱۶. حفاظت فیزیکی از اماکن، مقرّها و اسناد و مدارک، IT، و ۱۷. ایجاد امنیت و آرامش روانی در محیط.

۴-۲- سه نقش اساسی حفاظت و اطلاعات در پیشگیری از وقوع تخلف

نقش‌های حفاظت و اطلاعات در پیشگیری از وقوع تخلف عبارت‌اند از: اول، نقش هشداردهنده یا پیشگیری‌کننده، دوم، نقش اصلاح‌کننده یا درمان‌کننده، و سوم، نقش جداکننده از سیستم.

۵- تبارشناسی مفهوم نظارت استراتژیک

۵-۱- ماهیت و مفهوم نظارت

از حیاتی‌ترین ارکان هر سیستم سالم و کارآمد وجود یک نهاد نظارتی دقیق است و وجود یک

نظم نظارتی در سیستم، می تواند میزان تحقق برنامه ها و اهداف مدیر مجموعه را ارزیابی کند، لازم است قبل از پرداختن به ماهیت نظارت با تعریف کلیدواژه «نظارت» آشنا شویم. واژه نظارت در «معجم مقاییس اللغة» این گونه تعریف شده است:

«نظارت از ماده نظر است که به معنای نظر افکندن و تأمل و دقت در امری است. نظر به معنای تأمل در چیزی و معاینه کردن آن نیز معنا می شود» (محسن شیخی، ۱۳۹۰: ۱۳).

همچنین «اقرّب الموارد» می گوید: «النظاره» کلمه ای است که عجم آن را به کار می برد و منظور از آن، پاکیزه نمودن باغ و بستان است. بنابراین، نظارت همان مراقبت و کنترل یک چیز، از آفت و بیماری است.

تعریف های گوناگونی از نظارت و کنترل ارائه شده که در همه آنها یک نقطه اشتراک وجود دارد و آن این است که نظارت عبارت است از «مقایسه بین آنچه هست و آنچه باید باشد». عده ای از نویسندگان علم مدیریت، «نظارت» را چنین تعریف می کنند:

«نظارت عبارت است از سنجش و اصلاح عملکرد برای به دست آوردن این اطمینان که هدف های سازمان و طرح های اجرایی آن با کامیابی به انجام رسیده است» (محسن شیخی، ۱۳۹۰: ۱۴).

بنابراین، ضرورت «نظارت» انکارناپذیر است و هر قدر این ابزار با کمال دقت، متانت، عدالت و عدالت و با رعایت شرایط آن به کار رود، تأثیر آن بیشتر خواهد بود. «نظارت» در سازمان ها نیز در جهت کمک به مدیریت و فرماندهی در جلوگیری از خطاها و غرض ورزی ها، اهمیت بالایی دارد (محسن شیخی، ۱۳۹۰: ۱۵).

اگر سیستمی برخوردار از یک نظام نظارت استراتژیک نباشد، دیر یا زود متلاشی می شود. هنری فایول نظریه پرداز معاصر، نظارت و کنترل را به منزله یک اصل منطقی که تکمیل کننده چهار اصل دیگر، یعنی برنامه ریزی، سازماندهی، هماهنگی و فرماندهی، می داند و می گوید منظور از کنترل و نظارت، سرکشی و رسیدگی به اجرای فرامین و دستوراتی است که به اعضای سازمان داده می شود. از این راه است که می توان نحوه اجرای صحیح آن را دریابیم. به خاطر همین، اگر کنترل صحیح در کار وجود داشته باشد، همیشه سیستم کنترل، باید سیستمی سریع و بادقت باشد به همه امور مربوط در اسرع وقت رسیدگی نماید و نارسایی ها را سریع تشخیص دهد (پارکینسون، ۱۳۶۹: ۷۰).

یکی از عوامل مؤثر در موفقیت برنامه ها، وجود یک نظام دقیق نظارتی است که در چارچوب سازمان حفاظت و اطلاعات در هر سیستمی قابل تحقق است. انجام فعالیت های یک سیستم همراه با موفقیت نخواهد بود، مگر آنکه نظارت های لازم نسبت به آن صورت گیرد.

وجود یک نظم نظارتی در سازمان، مدیریت را نسبت به نحوه تحقق هدف ها و انجام عملیات آگاه می کند و او را قادر می سازد پیگیری های لازم را انجام دهد. سازمان بدون داشتن یک نظام دقیق نظارت، نمی تواند به تمام هدف های مورد نظر خود دست یابد و از امکانات و منابع موجود، به نحو مؤثر و درست استفاده کند.

حصول اطمینان از اینکه اجرای برنامه و هدایت سازمان درست انجام می‌شود و در صورت مشاهده انحراف، برای تصحیح آن اقدام لازم به عمل خواهد آمد، نیازمند یک نظام مؤثر و دقیق نظارتی است (محسن شیخی، ۱۳۹۰: ۲۳). از سوی دیگر، نظارت نیز بدون وجود برنامه، مفهومی ندارد و کاری عبث و بیهوده خواهد بود.

«به دلیل این ارتباط تنگاتنگ میان نظارت و برنامه‌ریزی است که برخی از نویسندگان علم مدیریت، نظارت و برنامه‌ریزی را به دو تیغه یک قیچی تشبیه کرده‌اند که بدون هریک از تیغه‌ها، قیچی قادر به کار کردن نیست و فایده‌ای نخواهد داشت» (همان، ۲۴ تا ۲۳).

۲-۵- مفهوم استراتژی

پیش از هر اقدامی لازم است با کلیدواژه «استراتژی» در ادبیات اجرایی آشنا شویم. به همین منظور از دو منظر لغوی و اصطلاحی به این موضوع نگاه شده است.

۱-۲-۵. مفهوم لغوی استراتژی

واژه استراتژی از کلمه یونانی «استراتگوس» گرفته شده است. استراتگوس یا «استراتژ» به معنای لشکر است. «استراتگوس» به معنی فرماندهی ارتش نیز به کار می‌رفت که معنای دیگری را می‌توان برای آن تعریف کرد. «فن اداره جنگ، فن فرماندهی، فن جنگ و طرح نقشه برای جنگ» نیز از دیگر معانی آن است (علی‌بابایی، ۱۳۶۹: ۴۲).

۲-۲-۵. مفهوم اصطلاحی استراتژی

استراتژی در معنای اصطلاحی جدید به این صورت تعریف می‌شود: «به فن و علم توسعه و به کارگیری قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت، هنگام جنگ و صلح، برای تأمین حداکثر پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمال و دستیابی به نتایج مطلوب برای کسب حداکثر پیروزی و حداقل شکست» (باقری کیبوق، ۱۳۷۰: ۱۹۸). اطلاق می‌شود. هرگاه قدرت سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی، در جهت دستیابی به اهداف نظامی یک ملت به کار رود، استراتژی نظامی نامیده می‌شود. به همین ترتیب برای هریک از ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌توان تعریفی از استراتژی ارائه داد. استراتژی در معنای قدیمی خود به معنای به کارگیری همه امکانات کشور برای دستیابی به اهداف نظامی بود که بخشی از هدف‌های کلان یک کشور را تشکیل می‌داد.

البته تعاریف متعددی از استراتژی مطرح شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم. آندره بوفر، اهل فرانسه، استراتژی را این گونه تعریف می‌کند: «استراتژی، هنر به کار بردن زور و جبر است؛ به طوری که این زور و جبر بتواند تا حد امکان، بیشترین نتیجه را در رسیدن به اهداف سیاسی به بار آورد» (لطفی، ۱۳۹۳: ۵۱).

آنچه بوفر در تعریف خود از استراتژی دنبال می‌کند یک نوع قدرت‌نمایی جهت تطمیع و ایجاد

رعب در جبهه مقابل است تا امتیاز بیشتری از آن کسب کند ولی این نوع رفتار فارغ از هرگونه نیت سازمانی، مرزی برای مراقبت ندارد تا از سرحد قدرت‌نمایی به سمت سلطه‌گرایی سوق پیدا نکند، ولی شاید این شیوه اتخاذ استراتژی، راهبردی پرخطر باشد.

در تعریفی دیگر که از استراتژی توسط لیدل هارت انگلیسی بیان شده، آمده است: «استراتژی هنری است که با آن می‌توان با به خدمت گرفتن نیروهای نظامی، همدی را که توسط سیاست‌های کلی دولت یا ملتی تعیین شده است، به دست آورد» (لطفی، ۱۳۹۳: ۵۱). تعریف استراتژی که توسط هارت صورت گرفته است با تعریف بوفر تفاوت‌هایی دارد. زیرا اتخاذ استراتژی متناسب با سیاست‌های کلی دولت و ملت است و وجود بازیگران فعال داخلی و خارجی محدوده رفتار آن را کنترل می‌نمایند.

امروزه ادبیات سلطه‌گری و استعمارگرایی از مفهوم واقعی خود تهی شده است و جز خاطره هولناک در ذهن جوامع بشری چیزی دیگری باقی نمانده است. امروزه مفهوم واقعی استراتژی بهره‌مندی از تمامی ظرفیت‌ها و ابزارهاست. امروزه دولت‌ها قادر نیستند فقط با استفاده از قدرت نظامی بر دشمن پیروز شوند؛ بلکه به مجموعه‌ای از ابزارها نیاز دارند که قدرت نظامی یکی از آن‌ها است (علی‌بابایی، ۱۳۶۹: ۴۴). پس می‌توان گفت موقعیت استراتژیک، موقعیتی است که مزایای قاطع نظامی، سیاسی یا اقتصادی را به دارنده آن در مقابل رقبای دشمنانش اعطا می‌کند (ملکوتیان، ۱۳۸۳: ۲۰۷).

سیستم‌ها در مسیر تکامل خود نیازمند یک مراقبت درونی و بیرونی هستند. نهادهای نظارتی از جمله حفاظت و اطلاعات ستون فقرات یک سیستم هستند که رکن استراتژیک سیستم محسوب می‌شوند. اهداف و آرمان‌های یک سیستم محقق نمی‌شود مگر اینکه سازمان حفاظت و اطلاعات را به‌منزله یک جایگاه نظارت استراتژیک در سیستم بپذیریم.

۵- نتیجه‌گیری

امروزه با تحول در علم مدیریت و تخصصی شدن کارکرد سازمان‌های دولتی و غیردولتی در نظام بین‌الملل، شرایطی را برای یک نظام استراتژیک فراهم می‌کند که از ابزارهای متناسب برای رشد و پیشرفت جامعه تحت مدیریت خود استفاده نماید تا در تکاپوی رقابت‌های نابرابر قدرت‌های متخاصم جهانی، اراده مستقل و آزاد خود را در نظام سلطه‌گری و تسلط‌پذیری اعمال نماید. یکی از ابزارهایی که لازمه استواری و سرپا بودن چنین اراده مستحکمی است، اتحاد از درون و مراقبت از نفوذ بیرون است. برای مراقبت از این دو مقوله، نیازمند سازمانی تخصصی و فنی برای صیانت از اطلاعات حیاتی و سلامت نیروی انسانی کارآمد است. آنچه در این تحقیق مورد کنکاش قرار گرفت، اهمیت سازمان «حفاظت و اطلاعات» در سیستم‌های اداری، امنیتی و نظامی به‌منزله

یک نظارت استراتژیک بود که در ابعاد گوناگون مورد توجه قرار گرفت و به منزله یک بازوی اطمینان بخش و مورد وثوق در کنار مدیریت سیستم نقش آفرینی می کند و اهمیت این نوع نظارت خاص، در مقیاسی برابر با سیستم های نظارت عام است که خود جلوه هویت یک نظارت استراتژیک در قلب سیستم است و پویایی و نقش آفرینی جامع و کامل آن در مشارکت عمومی و تجانس افراد محیط با اهداف و مأموریت های پنهان و آشکار این سازمان سخت کوش است.

منابع

- افضلی، مهدی. (۱۳۸۷)، نبرد اطلاعاتی: جنگ در عرصه اطلاعات، فصلنامه اطلاع شناسی، شماره ۱۹.
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۸۶)، مدیریت عمومی، نشر نی، تهران، چاپ سی و یکم.
- باقری کبورق، علی. (۱۳۷۰)، کلیات و مبانی جنگ و استراتژی، نشر بین المللی.
- بخارایی، احمد. (۱۳۸۶)، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی در ایران، تهران، پژوهاک جامعه.
- بوزان، باری. (۱۳۷۸)، مردم، دولت ها و هراس، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهارى نیا، امان الله. (۱۳۸۶)، حفاظت و اطلاعات رسته اداری، آموزش دانشگاه علوم انتظامی امین.
- بهشتی، محمد. (۱۳۶۹)، فرهنگ صبا (لغت نامه)، چاپ ششم، تهران، انتشارات صبا.
- پارکینسون، نورث کوت. (۱۳۶۹)، اندیشه های بزرگ در مدیریت، ترجمه مهدی ایران نژاد
- پاریزی، مؤسسه بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۴)، بررسی ابعاد پروژه نفوذ در جمهوری اسلامی ایران، معاونت سیاسی
- نماینده گوی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز چاپ نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- حاجیان، محمد اسماعیل، شهابی، شهاب. (۱۳۸۴)، استاندارد مدیریت حفاظت و اطلاعات و نقش آن در عملکرد سازمان ها، مجله اقتصاد/ تعاون، شماره ۱۷۰.
- دوستدار، رضا. (۱۳۸۸)، پلیس و امنیت، فصلنامه دانش حفاظتی و امنیتی، سال چهارم، شماره دهم.
- رحیمی، ابراهیم. (۱۳۸۷)، سامانه های حفاظت و اطلاعات در نبردهای آینده، ماهنامه نگرش راهبردی، شماره ۸۹ و ۹۰.
- رشیدزاده، فتح الله. (۱۳۸۵)، عصر اطلاعات و جنگ اطلاعاتی، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۲۱.
- رضوان طلب، محمدرضا. (۱۳۹۰)، اطلاعات در اسلام، پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت، قم.
- شبدینی پاشاکی، محمد، عالی نژاد، صمد، حسینی، غلام عباس. (۱۳۹۱)، سیره حفاظتی و اطلاعاتی امامان معصوم (علیه السلام)، انتشارات زمزم هدایت، قم.
- عبداله خانی، علی. (۱۳۸۵)، بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۳.
- عبداله خانی، علی. (۱۳۸۶)، تهدیدات امنیت ملی، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات

بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

عبدی، حسین. (۱۳۸۹)، جنگ نرم، دفتر نشر معارف، قم.

علی‌بابایی، غلامرضا. (۱۳۶۹)، فرهنگ اصطلاحات روابط بین‌الملل، انتشارات سفیر.

کریمایی، علی. (۱۳۸۴)، کلیات حفاظت و اطلاعات، تهران، ساحفاناجا، نشر حدیث کوثر.

لطفی، مهدی. (۱۳۹۳)، تنگه هرگز در ضربان انسداد، انتشارات زمزم هدایت، قم.

محبوبی‌منش، حسین. (۱۳۸۹)، امنیت، انحراف اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی.

محسن‌شخی، علی‌اصغر. (۱۳۹۰)، نظارت و بازرسی، زمزم هدایت، قم.

محمدی، حمیدرضا. (۱۳۸۴)، استراتژی قدرت‌های جهانی و تأثیر آن بر منطقه خاورمیانه (با

تأکید بر استراتژی آمریکا)، مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپولیتیک ایران.

ملکوتیان، مصطفی. (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی و اهمیت استراتژیک ایران، مجله

دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۳.

مهدوی‌راد، محمدعلی، صادقی، حسن. (۱۳۹۳)، تحلیل ارزش شناختی بصیرت درحفاظت

و اطلاعات از دیدگاه قرآن و حدیث، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی دانشگاه جامع امام

حسین (علیه السلام)، سال سوم شماره ۱.

وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع-مرکز

آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی. (۱۳۸۴)، جنگ و دفاع سایبر، پروژه مطالعاتی الزامات جنگ

نوین در فضای مجازی (سایبر).

بررسی رابطه فساد و رشد اقتصادی در ایران

حمیدرضا ایزدی^۱

بهنام ایزدی^۲

مهدی رئیسی وانانی^۳

چکیده

این مقاله به بررسی عامل مهم و تأثیرگذار فساد (قاچاق کالا و ارز و پولشویی ناشی از آن) و نقش آن و همچنین سایر عوامل از جمله افزایش هزینه‌های نظم و امنیت، خصوصی‌سازی و تک‌نرخ‌شدن ارز به کمک روش اقتصادسنجی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) بر اقتصاد ملی می‌پردازد. در این مقاله بعد از تخمین مدل کوتاه‌مدت و بلندمدت، ضریب تصحیح خطا (ECM) به دست آمده است. از جمله اثرات مهم فساد تأثیر منفی آن بر اشتغال و همچنین مؤثر نبودن سیاست‌های بازرگانی و اجرایی دولت است؛ این امر باعث ایجاد یک اقتصاد ضعیف و ناسالم می‌شود و به موجب آن سلامت جامعه و مصرف‌کنندگان به خطر خواهد افتاد. از طرفی عمل پولشویی تأثیرات مخربی بر کاهش درآمدهای مالیاتی، افزایش خط فقر، کاهش سطح تولیدات داخلی و اشتغال خواهد گذاشت. با توجه به نقش مهم این دو پدیده در اقتصاد هر کشور، بررسی تأثیرات پولشویی و قاچاق حائز اهمیت است. نتایج حاکی از آن است که این عوامل می‌توانند بر سرمایه‌گذاری‌های کلان و بلندمدت به خصوص در کشورهای در حال توسعه تأثیر گذاشته و می‌تواند اشتغال، تولید و به سبب آن رشد اقتصادی را کاهش دهد. بنابراین داشتن سلامت اقتصادی (اقتصاد سالم) می‌تواند به منزله عاملی مؤثر و مهم بر رفاه اقتصادی-اجتماعی، تولید و کاهش فقر در کشورهای در حال توسعه باشد و بر شکوفایی اقتصاد و تولید ثروت تأثیر گذارد.

واژگان کلیدی: فساد، رشد اقتصادی، رفاه، فقر، توسعه، ARDL

طبقه‌بندی: JEL: C۲۲, I۱۸, I۳۸

۱- دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز؛ عضو هیأت علمی دانشگاه دریانوردی چابهار.
izadi@cmu.ac.ir

۲- کارشناس ارشد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز؛ کارشناس وظیفه بازرسی کل استان فارس.
behnam.izady@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز.
mehdi.re1985@gmail.com

۱- مقدمه

به طور کلی یکی از شاخصه‌های توسعه یافتگی، رشد اقتصادی است که این امر نیز به سالم بودن سیستم اقتصادی در آن کشور بازمی‌شود. در کشورهای توسعه یافته، به کارگیری سیاست‌های مناسب اقتصادی از اولویت خاصی برخوردار است؛ به گونه‌ای که وجود رشد اقتصادی مستمر و کنترل نرخ تورم از ویژگی‌های یک اقتصاد سالم محسوب می‌شود. از سوی دیگر تقویت بُعد نظارتی از سوی دستگاه‌های مربوط، روند حرکت مستقیم اقتصادی را به سوی رشد و توسعه هدایت می‌کند. در یک اقتصاد سالم رابطه‌ای مستقیم و منطقی میان تولید، تجارت، اشتغال و مهارت‌های بازاریابی وجود دارد؛ درحالی که یک اقتصاد ناسالم همواره درگیر موج‌های تصنعی ناشی از تورم، بیکاری و اشتغال کاذب است. از طرفی اقتصاد ناسالم بر رانت و ویژه‌خواری استوار است و مفاسد اقتصادی در آن روند رشد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین وجود تعامل میان اقتصاد ملی با اقتصادهای بین‌المللی و تناسب لازم قوانین بیمه و کار با رشد اقتصادی، از ویژگی‌هایی است که موجب تمایز اقتصاد سالم از اقتصادهای زیرزمینی می‌شود.

۲-۱- تعریف قاچاق

قاچاق تخلف گمرکی است شامل جابه جایی کالا در طول یک مرز گمرکی به روشی مخفیانه و برای فرار از نظارت گمرکی. تجارت و مبادله کالا از دیرباز در مناطق مختلف جاری و برقرار بوده است و از جمله مواردی است که در عین حال که نیت اصلی آن، صرفه اقتصادی و رسیدن به امکان اقتصادی بهتر است، در یک جابه جایی کالا و خدمات به مناطق و افرادی که از امکاناتی محروم هستند، در ازای پول یا کالا سرویس می‌دهد. قاچاق در حاشیه تجارت از نوع تبادل یا دریافت کالا، رفع نیازهای غیرمتعارف جامعه‌ای است که با انواع روش‌ها به خواسته خود می‌رسد. رواج مشاغل کاذب، افزایش بیکاری، گسترش پول‌شویی و ورشکستگی تولیدکنندگان و افزایش هزینه دولت، از پیامدهای گسترش قاچاق است و این امر ضربه جبران‌ناپذیری را به تولید داخلی و اقتصاد وارد می‌کند (پژوهش‌نامه اقتصادی، شماره ۲۲).

قاچاق به فراخور موضوع آن به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: قاچاق مواد مخدر، قاچاق کالا، قاچاق ارز، قاچاق انسان و قاچاق مشروبات الکلی. موردهای زیر قاچاق به شمار می‌روند:

- وارد کردن کالا به کشور یا خارج کردن آن از کشور به ترتیب غیرمجاز،
- خارج نکردن وسایل نقلیه یا کالاهایی که به‌منزله ورود موقت یا ترانزیت خارجی وارد کشور شده است،
- بیرون بردن کالای تجاری از گمرک بدون تسلیم اظهارنامه و پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض؛ خواه عمل در حین خروج از گمرک یا بعد از خروج کشف شود،
- تعویض کالای ترانزیت خارجی یا برداشتن از آن،

- اظهار کردن کالای غیرمجاز با نام کالای مجاز یا مجاز مشروط با نام دیگر،
- اظهار کردن کالای مجاز با عنوان کالای مجاز دیگری که حقوق گمرکی و سود بازرگانی و عوارض آن کمتر است با نام دیگر و با استفاده از اسناد خلاف واقع،
- بیرون بردن کالا از گمرک با استفاده از شمول معافیت با تسلیم اظهارنامه خلاف یا اسناد خلاف واقع،
- اظهار خلاف راجع به کمیت و کیفیت کالای صادراتی به نحوی که باعث خروج غیرقانونی ارز از کشور شود (یاوری، ۱۳۷۸).

۲-۲- دلایل وجود قاچاق

- برای پاسخ دادن به این سؤال باید عوامل به وجود آورنده انگیزه قاچاق را به شرح زیر بررسی کنیم.
- ۲-۲-۱- وجود تقاضا در داخل کشور
- قاچاق کالای وارداتی اغلب بر مبنای وجود تقاضای عمومی در داخل کشور بسط می‌یابد. آغاز پدیده قاچاق کالای وارداتی از وجود تقاضا برای کالا در بازار شکل می‌گیرد. از جمله عوامل افزایش تقاضا، روند روبه افزایش توقعات مصرف‌کننده داخلی و عدم تنوع لازم در بازار کالاهای داخلی است. همچنین برخی مؤلفه‌های دیگر نظیر زیبایی و ابتکار در رنگ و طرح کالاها، کیفیت بالای کالاها در مقایسه با کالاهای داخلی، نیازمندی مصرف‌کننده و افزایش قدرت خرید در قیاس با حجم کالاهای موجود در بازار نیز در افزایش قاچاق مؤثرند.
- ۲-۲-۲- وجود تبلیغات گسترده

از میان عوامل متعدد افزایش تقاضا برای کالای قاچاق در داخل، می‌توان تبلیغات را نام برد؛ به ویژه که تبلیغات در جهان امروز یک علم و فن مستقل را تشکیل می‌دهد و روش‌های تأثیرگذاری بر مصرف‌کننده در بازرگانی به تخصص ویژه بدل شده است. از سوی دیگر گسترش و افزایش دسترسی عمومی به رسانه‌های فراملی بستر کافی را برای تبلیغات کالاهای خارجی فراهم می‌آورد. تبلیغات بازرگانی نقش مؤثری را در پدید آوردن نیاز به کالا در داخل ایفا می‌کند و در شرایط وجود تبلیغات همه‌جانبه، چنانچه به دست آوردن کالاهای مورد تقاضا با ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌هایی روبه رو شود، نه فقط تقاضا برای آن کالا کاهش نمی‌یابد بلکه بستر مناسبی را برای قاچاق آن کالا فراهم می‌سازد. تبلیغات خارجی در جراید داخلی و خارجی، تابلوهای تبلیغاتی در معابر، سریال‌های خارجی تلویزیونی، اینترنت و ماهواره امکان خودنمایی پیدا می‌کند.

۲-۲-۳- محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های بیش از حد

از دیگر عواملی که موجب پیدایش پدیده قاچاق کالا می‌شود قوانین و مقررات و محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها هستند. بسیاری از کالاها از نظر محتوایی و شکلی فاقد زمینه‌های ناهنجاری‌زا هستند اما مشمول ممنوعیت‌های گمرکی می‌شوند. در این حالت تقاضاهای کلان داخل با محدودیت‌های بی‌رویه روبه رو می‌شود و آنچه عملاً در بازارهای شهری دادوستد می‌شود در مراکز گمرکی ممنوع تلقی می‌شود. در این حالت نیز تقاضاهایی که می‌توان آن‌ها را از راه‌های قانونی برطرف ساخت،

به حوزه بازرگانی قاچاق ارجاع می‌شود و همین مسئله به خودی خود زمینه‌های گسترش قاچاق کالاهای وارداتی را ایجاد می‌کند.

۲-۲-۴- ناهمسانی قیمت در داخل و خارج

ازجمله عواملی که قاچاق را (چه از داخل به خارج و چه از خارج به داخل) گسترش می‌دهد آن است که قیمت‌ها در بازارهای داخل و خارجی یکسان نباشند. در صورت یکسانی قیمت‌های داخل و خارج، حتی چنانچه زمینه‌های دیگر قاچاق کالا وجود داشته باشد، انگیزه‌ای برای قاچاق پدید نخواهد آمد. این عامل به ویژه در قاچاق کالای صادراتی (از داخل به خارج) اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ زیرا قیمت برخی کالاهای داخلی به علت تخصیص یارانه‌های دولتی به آن‌ها، در بازار داخلی به مراتب کمتر از بازارهای کشورهای همسایه است و این امر به خودی خود موجب خروج برخی از این گونه کالاها به کشورهای دیگر می‌شود.

۲-۲-۵- خلأهای اقتصادی

خلأهای اقتصادی شامل مجموعه راه‌ها و عواملی است که زمینه‌های مساعدی را برای قاچاق فراهم می‌آورد. ازجمله این عوامل می‌توان به اختلاف میان نرخ ارز مبادلاتی (رسمی) و نرخ بازار آزاد ارز (غیررسمی) اشاره کرد که موجب سودآور شدن قاچاق کالا می‌شود. همچنین نظام بوروکراتیک ناکارآمد ازجمله عوامل دیگری است که بازرگانی قانونی را با مجموعه معضلاتی روبه رو می‌کند و به همان میزان که انگیزه‌های بازرگانی قانونی از میان می‌رود بسترهای قاچاق کالا آماده‌تر می‌شود.

۲-۲-۶- وجود مرزهای طولانی

مرزهای طولانی آبی و خاکی با همسایگان کنترل و نظارت بر ورود و خروج کالاها را از این مرزها دشوار می‌سازد. درعین حال وجود این گونه مرزها استفاده از امکانات پیشرفته و تجهیزات مدرن را در گلوگاه‌های مرزی پرهزینه و ناممکن می‌کند. در چنین شرایطی با وجود ۸۷۵۵ کیلومتر مرز میان ایران و همسایگان، مخاطرات قاچاق کالا کاهش می‌یابد و جسارت برای قانون‌شکنی در عاملان قاچاق کالا افزایش می‌یابد.

۲-۲-۷- موارد ارتشا یا همکاری در میان برخی از عوامل نیروی انتظامی در مرزها

به دلیل پردرآمد بودن مشاغل وابسته به قاچاق کالا طبیعی است که عوامل قاچاق در سرمایه‌گذاری‌های جانبی جهت دور زدن سازوکارهای قانونی ورود کالا اقدام می‌کنند. در این میان، یکی از اهداف عمده این گونه سرمایه‌گذاری‌های پنهان، جلب همکاری یا چشم‌پوشی برخی از عوامل و بدنه سطوح پایین نیروی انتظامی در مرزهاست که به اشاعه فساد اداری - مالی خواهد انجامید و نتیجه آن سکوت یا بی‌عملی این قبیل کارگزاران در قبال پدیده قاچاق کالا است.

۸-۲-۲- همکاری برخی از عوامل گمرک با قاچاقچیان

علاوه بر نیروی انتظامی، متولی دیگر کنترل ورود و خروج کالا از طریق مرزها سازمان گمرکات است که به منزله سوژه سرمایه گذاری قاچاقچیان قابل طرح است و عوامل قاچاق به جلب همکاری ایشان نیازمند هستند.

۹-۲-۲- همکاری ناکافی ادارات و ارگان‌های حکومتی با نیروی انتظامی

از سویی فقدان منابع مالی لازم برای مبارزه با قاچاق کالا و از سوی دیگر کمبود نیروی اداری کارآمد در سایر ادارات حکومتی (به جز نیروی انتظامی) عوامل تشدیدکننده معضل قاچاق کالا هستند. نوعی عزم یکپارچه و هماهنگ میان ارگان‌های حکومتی در جهت همکاری با نیروی انتظامی در این زمینه لازم به نظر می‌رسد.

۱۰-۲-۲- به کارگیری نیروی انسانی بعضاً ناکارآمد از سوی نیروی انتظامی

غالباً آن دسته از نیروهای انسانی که از سوی نیروی انتظامی در مناطق مرزی مشغول به فعالیت هستند شامل سربازان، درجه‌داران رده پایین و پرسنل تبعیدی هستند، به طوری که نمی‌توان از نیروهای انسانی با این کیفیت نتیجه‌ای مطلوب در زمینه مبارزه با قاچاق کالا حاصل کرد. این قبیل نیروهای انسانی ناکارآمد طبعاً آمادگی بیشتری برای همکاری و اغفال از سوی قاچاقچیان دارند.

۱۱-۲-۲- کم برخورداری از دانش لازم و آگاهی‌های کاربردی در عوامل نیروی انتظامی

مبارزه با ورود و خروج غیرقانونی کالا در کشور نیازمند نگاه تخصصی به این پدیده است و نیروی انتظامی باید برای موفقیت در این زمینه به تربیت نیروها و به روز کردن دانش تخصصی آنها (تحت عنوان کارشناس قاچاق) همت گمارد. در این صورت نوعی چرخه کارشناسی در این حوزه شکل خواهد گرفت که به مرور زمان به کمک انباشت تجارب و آگاهی‌ها، سطح عمومی برخورد با قاچاق کالا را ارتقا می‌بخشد.

۱۲-۲-۲- سطح نازل قیمت کالاهای قاچاق در مقایسه با محصولات داخلی

هنگامی که درباره وجود تقاضای عمومی بالا در بازار داخل نسبت به کالاهای قاچاق سخن به میان می‌آید باید به این موضوع توجه خاص شود که عموماً کالاهای قاچاق با قیمت واقعی خود به فروش نمی‌رسند. در حالی که تولیدات داخلی باید بسیاری از هزینه‌هایی را که تولیدکننده در جریان تولید متحمل شده است به وی بازگردانند. کالاهای قاچاق عموماً در بر دارنده هزینه‌ای نیستند و در عین داشتن کیفیت مطلوب برای مصرف‌کننده با قیمت‌های نازل به فروش می‌رسند. بنابراین مصرف‌کنندگان داخلی عموماً تمایل به کالای قاچاق دارند و این خود یکی از عوامل ضربه پذیری تولیدات داخلی است.

۱۳-۲-۲- ضعف صنعت و تولید داخلی

از جمله عوامل اساسی افزایش تقاضای مصرف‌کنندگان داخلی نسبت به کالاهای قاچاق ضعف کمی و کیفی تولیدات داخلی و سطح پایین فن آوری‌ها در زمینه‌های تولیدی است. در چنین شرایطی همواره کالای قاچاق در بازار داخلی از کیفیت و حجم فروش زیادی برخوردار خواهد بود.

۱۴-۲-۲- بیکاری جوانان در مناطق و شهرهای مرزی

نیروهای اصلی واردکننده قاچاق به‌طور عمده جوانانی هستند که در مناطق مرزی ساکن‌اند و از امکانات فرهنگی و اقتصادی اندکی برخوردارند. از این رو فقدان شاغل سالم و سازنده در مناطق مرزی مرتباً بر داوطلبان عاملیت در زمینه قاچاق می‌افزاید.

۱۵-۲-۲- سودآور بودن قاچاق کالا

قاچاق به‌طور کلی و در انواع گوناگون آن یکی از مشاغل بسیار سودآور در سراسر جهان است. به‌منزله نمونه، قاچاق مواد مخدر در میان انواع گوناگون قاچاق پولسازترین آن‌هاست. قاچاق کالا نیز به همین ترتیب سود زیادی را عاید عاملان خود می‌کند و طی مدت طولانی یک بازار و حوزه شغلی کاذب را حول خود ایجاد می‌نماید که در شرایط کمبود مشاغل سالم، به راحتی جذب نیرو می‌کند.

۱۶-۲-۲- نبود کنترل و نظارت دقیق بر توزیع کنندگان و فروشندگان کالا

گلوگاه‌های مختلف عرضه کالای قاچاق را شکل می‌دهند. علاوه بر نقاط مرزی که ورود و خروج کالاهای قاچاق از آنجا صورت می‌گیرد می‌توان سازوکار نظارت و کنترل را به درون بازارهای داخلی منتقل کرد. با وجود این در شرایط کنونی چنین نظارتی بر توزیع کنندگان کالاها صورت نمی‌گیرد و بدین جهت امکان داد و ستد کالای قاچاق به راحتی فراهم است.

۱۷-۲-۲- پایین بودن سطح امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی از مؤلفه‌های مهم در رونق بازارها و حفظ سلامت آن‌هاست. فقدان یا کاستی امنیت اقتصادی از سویی موجبات مشارکت اقتصادی و سرمایه‌گذاری بخش‌های غیردولتی را از میان می‌برد و از سوی دیگر زمینه‌ها و خلأهایی را برای رشد بازرگانی قاچاق فراهم می‌سازد. راکد بودن سرمایه‌های عمومی و مشارکت نکردن آن‌ها در فرایند تولید یکی از پیامدهای ضریب امنیت اقتصادی پایین است.

۱۸-۲-۲- ضعف قوانین و مقررات مبارزه با قاچاق

در علم حقوق، افزایش هزینه و مجازات و گستراندن شعاع فراگیرندگی مجازات‌ها در تمامی سطوح، یکی از سازوکارهای بازدارندگی مجرمان و کاهش انجام جرم به شمار می‌رود. در این زمینه نیز به نظر می‌رسد قوانین و مقررات کنونی در قبال قاچاق اولاً فراگیرندگی لازم را دارا نمی‌باشد و کماکان نقاط کور قانونی در این زمینه وجود دارد و ثانیاً برای اشکال گوناگون این فعالیت و پیچیدگی‌های خاص آن تدابیر قانونی اندیشیده نشده است.

۱۹-۲-۲- ریسک پایین قاچاق کالا

نتیجه طبیعی فقدان تدابیر قانونی و کمبود کنترل‌های انتظامی و اقتصادی لازم نسبت به پدیده قاچاق کالا آن است که مخاطرات و ریسک این گونه فعالیت‌ها کاهش می‌یابد و این به خودی خود موجب جذب نیروی انسانی بیشتری به اقتصاد زیرزمینی می‌شود و از سوی دیگر گستردگی بیشتری را به آسیب‌های ناشی از آن می‌بخشد.

۲۰-۲-۲- فساد اداری

فساد اداری امری است جامع‌تر از قاچاق کالا، اما وجود فساد اداری در کنار سایر عوامل موجب اختلال نظارتی می‌شود. اساساً نظام‌های اداری و بوروکراتیک دارای کارکرد بنیادین کنترل‌کنندگی هستند و فساد اداری، نظام بوروکراتیک را از کارایی اصلی خود باز می‌دارد. در این میان مسلماً قاچاق کالا که بخشی از سازوکارهای نظارتی آن در نظام اداری و بوروکراتیک تعریف می‌شود خواهد توانست از گذرگاه‌های نظارتی بدون آنکه با مشکل جدی مواجه شوند عبور کند.

۲۱-۲-۲- ضعف بخش خصوصی و دولتی بودن اقتصاد

دولتی بودن اقتصاد فی نفسه امکان مشارکت سرمایه‌های راکد ماند، در بخش اجتماعی را منتفی می‌سازد و بدین جهت در جریان توزیع کالاهای قاچاق در بازار، کالای قاچاق با کمترین آلترناتیو ممکن درگیر می‌شود. فقدان آلترناتیو مناسب برای کالاهای قاچاق در بازار داخلی از سویی معلول ضعف بخش خصوصی در اقتصاد است و از سوی دیگر موجب بسترهای بیمارگونه برای رشد ناسالم اقتصاد زیرزمینی می‌شود.

۲۲-۲-۲- محرومیت استان‌ها و شهرهای مرزی

در زمینه پراکندگی جغرافیایی امکانات فرهنگی و اقتصادی، به‌طور کلی مشکلی بنیادین وجود دارد. استان‌هایی نظیر سیستان و بلوچستان، کردستان و ایلام که گذرگاه‌های مهمی برای عبور کالاهای قاچاق به شمار می‌روند همواره در ذیل فهرست برخورداری از امکانات ملی قرار دارند و نیز جمعیت این استان‌ها جمعیت غیرفعال است و ارزش اقتصادی افزوده را در غیاب سرمایه‌گذاری‌های برنامه‌ریزی شده تولید نمی‌کند. بنابراین جمعیت غیرفعال این گونه استان‌ها - به ویژه در شهرها و روستاهای مرزی که در آخرین رتبه از برخورداری اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی قرار دارند - به سمت قاچاق کالا متمایل می‌شوند. در عین حال، این نکته حائز اهمیت است که سود عمده قاچاق کالا عاید مردم محروم حاشیه کشور و استان‌های مرزی نمی‌شود بلکه سود اقتصادی - چنانکه اقتصاد رسمی نیز چنین است - عمدتاً عاید واسطه‌ها و فروشندگان می‌شود.

۲-۳- آثار منفی قاچاق و پولشویی بر اقتصاد

قاچاق کالا موجب کاهش تولیدات داخلی و در نتیجه افزایش میزان بیکاری می‌شود و این امر تأثیر نامطلوبی بر تولید ناخالص داخلی می‌گذارد. قاچاق همچنین انگیزه سرمایه‌گذاری مولد اقتصادی را کاهش می‌دهد. در نتیجه سرمایه به جای اینکه در امور مولد اقتصادی به کار افتد و باعث تولید و اشتغال شود، به سوی قاچاق منحرف می‌شود و به این ترتیب بخشی از منافع در دسترس جامعه از چرخه اقتصاد مولد خارج می‌شود.

سرمایه‌گذاری در امور تولیدی کلید رونق فعالیت‌های اقتصادی، رشد تولید ناخالص داخلی، افزایش اشتغال، رشد درآمد سرانه و ... است. رواج قاچاق کالا، سرمایه‌گذاری در امور تولیدی و

اشتغال‌زا را کاهش می‌دهد. در نتیجه زمینه اشتغال افراد و نیز تولیدات ملی و داخلی کاهش یافته و باعث کاهش درآمد سرانه و به تبع آن گسترش بیش از پیش فقر در جامعه می‌شود، هر چند درآمدهای کلان و بادآورده نیز از این رهگذر نصیب قاچاقچیان می‌شود.

گسترش قاچاق می‌تواند بر قیمت‌های بازار داخلی اثرات نامطلوبی به جا گذارد زیرا تقاضای کل را افزایش می‌دهد و با محدودیت عرضه کالا به بازار، باعث افزایش سطح قیمت‌ها و بروز فشارهای تورمی خواهد شد و در نهایت دشواری‌هایی را به ویژه برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه در تأمین نیازهای اساسی‌شان به وجود می‌آورد.

۲-۴- آثار منفی قاچاق بر سیاست‌های اجرایی دولت

پدیده قاچاق، آثاری منفی بر سیاست‌های اجرایی دولت دارد؛ زیرا دولت برای کمک به رشد اقتصادی و صنعتی کشور اغلب، سیاست‌های حمایت از صنایع داخلی به ویژه صنایع نوپا را اتخاذ می‌کند. کالاهای مشابه خارجی که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود، به علت نپرداختن حقوق گمرکی و سود بازرگانی (حقوق ورودی) قیمتی کمتر از کالاهای تولید داخلی دارند. در نتیجه رقابت برای صنایع داخلی حتی در بازارهای داخلی دشوار می‌شود و چه بسا به زیان‌دهی، ورشکستگی و در نهایت تعطیلی فعالیت واحدهای تولیدی و صنعت بیانجامد؛ این مسائل موجب بیکاری افراد مشغول به کار در این واحدهای تولیدی می‌شود و رکود فعالیت‌های صنعتی را به دنبال خواهد داشت. ایجاد رکود، جریان آتی سرمایه‌گذاری را نیز دچار اختلال می‌کند. بنابراین، ورود قاچاق، سیاست‌های اجرایی دولت را مختل می‌کند و به منزله تهدیدی برای تولیدات داخلی که توان کافی برای رقابت با تولیدات مشابه خارجی ندارند، محسوب می‌شود.

این پدیده موجب می‌شود سیاست‌های اجرایی دولت کم‌اثر و حتی در برخی موارد بی‌اثر شود و نتوانند اهداف مورد نظر خود را برآورده سازند. قاچاق کالا همچنین در بازار ارزی کشور اثرات منفی دارد؛ با این توضیح که قاچاق کالا از سویی تقاضا برای ارز را در بازار غیررسمی داخل افزایش می‌دهد و افزایش قیمت داخلی ارز، خاصیت تورم‌زایی دارد و از سوی دیگر با افزایش عرضه کالاها در داخل و جلوگیری از افزایش عرضه کالاها در داخل و جلوگیری از افزایش قیمت آن‌ها در نظام ارزی اختلال ایجاد می‌کند. قاچاق کالا چه در شکل قاچاق کالاها و وارداتی و چه در شکل قاچاق کالاها صادراتی موجب خروج ارز از کشور می‌شود و این امر پشتوانه‌های مالی کشور را با تزلزل روبه رو می‌سازد.

اکثر کالاهای قاچاق وارداتی، لوکس هستند و حقوق گمرکی و سود بازرگانی آن‌ها بیش از پنجاه درصد است که با احتساب دو میلیارد دلار قاچاق سالانه کالا ۲۰۰۰ میلیارد ریال از درآمدهای بالقوه کشور در این فرایند هز می‌رود و وصول نمی‌شود. با خروج بی‌رویه ارز از کشور، بازار قاچاق ارز تقویت می‌شود و به تدریج نظام ارزی کشور را دستخوش فراز و نشیب‌های بسیار می‌سازد.

۲-۵- آثار منفی قاچاق بر سیاست‌های بازرگانی

قاچاق کالا توازن در تراز بازرگانی خارجی کشور را بر هم می‌زند. دولت با در نظر گرفتن پارامترهایی از قبیل سپرده‌های ارزی، درآمدهای ارزی سالانه و نیازهای وارداتی کشور و... با اهداف ایجاد توازن در تراز بازرگانی و پرداخت بدهی‌های خارجی، یک سری سیاست‌های تجاری اتخاذ می‌کند که بر مبنای آن، حجم و ارزش صادرات و واردات کشور معین می‌شود. صادرات و واردات غیرقانونی (قاچاق) اهداف مذکور را غیر قابل تحقق می‌نماید.

زیرا نخست واردات غیررسمی یا قاچاق به هر حال برای اقتصاد ملی هزینه ارزی در بردارد و این هزینه خارج از محاسبات دستگاه سیاست‌گذار، بر اقتصاد کشور تحمیل می‌شود. دوم صادرات غیررسمی یا قاچاق، اهداف دولت در زمینه نظارت بر ارز را با اشکال مواجه می‌سازد؛ زیرا ارزش کالاهای قاچاق صادراتی و وارداتی در حساب‌های ملی و موازنه بازرگانی خارجی کشور، منظور نشده و در نتیجه اطلاعات مربوط به موازنه تجارت کشور با سایر کشورها را مخدوش می‌کند. بنابراین، از یک سو قاچاق کالا باعث افزایش بیش‌ازحد هزینه واردات مورد نظر دولت‌مردان می‌شود و در توازن ارزی به‌طور غیرمستقیم تأثیر منفی دارد و از سوی دیگر، به دلیل مصرفی و غیرضروری بودن اغلب کالاهای قاچاق وارداتی، تولید ناخالص داخلی را نیز در بازار داخلی با رقابت فشرده‌تری مواجه می‌کند، در نتیجه قاچاق کالا، سیاست‌های بازرگانی را هدف قرار داده و بر این سیاست‌ها خدشه وارد می‌سازد و موجب می‌شود توازن تجاری مورد نظر برای بازرگانی خارجی در حد و اندازه مورد انتظار دولت، تحقق نیابد.

۲-۶- آثار منفی قاچاق کالا بر سلامت جامعه و مصرف‌کنندگان

شیوع پدیده قاچاق افزون بر ضربه وارد کردن به تولیدات داخلی، حقوق مصرف‌کنندگان را نیز ضایع می‌کند. با بررسی کالاهای قاچاق وارداتی موجود در بازار ایران معلوم می‌شود که بسیاری از این کالاها فاقد ضمانت و نیز فاقد خدمات پس از فروش (نظیر تعمیرات و تأمین لوازم و قطعات یدکی) در کشور هستند. در حقیقت بر اثر بی‌توجهی یا ناآگاهی نسبت به این مسائل، مصرف‌کنندگان این اجناس را که به نوعی حالت یک‌بار مصرف دارند خریداری می‌کنند. یعنی این کالاها بعد از به وجود آمدن اشکال مختصری در آنها، از گردونه مصرف خارج می‌شوند. اگر مراکزی نیز اقدام به تعمیر این‌گونه کالاها کنند، هزینه‌های زیادی را برای این کار خود طلب می‌نمایند. در نتیجه چه‌بسا مصرف‌کنندگان ایرانی با خرید این کالاها زیان نیز می‌کنند که سرانجام این مسئله به اقتصاد کشور لطمه وارد می‌کند.

مشکل دیگر واردات قاچاق کالا به کشور، نبود امکان کنترل استانداردها و اعمال کنترل‌های بهداشتی است. کالاهای قاچاق وارد شده به کشور به دلیل نبود کنترل روی آنها از نظر ضوابط

استاندارد ملی و بهداشتی، برای حفاظت از جامعه در مقابل ورود کالاهای زیان‌آور، خطرناک، پرتوزا و... موجب وارد شدن زیان‌های فراوانی به بهداشت و سلامت جامعه می‌شوند و مردم را در مقابل مصرف این گونه کالاها آسیب‌پذیر می‌سازند.

۲-۷- اثرات پولشویی بر اقتصاد

باتوجه به تنوع فعالیت‌های غیرقانونی و بزهکارانه و حجم وسیع پول‌های کثیف و غیرقانونی حاصل از آن و تطهیر این پول‌ها و همچنین ادغام آن در اقتصاد کشورها، این مواد مربوط به افتتاح حساب، احراز هویت مشتریان، اطلاعات مربوط به نقل و انتقالات مالی در سطح داخلی و بین‌المللی، توجه به نقل و انتقالات غیرمعمول در حجم بالا با استفاده از روش‌های پیچیده، حمایت از مدیران و کارکنان مؤسسات مالی در مقابل تهدیدهای مجرمان، آموزش مؤسسات مالی در زمینه ارائه گزارش موارد مشکوک و ... است.

حجم گسترده‌ای از پول‌های در جریان کل دنیا را پول‌های کثیف تشکیل می‌دهد. از این رو، امروزه ابعاد وجود مافیا در کل فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی، وسعت زیادی پیدا کرده و اقتصاد کشورها را تحت تأثیر قرار داده است.

مطابق با قانون مبارزه با پولشویی (۱۳۸۶) پولشویی به معنای:

الف- تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی با علم به اینکه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده باشد.

ب- تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی برای پنهان کردن منشأ غیرقانونی آن با علم به اینکه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از ارتکاب جرم باشد یا کمک به مرتکب به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نشود.

ج- اخفا یا پنهان کردن ماهیت واقعی، منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد.

عمل پولشویی بر اقتصاد کلان کشورها، از جمله بر تقاضای پول، نوسانات نرخ بهره و بی‌ثباتی نرخ ارز، تأثیر زیادی می‌گذارد. از آنجا که رشد پولشویی در آمارهای رسمی اقتصادی ثبت نمی‌شود و در تولید ناخالص داخلی تولید ناخالص ملی در نظر گرفته نمی‌شود، سیاست‌های اقتصادی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و فقدان آمارهای صحیح، موجب تغییر سیاست‌های پولی و مالی دولت‌ها می‌شود.

۲-۸- خصوصی‌سازی

خصوصی‌سازی به مجموعه‌ای از اقدامات گفته می‌شود که در قالب آن، در سطوح و زمینه‌های گوناگون، کنترل یا مالکیت و مدیریت از دست بخش دولتی خارج و به دست بخش خصوصی سپرده می‌شود. به این ترتیب در نهایت دامنه نفوذ مستقیم دولت بر فعالیت‌های اقتصادی محدود

می‌شود و تمرکز فعالیت‌ها در بخش خصوصی افزایش می‌یابد. خصوصی‌سازی با فراهم کردن فضای رقابت، واحدهای خصوصی را وارد می‌کند عملکرد کاراتری نسبت به بخش عمومی داشته باشند. تدابیر در مورد خصوصی‌سازی به عواملی مانند متوسط درآمد سرانه و الگوی توزیع درآمد در کشور، وضعیت توسعه صنعتی، ماهیت و کارایی بخش خصوصی در اقتصاد، وضعیت کسری بودجه داخلی و بدهی‌های خارجی، اندازه بازار داخلی و شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور بستگی دارد. عوامل مهمی که روند گرایش به سوی نظام بازار و خصوصی‌سازی را در برخی کشورها تقویت نموده است، عبارت‌اند از: عملکرد ضعیف شرکت‌های وابسته به دولت در کشورهای مختلف جهان، تحولات اروپای شرقی و شکست الگوهای برنامه‌ریزی متمرکز دولتی در کشورهای سوسیالیستی و چرخش آن‌ها به سوی سازوکار بازار آزاد و تغییر استراتژی‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول؛ تاحدی که امروزه واگذاری واحدها و مؤسسات اقتصادی دولتی به بخش خصوصی به‌منزله نظر اصلی کارشناسان بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است. تاحدی که اعطای امتیازات و تسهیلات مالی خود را به بسیاری از کشورهای منوط به اجرای سیاست آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی نموده‌اند.

به‌طور کلی مهم‌ترین هدف از خصوصی‌سازی در بیشتر کشورها، افزایش کارایی بنگاه‌ها و بهینه‌سازی تخصیص منابع است. نکته اساسی درباره افزایش کارایی (به ویژه کارایی تخصیصی)، از طریق خصوصی‌سازی این است که صرف انتقال مالکیت نمی‌تواند سطح کارایی را افزایش دهد، بلکه عنصر رقابت نیز نقش بسزایی در این فرایند دارد. در واقع رقابت نیروی محرک، افزایش کارایی است و در صورت فقدان نهاد رقابت، با خصوصی‌سازی صرفاً فقط انحصارهای دولتی تبدیل به انحصارهای خصوصی می‌شود که این امر عواقب نگران‌کننده‌ای برای یک کشور دارد (بهکیش، ۱۳۷۸).

بیشتر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در مسیر دستیابی به ترکیب مطلوب دولت و بازار در اقتصاد، خصوصی‌سازی و کاهش حجم فعالیت‌های دولت در اقتصاد را از دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز نموده‌اند و برای آن‌ها اثبات شده که تکیه صرف به‌کی از نظام‌های افراطی متمرکز یا کاملاً آزاد به دلیل نقایص درون هر یک از این نظام‌ها مطلوب نیست. در این مسیر، شاخص کارایی به‌منزله شاخص عملکرد مطلوب در نظر گرفته می‌شود. در اقتصاد ایران برنامه خصوصی‌سازی به‌طور رسمی از سال ۱۳۶۸ آغاز گردید و هدف از اجرای آن بهبود شرایط رقابت و افزایش کارایی، کاهش هزینه‌های دولتی و افزایش نقش بخش خصوصی در اقتصاد بود (رزاقی، ۱۳۷۶).

پس از گذشت چندین سال از اجرای خصوصی‌سازی در کشور، شاخص‌های مختلفی مانند سهم بودجه شرکت‌ها و مؤسسات دولتی از کل بودجه کشور و همچنین رشد شتابان سرمایه‌گذاری‌های دولت (شرکت‌ها و مؤسسات دولتی) در عرصه‌های اقتصادی، حاکی از آن است که دولت نتوانسته است هزینه‌های خود را کاهش دهد. علاوه بر این، شواهد حاکی از آن است که خصوصی‌سازی در ایران اغلب با هدف کسب درآمد و تأمین منابع بودجه‌ای صورت پذیرفته است و گویا هدف دولت

فقط واگذاری، آن هم بعضاً به سایر مؤسسات وابسته به دولت است زیرا هیچ گونه معیاری برای ارزیابی عملکرد شرکت های دولتی پس از واگذاری آن ها به بخش غیردولتی وجود نداشته است؛ درحالی که تجربه کشورهای موفق در این زمینه نشان دهنده آن است که حتی پس از واگذاری یک مؤسسه دولتی به بخش غیردولتی بر عملیات آن نظارت می شود تا از چارچوب رقابتی خارج نشود و معیارهای عملکرد آن نیز مدام تصحیح می شود (درخشان، ۱۳۸۳).

۳- معرفی متغیرهای تابع

در این مقاله متغیرهایی همچون تولید ناخالص ملی یا داخلی، هزینه های نظم و امنیت دولتی، متغیرهای مجازی مبارزه با فساد، تک نرخی شدن ارز و سیاست خصوصی سازی دولت بررسی خواهند شد.

لگاریتم طبیعی تولید ناخالص داخلی LGDP

لگاریتم طبیعی هزینه های نظم و امنیت توسط دولت LSEC

دامی مربوط به مبارزه با فساد توسط دولت D1

دامی مربوط به تک نرخی شدن ارز توسط دولت D2

دامی مربوط به پیاده سازی اصل ۴۴ قانون اساسی (خصوصی سازی) توسط دولت D3

۳-۱- برآورد الگو

نتایج حاصل از برآورد مدل در کوتاه مدت در جدول ارائه شده است:

جدول ۱- جدول تخمین تابع در کوتاه مدت

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آزمون t	احتمال آزمون t
LSEC	۰/۴۳	۰/۱۳	۳/۲۱	۰/۰۰۳
C	۰/۲۱	۰/۰۷۲	۳/۰۲	۰/۰۰۴
D1	۰/۰۳۷	۰/۵۶	۳/۵۶	۰/۰۰۲
D2	۰/۰۳۹	۲/۹	۳/۲۹	۰/۰۰۳
D3	۰/۰۴۷	۰/۰۳۴	۲/۰۵	۰/۰۴

باتوجه به نتایج به دست آمده از برآورد یک درصد افزایش در هزینه های نظم و امنیت توسط دولت، تولید ناخالص داخلی را به اندازه ۰/۴۳ درصد افزایش می دهد. ضریب دامی مربوط به مبارزه با فساد توسط دولت برابر با ۰/۰۳۷، ضریب دامی مربوط به تک نرخی شدن ارز توسط دولت ۰/۰۳۹، ضریب دامی مربوط به پیاده سازی اصل ۴۴ قانون اساسی (خصوصی سازی) توسط دولت ۰/۰۳۷ به دست آمده که تأییدی بر دیدگاه های اقتصادی در زمینه ارتباط بین تولید و متغیرهای توضیحی است.

جدول ۲- جدول آزمون ها و آماره های تشخیص

Serial Correlation	Functional Form	Normality	Heteroscedasticity
۰/۵۱	۰/۰۵	۰/۲۹	۰/۴۷

باتوجه به آماره های تشخیصی (Diagnostic Tests) می توان نتیجه گرفت که مدل از نظر

فروض کلاسیک و آماره شکست ساختاری دارای بهترین حالت است و با مشکلی روبه رو نیست. باتوجه به الگوی تصحیح خطا که برای تبیین رفتار کوتاه مدت تابع می باشد و ضریب تصحیح خطا که سرعت تعدیل به سمت تعادل بلند مدت را نشان می دهد نتایج زیر حاصل شده است:

جدول ۳- جدول آزمون تصحیح خطا

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آزمون t	احتمال آزمون t
ECM	-۰/۰۹	۰/۰۳۷	-۲/۵۱	۰/۰۱۶

ضریب جمله تصحیح خطا برابر ۰/۰۹- برآورد شده است که نشان می دهد در هر سال در حدود ۹ درصد از عدم تعادل یک دوره در تورم دوره بعد تعدیل می شود. بنابراین، تعدیل به سمت تعادل نسبتاً با سرعت کم صورت می گیرد.

جدول ۴- جدول تخمین تابع در بلندمدت

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آزمون t	احتمال آزمون t
LSEC	۰/۱۲	۰/۱۴	۱/۹۰	۰/۰۴
C	۲/۲۴	۰/۲۸	۷/۷۶	۰/۰۰
D1	۰/۳۸	۰/۳۲	۱/۹۶	۰/۰۴۵
D2	۰/۰۹۲	۰/۲۴	۲/۳۸	۰/۰۳
D3	۰/۴۸	۰/۲۰	۲/۴۳	۰/۰۲

یکی از نشانه های فساد، قاچاق است که هر ساله میلیاردها تومان به اقتصاد کشورها ضرر می رساند. در این مقاله اثرات مثبت مبارزه با فساد بر سیاست های اجرایی دولت، بررسی شده و رابطه مثبت بین تولید و مبارزه با فساد تأیید می شود. همچنین تک نرخی شدن ارز سبب کاهش پولشویی و افزایش معینی در نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی شده است. از طرفی خصوصی سازی در بیشتر کشورها، افزایش کارایی بنگاه ها و بهینه سازی تخصیص منابع را به دنبال دارد و نکته اساسی درباره افزایش کارایی (به ویژه کارایی تخصیصی)، از طریق خصوصی سازی این است که تولید در کشور افزایش می یابد. از طرفی افزایش هزینه های نظم و امنیت سبب جلوگیری از آثار زیان باری بر اقتصاد کلان و برنامه ریزی های بلندمدت دارد. به طور کلی، افزایش مبارزه با فساد موجب حذف بی اعتمادی به بازار و میزان سودآوری آن به علت استفاده وسیع از پارتی بازی ها، اختلاس و کلاهبرداری و افزایش تمایل به فرار مالیاتی می شود. تمامی این مسائل، موجب بروز ناهماهنگی در اقتصاد کشورها می شود. افزایش درآمدهای مالیاتی، کاهش خط فقر، افزایش سطح تولیدات داخلی و اشتغال می شود.

۴- نتیجه گیری

در این مقاله اثرات مثبت مبارزه با فساد بر سیاست‌های اجرایی دولت، بررسی شده و رابطه مثبت بین تولید و مبارزه با فساد تأیید می‌شود. همچنین تک‌نرخی شدن ارز سبب کاهش پولشویی و افزایش معینی در نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی شده است. خصوصی‌سازی در بیشتر کشورها، افزایش کارایی کارایی بنگاه‌ها و بهینه‌سازی تخصیص منابع را به دنبال دارد و نکته اساسی درباره افزایش کارایی (به ویژه کارایی تخصیصی)، از طریق خصوصی‌سازی این است که تولید در کشور افزایش می‌یابد. همچنین افزایش هزینه‌های نظم و امنیت سبب جلوگیری از آثار زیانباری بر اقتصاد کلان و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت می‌شود. به‌طور کلی، افزایش مبارزه با فساد موجب حذف بی‌اعتمادی به بازار و میزان سودآوری آن به علت استفاده وسیع از پارتی‌بازی‌ها، اختلاس و کلاهبرداری و افزایش تمایل به فرار مالیاتی می‌شود. تمامی این مسائل، موجب بروز ناهماهنگی در اقتصاد کشورها می‌شود. افزایش درآمدهای مالیاتی، کاهش خط فقر، افزایش سطح تولیدات داخلی و اشتغال می‌شود.

یکی از مسائل مهم هر کشور، اقتصاد آن است. به دنبال اقتصاد ناسالم باید فقر عده بی‌شماری از افراد اجتماع و انباشته شدن ثروت نزد عده‌ای اندک را انتظار داشت که زمینه‌ای برای ایجاد ناامنی‌های بسیار در جامعه است. ضرایب و تخمین‌ها حاکی از آن است که رابطه موجود بین تولید ناخالص داخلی به‌منزله متغیر وابسته و خصوصی‌سازی، مبارزه با فساد، تک‌نرخی شدن ارز و افزایش هزینه‌های امنیتی دولت سبب ایجاد فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن می‌شود. این مهم به فضایی نیازمند است که در آن، سرمایه‌گذار و صنعتگر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده کار و همه قشرها، از صحت و سلامت ارتباط حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن باشند و احساس امنیت و آرامش کنند. اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی قطع نشود و همچنین اگر امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدا و انحصارجو طرد نشوند، سرمایه‌گذار و تولیدکننده و اشتغال‌طلب، همه احساس ناامنی و نوسازی خواهند کرد و کسانی از آنان به استفاده از راه‌های نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد.

بعضی بر این اعتقادند که مبارزه با مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از ثروت‌های ملی، موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه‌ها خواهد شد. به این اشخاص تفهیم کنید که به عکس، این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولیدکنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالم‌اند. با این امر مهم و حیاتی نباید به گونه شعاری و تبلیغاتی و تظاهرگونه رفتار شود. به دست‌اندرکاران این مهم تأکید می‌شود به جای پرداختن به ریشه‌ها و ام‌الفسادها به سراغ ضعفا و خطاهای کوچک نروند و نقاط اصلی را رها نکنند. هرگونه اطلاع‌رسانی به افکار عمومی که البته در جای خود لازم است، باید به دور از اظهارات نسنجیده و تبلیغات گونه‌باشد و حفظ آرامش و اطمینان افکار عمومی را در نظر داشته باشد.

در نتیجه گیری بحث قاچاق باید گفت پدیده قاچاق تولید، واردات، صادرات، توزیع داخلی و در یک کلام اقتصاد کشور را در ابعاد مختلف تحت تأثیر قرار می دهد. برخورد با قاچاقچی برخورد با معلول است نه علت. علت قاچاق عوامل و انگیزه های دیگری است. اگر کیفیت کالای ایرانی متناسب با کالای خارجی نباشد، اگر تولیدات داخلی توان رقابت با قیمت های جهانی را نداشته باشند، اگر به جای حمایت علمی و منطقی از صنایع و تولیدات داخلی دیوارهای بلند تعرفه ای و غیرفنی در برابر واردات قانونی ایجاد شود، اگر شبکه بانکی کشور به جای حمایت از تولید و تجارت نرخ تسهیلات بانکی اعطایی به این بخش را حدود ۱۸ تا ۲۵ درصد دریافت نماید و در نهایت اگر سرمایه گذار و کارآفرین در برابر سرمایه گذاری معنوی و مادی خویش احساس امنیت خاطر اقتصادی و اجتماعی نکنند دیگران برای سرمایه های انسانی و مادی آغوش می گسترانند و در این شرایط نباید از دست پیامدهای قاچاق کالا در ابعاد صادرات و واردات ناله سر داد.

به نظر می رسد تازمانی که کالای قاچاق ارزان تر از تولید داخلی تمام شود، تولیدات داخلی نمی تواند کیفیت کالای خود را بالا ببرند و جهت رقابت و حضور در بازارهای جهانی گام بردارند. بنابراین برای مبارزه با قاچاق اجرای موانع تعرفه ای نه فقط کافی نیست بلکه ارتقای کیفیت، رعایت استانداردهای بین المللی، اجرای سفت و سخت قوانین حمایت از تولید کنندگان و ... لازم است.

همچنین در نتیجه بحث پولشویی به این خواهیم رسید که عملیات پولشویی در سطح وسیع، اثرات نامطلوب و زیان باری بر اقتصاد کشورها و جامعه جهانی بر جای می گذارد. از آن جمله می توان به مواردی به شرح زیر اشاره کرد: گسترش فعالیت های مجرمانه زیرزمینی در جامعه، اثرات منفی بر جمع آوری مالیات و تشویق فرار مالیاتی در جامعه، اختلال در بازارهای مالی، افزایش نرخ تورم، افزایش انحرافات اجتماعی، فاسد شدن ساختار حکومت و آسیب رسانی به اعتبار دولت ها و نهادهای اقتصادی کشور رقابت پذیری ناسالم اقتصادی که موجب تضعیف بخش خصوصی قانونی می شود، کاهش اشتغال مولد، افزایش سرمایه از کشور جهت تطهیر، اختلاس و بی ثباتی در اقتصاد کشور، گسترش فساد اداری ناشی از پولشویی، رشوه خواری و اختلاس از طریق آلوده نمودن معاملات حقوقی است.

منابع

- ابریشمی، حمید (۱۳۸۷). «مبانی اقتصاد سنجی»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- پیش نویس پیشنهادی قانون مبارزه با پولشویی. (۱۳۸۱)، مواد ۲ و ۳، مذکور در مجله مجلس و پژوهش، شماره ۳۷، ص ۳۷۰.
- درخشان مسعود (۱۳۸۳)، «نگاهی به مسائل اقتصاد ایران و راهکارهای آن»، تهران، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۶۶.
- پاکدامن، رضا (۱۳۷۴). «جنبه های کاربردی خصوصی سازی به انضمام قوانین و مقررات ایران»، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۴.

- درگاهی، حسن (۱۳۸۲). «تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی ایران»، پژوهش‌های بازرگانی، شماره ۲۶، بهار ۱۳۸۲.
- عرب مازار یزدی، علی (۱۳۸۰). «اقتصاد سیاه در ایران، یک رویکرد کلان اقتصادی»، پایان‌نامه دکتری دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۰.
- مشایخ، نصیر (۱۳۸۲). «پولشویی و جایگاه آن در حقوق ایران»، هفته‌نامه اخبار اقتصاد و دارایی، شماره ۵۳، ص. ۲۳-۸.
- نیکپور دیلمی، حسام (۱۳۸۱). «تخمین حجم اقتصاد زیرزمینی در ایران و بررسی رابطه آن با برخی متغیرهای کلان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- هفته‌نامه اخبار اقتصاد و دارایی (۱۳۸۲)، «بخش غیررسمی اقتصاد کشور برای دولت مشکل ایجاد می‌کند»، سال چهارم، شماره پنجاه.
- یاوری، کاظم (۱۳۷۸). «تخمین قاچاق و گرانمایی واردات با استفاده از اختلافات آماری در ایران»، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- قانون مبارزه با پولشویی، ۱۳۸۶، مجلس شورای اسلامی.



چکیده‌های انگلیسی مقالات

English Abstracts

Identifying the ways of manipulation of stock price in the world's leading exchanges

Dr. Hassan Ghavami

Majid Alifar

Abstract

The stock exchange is a market, where partial capitals are accumulated to company's financial outfit and it seems so necessary in every advanced economy. Any unusual action that aims to influence the natural process of pricing of securities, normal market mechanisms and decision making investors be called price manipulation. Price manipulation causes misleading appearance of the securities market and as a result, losing public confidence in the market, reduces the investments in them and misallocation of resources to other markets. People such as major shareholders, agents, publishers and managers of joint stock companies, with regard to their position and location are more capable to manipulate the prices. Price manipulation can be classified into three types: manipulation based on information, manipulation based on the act and manipulation based on deals. Due to the harmful effects of price manipulation, all legal systems in the world prohibited stock price manipulation and trying to deal with it. The results show intelligent monitoring system used by the supervisory bodies in detecting price manipulation is more important than the rules of stock exchanges. Supervisory bodies in the stock market are responsible for observing and whenever they saw suspicious transactions, will act according to the law. Because of the high number of transactions per hour of intelligent software is used to monitor them. Updated and high-speed software helps to discover quickly manipulation of prices.

Keywords: securities, stock exchange, price manipulation, anti-manipulation rules

The effects of natural resource abundance on economic growth by taking role of corruption index

Asghar Mobarak

Abstract

This paper investigates the effects of natural resource abundance on economic growth considering the role of institutional quality. For this purpose, has been investigated effects of institutional quality such as government effectiveness, control of corruption, Voice & Accountability and Rule of law along with resource abundance on economic growth in major oil economies countries by using panel data technique over the period 1996-2007. The results indicate that in these countries institutional quality has a significant positive effect on economic growth and resource abundant inversely related with economic growth. Also, natural resource abundance has led to decrease in institutional quality. So, natural resource abundance with low level of institutional quality in vicious circle has caused economic growth further reduces. This issue recommended, oil revenues management model have to reform for promotion of institutional quality. It is one of main and suitable Guidelines to break vicious circle and cause to increase and satiability of economic growth.

Keywords: Economic Growth, Institutional Quality, Natural Resource Abundance, oil economies Countries, Panel Data.

Pathology of Tender and Auction Process and Identifying its Corruption

Ali Ahmadi

Abstract

One of the ways that legislators have predicted for providing the needs of government agencies, as well as selling items, estate and products is tender and auction. This process is in major transactions and according to the method of notification, the acceptance of offers, sometimes collusion in transactions through the sale of information (information rent) related to a transaction, ambiguity in the conditions of tender and auction documents, lack of transparency in terms and coordinates of required items, the mixture of normal and defective items, declaration as surplus and sometimes failure to comply with promises stipulated in the process of holding and selecting a contractor as well as signing a contract and subsequently lack of effective supervision by a supervisory unit on the contract with the contractor or consultant, the preparation and approval of formal statements due to their nature as well as the existence of much financial scope and the proposed issue of public property in it have drawn private and public authorities' interest to make the corruption visible. It is worth noting that factors such as validation of vague, imprecise, and conditional offers out of the time prescribed by corresponding rules and documents; agreement after the formalities of the transaction; lack of an appropriate need assessment program, effort to provide unnecessary items; false and sometimes unrealistic initial estimate, failure to give a receipt to beneficiaries after delivering envelopes; justification of a plan economically and environmentally, an approach to tender documents in favor of a specific person and limiting competition; intentional complexity of tender documents for making the supervision difficult; lack of proper and special criterion as well as the use of subjective criteria for evaluating tenderers and in some cases, to apply intention or exert influence with having a specific purpose; misuse of emergency situations such as natural disasters, war and etc.; to pay bribes to increase the rank of contractors; to enter into the short list and exit from the blacklist; to leave the tender formalities as a principle of offering a very high price to win the person concerned; an agreement of influencing factors with buyers of items in auctions; collusion to offer low prices; entry of fixers, etc. are considered as the instances of corruption in government transactions.

Keywords: pathology, rent, collusion, public tender, limited tender, auction, government transactions, corruption.

Evaluating the effectiveness of anti-corruption policy of the Islamic Republic of Iran based on international standards

Reza Falsafi

Masoud Safari Donyachali

Omid Saharkhiz

Abstract

Control and prevention of corruption policies are always controversial. Experiences of international organizations in the field of improving the performance of public institutions have valuable lessons for developing programs to fight corruption and understanding its indicators and standards. So in the field of integrity and corruption, credible international conventions can show us better view of the integrity situation and administrative corruption in various countries and to compare and evaluate the situation in Iran with other countries is useful. Accordingly, we have tried in this research using descriptive method and based on the study of works related to the subject, the effectiveness of anti-corruption policy of the Islamic Republic of Iran is based on several indicators: Corruption Perception Index, the rule of law and economic freedom Fraser Institute and Heritage Foundation. The result indicates that Anti-corruption policies in the Islamic Republic of Iran with regard to the rank and calculated score in International reliable components and indicators, it does not have the efficiency and effectiveness.

Keywords: prevention; Corruption; perceived corruption, rule of law, economic freedom

Concepts and examples of corporate crimes and the necessity of ISO 26000 and social accounting guidelines by the GIO

Hamzeh Malekian

Asghar Sepahban Gharehbaba

Abstract

Today, corruption is considered as one of the greatest global challenges due to harmful consequences including raising transactions cost, uncertainty and preventing investments. Many companies in order to maintain their interest in competitive markets, deviating from legal requirements and standards governing themselves, Also in violation of existing laws cause irreparable damage and high social and economic costs imposed on countries. The role of GIO as responsible for supervising executive bodies in the detection, prevention, correction and cope with these crimes is very bold. This article aims a detailed review of concepts and examples of crimes and also using the international standard ISO 26000 and the Social Accounting as a solution to deal with this phenomenon by the GIO. In order to achieve the purpose of the article and explores the origins of the emergence of corporate crime, also described the concept of corporate social responsibility. The results states that any standard or convention noticing corporate social responsibility at anyway must be boosted as a main factor of sustainable development and a way of coping with corporate crimes best exemplified by standard ISO 26000. On the other hand, Social Accounting Was introduced as a solution to crime prevention. The study recommends GIO to deal with the phenomenon of corporate crime, using of these potential and tools.

Keywords: corporate crime, corporate social responsibility, ISO 26000, Social Accounting, GIO

Intelligence and protection, An Inquiry into the nature of a strategic supervision

Mehdi Lotfi

Abstract

Regulatory bodies can be divided in two branches that differ in terms of scope of competence and supervision. Some regulatory bodies have a general dimension and extensive scope of supervision is defined for them. Another category has specific scope and concentrated, but their limitations should not be considered as signs of weakness. They may have a powerful and valuable supervision and deeper and more strategic impact than the general regulatory bodies. The issue of special regulatory bodies, including Information and protection of organizations, compared with other regulatory bodies such as GIO has equal importance. This article seeks to examine the role of this entity in protecting staff and safeguarding the system and taking preventive measures against any hidden plan to deconstruction and creating anarchy in system.

Keywords: Information and protection, General supervision, Specific supervision, Strategic surveillance

The relationship between corruption and economic growth in Iran

Hamid Reza Ezadi

Behnah Ezadi

Mehdi Raeesi Vanani

Abstract

This paper examines the important and effective role of corruption (trafficking and money laundering arising from it) as well as other factors such as the rising costs of order and security, privatization and the portion of the single currency with the help of econometric methods Auto Regressive Distributed Lags (ARDL) the national economy. This paper estimates the short term and the long-term model and then error correction model (ECM) has been obtained. Some of the important effects of corruption, including: The negative impact on employment Commercial and administrative ineffectiveness of government policies that cause a weak economy and unhealthy. On the other hand the money laundering will have damaging effect on the reduction of tax revenues, increased poverty, low levels of domestic production and employment. Given the role of these two phenomena in the economy of any country, the effect of money laundering and trafficking is important. Results indicate that these factors could affect the macro and long-term investments, especially in developing countries and can affect employment, output, and as a result it will reduce economic growth. So, the healthy economy can be used as an important factor of socio-economic welfare, production and poverty reduction in developing countries and affect the prosperity and wealth creation.

Keywords: Corruption, Economic Growth, Prosperity, Poverty, Development, ARDL

Table of Content

Articles

Identifying the ways of manipulation of stock price in the world's leading exchanges

The effects of natural resource abundance on economic growth by taking role of corruption index

Pathology of Tender and Auction Process and Identifying its Corruption

Evaluating the effectiveness of anti-corruption policy of the Islamic Republic of Iran based on international standards

Concepts and examples of corporate crimes and the necessity of ISO 26000 and social accounting guidelines by the GIO

Intelligence and protection, An Inquiry into the nature of a strategic supervision

The relationship between corruption and economic growth in Iran

Evaluation Knowledge Quarterly

Volume 8; Number 28; Summer 2016

Propertier: General Inspection Organization (GIO)

Managing Director: Naser Seraj

Editor in Chief: Ibrahim Shahrokhian

Editorial Advisory Board

Dr. Maghsood Amiri, Dr. Alireza Deyhim, Dr. Hossein Gheleji, Dr. Hossein Gholami,
Dr. Norooz Hashemzchi, Dr. Hamidreza Malek Mohammadi, Dr. Seyedmohamadreza
Seyednoorani, Dr. Mehdi Sobhaninejad,

Publications: Publication of Social Sciences

Editors: Somaye Salimian

English Editor: Mahmoud MahdaviFar

Executive Manager: Ameneh Kashanimovahhed

Tel: 61362135-61362161

Bazrasi.research@136.ir

www.bazresi.ir

Address: 6th Floor, GIO Headquarter, Gharani Crossroad, Taleghani St., Tehran, Iran.

The Journal of General
Inspection Organization

Volume 8, Number 28, summer, 2016

Evaluation Knowledge Quarterly

28



Articles

Identifying the ways of manipulation of stock price in the world's leading exchanges

The effects of natural resource abundance on economic growth by taking role of corruption index

Pathology of Tender and Auction Process and Identifying its Corruption

Evaluating the effectiveness of anti-corruption policy of the Islamic Republic of Iran based on international standards

Concepts and examples of corporate crimes and the necessity of ISO 26000 and social accounting guidelines by the GIO

Intelligence and protection, An Inquiry into the nature of a strategic supervision

The relationship between corruption and economic growth in Iran